وَقَٰرُونَ وَفِرۡعَوۡنَ وَهَٰمَٰنَۖ وَلَقَدۡ جَآءَهُم مُّوسَىٰ
بِٱلۡبَيِّنَٰتِ فَٱسۡتَكۡبَرُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَمَا كَانُواْ سَٰبِقِينَ
﴿٣٩﴾ فَكُلًّا أَخَذۡنَا بِذَنۢبِهِۦۖ فَمِنۡهُم مَّنۡ أَرۡسَلۡنَا عَلَيۡهِ حَاصِبٗا
وَمِنۡهُم مَّنۡ أَخَذَتۡهُ ٱلصَّيۡحَةُ وَمِنۡهُم مَّنۡ خَسَفۡنَا بِهِ
ٱلۡأَرۡضَ وَمِنۡهُم مَّنۡ أَغۡرَقۡنَاۚ وَمَا كَانَ ٱللَّهُ لِيَظۡلِمَهُمۡ
وَلَٰكِن كَانُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ يَظۡلِمُونَ ﴿٤٠﴾ مَثَلُ ٱلَّذِينَ
ٱتَّخَذُواْ مِن دُونِ ٱللَّهِ أَوۡلِيَآءَ كَمَثَلِ ٱلۡعَنكَبُوتِ
ٱتَّخَذَتۡ بَيۡتٗاۖ وَإِنَّ أَوۡهَنَ ٱلۡبُيُوتِ لَبَيۡتُ ٱلۡعَنكَبُوتِۚ
لَوۡ كَانُواْ يَعۡلَمُونَ ﴿٤١﴾ إِنَّ ٱللَّهَ يَعۡلَمُ مَا يَدۡعُونَ مِن
دُونِهِۦ مِن شَيۡءٖۚ وَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ﴿٤٢﴾ وَتِلۡكَ
ٱلۡأَمۡثَٰلُ نَضۡرِبُهَا لِلنَّاسِۖ وَمَا يَعۡقِلُهَآ إِلَّا ٱلۡعَٰلِمُونَ
﴿٤٣﴾ خَلَقَ ٱللَّهُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ بِٱلۡحَقِّۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ
لَأٓيَةٗ لِّلۡمُؤۡمِنِينَ ﴿٤٤﴾ ٱتۡلُ مَآ أُوحِيَ إِلَيۡكَ مِنَ ٱلۡكِتَٰبِ
وَأَقِمِ ٱلصَّلَوٰةَۖ إِنَّ ٱلصَّلَوٰةَ تَنۡهَىٰ عَنِ ٱلۡفَحۡشَآءِ
وَٱلۡمُنكَرِۗ وَلَذِكۡرُ ٱللَّهِ أَكۡبَرُۗ وَٱللَّهُ يَعۡلَمُ مَا تَصۡنَعُونَ ﴿٤٥﴾

٤٠١

«و» نابود کردیم «قارون و فرعون و هامان را و به راستی موسی با نشانه‌های روشن [از پیش] نزد آنان آمد پس در زمین استکبار ورزیدند و سبقت گیرنده نبودند» از عذاب ما گریزنده نبودند[۳۹] «پس هر یک از آنان را» که ذکر آمد «به گناهش گرفتار کردیم پس بعضی از آنان بودند که بر آنان شِنبادی فرستادیم» باد سختی که در آن آتش و سنگ بود مانند قوم لوط «و بعضی از آنان بودند که بانگ مرگبار آنها را فرو گرفت» مانند قوم ثمود «و بعضی از آنان بودند که آنها را به زمین فرو بردیم» مانند قارون و یارانش «و بعضی از آنان را غرق کردیم» مانند قوم نوح و فرعون و قومش «و این خدا نبود که بر آنان ستم کند» پس آنان را بدون گناه عذاب دهد «بلکه خود آنان بودند که بر خود ستم می‌کردند» به سبب ارتکاب به گناه[۴۰] «مثل کسانی که به جای خدا سرورانی گرفتند» بتانی که به نفع آنها امید داشتند «چون وصف عنکبوت است که» با آب دهان خود «خانه‌ای برای خود ساخت» به آن بازگردد «و بی‌گمان سست‌ترین خانه‌ها خانهٔ عنکبوت است» نه سرما و نه گرما را از آن دفع نمی‌کنند همچنین است بتان به پرستندگانشان نفع نمی‌رسانند «اگر می‌دانستند» آن را، عبادتشان نمی‌کردند[۴۱] «همانا خداوند می‌داند [وضع و حال] هر آنچه را که به جای او [به نیایش] می‌خوانند و او پیروزمندانه فرزانه است» در ملک و صنعش[۴۲] «و این مثلهاست [در قرآن] که آنها را برای مردم می‌زنیم و جز دانایان اندیشمند آن را درنمی‌یابند»[۴۳] «خداوند آسمانها و زمین را به حقّ آفرید بی‌گمان در این نشانه‌ای است» دلالت دارد بر قدرت خداوند بزرگ «برای مؤمنان» چون ایمان دارند بدان منتفع می‌شوند برخلاف منکران[۴۴] «بخوان» ای محمّد(ﷺ) «آنچه از کتاب [قرآن] را که به تو وحی شده است و نماز را برپای دار که نماز از [کارهای] ناشایست و ناپسند [شرعی] باز می‌دارد» یعنی آن در شأن نماز است مادام با اخلاص در آن باشد «و حقاً که یاد خداوند بزرگ‌تر است» از سایر عبادات «و خداوند آنچه را می‌کنید می‌داند» شما را بدان پاداش می‌دهد[۴۵][۱]

۱ـ قال الله تعالی: «و لا تُجادِلوا اهل الکتاب إلاّ بالّتی هی احسن» از ابی هریره(رضی الله عنه) منقول است گفت: اهل کتاب تورات را به زبان عبری می‌خواندند و به عربی برای اهل اسلام تفسیر می‌کردند پس پیغمبر خدا(ﷺ) فرمود: اهل کتاب را تصدیق نکنید و تکذیبشان را نکنید، و بگوئید، آمنّا بالله و ما أُنزل الینا الآیة بخاری در کتاب اعتصام روایتش کرده‌اند.

۞ وَلَا تُجَٰدِلُوٓاْ أَهۡلَ ٱلۡكِتَٰبِ إِلَّا بِٱلَّتِي هِيَ أَحۡسَنُ إِلَّا
ٱلَّذِينَ ظَلَمُواْ مِنۡهُمۡۖ وَقُولُوٓاْ ءَامَنَّا بِٱلَّذِيٓ أُنزِلَ إِلَيۡنَا وَأُنزِلَ
إِلَيۡكُمۡ وَإِلَٰهُنَا وَإِلَٰهُكُمۡ وَٰحِدٞ وَنَحۡنُ لَهُۥ مُسۡلِمُونَ ﴿٤٦﴾
وَكَذَٰلِكَ أَنزَلۡنَآ إِلَيۡكَ ٱلۡكِتَٰبَۚ فَٱلَّذِينَ ءَاتَيۡنَٰهُمُ ٱلۡكِتَٰبَ
يُؤۡمِنُونَ بِهِۦۖ وَمِنۡ هَٰٓؤُلَآءِ مَن يُؤۡمِنُ بِهِۦۚ وَمَا يَجۡحَدُ بِـَٔايَٰتِنَآ
إِلَّا ٱلۡكَٰفِرُونَ ﴿٤٧﴾ وَمَا كُنتَ تَتۡلُواْ مِن قَبۡلِهِۦ مِن كِتَٰبٖ
وَلَا تَخُطُّهُۥ بِيَمِينِكَۖ إِذٗا لَّٱرۡتَابَ ٱلۡمُبۡطِلُونَ ﴿٤٨﴾ بَلۡ هُوَ
ءَايَٰتُۢ بَيِّنَٰتٞ فِي صُدُورِ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡعِلۡمَۚ وَمَا يَجۡحَدُ
بِـَٔايَٰتِنَآ إِلَّا ٱلظَّٰلِمُونَ ﴿٤٩﴾ وَقَالُواْ لَوۡلَآ أُنزِلَ عَلَيۡهِ
ءَايَٰتٞ مِّن رَّبِّهِۦۖ قُلۡ إِنَّمَا ٱلۡأٓيَٰتُ عِندَ ٱللَّهِ وَإِنَّمَآ أَنَا۠ نَذِيرٞ
مُّبِينٌ ﴿٥٠﴾ أَوَلَمۡ يَكۡفِهِمۡ أَنَّآ أَنزَلۡنَا عَلَيۡكَ ٱلۡكِتَٰبَ
يُتۡلَىٰ عَلَيۡهِمۡۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَرَحۡمَةٗ وَذِكۡرَىٰ لِقَوۡمٖ
يُؤۡمِنُونَ ﴿٥١﴾ قُلۡ كَفَىٰ بِٱللَّهِ بَيۡنِي وَبَيۡنَكُمۡ شَهِيدٗاۖ
يَعۡلَمُ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۗ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ
بِٱلۡبَٰطِلِ وَكَفَرُواْ بِٱللَّهِ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡخَٰسِرُونَ ﴿٥٢﴾

٤٠٢

مانند دعوت کردن بسوی خداوند با دلیل و آگاه کردن بر برهانهایش ﴿مگر با کسانی از ایشان که ستم کردند﴾ بدینگونه که با ما جنگ کنند و حاضر نشوند به جزیه دادن اقرار نمایند پس با شمشیر با آنها مجادله کنید تا اسلام آورند یا جزیه دهند ﴿و بگوئید﴾ به کسی که جزیه را قبول کرده است هرگاه شما را بر مطلبیٰ که در کتابشان است خبر دادند ﴿به آنچه بر ما فرو فرستاده شده است از قرآن و آنچه بر ـ شما فرو فرستاده شده از تورات و انجیل، ایمان آورده‌ایم﴾ و آنان را در آن نه تصدیق کنید و نه تکذیب ﴿و معبود ما و معبود شما یکی است و ما فرمانبردار اوئیم﴾[۴۶] ﴿و بدینسان به تو کتاب آسمانی﴾ قرآن را ﴿نازل کردیم﴾ چنانکه تورات و غیر آن را به سوی آنان نازل کرده‌ایم ﴿پس کسانی که به آنان کتاب [آسمانی تورات] بخشیدیم﴾ مانند عبدالله‌بن سلام و غیره ﴿به آن [به قرآن] ایمان می‌آورند و از همینان [نیز] کسانی هستند﴾ اهل مکّه ﴿که به آن ایمان می‌آورند و آیات ما را جز کافران انکار نمی‌کنند﴾ پس از ظاهربودنش برای یهود که قرآن حق است و آن که آن را آورده حقّ است ولی انکار کردند[۴۷] ﴿و پیش از [نزول] آن [قرآن] نمی‌توانستی هیچ کتابی را بخوانی و آن [کتاب] را بدست خویش بنویسی چه آنگاه﴾ یعنی اگر خواندن و نوشتن را می‌دانستی ﴿بد اندیشان در شکّ می‌افتادند﴾ یهود در تو شک می‌کردند می‌گفتند: آنچه در تورات درباره پیامبر است آن است که اُمّی است نه خواندن می‌تواند و نه می‌نویسد[۴۸] ﴿بلکه آن﴾ قرآنی که آورده‌ای ﴿در دل دانش‌یافتگان آیاتی روشن است﴾ مؤمنان حفظش می‌کنند ﴿و جز ستمکاران آیات ما را انکار نمی‌کنند﴾ یعنی یهودان پس از آشکار بودنش برای آنها انکارش کردند[۴۹] ﴿و گفتند﴾ کفار مکّه ﴿چرا نشانه‌هایی﴾ مانند ناقه صالح و عصای موسی و مائده عیسی ﴿از پروردگارش بر او فرستاده نشد؟ [ای محمد(ﷺ)] بگو: نشانه‌ها تنها به نزد خداوند است﴾ هر طور بخواهد فرو می‌فرستد ﴿و من فقط هشدار دهنده‌ای آشکارم﴾ اهل گناه را آشکارا از آتش بیم می‌دهم[۵۰] ﴿آیا آنان را کفایت نکرده است﴾ در آنچه می‌خواهند ﴿آنکه ما بر تو کتاب [آسمانی] نازل کرده‌ایم [قرآن را] که بر آنان خوانده می‌شود﴾ پس آن معجزه‌ای همیشگی است پایان ندارد برخلاف معجزاتی که ذکر کرده‌اند ﴿بی‌گمان در این [کتاب] برای گروهی که باور می‌دارند رحمت و پندی است﴾[۵۱] ﴿بگو: خداوند [بعنوان] گواه بین من و شما بس است آنچه را که در آسمانها و زمین است می‌داند﴾ از جمله حال من و حال شما ﴿و کسانی که به باطل گرویدند﴾ و آن چیزی است جز خدا، عبادت میشود ﴿و به خداوند کفر ورزیدند [از میان شما] اینانند که زیانکارند﴾ در معاملهٔ خود از آنجا که کفر را به بهای ایمان خریده‌اند[۵۲]

وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِٱلْعَذَابِ وَلَوْلَآ أَجَلٌ مُّسَمًّى لَّجَآءَهُمُ ٱلْعَذَابُ
وَلَيَأْتِيَنَّهُم بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ٥٣ يَسْتَعْجِلُونَكَ بِٱلْعَذَابِ
وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌۢ بِٱلْكَٰفِرِينَ ٥٤ يَوْمَ يَغْشَىٰهُمُ ٱلْعَذَابُ
مِن فَوْقِهِمْ وَمِن تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ وَيَقُولُ ذُوقُوا۟ مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ
٥٥ يَٰعِبَادِىَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓا۟ إِنَّ أَرْضِى وَٰسِعَةٌ فَإِيَّٰىَ فَٱعْبُدُونِ
٥٦ كُلُّ نَفْسٍ ذَآئِقَةُ ٱلْمَوْتِ ثُمَّ إِلَيْنَا تُرْجَعُونَ ٥٧ وَٱلَّذِينَ
ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ لَنُبَوِّئَنَّهُم مِّنَ ٱلْجَنَّةِ غُرَفًا تَجْرِى
مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَا نِعْمَ أَجْرُ ٱلْعَٰمِلِينَ ٥٨ ٱلَّذِينَ
صَبَرُوا۟ وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ٥٩ وَكَأَيِّن مِّن دَآبَّةٍ لَّا تَحْمِلُ
رِزْقَهَا ٱللَّهُ يَرْزُقُهَا وَإِيَّاكُمْ وَهُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلْعَلِيمُ ٦٠ وَلَئِن
سَأَلْتَهُم مَّنْ خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ وَسَخَّرَ ٱلشَّمْسَ وَٱلْقَمَرَ
لَيَقُولُنَّ ٱللَّهُ فَأَنَّىٰ يُؤْفَكُونَ ٦١ ٱللَّهُ يَبْسُطُ ٱلرِّزْقَ لِمَن يَشَآءُ مِنْ
عِبَادِهِۦ وَيَقْدِرُ لَهُۥٓ إِنَّ ٱللَّهَ بِكُلِّ شَىْءٍ عَلِيمٌ ٦٢ وَلَئِن سَأَلْتَهُم
مَّن نَّزَّلَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءً فَأَحْيَا بِهِ ٱلْأَرْضَ مِنۢ بَعْدِ مَوْتِهَا
لَيَقُولُنَّ ٱللَّهُ قُلِ ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ ٦٣

٤٠٣

﴿و عذاب را از تو به شتاب می‌طلبند و اگر میعادی معیّن نبود [برای آن] عذاب [در دنیا] به آنان می‌رسید و ناگهان در حالی که ندانند به سوی آنان خواهد آمد﴾ در وقت آمدنش[۵۳] ﴿عذاب را از تو به شتاب می‌طلبند [در دنیا] و بی‌گمان جهنّم فراگیر کافران است﴾[۵۴] ﴿روزی که عذاب از فرازشان و از زیر پاهایشان آنان را فرو می‌پوشاند و [خداوند] می‌فرماید [مزۀ] آنچه را که می‌کردید بچشید﴾ یعنی جزایش، از دست ما گریزی ندارید[۵۵] ﴿ای بندگان مؤمن بی‌گمان زمین من فراخ است پس تنها مرا بندگی کنید﴾ در هر سرزمینی که عبادت در آن میسّر است به سوی آن هجرت کنید از سرزمینی که عبادت در آن میسّر نیست و این در ضعفای مسلمان مکّه نازل شد از اظهار اسلام در آنجا در سختی و ضیقت بودند[۵۶] ﴿هر جانداری چشنده مرگ است آنگاه به سوی ما بازگردانده می‌شوند﴾ پس از بعث[۵۷] ﴿و کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند قطعاً آنان را از بهشت به غرفه‌هایی فرود آوریم که از فرود دستش جویباران روان است حال آن که در آنجا جاودان خواهند بود چه نیک است پاداش عمل‌کنندگان﴾ بخصوص این پاداش[۵۸] ﴿همان کسانی که بردباری ورزیدند﴾ در برابر آزار مشرکان و هجرت کردن برای اظهار دین ﴿و بر پروردگارشان توکل می‌کنند﴾ پس آنان را روزی می‌دهد از آنجا که گمان نداشتند[۵۹] ﴿و چه بسا جاندارانی که نمی‌توانند متحمل روزی خود شوند [چون ضعیفند] خداست که روزی‌بخش شما﴾ ای مهاجرین هر چند زاد و نفقه با شما نباشد و او شنواست ﴿[اقوال‌تان را] داناست به آنچه در دل دارید﴾[۶۰] ﴿و اگر از آنان [کفّار] بپرسی چه کسی آسمانها و زمین را آفریده و خورشید و ماه را رام کرده است؟ حتماً میگویند: خداوند پس چگونه بیراهه برده می‌شوند﴾ از توحید او بازگردانده می‌شوند پس از اقرارشان به آن[۶۱] ﴿خداوند بر هر کس از بندگانش که بخواهد روزی را گشاده می‌گرداند﴾ برای امتحان ﴿و برای هر کس که بخواهد تنگ می‌گرداند﴾ پس از گشادی روزی تا او را بیازماید ﴿بی‌گمان خدا به هر چیزی داناست﴾ از جمله جای فراوانی یا کم بودن روزی[۶۲] ﴿و اگر از آنان بپرسی چه کسی از آسمان آبی را فرو فرستاده بدان زمین را پس از پژمردنش زنده گردانید؟ حتماً می‌گویند: الله﴾ پس چگونه برای او شریک قرار می‌دهند ﴿بگو:﴾ به آنها ﴿ستایش می‌گویم خداوند را﴾ بر اینکه حجّتم بر شما غالب و ثابت است ﴿بلکه بیشتر آنان تعقل نمی‌کنند﴾ تضادّ و تناقضشان را در آن نمی‌فهمند[۶۳]

قواعد آیه ۵۸ـ لَنُبَوِّئَنَّهم: و در قرائتی لَنُثْوِیَنَّهُمْ بمعنی اقامت و متعدی‌بودنش به غُرَفاً به حذف مِنْ میباشد.

وَمَا هَٰذِهِ ٱلْحَيَوٰةُ ٱلدُّنْيَآ إِلَّا لَهْوٌ وَلَعِبٌ وَإِنَّ ٱلدَّارَ ٱلْءَاخِرَةَ
لَهِىَ ٱلْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا۟ يَعْلَمُونَ ٦٤ فَإِذَا رَكِبُوا۟ فِى
ٱلْفُلْكِ دَعَوُا۟ ٱللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ ٱلدِّينَ فَلَمَّا نَجَّىٰهُمْ إِلَى ٱلْبَرِّ إِذَا
هُمْ يُشْرِكُونَ ٦٥ لِيَكْفُرُوا۟ بِمَآ ءَاتَيْنَٰهُمْ وَلِيَتَمَتَّعُوا۟ فَسَوْفَ
يَعْلَمُونَ ٦٦ أَوَلَمْ يَرَوْا۟ أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا ءَامِنًا وَيُتَخَطَّفُ
ٱلنَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ أَفَبِٱلْبَٰطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَةِ ٱللَّهِ يَكْفُرُونَ
٦٧ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ ٱفْتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِٱلْحَقِّ
لَمَّا جَآءَهُۥٓ أَلَيْسَ فِى جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَٰفِرِينَ ٦٨ وَٱلَّذِينَ
جَٰهَدُوا۟ فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ ٱللَّهَ لَمَعَ ٱلْمُحْسِنِينَ ٦٩

سُورَةُ ٱلرُّومِ

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

الٓمٓ ١ غُلِبَتِ ٱلرُّومُ ٢ فِىٓ أَدْنَى ٱلْأَرْضِ وَهُم مِّنۢ بَعْدِ
غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ ٣ فِى بِضْعِ سِنِينَ لِلَّهِ ٱلْأَمْرُ
مِن قَبْلُ وَمِنۢ بَعْدُ وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ ٱلْمُؤْمِنُونَ ٤
بِنَصْرِ ٱللَّهِ يَنصُرُ مَن يَشَآءُ وَهُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلرَّحِيمُ ٥

٤٠٤

﴿و این زندگی دنیا جز سرگرمی و بازیچه نیست﴾ و امّا نیکی و طاعت از امور آخرت است زیرا ثمره‌اش در آن ظاهر می‌شود ﴿و البتّه زندگی حقیقی همانا سرای آخرت است اگر می‌دانستند﴾ آن را، دنیا را بر آخرت ترجیح نمی‌دادند[۶۴] ﴿پس چون بر کشتی سوار می‌شوند خداوند را ـ در حالی که دعا را برای او خالص می‌دارند ـ می‌خوانند﴾ یعنی غیر او را با او نمی‌خوانند زیرا در سختی گرفتارند جز خداوند کسی نمی‌تواند آن را دفع کند ﴿اما چون آنان را به سوی خشکی رهاند، بناگاه شرک می‌ورزند﴾ به او[۶۵] ﴿تا در آنچه به آنان بخشیده‌ایم﴾ از نعمت ﴿کفران پیشه کنند و تا برخوردار شوند﴾ به گردآمدنشان بر عبادت بتان ﴿پس به زودی میدانند﴾ سرانجام آن را[۶۶] ﴿آیا ندیده‌اند﴾ نمیدانند ﴿که ما﴾ شهرشان مکّه ﴿حرمی امن قرار داده‌ایم و حال آنکه مردم از پیرامونشان ربوده می‌شوند﴾ از نظر کشتن و برده‌نمودنشان، ایشان از آن ایمن‌اند ﴿آیا به باطل [به بت] ایمان می‌آورند و به نعمت خداوند کفر می‌ورزند﴾ به شریک قرار دادنشان[۶۷] ﴿و کیست ستمگرتر از آن کس که به خدا دروغ بندد﴾ به شریک قرار دادن به او ﴿یا چون حقّ﴾ پیغمبر یا کتاب ﴿نزد او آید، آن را تکذیب کند؟ آیا جایگاه کافران در دوزخ نیست﴾ یعنی کافران در دوزخ‌اند و آنها از آنها می‌باشند.[۶۸] ﴿و کسانی که در راه ما جهاد کرده‌اند البته آنان را به راههای خود رهنمون می‌شویم﴾ راه حرکت به سوی ما را ﴿و بی‌گمان خداوند با نیکوکاران است﴾ با مؤمنین به پیروزی و کمک.[۶۹]

سورة الرُّوم

در مکّه نازل شده است و آیه‌های آن ۶۰ یا ۵۹ آیه است.

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیم

﴿الٓمٓ﴾ خداوند در آن به مراد خود داناتر است[۱] ﴿رومیان شکست خوردند﴾ و آنان اهل کتاب بر دین نصرانیّت بودند فارسیان بر آنان غالب آمدند و اهل کتاب نبودند بلکه بتان را می‌پرستیدند پس کفار مکه به این وضع شادمان شدند و به مسلمانان گفتند: ما بر شما پیروز می‌شویم چنانچه فارسیان بر روم پیروز شدند[۲] ﴿در نزدیک‌ترین سرزمین﴾ نزدیک‌ترین سرزمین روم به سرزمین فارس ـ در سرزمین الجزیره ـ هر دو سپاه به هم برخوردند و آغاز کنندهٔ جنگ فارسیان بودند ﴿ولی آنان﴾ رومیان ﴿بعد از شکستشان به زودی غالب خواهند شد﴾ بر فارسیان[۳] ﴿در عرض چند سال﴾ بضع: بین ۳ تا ۹ یا ۱۰ می‌باشد، پس هر دو سپاه در سال هفتم از برخورد، باز به هم برخوردند و رومیان بر فارسیان غالب آمدند ﴿فرجام کار در گذشته و آینده﴾ یعنی غالب شدن فارس بار اول و غالب شدن روم در بار دوم به ارادهٔ خداست ﴿و آن روز﴾ روز غالب شدن روم ﴿مؤمنان شاد می‌شوند﴾[۴] ﴿به نصرت الهی﴾ به آنان بر فارسیان و این پیروزی در روز غزوهٔ بدر اتفاق افتاد و مسلمانان بوسیلهٔ نازل شدن جبرئیل به آن، بدان آگاه شدند و به راستی شادی کردند یا شاد بودنشان به سبب پیروزی آنان بر مشرکین در روز بدر ﴿هر که را بخواهد یاری می‌دهد و اوست غالب و مهربان﴾ به مؤمنان[۵]

قواعد آیه ۳ـ غلبهم: اضافه مصدر است به مفعول یعنی پس از غالب‌شدن فارس بر آنان.

وعدَ الله بدل است از لفظ فعلش یعنی وَعَدَ آیه ۷ ـ تکرار هم برای تاکید است.

وَعۡدَ ٱللَّهِۖ لَا يُخۡلِفُ ٱللَّهُ وَعۡدَهُۥ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَعۡلَمُونَ
٦ يَعۡلَمُونَ ظَٰهِرٗا مِّنَ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا وَهُمۡ عَنِ ٱلۡأٓخِرَةِ هُمۡ غَٰفِلُونَ
٧ أَوَلَمۡ يَتَفَكَّرُواْ فِيٓ أَنفُسِهِمۗ مَّا خَلَقَ ٱللَّهُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ
وَمَا بَيۡنَهُمَآ إِلَّا بِٱلۡحَقِّ وَأَجَلٖ مُّسَمّٗىۗ وَإِنَّ كَثِيرٗا مِّنَ ٱلنَّاسِ
بِلِقَآيِٕ رَبِّهِمۡ لَكَٰفِرُونَ ٨ أَوَلَمۡ يَسِيرُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَيَنظُرُواْ
كَيۡفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡۚ كَانُوٓاْ أَشَدَّ مِنۡهُمۡ قُوَّةٗ
وَأَثَارُواْ ٱلۡأَرۡضَ وَعَمَرُوهَآ أَكۡثَرَ مِمَّا عَمَرُوهَا وَجَآءَتۡهُمۡ
رُسُلُهُم بِٱلۡبَيِّنَٰتِۖ فَمَا كَانَ ٱللَّهُ لِيَظۡلِمَهُمۡ وَلَٰكِن كَانُوٓاْ
أَنفُسَهُمۡ يَظۡلِمُونَ ٩ ثُمَّ كَانَ عَٰقِبَةَ ٱلَّذِينَ أَسَٰٓـُٔواْ ٱلسُّوٓأَىٰٓ
أَن كَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ وَكَانُواْ بِهَا يَسۡتَهۡزِءُونَ ١٠ ٱللَّهُ
يَبۡدَؤُاْ ٱلۡخَلۡقَ ثُمَّ يُعِيدُهُۥ ثُمَّ إِلَيۡهِ تُرۡجَعُونَ ١١ وَيَوۡمَ تَقُومُ
ٱلسَّاعَةُ يُبۡلِسُ ٱلۡمُجۡرِمُونَ ١٢ وَلَمۡ يَكُن لَّهُم مِّن شُرَكَآئِهِمۡ
شُفَعَٰٓؤُاْ وَكَانُواْ بِشُرَكَآئِهِمۡ كَٰفِرِينَ ١٣ وَيَوۡمَ
تَقُومُ ٱلسَّاعَةُ يَوۡمَئِذٖ يَتَفَرَّقُونَ ١٤ فَأَمَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ
وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ فَهُمۡ فِي رَوۡضَةٖ يُحۡبَرُونَ ١٥

«وعدهٔ خداست خداوند وعده خود را خلاف نمی‌کند ولی بیشتر مردم [کفار مکّه] نمی‌دانند» وعدهٔ خدای بزرگ را به نصرت ایشان[۶] «از زندگی دنیا فقط ظاهری را می‌دانند» زندگیهایش از تجارت و کشاورزی ساختمانسازی و نهال نهادن و جز آنها «و حال آن که از آخرت غافلند»[۷] «آیا در نفس خودشان اندیشه کرده‌اند؟» «خداوند آسمانها و زمین و آنچه را که میان آن دو است جز به حق و سرآمدی معیّن» هنگام پایان آن نابود می‌شوند و پس از آن روز بعث است «نیافریده است و براستی بسیاری از مردم» کفار مکّه «به لقای پروردگارشان کافرند» به زنده شدن پس از مرگ ایمان ندارند[۸] «آیا در زمین سیر و سفر نکرده‌اند تا بنگرند که عاقبت کسانی که پیش از آنان بودند» از امّتها «چگونه بوده است» و آن هلاکتشان به سبب تکذیب پیامبرانشان «و آنان بسی نیرومندتر از آنها بودند» مانند عاد و ثمود «و زمین را کند و کاو کردند» شخم بریدند و زیر و رو کردند برای کشت و نهادن نهال «و بیش از آنچه اینان [کفار مکه] آبادش کرده‌اند، آن را آباد ساختند و پیامبرانشان با بیّنات به سویشان آمدند» با برهانهای آشکار «پس نبود که خداوند بر آنان ستم کند» به هلاک ساختنشان بدون جرم «بلکه آنان خود در حق خویش ستم می‌کردند» به تکذیب نمودن پیامبرانشان[۹] «آنگاه عاقبت کسانی که بدی کردند، عذاب زشت‌تر شد» و مراد به آن دوزخ است و بدکرداری‌شان این است «که آیات خدا را [قرآن را] تکذیب کردند و به آنها استهزاء می‌کردند»[۱۰] «خداوند است که آفرینش را آغاز می‌کند» یعنی خلق مردم را «سپس بازش می‌گرداند» پس از مردنشان، «آنگاه به سوی او باز گردانده می‌شوید»[۱۱] «و روزی که قیامت برپا شود، مشرکان خاموش [و ناامید] شوند» چون حجّت‌شان قطع شده است[۱۲] «و آنان از شریکانشان» از بتانی که شریک خدا قرار دادند تا شفاعتشان کنند «هیچ شفاعت کننده‌ای نخواهند داشت، و به شریکانشان ناباور خواهند بود» از آنها تبّری دارند[۱۳] «و روزی که قیامت برپا شود، آن روز [مردم] پراکنده می‌شوند» مؤمنان و کافران[۱۴] «اما آنان که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند، آنان را در مرغزاری شاد کنند»[۱۵][۱]

۱- ابی هریره(رضی الله عنه) از پیغمبر خدا(ﷺ) روایت می‌کند فرمود: هیچ فرزندی متولد نمی‌شود جز بر فطرة [بر دین پاک] پس والدینش او را یهودی یا نصرانی یا مجوسی می‌کنند چنانکه حیوان بچّه‌ای کامل را می‌زاید آیا احساس می‌کنی در آن بینی و گوش بریده باشد. سپس می‌فرماید: «فِطْرة الله الّتی فَطَر الناس عَلَیْها لا تبدیل لِخَلْق الله ذٰلک الدّین الْقَیّم و لکنّ أکْثر الناس لا یعلمون» آیه ۳۰. بخاری روایتش کرده است.

وَأَمَّا ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَكَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِنَا وَلِقَآيِٕ ٱلۡأٓخِرَةِ فَأُوْلَٰٓئِكَ
فِي ٱلۡعَذَابِ مُحۡضَرُونَ ١٦ فَسُبۡحَٰنَ ٱللَّهِ حِينَ تُمۡسُونَ
وَحِينَ تُصۡبِحُونَ ١٧ وَلَهُ ٱلۡحَمۡدُ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ
وَعَشِيّٗا وَحِينَ تُظۡهِرُونَ ١٨ يُخۡرِجُ ٱلۡحَيَّ مِنَ ٱلۡمَيِّتِ وَيُخۡرِجُ
ٱلۡمَيِّتَ مِنَ ٱلۡحَيِّ وَيُحۡيِ ٱلۡأَرۡضَ بَعۡدَ مَوۡتِهَاۚ وَكَذَٰلِكَ تُخۡرَجُونَ
١٩ وَمِنۡ ءَايَٰتِهِۦٓ أَنۡ خَلَقَكُم مِّن تُرَابٖ ثُمَّ إِذَآ أَنتُم بَشَرٞ
تَنتَشِرُونَ ٢٠ وَمِنۡ ءَايَٰتِهِۦٓ أَنۡ خَلَقَ لَكُم مِّنۡ أَنفُسِكُمۡ
أَزۡوَٰجٗا لِّتَسۡكُنُوٓاْ إِلَيۡهَا وَجَعَلَ بَيۡنَكُم مَّوَدَّةٗ وَرَحۡمَةًۚ
إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّقَوۡمٖ يَتَفَكَّرُونَ ٢١ وَمِنۡ ءَايَٰتِهِۦ خَلۡقُ
ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَٱخۡتِلَٰفُ أَلۡسِنَتِكُمۡ وَأَلۡوَٰنِكُمۡۚ إِنَّ
فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّلۡعَٰلِمِينَ ٢٢ وَمِنۡ ءَايَٰتِهِۦ مَنَامُكُم بِٱلَّيۡلِ
وَٱلنَّهَارِ وَٱبۡتِغَآؤُكُم مِّن فَضۡلِهِۦٓۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ
لِّقَوۡمٖ يَسۡمَعُونَ ٢٣ وَمِنۡ ءَايَٰتِهِۦ يُرِيكُمُ ٱلۡبَرۡقَ
خَوۡفٗا وَطَمَعٗا وَيُنَزِّلُ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءٗ فَيُحۡيِۦ بِهِ ٱلۡأَرۡضَ
بَعۡدَ مَوۡتِهَآۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّقَوۡمٖ يَعۡقِلُونَ ٢٤

٤٠٦

﴿و اما آنان که کفر ورزیدند و آیات [قرآن] و لقای آخرت را﴾ زنده شدن و جز آن را ﴿دروغ انگاشتند، ایشان در عذاب احضار خواهند شد﴾[16] ﴿پس چون در شامگاه﴾ و در آن دو نماز عشاء و مغرب است ﴿و بامداد﴾ و در آن نماز صبح است ﴿درآیید، خداوند را چنانکه باید به پاکی یاد کنید﴾ یعنی نماز بخوانند[17] ﴿و ستایش در آسمانها و زمین اوراست﴾ یعنی اهل آنها او را ستایش می‌کنند ﴿و [نیز] در پایان روز﴾ و نماز عصر در آن است ﴿و به هنگام نیمروزتان﴾ وقتی داخل ظهر می‌شوید و نماز ظهر در آن است[18] ﴿زنده را از مرده برمی‌آورد﴾ مانند انسان از نطفه و پرنده از تخمش ﴿و مرده را از زنده برمی‌آورد﴾ مانند نطفه و تخم مرغ ﴿و زمین را پس از خشکی و پژمردنش [با گیاهان] زنده [و خرّم] می‌سازد و بدینسان [از گورها] بیرون آورده می‌شوید﴾[19] ﴿و از نشانه‌هایش﴾ جلّ جلاله که بر قدرتش دلالت می‌کند ﴿این که شما را از خاک آفرید﴾ یعنی اصل شما را آدم(علیه السلام) ﴿آنگاه شما مردمانی [مرکب از خون و گوشت در زمین] پراکنده شدید﴾[20] ﴿و از نشانه‌هایش آن است که برایتان از [جنس] خودتان همسرانی آفرید﴾ به آفریدن حوا از ضلع آدم و سایر زنان از نطفه‌های مردان و زنان ﴿تا به آنها آرام گیرند و در بین [تمام] شما دوستی و مهربانی مقرّر داشت بی‌گمان در این [کار] برای گروهی که می‌اندیشند [در صنع خدای بزرگ] مایه‌های عبرتی است﴾[21] ﴿و از نشانه‌هایش آفرینش آسمانها و زمین و گونه‌گونی زبانهایتان﴾ از عربی و عجمی و جز آن ﴿و رنگهایتان است﴾ از سفیدی و سیاهی و جز آن در حالی که شما فرزندان یک مرد و یک زن می‌باشید ﴿بی‌گمان در این [کار] برای دانشوران دلیلهائی است﴾ بر قدرت او تعالی[22] ﴿و از نشانه‌هایش خوابیدنتان در شب و روز﴾ برای راحتی شما به ارادت او ﴿و روزی جستنتان [در روز] از فضل اوست﴾ یعنی تلاشتان در طلب زندگی به ارادهٔ اوست ﴿بی‌گمان در این [کار] برای گروهی که گوش شنوا دارند﴾ شنوائی همراه با تدبّر و پند گرفتن ﴿مایه‌های عبرتی است﴾[23] ﴿و از نشانه‌های اوست که برای بیم [مسافر از تندرها] و امید [مقیم در باران] برق را به شما می‌نمایاند و از آسمان آبی نازل می‌کند، آنگاه از آن زمین را پس از پژمردنش زنده [و خرّم] می‌گرداند﴾ یعنی به سبب آن به روئیدن گیاهان ﴿بی‌گمان در این [کار] برای گروهی که خرد می‌ورزند نشانه‌هائی‌ست﴾[24]

قواعد آیه ۱۸ـ و له الحمد تا و الارض جمله معترضه است در بین هر دو آیه.

آیه ۲۲ـ عالمین: به فتح لام و کسر ان یعنی خردمندان یا دانشمندان.

وَمِنْ ءَايَٰتِهِۦٓ أَن تَقُومَ ٱلسَّمَآءُ وَٱلْأَرْضُ بِأَمْرِهِۦ ۚ ثُمَّ إِذَا دَعَاكُمْ
دَعْوَةً مِّنَ ٱلْأَرْضِ إِذَآ أَنتُمْ تَخْرُجُونَ ﴿٢٥﴾ وَلَهُۥ مَن فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ
وَٱلْأَرْضِ ۖ كُلٌّ لَّهُۥ قَٰنِتُونَ ﴿٢٦﴾ وَهُوَ ٱلَّذِى يَبْدَؤُا۟ ٱلْخَلْقَ
ثُمَّ يُعِيدُهُۥ وَهُوَ أَهْوَنُ عَلَيْهِ ۚ وَلَهُ ٱلْمَثَلُ ٱلْأَعْلَىٰ فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ
وَٱلْأَرْضِ ۚ وَهُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلْحَكِيمُ ﴿٢٧﴾ ضَرَبَ لَكُم مَّثَلًا مِّنْ
أَنفُسِكُمْ ۖ هَل لَّكُم مِّن مَّا مَلَكَتْ أَيْمَٰنُكُم مِّن شُرَكَآءَ فِى
مَا رَزَقْنَٰكُمْ فَأَنتُمْ فِيهِ سَوَآءٌ تَخَافُونَهُمْ كَخِيفَتِكُمْ
أَنفُسَكُمْ ۚ كَذَٰلِكَ نُفَصِّلُ ٱلْءَايَٰتِ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿٢٨﴾
بَلِ ٱتَّبَعَ ٱلَّذِينَ ظَلَمُوٓا۟ أَهْوَآءَهُم بِغَيْرِ عِلْمٍ ۖ فَمَن يَهْدِى مَنْ
أَضَلَّ ٱللَّهُ ۖ وَمَا لَهُم مِّن نَّٰصِرِينَ ﴿٢٩﴾ فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ
حَنِيفًا ۚ فِطْرَتَ ٱللَّهِ ٱلَّتِى فَطَرَ ٱلنَّاسَ عَلَيْهَا ۚ لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ
ٱللَّهِ ۚ ذَٰلِكَ ٱلدِّينُ ٱلْقَيِّمُ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ ٱلنَّاسِ
لَا يَعْلَمُونَ ﴿٣٠﴾ ۞ مُنِيبِينَ إِلَيْهِ وَٱتَّقُوهُ وَأَقِيمُوا۟ ٱلصَّلَوٰةَ
وَلَا تَكُونُوا۟ مِنَ ٱلْمُشْرِكِينَ ﴿٣١﴾ مِنَ ٱلَّذِينَ فَرَّقُوا۟
دِينَهُمْ وَكَانُوا۟ شِيَعًا ۖ كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ ﴿٣٢﴾

٤٠٧

﴿از نشانه‌های اوست که آسمان و زمین به امر او [به ارادهٔ او بدون ستون مرئی] بر [جای] می‌ایستند سپس چون به صدائی شما را از زمین فرا خواند﴾ بدان گونه که اسرافیل برای زنده شدن از قبرها در صور دمد ﴿ناگهان شما برانگیخته می‌شوید﴾ خارج شدنتان از گورها به یکصدا از آیات او تعالی است[۲۵] ﴿و هر آنکس که در آسمانها و زمین است، از آن اوست [از نظر مالکیت و آفرینش و عبدیّت] یکایک [آنان] فرمانپذیر او هستند﴾[۲۶] ﴿و اوست کسی که آفرینش را آغاز می‌کند﴾ برای مردم ﴿سپس آن را باز می‌گرداند﴾ پس از هلاکتشان ﴿و آن [بازگرداندن] بر او آسان‌تر است﴾ از آغاز آن به نظر و مقیاسی که نزد مخاطبین است از این که بازگرداندن چیزی از ساختن آغازین آسان‌تر است، وگرنه هر دو نزد خداوند تعالی در آسان بودن برابرند ﴿و وصف والاتر در آسمانها و زمین از آنِ اوست﴾ یعنی صفت بلند و آن اینکه: لَا إِلَٰهَ إِلَّا اللَّه ﴿و اوست پیروزمند﴾ در ملکش ﴿فرزانه﴾ در خلقش[۲۷] ﴿برایتان [ای مشرکان] از حال خودتان مثلی می‌زند. آیا از ملک یمین‌هایتان [غلامان و کنیزانتان] در آنچه به شما روزی داده‌ایم شریکانی دارید تا شما [و آنان] در آن برابر [و یکسان] باشید در حالی که همچون ترس از خودتان [افراد آزاد] از آنان بترسید﴾ پس چگونه بعضی مما لیک خداوند را شریک او قرار می‌دهید ﴿بدینسان نشانه‌ها را برای گروهی که خرد می‌ورزند، به روشنی بیان می‌کنیم﴾[۲۸] ﴿بلکه ستمکاران [به شریک قرار دادن] بی‌هیچ دانشی از خواسته‌های [نفسانی] خود پیروی کردند، پس کیست کسی را که خداوند بیراه گذاشته است﴾ یعنی هدایت‌دهنده‌ای ندارد ﴿هدایت کند؟ و آنان یاورانی ندارند﴾ مانع از عذاب خدا باشند[۲۹] ﴿پس روی دلت را [ای محمّد] با حق‌گرائی تمام به سوی این دین بگردان﴾ یعنی دینت را برای خدا خالص کن خود و پیروانت ﴿از فطرت [خلقت] الهی که مردم را براساس آن پدید آورده است﴾ و آن دینش می‌باشد ملازمش باشید پیروی کنید ﴿آفرینش خداوند دگرگونی نمی‌پذیرد﴾ یعنی دینش را تبدیل نکنید بدان‌گونه که ترکش نمائید ﴿دین استوار این است﴾ یگانگی خدا را پایدار است ﴿ولی بیشتر مردم [کفار مکّه] نمی‌دانند﴾ یگانگی خداوند را[۳۰] ﴿انابت‌کنان به سوی او برگردید﴾ در آنچه بدان امر شده و از آنچه از آن نهی شده است یعنی پایداری کنید ﴿و از او پروا بدارید [بترسید] و نماز بگزارید و از مشرکان نباشید﴾[۳۱] ﴿از [همان] کسانی که دینشان را بخش بخش کردند﴾ به سبب اختلاف‌شان در آنچه می‌پرستیدند و در آن ﴿گروه گروه شدند. هر گروهی [از آنان] به آنچه نزد خود دارند خرسندند﴾ و در قرائتی فارقوا آمد[illegible]ن راکه به آن امر شده‌اند، ترک کرده‌اند[۳۲]

قواعد آیه ۲۸ـ استفهام «هَلْ» برای نفی است. یعنی کنیزان و غلامانتان شریک نیستند.

آیه ۳۱ـ منیبین: حال «أَقِمْ» است در آیهٔ پیش.

وَإِذَا مَسَّ ٱلنَّاسَ ضُرٌّ دَعَوْا۟ رَبَّهُم مُّنِيبِينَ إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَآ أَذَاقَهُم
مِّنْهُ رَحْمَةً إِذَا فَرِيقٌ مِّنْهُم بِرَبِّهِمْ يُشْرِكُونَ ﴿٣٣﴾ لِيَكْفُرُوا۟ بِمَآ
ءَاتَيْنَٰهُمْ ۚ فَتَمَتَّعُوا۟ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ﴿٣٤﴾ أَمْ أَنزَلْنَا عَلَيْهِمْ
سُلْطَٰنًا فَهُوَ يَتَكَلَّمُ بِمَا كَانُوا۟ بِهِۦ يُشْرِكُونَ ﴿٣٥﴾ وَإِذَآ أَذَقْنَا
ٱلنَّاسَ رَحْمَةً فَرِحُوا۟ بِهَا ۖ وَإِن تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌۢ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ
إِذَا هُمْ يَقْنَطُونَ ﴿٣٦﴾ أَوَلَمْ يَرَوْا۟ أَنَّ ٱللَّهَ يَبْسُطُ ٱلرِّزْقَ لِمَن يَشَآءُ
وَيَقْدِرُ ۚ إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَءَايَٰتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٣٧﴾ فَـَٔاتِ ذَا ٱلْقُرْبَىٰ
حَقَّهُۥ وَٱلْمِسْكِينَ وَٱبْنَ ٱلسَّبِيلِ ۚ ذَٰلِكَ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يُرِيدُونَ
وَجْهَ ٱللَّهِ ۖ وَأُو۟لَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْمُفْلِحُونَ ﴿٣٨﴾ وَمَآ ءَاتَيْتُم مِّن رِّبًا
لِّيَرْبُوَا۟ فِىٓ أَمْوَٰلِ ٱلنَّاسِ فَلَا يَرْبُوا۟ عِندَ ٱللَّهِ ۖ وَمَآ ءَاتَيْتُم مِّن زَكَوٰةٍ
تُرِيدُونَ وَجْهَ ٱللَّهِ فَأُو۟لَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْمُضْعِفُونَ ﴿٣٩﴾ ٱللَّهُ ٱلَّذِى
خَلَقَكُمْ ثُمَّ رَزَقَكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ۖ هَلْ مِن
شُرَكَآئِكُم مَّن يَفْعَلُ مِن ذَٰلِكُم مِّن شَىْءٍ ۚ سُبْحَٰنَهُۥ وَتَعَٰلَىٰ
عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٤٠﴾ ظَهَرَ ٱلْفَسَادُ فِى ٱلْبَرِّ وَٱلْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ
أَيْدِى ٱلنَّاسِ لِيُذِيقَهُم بَعْضَ ٱلَّذِى عَمِلُوا۟ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿٤١﴾

٤٠٨

﴿و چون به مردم [کفار مکّه] رنجی رسد پروردگارشان را انابت‌کنان به سوی او [نه غیر او] بخوانند سپس چون از [سوی] خود رحمتی به آنان بچشاند﴾ بوسیله باران ﴿آنگاه گروهی از آنان به پروردگارشان شرک می‌آورند﴾(۳۳) ﴿تا سرانجام دربارهٔ آنچه به آنان بخشیدیم ناسپاسی کنند﴾ قصد به آن تهدید است ﴿پس بهره‌مند شوید که به زودی [سرانجام بهره‌مندی‌تان] در آن ﴿خواهید دانست﴾(۳۴) ﴿آیا بر آنان دلیلی﴾ حجّت و کتابی ﴿نازل کرده‌ایم آن [دلیل] به [درستی] آنچه به او شرک می‌آورند سخن می‌گوید؟﴾ یعنی آنان را امر می‌کند به شریک قرار دادن، خیر(۳۵) ﴿و چون به مردم [کفار مکّه و غیره] طعم﴾ ﴿[نعمتی] بچشانیم به آن شادمان می‌شوند﴾ شادمانی‌ای خودکامگی ﴿و اگر به سزای کردار پیشینشان رنجی به آنان برسد، ناگاه آنان ناامید می‌شوند﴾ از رحمت خدا مایوس می‌شوند در حالی که شأن و شیمهٔ مؤمن آن است که هنگام نعمت سپاسگزار است و هنگام رنج و بلا به پروردگارش امیدوار است(۳۶) ﴿آیا ندانسته‌اند که خداوند روزی را برای هر آنکس که بخواهد فراخ می‌گرداند [به جهت امتحان] و تنگ می‌دارد؟﴾ برای کسی که بخواهد گرفتارش کند ﴿در این [قبض و بسط] برای اهل ایمان نشانه‌هاست﴾(۳۷) ﴿پس به خویشاوند حقّش را [از نیکی و صلهٔ رحم] ﴾بده و [نیز] حق بینوا و در راه مانده را﴾ مسافر را از صدقهٔ تطوّع، و امت پیغمبر(ﷺ) در آن تابع او می‌باشند ﴿این برای کسانی که خشنودی خداوند را می‌جویند﴾ ثواب آنچه را که انجام داده‌اند ﴿بهتر است و ایشانند که رستگارند﴾ بهره‌مندند(۳۸) ﴿و آنچه [به قصد] می‌دهید﴾ بدانگونه که چیزی را به عنوان هبه و هدیه می‌بخشد تا بیشتر از آن ببرد، این بخشش به زیاده نامیده شده خواسته عطاکننده است ﴿تا [بهرهٔ شما] در اموال مردم [عطا شدگان] افزون‌تر گردد [بدانید که] نزد خداوند افزون نمی‌شود﴾ ثوابی در آن برای عطاکنندگان نیست ﴿و زکاتی [صدقه‌ای] را که در طلب خشنودی خداوند پرداخت کرده باشید، پس همینان فزونی یافتگانند﴾ ثواب‌شان به سبب آنچه اراده کرده‌اند چند برابر است(۳۹) ﴿خداوند کسی است که شما را آفرید آنگاه به شما روزی داد سپس شما را می‌میراند باز زنده‌تان می‌کند، آیا از شریکانتان﴾ از آنها که شریک خدا قرار دادید ﴿کسی هست که چیزی از این [کارها] را انجام دهد؟ خیر، او پاک [و منزّه] و از آنچه شرک می‌آورند [بسی] والاتر است﴾(۴۰) ﴿از عملکرد مردم [از گناهان] فساد در بیابان﴾ به سبب قحط‌سالی باران و کمبود گیاهان ﴿و دریا﴾ کشورهائی که بر کنار رودخانه‌ها است به سبب کمبود آب ﴿آشکار شد تا [خداوند] سزای برخی از آنچه را که کرده‌اند، [کیفرش را] به آنان بچشاند باشد که آنان بازگردند﴾ توبه کنند(۴۱)

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلُ
كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُشْرِكِينَ ﴿٤٢﴾ فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ الْقَيِّمِ مِنْ
قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا مَرَدَّ لَهُ مِنَ اللَّهِ يَوْمَئِذٍ يَصَّدَّعُونَ ﴿٤٣﴾ مَنْ
كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِأَنْفُسِهِمْ يَمْهَدُونَ ﴿٤٤﴾
لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ
الْكَافِرِينَ ﴿٤٥﴾ وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ يُرْسِلَ الرِّيَاحَ مُبَشِّرَاتٍ وَلِيُذِيقَكُمْ
مِنْ رَحْمَتِهِ وَلِتَجْرِيَ الْفُلْكُ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ
تَشْكُرُونَ ﴿٤٦﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رُسُلًا إِلَىٰ قَوْمِهِمْ فَجَاءُوهُمْ
بِالْبَيِّنَاتِ فَانْتَقَمْنَا مِنَ الَّذِينَ أَجْرَمُوا وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ
الْمُؤْمِنِينَ ﴿٤٧﴾ اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَاحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَيَبْسُطُهُ
فِي السَّمَاءِ كَيْفَ يَشَاءُ وَيَجْعَلُهُ كِسَفًا فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ
خِلَالِهِ فَإِذَا أَصَابَ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ
﴿٤٨﴾ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ يُنَزَّلَ عَلَيْهِمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمُبْلِسِينَ
﴿٤٩﴾ فَانْظُرْ إِلَىٰ آثَارِ رَحْمَتِ اللَّهِ كَيْفَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ
مَوْتِهَا إِنَّ ذَٰلِكَ لَمُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٥٠﴾

٤٠٩

﴿بگو﴾ به کفار مکّه ﴿در زمین بگردید، آنگاه بنگرید چگونه بود سرانجام آنان که پیش از این بودند بیشتر آنان مشرک بودند﴾ پس به سبب شریک قرار دادنشان هلاک گشتند و مساکن و منازل‌شان سرازیر شده است[٤٢] ﴿پس روی [دل] خود را پیش از آن که روزی فرا رسد که برایش بازگشتی از [سوی] خداوند نیست﴾ و آن روز قیامت است ﴿به سوی [این] دین درست اسلام بگردان آن روز مردم متفرّق شوند﴾ پس از حساب، به سوی بهشت و دوزخ[٤٣] ﴿هر کس کفر ورزد کفرش به زیان اوست﴾ نکبت کفرش و آن آتش است ﴿و هر کس کردار شایسته کند پس برای خودشان پیش اندیشی می‌کنند﴾ منزلشان را در بهشت آماده می‌کنند[٤٤] ﴿تا [خداوند] به کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند از فضل خود پاداش دهد بی‌گمان او کافران را دوست نمی‌دارد﴾ کیفرشان می‌دهد[٤٥] ﴿و از نشانه‌های او [تعالی] آن است که بادها را مژده‌آور می‌فرستد و تا از رحمت خود﴾ باران و ارزانی ﴿به شما بچشاند و تا کشتیها به فرما او [به ارادتش] روان گردند و تا از فضل او﴾ روزی را بوسیلهٔ تجارت در دریا ﴿بجوئید و باشد که شکر گزارید﴾ این نعمت را ای اهل مکّه پس یگانه‌اش بدانید[٤٦] ﴿و به راستی پیش از تو رسولانی به سوی قومشان فرستادیم که برای آنان نشانه‌های﴾ روشن با برهانهای اشکار بر راستی‌شان، پس آنها را تکذیب کردند ﴿آوردند پس از کسانی که گناه کردند انتقام گرفتیم﴾ تکذیب‌کنندگان را هلاک ساختیم ﴿و یاری دادن مؤمنان [بر کافران به نابود کردنشان و نجات مؤمنان]﴾ ﴿بر عهده ما بود﴾[٤٧] ﴿خداوند کسی است که بادها را می‌فرستد آنگاه ابر را برمی‌انگیزد، سپس آن [ابر] را در آسمان چنانکه خواهد می‌گستراند﴾ از کم یا زیاد ﴿و آن را پاره پاره می‌گرداند و می‌بینی که از لابه‌لای آن قطره [های درشت] باران بیرون می‌آید، پس چون آن [باران] را به آن بندگانش رساند که می‌خواهد، آنگاه است که آنان شادمان می‌شوند﴾ به آمدن باران.[٤٨] ﴿و بی‌شکّ پیش از آن که باران بر آنان فرو فرستاده شود، نا‌امید بودند﴾ از نازل شدنش[٤٩] ﴿پس به آثار رحمت خدا﴾ نعمتش به آمدن باران ﴿بنگر که چگونه زمین را پس از پژمردنش [خشک شدنش] زنده [و خرّم] می‌گرداند [به روئیدن گیاهان] بی‌گمان این [خداوند] زنده کنندهٔ مردگان است و بر هر کاری تواناست﴾[٥٠]

وَلَئِنْ أَرْسَلْنَا رِيحًا فَرَأَوْهُ مُصْفَرًّا لَّظَلُّوا۟ مِنۢ بَعْدِهِۦ يَكْفُرُونَ
﴿٥١﴾ فَإِنَّكَ لَا تُسْمِعُ ٱلْمَوْتَىٰ وَلَا تُسْمِعُ ٱلصُّمَّ ٱلدُّعَآءَ إِذَا وَلَّوْا۟
مُدْبِرِينَ ﴿٥٢﴾ وَمَآ أَنتَ بِهَٰدِ ٱلْعُمْىِ عَن ضَلَٰلَتِهِمْ ۖ إِن تُسْمِعُ إِلَّا
مَن يُؤْمِنُ بِـَٔايَٰتِنَا فَهُم مُّسْلِمُونَ ﴿٥٣﴾ ۞ ٱللَّهُ ٱلَّذِى خَلَقَكُم
مِّن ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنۢ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنۢ بَعْدِ
قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشَيْبَةً ۚ يَخْلُقُ مَا يَشَآءُ ۖ وَهُوَ ٱلْعَلِيمُ ٱلْقَدِيرُ ﴿٥٤﴾
وَيَوْمَ تَقُومُ ٱلسَّاعَةُ يُقْسِمُ ٱلْمُجْرِمُونَ مَا لَبِثُوا۟ غَيْرَ سَاعَةٍ ۚ
كَذَٰلِكَ كَانُوا۟ يُؤْفَكُونَ ﴿٥٥﴾ وَقَالَ ٱلَّذِينَ أُوتُوا۟ ٱلْعِلْمَ وَٱلْإِيمَٰنَ
لَقَدْ لَبِثْتُمْ فِى كِتَٰبِ ٱللَّهِ إِلَىٰ يَوْمِ ٱلْبَعْثِ ۖ فَهَٰذَا يَوْمُ ٱلْبَعْثِ
وَلَٰكِنَّكُمْ كُنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿٥٦﴾ فَيَوْمَئِذٍ لَّا يَنفَعُ ٱلَّذِينَ
ظَلَمُوا۟ مَعْذِرَتُهُمْ وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ ﴿٥٧﴾ وَلَقَدْ ضَرَبْنَا
لِلنَّاسِ فِى هَٰذَا ٱلْقُرْءَانِ مِن كُلِّ مَثَلٍ ۚ وَلَئِن جِئْتَهُم بِـَٔايَةٍ
لَّيَقُولَنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓا۟ إِنْ أَنتُمْ إِلَّا مُبْطِلُونَ ﴿٥٨﴾ كَذَٰلِكَ
يَطْبَعُ ٱللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِ ٱلَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٥٩﴾ فَٱصْبِرْ إِنَّ
وَعْدَ ٱللَّهِ حَقٌّ ۖ وَلَا يَسْتَخِفَّنَّكَ ٱلَّذِينَ لَا يُوقِنُونَ ﴿٦٠﴾

٤١٠

﴿و اگر بادی﴾ زیان‌آور بر گیاهان ﴿بفرستیم، آنگاه آن [کشتزار] را زرد شده ببینند پس از آن [زرد شدن] ناسپاس می‌شوند﴾ انکار نعمت باران را می‌کنند[۵۱] ﴿پس تو نمی‌توانی به مردگان [سخنی] بشنوانی و [نیز] نمی‌توانی به کران چون پشت‌کنان روی بگردانند آواز بشنوانی﴾[۵۲] ﴿تو هدایتگر نابینایان از گمراهی آنان نیستی، نمی‌توانی جز به کسی که آیات ما را باور می‌دارد، بشنوانی﴾ شنیدن فهماندن و پذیرفتن ﴿پس آنان فرمانبردارند﴾ به یگانگی خداوند اخلاص دارند[۵۳] ﴿خداوند کسی است که [در آغاز] شما را از ناتوانی﴾ از آبی پست و قذر ﴿آفرید، سپس بعد از ناتوانی﴾ دیگر و آن ناتوانی کودکی است ﴿توانائی مقرّر فرمود [توانائی جوانی] باز پس از توانائی ناتوانی و پیری﴾ ضعف بزرگسالی و سستی پیری ﴿قرار داد، هر آنچه بخواهد از ضعف و نیرو و جوانی و پیری می‌آفریند و او داناست﴾ به تدبیر خلقش ﴿تواناست﴾ بر آنچه بخواهد[۵۴] ﴿و روزی که قیامت برپا شود، گنهکاران﴾ کافران ﴿سوگند یاد می‌کنند [که در گور] جز یک لحظه درنگ نکرده‌اند﴾ خداوند می‌فرماید: ﴿بدینسان﴾ از راه حق بعث ﴿برگردانده می‌شوند﴾ چنانکه از حق راستی در مدّت درنگ‌بودنشان در گور برگردانده شدند[۵۵] ﴿و دانش و ایمان یافتگان [از فرشتگان و غیره] گفتند به راستی به حکم کتاب الهی﴾ در آنچه علم سابق خود نوشته است ﴿تا روز رستاخیز مانده‌اید روز رستاخیز﴾ که انکارش می‌کردید ﴿این است ولی شما نمی‌دانستید﴾ و قوعش را[۵۶] ﴿پس آن روز به ستمکاران عذرخواهی‌شان [در انکار بعث] سود نبخشد و آنان [برای کسب خشنودی خداوند] مهلت نیابند﴾[۵۷]

﴿و بی‌گمان در این قرآن برای مردم از هر مثلی بیان کردیم﴾ تا هشیار شوند ﴿و اگر برای آنان نشانه‌ای بیاوری [ای محمّد] مانند عصا و ید موسی﴾ ﴿کافران گویند: شما [ای محمّد و یارانش] جز بیهوده‌گوئی نیستید﴾ جز یاران باطلی[۵۸] ﴿بدینسان خداوند بر دلهای آنان که نمی‌دانند﴾ یگانگی خداوند را ﴿مهر می‌نهد﴾ چنانکه بر دلهای آنان مهر گذاشته شده است[۵۹] ﴿پس بردباری پیشه کن براستی وعده خداوند﴾ به پیروزی شما بر آنها ﴿حق است و آنان که یقین نمی‌آورند [به بعث] تو را به سبکسری واندارند﴾ تو را به سستی و خواری عادت ندهند به ترک نمودن صبر یعنی همیشه باید صبر پیشه کنی در برابر این سیاه دلها[۶۰]

سُورَةُ لُقْمَانَ

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

الٓمٓ ﴿١﴾ تِلْكَ ءَايَٰتُ ٱلْكِتَٰبِ ٱلْحَكِيمِ ﴿٢﴾ هُدًى وَرَحْمَةً
لِّلْمُحْسِنِينَ ﴿٣﴾ ٱلَّذِينَ يُقِيمُونَ ٱلصَّلَوٰةَ وَيُؤْتُونَ ٱلزَّكَوٰةَ وَهُم
بِٱلْءَاخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ ﴿٤﴾ أُوْلَٰٓئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ ۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ
هُمُ ٱلْمُفْلِحُونَ ﴿٥﴾ وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يَشْتَرِى لَهْوَ ٱلْحَدِيثِ
لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا ۚ أُوْلَٰٓئِكَ لَهُمْ
عَذَابٌ مُّهِينٌ ﴿٦﴾ وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِ ءَايَٰتُنَا وَلَّىٰ مُسْتَكْبِرًا
كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا كَأَنَّ فِىٓ أُذُنَيْهِ وَقْرًا ۖ فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿٧﴾
إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ لَهُمْ جَنَّٰتُ ٱلنَّعِيمِ ﴿٨﴾
خَٰلِدِينَ فِيهَا ۖ وَعْدَ ٱللَّهِ حَقًّا ۚ وَهُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلْحَكِيمُ ﴿٩﴾ خَلَقَ
ٱلسَّمَٰوَٰتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا ۖ وَأَلْقَىٰ فِى ٱلْأَرْضِ رَوَٰسِىَ أَن تَمِيدَ
بِكُمْ وَبَثَّ فِيهَا مِن كُلِّ دَآبَّةٍ ۚ وَأَنزَلْنَا مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءً فَأَنۢبَتْنَا فِيهَا
مِن كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ ﴿١٠﴾ هَٰذَا خَلْقُ ٱللَّهِ فَأَرُونِى مَاذَا
خَلَقَ ٱلَّذِينَ مِن دُونِهِۦ ۚ بَلِ ٱلظَّٰلِمُونَ فِى ضَلَٰلٍ مُّبِينٍ ﴿١١﴾

۴۱۱

سورة لقمان

در مکّه نازل شده جز آیه‌های ۲۷ و ۲۸ و ۲۹ و آیه‌هایش ۳۴ است.

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحيم

﴿الٓمٓ﴾[۱] خداوند داناتر است به مراد خود به آن ﴿این آیه‌های کتاب [قرآن] حکمت‌آمیز است﴾[۲] ﴿رهنما و رحمتی است برای نیکوکاران﴾[۳] ﴿کسانی که نماز برپای دارند و زکات می‌پردازند و آنان به آخرت یقین دارند﴾[۴] ﴿اینان از [سوی] پروردگارشان برخوردار از هدایت‌اند و همینان رستگارند﴾ بهره‌مندند[۵] ﴿و از مردم کسی هست که خریدار سخنان بیهوده است [انسان را از مقصد دور می‌سازد] تا بی [هیچ] دانش [مردم را] از راه خداوند [راه اسلام] گمراه سازد. و آن را به ریشخند گیرد. همینانند که عذاب خوارکننده در [پیش] دارند﴾[۶] ﴿و چون آیات ما [قرآن] بر او خوانده شود تکبّرکنان روی گرداند، گوئی که آن را نشنیده است، گویا که در دو گوش او سنگینی‌ای هست، پس او را به عذابی دردناک خبر ده﴾ ذکر کردن بشارت ریشخند است به آن کس، و او نضر بن الحارث بود که به منظور تجارت به سرزمین حیره می‌رفت پس از انجا کتاب اعجمیان را می‌خرید و آنها را برای اهل مکّه روایت می‌کرد و می‌گفت: محمد(ﷺ) شما را به شنیدن داستانهای عاد و ثمود فرا می‌خواند و من شما را به داستانهای فارس و روم، پس مشرکان داستانهای او را گرم و نمکین دانسته و گوش دادن به قرآن را فرو می‌گذاشتند[۷] ﴿بی‌گمان کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند، برای آنها باغهای پر ناز و نعمت است﴾[۸] ﴿که در آن جاودانه‌اند خداوند آن را به ایشان وعدهٔ حق [و ثابت] داده است و اوست عزیز﴾ که هیچ چیزی بر او غالب نمی‌شود تا او را از انجام دادن وعده و وعیدش مانع شود ﴿حکیم است﴾ همه چیز را در جای خود می‌گذارد.[۹] ﴿آسمانها را بی‌ستونهایی که آنها را ببینید آفریده است﴾ یعنی اصلاً ندارد یا دارد اما دیده نمی‌شود «مانند نیروی جاذبه» ﴿و در زمین کوههای استوار افکنده که مبادا شما را بجنباند و در آنجا از هر جانوری پراکنده است، و از آسمان آبی نازل کردیم، آنگاه در زمین از هر گونه‌ای زوج ارزشمند رویانیدیم﴾[۱۰] ﴿این آفرینش خداوند است پس به من بنمایانید﴾ ای اهل مکّه ﴿کسانی که جز او هستند، چه آفریده‌اند؟﴾ تا آن را شریک خدا قرار دادید ﴿بلکه ستمکاران در گمراهی آشکارند﴾ به سبب شریک قرار دادنشان و شما از آنان هستید[۱۱]

قواعد آیه ۲ـ اضافه آیات به کتاب اضافه بیانی است.

آیه ۳ـ هدیً و رحمةً حال آیات‌اند و عامل‌شان معنای اشاره است در «تِلْک».

آیه ۷ـ هر دو جمله تشبیه حالند از ضمیر «وَلّی» با جملهٔ دوم بیان جملهٔ اول است.

آیه ۱۱ـ ما: استفهام انکاری است مبتداست و ذا باصله‌اش خبر آن است بیان جمله اول است و «أَرُونی» تعلیق شده است و جملهٔ بعدش جانشین دو مفعول است.

وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا لُقْمَٰنَ ٱلْحِكْمَةَ أَنِ ٱشْكُرْ لِلَّهِ ۚ وَمَن يَشْكُرْ فَإِنَّمَا
يَشْكُرُ لِنَفْسِهِۦ ۖ وَمَن كَفَرَ فَإِنَّ ٱللَّهَ غَنِىٌّ حَمِيدٌ ﴿١٢﴾ وَإِذْ قَالَ
لُقْمَٰنُ لِٱبْنِهِۦ وَهُوَ يَعِظُهُۥ يَٰبُنَىَّ لَا تُشْرِكْ بِٱللَّهِ ۖ إِنَّ ٱلشِّرْكَ
لَظُلْمٌ عَظِيمٌ ﴿١٣﴾ وَوَصَّيْنَا ٱلْإِنسَٰنَ بِوَٰلِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُۥ
وَهْنًا عَلَىٰ وَهْنٍ وَفِصَٰلُهُۥ فِى عَامَيْنِ أَنِ ٱشْكُرْ لِى وَلِوَٰلِدَيْكَ
إِلَىَّ ٱلْمَصِيرُ ﴿١٤﴾ وَإِن جَٰهَدَاكَ عَلَىٰٓ أَن تُشْرِكَ بِى مَا لَيْسَ
لَكَ بِهِۦ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا ۖ وَصَاحِبْهُمَا فِى ٱلدُّنْيَا مَعْرُوفًا ۖ
وَٱتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَىَّ ۚ ثُمَّ إِلَىَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُم
بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿١٥﴾ يَٰبُنَىَّ إِنَّهَآ إِن تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِّنْ
خَرْدَلٍ فَتَكُن فِى صَخْرَةٍ أَوْ فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ أَوْ فِى ٱلْأَرْضِ يَأْتِ
بِهَا ٱللَّهُ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ ﴿١٦﴾ يَٰبُنَىَّ أَقِمِ ٱلصَّلَوٰةَ وَأْمُرْ
بِٱلْمَعْرُوفِ وَٱنْهَ عَنِ ٱلْمُنكَرِ وَٱصْبِرْ عَلَىٰ مَآ أَصَابَكَ ۖ إِنَّ ذَٰلِكَ
مِنْ عَزْمِ ٱلْأُمُورِ ﴿١٧﴾ وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِى ٱلْأَرْضِ
مَرَحًا ۖ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ ﴿١٨﴾ وَٱقْصِدْ فِى مَشْيِكَ
وَٱغْضُضْ مِن صَوْتِكَ ۚ إِنَّ أَنكَرَ ٱلْأَصْوَٰتِ لَصَوْتُ ٱلْحَمِيرِ ﴿١٩﴾

٤١٢

﴿و به راستی به لقمان حکمت بخشیدیم﴾ از آن است: دانش و دیانت و راستی در گفتار و حکمت بسیاری از او نقل شده است، پیش از مبعوث شدن داوود(علیه السلام) فتوی می‌داد، و بعثت ایشان را دریافت و دانش را از او یافت و فتوی را ترک نمود و در این جهت گفت: آیا خود را از فتوی دادن راحت نکنم وقتی فتوای داوود برای من کافی است، و به او گفتند: چه کسی از همه بدتر است گفت: کسی که اگر مردم او را در حالت گناه و نافرمانی ببینند بدان اهمیت ندهد و مبالات نکند ﴿[و به او گفتیم] که خدا را شکرگزار﴾ آنچه را که به تو عطا کرده است از حکمت ﴿و هر کس شکر می‌گزارد تنها به [سود] خویش شکر می‌گزارد﴾ زیرا ثواب شکرش برای اوست ﴿و هر کس [به نعمت] کفران ورزد [بداند که] خداوند [از خلقتش] بی‌نیاز است ستوده است﴾ در صنعتش[۱۲] ﴿و﴾ به یاد آور ﴿که لقمان به پسرش در حالی که او را اندرز می‌داد، گفت: پسرجان به خداوند شرک نورز به راستی که شرک [به خداوند] ستمی بزرگ است﴾ پس به سوی او برگشت و اسلام آورد[۱۳] ﴿و انسان را [نسبت] به پدر و مادرش [به نیکی] سفارش و امر کرده‌ایم مادرش با ضعف روزافزون او را آبستن بوده است﴾ ضعف حمل و ضعف درد زایمان و ضعف تولد فرزند ﴿و از شیر گرفتنش در دو سال است [و سفارش کرده‌ایم] که برای من و پدر و مادرت شکرگزار و بازگشت به سوی من است﴾[۱۴] ﴿و اگر تو را بر آن داشتند که چیزی را که به [حقیقت] آن دانشی نداری به من شرک‌آوری، از آنان اطاعت نکن و در دنیا با آنان به نیکی معاشرت کن﴾ با صلهٔ رحم بجا آوردن ﴿و از راه کسی پیروی کن که به سوی من [آهنگ] بازگشت دارد [به انجام دادن طاعت] آنگاه بازگشتتان به سوی من است پس شما را از آنچه می‌کردید آگاه خواهیم ساخت﴾ بدان پاداشتان می‌دهم[۱۵] آیه ۱۴ و ۱۵ حمله‌های معترضه‌اند در بین آیه‌های ۱۳ و ۱۶ ﴿پسرجان بی‌گمان اگر آن عملی [بد] هموزن دانه‌ای از سپندان باشد آنگاه در [میان] تخته سنگی یا در آسمانها یا در زمین باشد﴾ یعنی در پنهان‌ترین مکان آن، ﴿خداوند آن را در میان خواهد آورد﴾ بر آن پاداش داده می‌شود ﴿خداوند باریک‌بین است﴾ به در میان آوردن آن ﴿خبیر است﴾ به مکانش[۱۶] ﴿پسرجان نماز را بر پای دار و به نیکی فرمان ده و از ناپسند بازدار و بر آنچه به تو برسد [به سبب امر و نهی] بردباری کن که این از کارهای سترگ است﴾ از کارهای مصمّم است که واجب است تصمیم گرفت[۱۷] ﴿و رخسار خود را از مردم برمتاب﴾ از روی تکبّر ﴿و در زمین خرامان راه مرو﴾ خودپسندانه ﴿و بی‌گمان خداوند هیچ متکبر [خودبرتربین در راه رفتن] فخرفروشی را [بر مردم] دوست نمی‌دارد﴾[۱۸] ﴿و در رفتارت میانه‌روی کن﴾ در بین آرام رفتن و شتاب نمودن و لازم است با متانت و وقار باشی ﴿و آوازت را آهسته بدار [بدانکه] بدترین آوازها آواز خران است﴾ اول آن عرعر است و آخرش بسی گوش خراش است[۱۹]

أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ ٱللَّهَ سَخَّرَ لَكُم مَّا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلْأَرْضِ وَأَسْبَغَ
عَلَيْكُمْ نِعَمَهُۥ ظَٰهِرَةً وَبَاطِنَةً وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يُجَٰدِلُ فِي ٱللَّهِ
بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَٰبٍ مُّنِيرٍ ﴿٢٠﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ ٱتَّبِعُوا۟
مَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ قَالُوا۟ بَلْ نَتَّبِعُ مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ ءَابَآءَنَآ أَوَلَوْ كَانَ
ٱلشَّيْطَٰنُ يَدْعُوهُمْ إِلَىٰ عَذَابِ ٱلسَّعِيرِ ﴿٢١﴾ ۞ وَمَن يُسْلِمْ
وَجْهَهُۥٓ إِلَى ٱللَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقَدِ ٱسْتَمْسَكَ بِٱلْعُرْوَةِ ٱلْوُثْقَىٰ
وَإِلَى ٱللَّهِ عَٰقِبَةُ ٱلْأُمُورِ ﴿٢٢﴾ وَمَن كَفَرَ فَلَا يَحْزُنكَ كُفْرُهُۥٓ
إِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ فَنُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوٓا۟ إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمٌۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ
﴿٢٣﴾ نُمَتِّعُهُمْ قَلِيلًا ثُمَّ نَضْطَرُّهُمْ إِلَىٰ عَذَابٍ غَلِيظٍ ﴿٢٤﴾
وَلَئِن سَأَلْتَهُم مَّنْ خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ ٱللَّهُ قُلِ
ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٢٥﴾ لِلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ
وَٱلْأَرْضِ إِنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلْغَنِيُّ ٱلْحَمِيدُ ﴿٢٦﴾ وَلَوْ أَنَّمَا فِي ٱلْأَرْضِ
مِن شَجَرَةٍ أَقْلَٰمٌ وَٱلْبَحْرُ يَمُدُّهُۥ مِنۢ بَعْدِهِۦ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ
مَّا نَفِدَتْ كَلِمَٰتُ ٱللَّهِ إِنَّ ٱللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٢٧﴾ مَّا خَلْقُكُمْ
وَلَا بَعْثُكُمْ إِلَّا كَنَفْسٍ وَٰحِدَةٍ إِنَّ ٱللَّهَ سَمِيعٌۢ بَصِيرٌ ﴿٢٨﴾

٤١٣

«آیا نیندیشیده‌اید» ای مخاطبین «که خداوند آنچه راکه در آسمانها است» از خورشید و ماه و ستارگان تا بدان بهره‌مند شوید «و آنچه راکه در زمین است» از میوه‌ها و رودخانه‌ها و حیوانات «برایتان رام گردانید و نعمتهای خود را پیدا» و آن صورت نیکو و پسند و تناسب اعضا و جز آن «و ناپیدا» معرفت و جز آن «بر شما تمام کرد؟ و از مردم [اهل مکّه] کسی هست که در [بارهٔ] خداوند بی‌دانشی و هدایتی «از طرف پیامبری» و کتابی روشن [که خدا نازلش کرده باشد] بلکه تقلید دیگران می‌کند «مجادله می‌کند»(۲۰) «و چون به آنان گفته شود از چیزی پیروی کنید که خداوند نازل کرده است، گویند: بلکه از چیزی پیروی کنیم که نیاکانمان را بر آن یافته‌ایم [خداوند فرمود]: آیا [از آنان پیروی می‌کنید] حتّی اگر شیطان آنان را به سوی عذاب دوزخ [یعنی موجبات آن] فرا خواند؟» این شایسته نیست(۲۱) «و هر کس نیکوکارانه روی [دل] خود را به سوی خداوند آورد» به روی آوردن به طاعتش «در حالی که نیکوکار باشد» بداند که «به دست‌آویزی استوار چنگ زده است» به طرف استواری که بیم انقطاعش نیست «و سرانجام کارها به سوی خداوند است»(۲۲) «و هر کس که کافر شود کفر او تو را [ای محمد(ﷺ)] اندوهگین نسازد» به آن اهمیّت نده «بازگشت آنان به سوی ماست پس آنان را به [حقیقت] آنچه می‌کردند خبر دهیم بی‌گمان خداوند به راز دلها داناست» مانند چیزهای دیگر پس بدان پاداش داده می‌شود(۲۳) «آنان را [در دنیا] اندکی بهره‌مند می‌سازیم» در مدّت زندگی‌شان «آنگاه آنان را [در آخرت] به [تحمّل] عذابی سخت ناگزیر ساختیم» و آن عذاب آتش است راه گریزی از آن ندارند(۲۴) «و اگر از آنان بپرسی چه کسی آسمانها و زمین را آفریده است؟ قطعاً گویند: خداوند بگو ستایش خدای راست» بر غالب بودن برهان بر آنها به توحید خدا «بلکه بیشترشان نمی‌دانند» واجب بودن توحید را بر خویش(۲۵) «آنچه در آسمانها و زمین است از آن خداوند است» از نظر ملکیّت و آفرینش و عبدیت پس در آنهاجز خداوند کسی شایستهٔ عبادت نیست «بی‌گمان خداوند است که بی‌نیاز است» از خلقش «و ستوده است» در صنعش(۲۶) «و اگر همهٔ درختانِ زمین قلم شوند و دریا [جوهر] آنگاه هفت دریا [ی دیگر] یاریگر آن [دریا] شوند، سخنان خداوند پایان نپذیرند» سخنانی که تعبیری از معلومات خداوند است به آن قلمها و به آن جوهر نوشته شوند و به بیشتر از آن، پایان نمی‌پذیرد، زیرا معلومات خداوند پایان ندارد «بی‌گمان خداوند پیروزمند است» هیچ چیز او را ناتوان نسازد «فرزانه است» چیزی از علم و حکمت او خارج نمی‌شود(۲۷) «آفرینش و برانگیختن [همهٔ] شما جز مانند [آفرینش و برانگیختن] یک تن نیست» زیرا آن به کلمهٔ «کُنْ» بشو «فیکون» پس آفریده می‌شود انجام می‌گیرد «بی‌گمان خداوند» تمام شنیده شده را «می‌شنود» تمام دیده شده را «می‌بیند» چیزی او را از چیزی مشغول نمی‌کند(۲۸)

أَلَمْ تَرَ أَنَّ ٱللَّهَ يُولِجُ ٱلَّيْلَ فِى ٱلنَّهَارِ وَيُولِجُ ٱلنَّهَارَ فِى ٱلَّيْلِ
وَسَخَّرَ ٱلشَّمْسَ وَٱلْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِىٓ إِلَىٰٓ أَجَلٍ مُّسَمًّى وَأَنَّ ٱللَّهَ
بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿٢٩﴾ ذَٰلِكَ بِأَنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ
مِن دُونِهِ ٱلْبَٰطِلُ وَأَنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلْعَلِىُّ ٱلْكَبِيرُ ﴿٣٠﴾ أَلَمْ تَرَ أَنَّ
ٱلْفُلْكَ تَجْرِى فِى ٱلْبَحْرِ بِنِعْمَتِ ٱللَّهِ لِيُرِيَكُم مِّنْ ءَايَٰتِهِۦٓ إِنَّ
فِى ذَٰلِكَ لَءَايَٰتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ ﴿٣١﴾ وَإِذَا غَشِيَهُم مَّوْجٌ
كَٱلظُّلَلِ دَعَوُا۟ ٱللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ ٱلدِّينَ فَلَمَّا نَجَّىٰهُمْ إِلَى ٱلْبَرِّ
فَمِنْهُم مُّقْتَصِدٌ وَمَا يَجْحَدُ بِـَٔايَٰتِنَآ إِلَّا كُلُّ خَتَّارٍ كَفُورٍ
﴿٣٢﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ ٱتَّقُوا۟ رَبَّكُمْ وَٱخْشَوْا۟ يَوْمًا لَّا يَجْزِى وَالِدٌ
عَن وَلَدِهِۦ وَلَا مَوْلُودٌ هُوَ جَازٍ عَن وَالِدِهِۦ شَيْـًٔا إِنَّ وَعْدَ ٱللَّهِ
حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ ٱلْحَيَوٰةُ ٱلدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُم بِٱللَّهِ
ٱلْغَرُورُ ﴿٣٣﴾ إِنَّ ٱللَّهَ عِندَهُۥ عِلْمُ ٱلسَّاعَةِ وَيُنَزِّلُ ٱلْغَيْثَ
وَيَعْلَمُ مَا فِى ٱلْأَرْحَامِ وَمَا تَدْرِى نَفْسٌ مَّاذَا تَكْسِبُ غَدًا
وَمَا تَدْرِى نَفْسٌۢ بِأَىِّ أَرْضٍ تَمُوتُ إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌۢ ﴿٣٤﴾

سُورَةُ السَّجْدَةِ

٤١٤

﴿آیا ندیده‌ای﴾ ای مخاطب ﴿که خداوند شب را در روز درمی‌آورد، و روز را در شب درمی‌آورد؟﴾ پس به هر یک از آنها به اندازه‌ای که از دیگری می‌کاهد به آن می‌افزاید ﴿و خورشید و ماه را رام کرده است هر یک تا مدّتی مقرّر [و آن روز قیامت است] در مدار خود روان است و آن خداوند از آنچه می‌کنید باخبر است﴾[٢٩] ﴿این﴾ که ذکر شد ﴿از آن است که خداوند حق است و [از آن] که آنچه را به جای او می‌پرستید باطل و فانی است و خداوند بلندمرتبه است﴾ بر خلقش به قهر ﴿و عظیم است﴾[٣٠] ﴿آیا ندیده‌ای که کشتی در دریا به فضل خداوند روان است تا [برخی] از نشانه‌های خود را به شما [ای مخاطبان به آن] بنمایاند، بی‌گمان در این [کار] مایه‌های عبرتی است برای هر شکیبایی [از گناهان خدا] سپاسگزار﴾ به نعمتهای او[٣١] ﴿و چون موجی سایه‌بان‌وار﴾ مانند کوههائی که بر کسانی که زیر آن باشند سایه افکنده ﴿آنان را [کفار را] فرو گیرد، خداوند را ـ در حالی که عبادت را برای او خالص گردانده‌اند ـ می‌خوانند﴾ به این که آنها را نجات دهد یعنی جز او را نمی‌خوانند ﴿پس چون آنان را با رساندن به خشکی رهائی بخشید، آنگاه برخی از آنان میانه‌رواند﴾ در بین کفر و ایمان و برخی بر کفرش باقی است ﴿و هیچ کس جز غدّار ناسپاس﴾ به نعمت خداوند، ﴿آیات ما را﴾ از جملهٔ آن است رستگار شدن از موج دریا ﴿انکار نمی‌کند﴾[٣٢] ﴿ای مردم﴾ اهل مکّه ﴿از پروردگارتان پروا دارید و از روزی بترسید که هیچ پدری از فرزندش﴾ چیزی را ﴿کفایت نکند و نه هیچ فرزندی است که او بتواند چیزی را از پدرش کفایت کند [در آن] بی‌گمان وعده خداوند [به بعث] راست است پس زندگانی دنیا شما را [از اسلام] نفریبد و شیطان فریبکار شما را نسبت به خداوند﴾ در حلم و مهلت دادنش ﴿فریب ندهد﴾[٣٣] ﴿به راستی دانش [زمان] روز قیامت به نزد خداوند است و باران را﴾ به وقتی که میداند ﴿می‌فرستد و آنچه را در رحمهاست می‌داند﴾ آیا مذکر است یا مؤنث، و جز خداوند بدون وسائل علمی کسی این دو مورد را نمی‌داند ﴿و هیچ کس نمی‌داند فردا چه بدست می‌آورد﴾ خیر است یا شرّ خدا می‌داند ﴿و هیچ کس نمی‌داند که در کدام سرزمین می‌میرد﴾ و خدا آن را می‌داند ﴿بی‌گمان خداوند [به تمام چیزها] داناست [و] آگاه است﴾ درون را مانند برون می‌داند ـ بخاری از ابن عمر روایت کرده مفاتح‌الغیب ۵ است «انّ الله عنده علم الساعة تا آخر سوره».[٣٤]

توجّه: آنان که اهل دانش و تحقیق‌اند میدانند که در این ۵ مورد خداوند سه مورد را به خود اختصاص داده ۱ـ علم الساعه، چون خبر مبتدا ظرف و مقدم بر مبتداست برای حصر است ۲ و ۳ هر دو «ما تدری نفسٌ» که حرف نفی در آغاز دارند، ولی نزول باران و علم ما فی الارحام را به خود اختصاص نداده زیرا نه حصر در آن است و نه به منفی آمده‌اند.

سورهٔ سجده

آیه‌هایش مکی است و ۳۰ آیه است.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحیم

﴿الٓمٓ﴾[1] خداوند داناتر است به مرادش به آن ﴿فرو فرستادن این کتاب [قرآن] ـ که هیچ شکّی در آن روا نیست ـ از [سوی] پروردگار جهانیان است﴾[2] ﴿بلکه می‌گویند: [محمّد] آن را بر ساخته است [نه] بلکه آن حقّ [و] از سوی پروردگارت آمده است تا قومی را که هشدار دهنده‌ای پیش از تو نزد آنان نیامده است، هشداردهی باشد که آنان راه یابند﴾ به سبب هشدار تو[3] ﴿خداوند کسی است که آسمانها و زمین و آنچه را که مابین آنهاست در شش روز آفرید﴾ اول آن روز یکشنبه بوده و آخر آن روز جمعه بوده ﴿آنگاه بر عرش استیلا یافت﴾ استیلائی لایق او، عرش در لغت تخت ملک است ﴿جز او هیچ دوست و شفاعت کننده‌ای ندارید [ای کافران مکّه تا شما را یاری نمایند و عذاب را از شما دفع کنند]﴾ ﴿آیا پند نمی‌پذیرید﴾ پس ایمان آورید[4] ﴿کار [هستی] را از آسمان [گرفته] تا زمین [در مدّت بقای دنیا] تدبیر می‌کند سپس [حاصل] آن [کار و تدبیر] در روزی که مقدارش از روی شمارش شما هزار سال است به سوی او فرا می‌رود﴾ و در سورهٔ سأل: خمسین الف سنة است یعنی پنجاه هزار سال و این روز قیامت است بخاطر شدّت سختی و احوالش نسبت به کافر و اما نسبت به مؤمن آن سختی پائین‌تر و سبک‌تر است از نماز واجبی که در دنیا خوانده است چنانچه در حدیث آمده است[5] ﴿این﴾ خالق مدبّر ﴿دانای پنهان و پیدا﴾ آنچه از خلق غائب است و آنچه حاضر است ﴿پیروزمند است﴾ در ملکش ﴿مهربان است﴾ به اهل طاعتش[6] ﴿کسی که هر چیزی را که آفریده به نیکوترین [وجه] آفریده است و آفرینش انسان [آدم] را از گل آغاز کرد﴾[7] ﴿آنگاه نسل او را از چکیده‌ای از آب بی‌مقدار [و آن نطفه است] پدید آورد﴾[8] ﴿آنگاه به [اندام] او سامان داد، و از روح خود در او دمید﴾ او را حساس و آگاه نمود پس از اینکه او جمادی بود ﴿و برایتان [برای ذرّیّتش] گوش و دیدگان و دلها قرار داد، اندکی شکر می‌گزارید﴾[9] ﴿وگفتند﴾ منکران بعث ﴿آیا چون در زمین ناپدید شویم﴾ بدانگونه که خاکی آمیخته به خاک آن شدیم ﴿ما در آفرینشی نوین خواهیم بود؟﴾ خداوند فرمود: ﴿بلکه آنان به لقای پروردگارشان کافرند﴾[10] ﴿بگو: فرشتهٔ [مأمور] مرگ که بر شما گمارده شده است جانتان را می‌ستاند، آنگاه به نزد پروردگارتان بازگردانده می‌شوید﴾ به حالت زنده پس پاداشتان برابر کردارتان می‌دهد[11]

قواعد آیه ۲ـ تنزیل الکتاب مبتداست لا رَیْبَ... خبر اول است ربّ العالمین خبر دوم است.

قواعد آیه ۹ـ اضافه روح به الله اضافه تشریفی است مانند بیت‌الله.

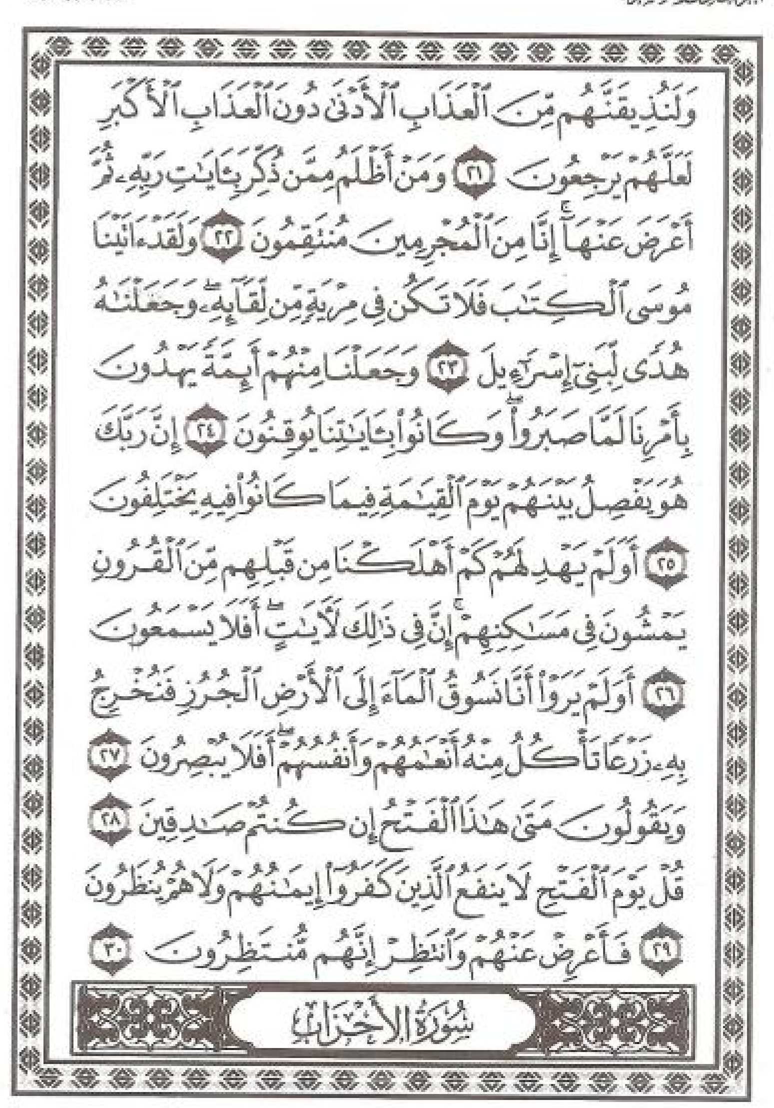
بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ
الٓمٓ ﴿١﴾ تَنزِيلُ ٱلۡكِتَٰبِ لَا رَيۡبَ فِيهِ مِن رَّبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ
﴿٢﴾ أَمۡ يَقُولُونَ ٱفۡتَرَىٰهُۚ بَلۡ هُوَ ٱلۡحَقُّ مِن رَّبِّكَ لِتُنذِرَ قَوۡمٗا
مَّآ أَتَىٰهُم مِّن نَّذِيرٖ مِّن قَبۡلِكَ لَعَلَّهُمۡ يَهۡتَدُونَ ﴿٣﴾ ٱللَّهُ
ٱلَّذِي خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ وَمَا بَيۡنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٖ
ثُمَّ ٱسۡتَوَىٰ عَلَى ٱلۡعَرۡشِۖ مَا لَكُم مِّن دُونِهِۦ مِن وَلِيّٖ وَلَا شَفِيعٍۚ أَفَلَا
تَتَذَكَّرُونَ ﴿٤﴾ يُدَبِّرُ ٱلۡأَمۡرَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ إِلَى ٱلۡأَرۡضِ ثُمَّ يَعۡرُجُ
إِلَيۡهِ فِي يَوۡمٖ كَانَ مِقۡدَارُهُۥٓ أَلۡفَ سَنَةٖ مِّمَّا تَعُدُّونَ ﴿٥﴾ ذَٰلِكَ
عَٰلِمُ ٱلۡغَيۡبِ وَٱلشَّهَٰدَةِ ٱلۡعَزِيزُ ٱلرَّحِيمُ ﴿٦﴾ ٱلَّذِيٓ أَحۡسَنَ
كُلَّ شَيۡءٍ خَلَقَهُۥۖ وَبَدَأَ خَلۡقَ ٱلۡإِنسَٰنِ مِن طِينٖ ﴿٧﴾ ثُمَّ جَعَلَ
نَسۡلَهُۥ مِن سُلَٰلَةٖ مِّن مَّآءٖ مَّهِينٖ ﴿٨﴾ ثُمَّ سَوَّىٰهُ وَنَفَخَ فِيهِ
مِن رُّوحِهِۦۖ وَجَعَلَ لَكُمُ ٱلسَّمۡعَ وَٱلۡأَبۡصَٰرَ وَٱلۡأَفۡـِٔدَةَۚ قَلِيلٗا
مَّا تَشۡكُرُونَ ﴿٩﴾ وَقَالُوٓاْ أَءِذَا ضَلَلۡنَا فِي ٱلۡأَرۡضِ أَءِنَّا لَفِي
خَلۡقٖ جَدِيدِۭۚ بَلۡ هُم بِلِقَآءِ رَبِّهِمۡ كَٰفِرُونَ ﴿١٠﴾ ۞ قُلۡ يَتَوَفَّىٰكُم
مَّلَكُ ٱلۡمَوۡتِ ٱلَّذِي وُكِّلَ بِكُمۡ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمۡ تُرۡجَعُونَ ﴿١١﴾

٤١٥

وَلَوْ تَرَىٰٓ إِذِ ٱلْمُجْرِمُونَ نَاكِسُوا۟ رُءُوسِهِمْ عِندَ رَبِّهِمْ
رَبَّنَآ أَبْصَرْنَا وَسَمِعْنَا فَٱرْجِعْنَا نَعْمَلْ صَٰلِحًا إِنَّا مُوقِنُونَ
﴿١٢﴾ وَلَوْ شِئْنَا لَءَاتَيْنَا كُلَّ نَفْسٍ هُدَىٰهَا وَلَٰكِنْ حَقَّ ٱلْقَوْلُ
مِنِّى لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ ٱلْجِنَّةِ وَٱلنَّاسِ أَجْمَعِينَ ﴿١٣﴾
فَذُوقُوا۟ بِمَا نَسِيتُمْ لِقَآءَ يَوْمِكُمْ هَٰذَآ إِنَّا نَسِينَٰكُمْ
وَذُوقُوا۟ عَذَابَ ٱلْخُلْدِ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿١٤﴾ إِنَّمَا يُؤْمِنُ
بِـَٔايَٰتِنَا ٱلَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا۟ بِهَا خَرُّوا۟ سُجَّدًا وَسَبَّحُوا۟ بِحَمْدِ
رَبِّهِمْ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ ۩ ﴿١٥﴾ تَتَجَافَىٰ جُنُوبُهُمْ
عَنِ ٱلْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا وَمِمَّا رَزَقْنَٰهُمْ
يُنفِقُونَ ﴿١٦﴾ فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّآ أُخْفِىَ لَهُم مِّن قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَآءًۢ
بِمَا كَانُوا۟ يَعْمَلُونَ ﴿١٧﴾ أَفَمَن كَانَ مُؤْمِنًا كَمَن كَانَ فَاسِقًا
لَّا يَسْتَوُۥنَ ﴿١٨﴾ أَمَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ فَلَهُمْ
جَنَّٰتُ ٱلْمَأْوَىٰ نُزُلًۢا بِمَا كَانُوا۟ يَعْمَلُونَ ﴿١٩﴾ وَأَمَّا ٱلَّذِينَ فَسَقُوا۟
فَمَأْوَىٰهُمُ ٱلنَّارُ كُلَّمَآ أَرَادُوٓا۟ أَن يَخْرُجُوا۟ مِنْهَآ أُعِيدُوا۟ فِيهَا وَقِيلَ
لَهُمْ ذُوقُوا۟ عَذَابَ ٱلنَّارِ ٱلَّذِى كُنتُم بِهِۦ تُكَذِّبُونَ ﴿٢٠﴾

﴿و اگر بنگری هنگامی که گنهکاران [کافران] را نزد پروردگارشان سرهایشان را به [زیر] افکنده باشند، [از شرم گویند] پروردگارا، دیدیم﴾ آنچه را از زنده شدن که انکار می‌کردیم ﴿و شنیدیم﴾ از تو تصدیق پیامبران را در آنچه تکذیبشان کردیم ﴿پس ما را بازگردان [به دنیا] تا کار شایسته انجام دهیم، [در آن] بی‌گمان ما یقین کرده‌ایم﴾ اکنون این یقین به آنها نفعی نمی‌رساند و بازگشته نمی‌شوند[۱۲] ﴿و اگر می‌خواستیم به هر شخصی هدایتش را می‌دادیم﴾ پس ایمان و طاعت را اختیار می‌کرد ﴿ولی [این] وعده از جانب من تحقق یافته است که جهنم را از جنّ‌ها و مردمان، همگی پر کنم﴾[۱۳] و خزنهٔ جهنّم به آنها، هرگاه وارد دوزخ می‌شوند می‌گوید: ﴿پس به سزای آنکه دیدار امروزتان را فراموش کردید [به ترک نمودن ایمان به آن، طعم عذاب را] بچشید حقّاً که ما [نیز] شما را فراموش کرده‌ایم [در عذاب واگذاشتیم] و طعم عذاب جاودانه را به کیفر کردارتان [از کفر و تکذیب پیامبران(علیهم السلام)] بچشید﴾[۱۴] ﴿تنها کسانی به آیات ما [قرآن] ایمان می‌آورند که چون به آن پند یابند، سجده‌کنان [بر زمین] افتند و پروردگارشان را با ستایش او﴾ می‌گویند: «سبحانَ اللهِ وبِحَمْدِه» ﴿به پاکی یاد کنند، و آنان کبر نمی‌ورزند﴾ از ایمان آوردن و اطاعت کردن[۱۵] ﴿پهلوهایشان از بسترهای [فرش شده] جدا می‌شود﴾ برای تهجّد شب ﴿با بیم [از کیفر] و امید [رحمت] پروردگارشان را می‌خوانند و از آنچه به آنان روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند﴾[۱۶] ﴿پس هیچ کسی نمی‌داند که از آنچه مایهٔ روشنی چشم است چه چیزی برایشان نهان داشته شده است، به [پاس] آنچه می‌کردند [پاداش یافتند]﴾[۱۷] ﴿آیا کسی که مؤمن است مانند کسی است که فاسق است [هرگز] برابر نمی‌شوند﴾ مؤمنان و فاسقان[۱۸] ﴿اما کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند، آنان «جنّات المأوی» دارند، بعنوان مهمانی [پیشکشی است] به جبران آنچه می‌کردند﴾[۱۹] ﴿و اما کسانی که فاسق‌اند﴾ به سبب کفر و تکذیب ﴿جایگاهشان آتش [جهنّم] است هرگاه که خواهند از آنجا بیرون آیند، به آن بازگردانیده می‌شوند و به آنان گفته شود [طعم تلخ] عذاب آتشی را بچشید که آن را دروغ می‌انگاشتید﴾[۲۰]

قواعد آیه ۱۷ـ أُخْفِیَ: به فتح یاء فعل ماضی مجهول است و در قرائتی به سکون یاء مضارع باب افعال است.



وَلَنُذِيقَنَّهُم مِّنَ ٱلْعَذَابِ ٱلْأَدْنَىٰ دُونَ ٱلْعَذَابِ ٱلْأَكْبَرِ
لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿٢١﴾ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن ذُكِّرَ بِـَٔايَٰتِ رَبِّهِۦ ثُمَّ
أَعْرَضَ عَنْهَآ ۚ إِنَّا مِنَ ٱلْمُجْرِمِينَ مُنتَقِمُونَ ﴿٢٢﴾ وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا
مُوسَى ٱلْكِتَٰبَ فَلَا تَكُن فِى مِرْيَةٍ مِّن لِّقَآئِهِۦ ۖ وَجَعَلْنَٰهُ
هُدًى لِّبَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ ﴿٢٣﴾ وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ
بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا۟ ۖ وَكَانُوا۟ بِـَٔايَٰتِنَا يُوقِنُونَ ﴿٢٤﴾ إِنَّ رَبَّكَ
هُوَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ فِيمَا كَانُوا۟ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ
﴿٢٥﴾ أَوَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا مِن قَبْلِهِم مِّنَ ٱلْقُرُونِ
يَمْشُونَ فِى مَسَٰكِنِهِمْ ۚ إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَـَٔايَٰتٍ ۖ أَفَلَا يَسْمَعُونَ
﴿٢٦﴾ أَوَلَمْ يَرَوْا۟ أَنَّا نَسُوقُ ٱلْمَآءَ إِلَى ٱلْأَرْضِ ٱلْجُرُزِ فَنُخْرِجُ
بِهِۦ زَرْعًا تَأْكُلُ مِنْهُ أَنْعَٰمُهُمْ وَأَنفُسُهُمْ ۖ أَفَلَا يُبْصِرُونَ ﴿٢٧﴾
وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا ٱلْفَتْحُ إِن كُنتُمْ صَٰدِقِينَ ﴿٢٨﴾
قُلْ يَوْمَ ٱلْفَتْحِ لَا يَنفَعُ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓا۟ إِيمَٰنُهُمْ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ
﴿٢٩﴾ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَٱنتَظِرْ إِنَّهُم مُّنتَظِرُونَ ﴿٣٠﴾

سُورَةُ الأحزاب

٤١٧

﴿و به یقین به آنان عذاب نزدیک [این جهان] را﴾ به وسیلهٔ قتل و اسارت و خشک‌سالی و بیماریها ﴿قبل از عذاب بزرگ [عذاب آخرت] می‌چشانیم باشد که [آنها که باقیمانده‌اند به سوی ایمان] برگردند﴾[۲۱] ﴿و کیست ستمکارتر از کسی که به آیات پروردگارش [قرآن] پند داده شود، آنگاه از آن روی بگرداند [کسی ستمکارتر از او نیست] بی‌گمان ما از گنهکاران انتقام خواهیم گرفت﴾[۲۲] ﴿و به موسی کتاب [تورات] دادیم، پس از لقای او [موسی] در شکّ مباش﴾ و به یقین در شب اسراء همدیگر را ملاقات کردند ﴿و آن [موسی یا کتاب] را [مایهٔ] هدایت بنی‌اسرائیل گردانیدیم﴾[۲۳] ﴿و از آنان چون شکیبائی ورزیدند﴾ بر دینشان و در برابر گرفتاریهایشان از جانب دشمنانشان ﴿و [نیز] به آیات ما﴾ که بر قدرت و یگانگی ما دلالت دارند ﴿یقین یافتند، پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما هدایت کردند﴾[۲۴] ﴿بی‌گمان پروردگار توست که میان آنان در روز قیامت در آنچه در آن اختلاف می‌ورزیدند، داوری می‌کند﴾ در امر دین[۲۵] ﴿آیا برای آنان [کافران مکّه] روشن نشده است که چه اندازه از نسلها را که در سفرهایشان راه می‌روند﴾ در سفرهایشان به سوی شام و غیره ﴿پیش از آنان نابود کردیم؟ [پس پند گیرند] بی‌گمان در این [امر] نشانه‌هاست﴾ بر قدرت ما ﴿آیا نمی‌شنوند﴾ شنیدن تدبّر و پند[۲۶] ﴿آیا ندیده‌اند که ما آب را به سوی زمین بی‌گیاه [و خشک] گسیل می‌داریم تا بدان کشت را بیرون آوریم که چهارپایانشان و خودشان از آن می‌خورند، آیا نمی‌بینند﴾ این را پس بدانند که ما بر بازگشتشان قادریم[۲۷] ﴿و می‌گویند: [به مؤمنان]: اگر راستگوئید این فتح [در بین ما و شما] کِی خواهد آمد﴾[۲۸] ﴿بگو: روز فتح﴾ به نازل شدن عذاب به آنان ﴿ایمان کافران به آنان سود نبخشد و نه آنان مهلت یابند﴾ برای توبه کردن و معذرت خواستن[۲۹] ﴿پس از آنان روی بگردان و چشم به راه باش﴾ به نازل شدن عذاب به آنان ﴿آنان نیز چشم به راهند﴾ برای تو حادثهٔ مرگ یا قتل صورت یابد پس از دست تو راحت شوند ـ و این آیه پیش از امر به قتالشان نازل شده است.[۳۰][۱]

۱ـ ابی هریره از پیغمبر خدا روایت می‌کند فرموده است. خداوند بزرگ در حدیث قدسی می‌فرماید: برای بندگان صالحم نعمتهائی آماده کرده‌ام که چشمی آن را ندیده و گوشی آن را نشنیده، و در قلب کسی خطور و گذر نکرده است تا برایشان ذخیره باشد، ترک کنید آنچه در دنیا دیده‌اید پس چیزی نیست، سپس این آیه را خواند «فلا تعلم نَفْسٌ ما أُخْفِيَ لهم مِنْ قرّة اعينٍ جزاءً بما كانوا يعملون» آیه ۱۷. شیخان و ترمذی روایت کرده‌اند.

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ ٱتَّقِ ٱللَّهَ وَلَا تُطِعِ ٱلۡكَٰفِرِينَ وَٱلۡمُنَٰفِقِينَۚ إِنَّ ٱللَّهَ
كَانَ عَلِيمًا حَكِيمٗا ١ وَٱتَّبِعۡ مَا يُوحَىٰٓ إِلَيۡكَ مِن
رَّبِّكَۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ بِمَا تَعۡمَلُونَ خَبِيرٗا ٢ وَتَوَكَّلۡ عَلَى ٱللَّهِۚ
وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ وَكِيلٗا ٣ مَّا جَعَلَ ٱللَّهُ لِرَجُلٖ مِّن قَلۡبَيۡنِ فِي
جَوۡفِهِۦۚ وَمَا جَعَلَ أَزۡوَٰجَكُمُ ٱلَّٰٓـِٔي تُظَٰهِرُونَ مِنۡهُنَّ أُمَّهَٰتِكُمۡۚ
وَمَا جَعَلَ أَدۡعِيَآءَكُمۡ أَبۡنَآءَكُمۡۚ ذَٰلِكُمۡ قَوۡلُكُم بِأَفۡوَٰهِكُمۡۖ وَٱللَّهُ
يَقُولُ ٱلۡحَقَّ وَهُوَ يَهۡدِي ٱلسَّبِيلَ ٤ ٱدۡعُوهُمۡ لِأٓبَآئِهِمۡ
هُوَ أَقۡسَطُ عِندَ ٱللَّهِۚ فَإِن لَّمۡ تَعۡلَمُوٓاْ ءَابَآءَهُمۡ فَإِخۡوَٰنُكُمۡ
فِي ٱلدِّينِ وَمَوَٰلِيكُمۡۚ وَلَيۡسَ عَلَيۡكُمۡ جُنَاحٞ فِيمَآ أَخۡطَأۡتُم
بِهِۦ وَلَٰكِن مَّا تَعَمَّدَتۡ قُلُوبُكُمۡۚ وَكَانَ ٱللَّهُ غَفُورٗا رَّحِيمًا
٥ ٱلنَّبِيُّ أَوۡلَىٰ بِٱلۡمُؤۡمِنِينَ مِنۡ أَنفُسِهِمۡۖ وَأَزۡوَٰجُهُۥٓ أُمَّهَٰتُهُمۡۗ
وَأُوْلُواْ ٱلۡأَرۡحَامِ بَعۡضُهُمۡ أَوۡلَىٰ بِبَعۡضٖ فِي كِتَٰبِ ٱللَّهِ
مِنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ وَٱلۡمُهَٰجِرِينَ إِلَّآ أَن تَفۡعَلُوٓاْ إِلَىٰٓ أَوۡلِيَآئِكُم
مَّعۡرُوفٗاۚ كَانَ ذَٰلِكَ فِي ٱلۡكِتَٰبِ مَسۡطُورٗا ٦

٤١٨

سورهٔ احزاب

در مدینه نازل شده است و آیه‌هایش هفتاد و سه می‌باشد.

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

﴿ای پیامبر از خداوند پروا بدار﴾ بر آن دوام داشته باش ﴿و از کافران و منافقان اطاعت مکن﴾ در آنچه مخالف شریعتت است ﴿به راستی خداوند داناست به آنچه می‌شود پیش از بودنش ﴿فرزانه است﴾ در آنچه می‌آفریند.[1] ﴿و از آنچه که از سوی پروردگارت به تو وحی می‌شود، پیروی کن [یعنی قرآن] خداوند از آنچه می‌کنید آگاه است[2] ﴿و به خداوند توکل کن [در کارت] و خداوند کارساز کافی است﴾ نگهدار تو است و امّتش در تمام اینها پیرو اوست[3] ﴿خداوند برای هیچ شخصی در درونش دو دل ننهاده است﴾ ردّ قول کسی است از کافران که گفته است دارای دو دلم به هر یک از آنها می‌اندیشم بهتر از عقل محمّد ﴿و آن زنانتان را که مورد ظِهار قرار می‌دهید﴾ کسی میگوید مثلاً به همسرش: تو برای من مانند پشت مادرم هستی ﴿مادرانتان قرار نداده است﴾ یعنی مانند مادران در حرام بودنش به آن جمله که در جاهلیّت طلاق به شمار می‌آمد، حرام نمی‌شوند و فقط کفارت بدان واجب می‌شود با شروط آن، چنانکه در سورهٔ مجادله ذکر شده است ﴿و پسر خواندگانتان را پسران [حقیقی] شما نگردانده است این سخن شما به زبانتان است﴾ یهود و منافقان گفته‌اند، هنگامی پیغمبر(ﷺ) زینب دختر جحش را همسر زید پسر حارثه که پسرخواندهٔ پیغمبر(ﷺ) بود، نکاح کرد، گفتند: محمد زنِ پسر خود را نکاح کرده است پس خداوند بزرگ آنان را در این مسئله تکذیب نمود ﴿و خداوند سخن حقّ می‌گوید﴾ در آن مسئله ﴿و او [به] راه راست رهنمون می‌شود﴾[4] لیکن ﴿آنان را [پسرخواندگان] را به پدرانشان نسبت دهید این [کار] در نزد خداوند دادگرانه‌تر است﴾ و اگر پدرانشان را نشناسید، برادران دینی شما و بنی‌عمّتان هستند ﴿و در آنچه که اشتباه کرده باشید،﴾ در آن ﴿گناهی بر شما نیست بلکه [گناه آن است] که دلهای شما قصد کنند﴾ در آن و آن پس از نهی باشد ﴿و خداوند آمرزنده است﴾ برای اقوال شما که پیش از آن بوده است ﴿مهربان است﴾ در آن[5] ﴿پیغمبر به مؤمنان از خود آنان سزاوارتر است﴾ در آنچه آنان را به سوی آن دعوت فرموده از امور دین و دنیا در حالی که نفسشان آنان را به سوی خلاف آن دعوت کرده است ﴿و همسرانش مادران ایشانند﴾ در حرمت نکاحشان ﴿و خویشاوندان در کتاب خدا برخی از آنان بر برخی دیگر [در ارث] نسبت به مؤمنان و مهاجران [خارج از حوزهٔ قرابت] سزاوارترند﴾ یعنی از ارث بردن به سبب ایمان و هجرت که در آغاز اسلام بوده است، پس نسخ شده ﴿مگر آن که بخواهی در حق دوستان‌تان احسانی بکنید﴾ به صدقه و وصیت پس درست است ﴿این﴾ منسوخ کردن ارث بردن از طریق هجرت و ایمان به سبب ارث بردن خویشاوندان ﴿در کتاب نوشته شده است﴾ مراد به کتاب در هر دو موضع لوح‌المحفوظ است[6]

وَإِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ وَمِنكَ وَمِن نُّوحٍ وَإِبْرَاهِيمَ
وَمُوسَىٰ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ۖ وَأَخَذْنَا مِنْهُم مِّيثَاقًا غَلِيظًا ﴿٧﴾
لِّيَسْأَلَ الصَّادِقِينَ عَن صِدْقِهِمْ ۚ وَأَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا أَلِيمًا
﴿٨﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ
جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَّمْ تَرَوْهَا ۚ وَكَانَ اللَّهُ
بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا ﴿٩﴾ إِذْ جَاءُوكُم مِّن فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ
مِنكُمْ وَإِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ
وَتَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونَا ﴿١٠﴾ هُنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَزُلْزِلُوا
زِلْزَالًا شَدِيدًا ﴿١١﴾ وَإِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم
مَّرَضٌ مَّا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا ﴿١٢﴾ وَإِذْ قَالَت طَّائِفَةٌ
مِّنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا ۚ وَيَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ
مِّنْهُمُ النَّبِيَّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَمَا هِيَ بِعَوْرَةٍ ۖ إِن يُرِيدُونَ إِلَّا
فِرَارًا ﴿١٣﴾ وَلَوْ دُخِلَتْ عَلَيْهِم مِّنْ أَقْطَارِهَا ثُمَّ سُئِلُوا الْفِتْنَةَ
لَآتَوْهَا وَمَا تَلَبَّثُوا بِهَا إِلَّا يَسِيرًا ﴿١٤﴾ وَلَقَدْ كَانُوا عَاهَدُوا
اللَّهَ مِن قَبْلُ لَا يُوَلُّونَ الْأَدْبَارَ ۚ وَكَانَ عَهْدُ اللَّهِ مَسْئُولًا ﴿١٥﴾

٤١٩

﴿و﴾ به یادآور ﴿وقتی را که از پیامبران میثاقشان را گرفتیم﴾ وقتی که در پشت آدم بیرون آورده شدند مانند کوچکترین مورچه‌ها ﴿و [نیز] از تو و نوح و ابراهیم و موسی و عیسی پسر مریم﴾ پیمان گرفتیم که عبادت خدا را انجام دهند و به سوی عبادت خدا دعوت کنند ﴿و ازآنان میثاقی غلیظ و سختی گرفتیم﴾ به وفاکردن به آنچه تعهد کرده‌اند و آن سوگند یادکردن به خداوند بزرگ است سپس گرفتن میثاق[۷] ﴿تا خداوند راستگویان را از راستی آنان بپرسد﴾ در تبلیغ رسالت برای سرزنش منکرانشان ﴿و﴾ خدای بزرگ ﴿برای کافران عذابی دردناک آماده کرده است﴾[۸] ﴿ای مؤمنان نعمت خداوند را یاد کنید، که لشکرهائی به سوی شما آمدند﴾ هفت حزب از طوائف مختلف حدود دوازده هزار هنگام کندن خندق، مدینه را محاصره کردند ﴿پس بر سر آنان تندبادی را فرستادیم﴾ تا بدانجا که دیگهایشان را برکَند و فرو انداخت ﴿و﴾ نیز فرستادیم ﴿لشکرهائی که آنها را نمی‌دیدید﴾ از فرشتگان ﴿و خداوند به آنچه می‌کردید﴾ از حفر خندق یا احزاب مشرکین می‌کردند ﴿بینا بود﴾[۹] ﴿هنگامی که از فرازتان و از فرودتان به سراغ شما آمدند﴾ از بلندی وادی در سمت شرقی مدینه و از فرودین آن در سمت مغرب ﴿و هنگامی که چشم‌ها خیره ماندند﴾ دشمن را از هر طرف نگاه می‌کردند ﴿و دلها به حنجره‌ها رسیدند﴾ از شدّت ترس ﴿و به خداوند گمانهای [گونه‌گون] می‌بردید﴾ به پیروزی و نومیدی[۱۰] ﴿آنجا بود که مؤمنان آزموده شدند﴾ تا مخلص از غیرمخلص روشن شود ﴿و به سختی تکان خوردند﴾ از شدّت هراس[۱۱] ﴿و﴾ به یاد آور ﴿هنگامی که منافقان [خالص] و بیماردلان [از ضعف عقیده] می‌گفتند: خدا و رسولش جز غرور [باطل] را به ما وعدهٔ [پیروزی] نداده‌اند﴾[۱۲] ﴿و آنگاه که طائفه‌ای از آنان [منافقان] گفتند: ای اهل سرزمین یثرب [مدینه] دیگر شما را جای درنگ نیست، پس برگردید﴾ به منزل‌هایتان به مدینه و آنها با پیغمبر(ﷺ) بیرون آمده بودند برای قتال تا به شکاف کوهی در خارج مدینه آمدند ﴿وگروهی از آنان [از سست ایمانان] از پیامبر اجازه می‌خواستند﴾ که برگردند ﴿می‌گفتند: خانه‌هایمان بی‌حفاظ است﴾ بر آن می‌ترسیم خداوند فرمود: ﴿در حالی که خانه‌هایشان بی‌حفاظ نبود جز گریز [از قتال] قصدی ندارند﴾[۱۳] ﴿و اگر از اطراف آن [خانه‌هایشان لشکریان کفار] بر سر آنان درآورده شوند سپس از آنان فتنه [ارتداد] طلب کنند به یقین آن را انجام می‌دهند و در این درنگ نمی‌کردند جز اندکی﴾[۱۴] ﴿و به راستی همینان بودند که پیش از این با خدا پیمان بسته بودند که پشت نکنند و پیمان خدا بازخواست دارد﴾ از وفا کردن به آن[۱۵]

قُل لَّن يَنفَعَكُمُ ٱلْفِرَارُ إِن فَرَرْتُم مِّنَ ٱلْمَوْتِ أَوِ ٱلْقَتْلِ وَإِذًا
لَّا تُمَتَّعُونَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿١٦﴾ قُلْ مَن ذَا ٱلَّذِي يَعْصِمُكُم مِّنَ ٱللَّهِ إِنْ
أَرَادَ بِكُمْ سُوٓءًا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ رَحْمَةً ۚ وَلَا يَجِدُونَ لَهُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ
وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ﴿١٧﴾ ۞ قَدْ يَعْلَمُ ٱللَّهُ ٱلْمُعَوِّقِينَ مِنكُمْ وَٱلْقَآئِلِينَ
لِإِخْوَٰنِهِمْ هَلُمَّ إِلَيْنَا ۖ وَلَا يَأْتُونَ ٱلْبَأْسَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿١٨﴾ أَشِحَّةً
عَلَيْكُمْ ۖ فَإِذَا جَآءَ ٱلْخَوْفُ رَأَيْتَهُمْ يَنظُرُونَ إِلَيْكَ تَدُورُ أَعْيُنُهُمْ
كَٱلَّذِي يُغْشَىٰ عَلَيْهِ مِنَ ٱلْمَوْتِ ۖ فَإِذَا ذَهَبَ ٱلْخَوْفُ سَلَقُوكُم
بِأَلْسِنَةٍ حِدَادٍ أَشِحَّةً عَلَى ٱلْخَيْرِ ۚ أُو۟لَٰٓئِكَ لَمْ يُؤْمِنُوا۟ فَأَحْبَطَ
ٱللَّهُ أَعْمَٰلَهُمْ ۚ وَكَانَ ذَٰلِكَ عَلَى ٱللَّهِ يَسِيرًا ﴿١٩﴾ يَحْسَبُونَ ٱلْأَحْزَابَ
لَمْ يَذْهَبُوا۟ ۖ وَإِن يَأْتِ ٱلْأَحْزَابُ يَوَدُّوا۟ لَوْ أَنَّهُم بَادُونَ
فِي ٱلْأَعْرَابِ يَسْـَٔلُونَ عَنْ أَنۢبَآئِكُمْ ۖ وَلَوْ كَانُوا۟ فِيكُم
مَّا قَٰتَلُوٓا۟ إِلَّا قَلِيلًا ﴿٢٠﴾ لَّقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ ٱللَّهِ أُسْوَةٌ
حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا۟ ٱللَّهَ وَٱلْيَوْمَ ٱلْءَاخِرَ وَذَكَرَ ٱللَّهَ كَثِيرًا ﴿٢١﴾
وَلَمَّا رَءَا ٱلْمُؤْمِنُونَ ٱلْأَحْزَابَ قَالُوا۟ هَٰذَا مَا وَعَدَنَا ٱللَّهُ وَرَسُولُهُۥ
وَصَدَقَ ٱللَّهُ وَرَسُولُهُۥ ۚ وَمَا زَادَهُمْ إِلَّآ إِيمَٰنًا وَتَسْلِيمًا ﴿٢٢﴾

٤٢٠

﴿بگو: اگر از مرگ یا کشته شدن بگریزید، هرگز برایتان سودی نمی‌بخشد و آنگاه [اگر بگریزید] جز اندکی [بقیّه عمرتان] بهره‌مند نمی‌شوید﴾ در دنیا پس از فرارتان(۱۶) ﴿بگو: چه کسی شما را در برابر خدا نگاه می‌دارد اگر او دربارهٔ شما بدی‌ای بخواهد﴾ نابودی یا شکست ﴿یا﴾ بدی‌ای به شما برساند ﴿اگر خدا به سَبب آن به شما رحمتی خواسته باشد و جز خدا برای خود دوست و یاریگری نمی‌یابند﴾ به آنان نفع رساند ﴿و نه نصرت دهنده‌ای﴾ ضرر را از آنها دفع کند(۱۷) ﴿در حقیقت خداوند بازدارندگان از شما را می‌شناسد و آن کسانی را که به برادرانشان می‌گفتند: نزد ما بیائید و جز اندکی به کارزار نمی‌آیند﴾ بلکه برای ریاء و شهرت است(۱۸) ﴿بخیلانند بر شما﴾ کمک نمی‌کنند ﴿و چون ترس [از دشمن] در میان آید می‌بینیشان که به سوی تو می‌نگرند در حالی که چشمانشان در حدقه می‌چرخد مانند کسی که از سختی مرگ بیهوش می‌شود و چون ترس برطرف شود [و غنائم جمع‌آوری شده]، بر شما با زبان‌های تند و تیز زبان‌درازی [و اذیّت] می‌کنند، بر غنیمت بخیل‌اند﴾ غنیمت زیاد را می‌طلبند ﴿این گروه [در حقیقت] ایمان نیاورده‌اند پس الله اعمال‌شان را نابود گردانید و این [کار] همواره بر خداوند آسان است﴾(۱۹) ﴿اینان چنین می‌پندارند که دسته‌های دشمن [کافران] نرفته‌اند﴾ به سوی مکّه یعنی از ترسی که از آنها داشته‌اند در حالی که کافران شکست خورده برگشته‌اند ﴿و اگر آن دسته‌ها باز آیند﴾ یک بار دیگر ﴿آرزو می‌کنند [منافقان]: ای کاش میان اعراب بادیه‌نشین بودند و از اخبارتان [یا کفار] سؤال می‌کردند﴾ ﴿و اگر در میان شما بودند﴾ این بار، و جنگی روی می‌داد ﴿جز اندکی پیکار نمی‌کردند﴾ آن هم برای ریاء و ترس از سرزنش‌کردنشان(۲۰) ﴿قطعاً برای شما در رسول خدا سرمشقی نیکوست﴾ از جهت پیروی کردن به او(ﷺ) در قتال و ثبات در مواطن جنگ ﴿برای آن کس که به خدا و روز آخرت امید دارد﴾ و می‌ترسد ﴿و خدا را بسیار یاد می‌کند﴾ به خلاف کسی که چنین نباشد(۲۱) ﴿و چون مؤمنان لشکرهای کفّار را دیدند، گفتند: این است آنچه خدا و رسولش به ما وعده داده بودند﴾ از گرفتار بودن به جنگ و پیروزی آن ﴿و الله و رسول او راست گفتند﴾ در وعده دادن ﴿و این﴾ لشکرهای دشمن بر مؤمنان ﴿جز ایمان و تسلیم را﴾ به وعده و [امر خدا] نیفزود﴾(۲۲)

مِّنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ رِجَالٞ صَدَقُواْ مَا عَٰهَدُواْ ٱللَّهَ عَلَيۡهِۖ فَمِنۡهُم مَّن
قَضَىٰ نَحۡبَهُۥ وَمِنۡهُم مَّن يَنتَظِرُۖ وَمَا بَدَّلُواْ تَبۡدِيلٗا ﴿٢٣﴾ لِّيَجۡزِيَ
ٱللَّهُ ٱلصَّٰدِقِينَ بِصِدۡقِهِمۡ وَيُعَذِّبَ ٱلۡمُنَٰفِقِينَ إِن شَآءَ
أَوۡ يَتُوبَ عَلَيۡهِمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ غَفُورٗا رَّحِيمٗا ﴿٢٤﴾ وَرَدَّ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ
كَفَرُواْ بِغَيۡظِهِمۡ لَمۡ يَنَالُواْ خَيۡرٗاۚ وَكَفَى ٱللَّهُ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ٱلۡقِتَالَۚ
وَكَانَ ٱللَّهُ قَوِيًّا عَزِيزٗا ﴿٢٥﴾ وَأَنزَلَ ٱلَّذِينَ ظَٰهَرُوهُم مِّنۡ
أَهۡلِ ٱلۡكِتَٰبِ مِن صَيَاصِيهِمۡ وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ ٱلرُّعۡبَ
فَرِيقٗا تَقۡتُلُونَ وَتَأۡسِرُونَ فَرِيقٗا ﴿٢٦﴾ وَأَوۡرَثَكُمۡ أَرۡضَهُمۡ
وَدِيَٰرَهُمۡ وَأَمۡوَٰلَهُمۡ وَأَرۡضٗا لَّمۡ تَطَـُٔوهَاۚ وَكَانَ ٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ
شَيۡءٖ قَدِيرٗا ﴿٢٧﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ قُل لِّأَزۡوَٰجِكَ إِن كُنتُنَّ تُرِدۡنَ
ٱلۡحَيَوٰةَ ٱلدُّنۡيَا وَزِينَتَهَا فَتَعَالَيۡنَ أُمَتِّعۡكُنَّ وَأُسَرِّحۡكُنَّ
سَرَاحٗا جَمِيلٗا ﴿٢٨﴾ وَإِن كُنتُنَّ تُرِدۡنَ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ وَٱلدَّارَ
ٱلۡأٓخِرَةَ فَإِنَّ ٱللَّهَ أَعَدَّ لِلۡمُحۡسِنَٰتِ مِنكُنَّ أَجۡرًا عَظِيمٗا ﴿٢٩﴾
يَٰنِسَآءَ ٱلنَّبِيِّ مَن يَأۡتِ مِنكُنَّ بِفَٰحِشَةٖ مُّبَيِّنَةٖ يُضَٰعَفۡ
لَهَا ٱلۡعَذَابُ ضِعۡفَيۡنِۚ وَكَانَ ذَٰلِكَ عَلَى ٱللَّهِ يَسِيرٗا ﴿٣٠﴾

«از میان مؤمنان مردانی هستند که به آنچه با خدا بر آن پیمان بسته بودند» به ثبات و پایداری با پیغمبر(ﷺ) «صادقانه وفا کردند پس از آنان کسی هست که نذر خود را به انجام رسانید» مرد یا در راه خدا فوت کرد ـ اینان نذر کرده بودند: یا شهادت یا پیروزی «و از آنان کسی هست که انتظار می‌کشد» چشم به راه شهادت است «و هیچ‌گونه تغییر و تبدیلی نیاورده‌اند» در پیمان‌شان و اینان برخلاف حال منافقانند[۲۳] «تا خدا راستگویان را در برابر راستی‌شان پاداش دهد و منافقان را عذاب کند» بدانگونه که آنها را بر نفاقشان بمیراند «اگر بخواهد، یا به رحمت بازگردد بر آنان بی‌گمان خداوند آمرزندهٔ مهربان است» به کسی که توبه کند[۲۴] «و خداوند [تعالی] کافران را [لشکرهای مشرکین] را به غیظ و حسرت برگردانید بی آن که به خیری رسیده باشند» به مرادشان از پیروزی بر مؤمنان «و خداوند مؤمنان را در جنگ کفایت کرد» به تندباد و فرشتگان ـ مسلمانان ۳۰۰۰ و مشرکین ۱۲۰۰۰ بودند «و خداوند قوی و تواناست» بر ایجاد آنچه اراده کند «غالب است» بر امرش[۲۵] «و کسانی از اهل کتاب را که از مشرکان پشتیبانی کرده بودند» یعنی قریظه «از قلعه‌هایشان [که در آن تحصن می‌کنند] فرود آورد و در دلهایشان رعب [ترس و هراس] افکند گروهی را می‌کشتید» از آنها و آنان جنگجویانند «و گروهی را به اسارت می‌گرفتید» از آنها و آنان فرزندان و زنانند[۲۶] «و زمینشان و دیارشان و مالهایشان را و [نیز] زمینی را که هنوز پا به آنجا نگذارده بودید» و آن زمین خیبر است که خداوند فتح آن را وعده داده پس از قریظه فتح شد «به شما میراث داد و خدا بر هر چیزی تواناست»[۲۷] ضمناً جنگ احزاب در ماه شوال سال پنجم هجرت رخ داده است، طول خندق حدود ۵۰۰۰ ذراع و عمقش ۷ تا ۱۰ و عرضش ۷ بیشتر.

«ای پیامبر به همسرانت [و آنها نُه زن بودند از او زرّ و زیور دنیا را خواستند که پیامبر نداشت] بگو: اگر خواهان زندگی دنیا و زینت آن هستید بیائید تا شما را مِتعه دهم» متعهٔ طلاق «و» پس از آن «به رها کردنی نیک رهایتان کنم» شما را بدون ضرر طلاق دهم[۲۸] «و اگر خواستار خدا و رسول وی و سرای آخرت هستید» یعنی بهشت «بی‌گمان خدا برای نیکوکاران شما [به سبب ارادهٔ آخرت] پاداش بزرگی را آماده کرده است» بهشت را، پس آخرت را بر دنیا اختیار کردند[۲۹] «ای همسران پیامبر هر کس از شما بدکاری آشکاری به عمل آورد، عذابش دو چندان می‌شود» دو برابر عذاب دیگران «و این امر بر خداوند آسان است»[۳۰]

قواعد آیه ۳۰ـ یُضاعَف در قرائتی یُضَعَّف با تشدید و در دیگری نُضَعِّف با نون و نصب عذاب است.

۞ وَمَن يَقْنُتْ مِنكُنَّ لِلَّهِ وَرَسُولِهِۦ وَتَعْمَلْ صَـٰلِحًا نُّؤْتِهَآ
أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ وَأَعْتَدْنَا لَهَا رِزْقًا كَرِيمًا ٣١ يَـٰنِسَآءَ ٱلنَّبِىِّ
لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِّنَ ٱلنِّسَآءِ ۚ إِنِ ٱتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِٱلْقَوْلِ
فَيَطْمَعَ ٱلَّذِى فِى قَلْبِهِۦ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا ٣٢ وَقَرْنَ
فِى بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ ٱلْجَـٰهِلِيَّةِ ٱلْأُولَىٰ ۖ وَأَقِمْنَ
ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتِينَ ٱلزَّكَوٰةَ وَأَطِعْنَ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥٓ ۚ إِنَّمَا
يُرِيدُ ٱللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنكُمُ ٱلرِّجْسَ أَهْلَ ٱلْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ
تَطْهِيرًا ٣٣ وَٱذْكُرْنَ مَا يُتْلَىٰ فِى بُيُوتِكُنَّ مِنْ
ءَايَـٰتِ ٱللَّهِ وَٱلْحِكْمَةِ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا ٣٤
إِنَّ ٱلْمُسْلِمِينَ وَٱلْمُسْلِمَـٰتِ وَٱلْمُؤْمِنِينَ وَٱلْمُؤْمِنَـٰتِ
وَٱلْقَـٰنِتِينَ وَٱلْقَـٰنِتَـٰتِ وَٱلصَّـٰدِقِينَ وَٱلصَّـٰدِقَـٰتِ وَٱلصَّـٰبِرِينَ
وَٱلصَّـٰبِرَٰتِ وَٱلْخَـٰشِعِينَ وَٱلْخَـٰشِعَـٰتِ وَٱلْمُتَصَدِّقِينَ
وَٱلْمُتَصَدِّقَـٰتِ وَٱلصَّـٰٓئِمِينَ وَٱلصَّـٰٓئِمَـٰتِ وَٱلْحَـٰفِظِينَ
فُرُوجَهُمْ وَٱلْحَـٰفِظَـٰتِ وَٱلذَّٰكِرِينَ ٱللَّهَ كَثِيرًا
وَٱلذَّٰكِرَٰتِ أَعَدَّ ٱللَّهُ لَهُم مَّغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا ٣٥

﴿و هر کس از شما که برای خدا و رسولش قانت [مطیع] باشد و کار شایسته کند، پاداشش دو بار به او می‌دهیم﴾ دو چندان زنان دیگر، ﴿و﴾ زیاده بر آن ﴿برایش روزی نیک در بهشت فراهم می‌کنیم﴾(۳۱) ﴿ای همسران پیامبر! شما مانند هیچ یک از زنان دیگر نیستید اگر [از خداوند] سر تقوا و پروا دارید﴾ مقام شما بزرگتر از دیگران است ﴿پس در سخن گفتن ملایمت نکنید [تُن صدایتان را پائین نیاورید برای مردان] که آنگاه کسی که در دلش بیماری است [نفاق] است طمع می‌ورزد، و نیکو سخن گوئید﴾ بدون پائین آوردن تُنْ صدا(۳۲) ﴿و در خانه‌هایتان قرار گیرید و مانند زینت نمائی روزگار جاهلیت﴾ پیش از اسلام که زنان محاسن فتنه‌انگیزشان برای مردان ظاهر می‌نمودند، خودنمائی نکنید و آنچه اسلام اجازهٔ ظاهر شدنش را داده در آیهٔ «ولا یُبْدِینَ زینتهن الا ما ظَهَر منها» ذکر شده است ﴿و نماز را بر پا دارید و زکات را بدهید و از خدا و پیامبرش اطاعت کنید، جز این نیست که خدا می‌خواهد تا پلیدی [گناه] را ای اهل بیت [همسران پیامبر(ﷺ)] از شما دور کند و تا پاک گرداند شما را به پاک کردنی﴾ از پلیدی(۳۳) ﴿و آنچه در خانه‌های شما از آیات الله [قرآن] و از حکمت [سنّت] خوانده می‌شود یاد کنید بی‌گمان خداوند لطیف است [به دوستانش] و آگاه است﴾ به تمام خلقش.(۳۴) ﴿بی‌گمان مردان و زنان مسلمان و مردان و زنان مؤمن و مردان و زنان قانت [مطیع] و مردان و زنان راستگو [در ایمان] و مردان و زنان شکیبا [بر طاعات] و مردان و زنان فروتن و مردان و زنان صدقه‌دهنده و مردان و زنان روزه‌دار و مردان و زنان پاکدامن [از حرام] و مردان و زنانی که خدا را بسیار یاد می‌کنند، خدا برای همهٔ آنان آمرزش [گناهان] و پاداشی بزرگ آماده کرده است﴾ در برابر طاعات(۳۵)[1]

قواعد آیه ۳۳ـ قَرْنَ: به کسر قاف و به فتح آن از قرار مشتق است و در اصل اقْرَرْنَ است به کسر راء و فتح ان از قَرِرْتَ است به فتح راء و کسر آن، حرکت راء به قاف نقل شده و با همزه وصل حذف شده است.

۱ـ قال الله تعالی «إنَّ الله و ملائِکته یُصلُّونَ علی النّبیّ یا ایُّها الَّذینَ آمنوا صَلُّوا علیه و سَلِّموا تسلیماً» از کعب‌بن عجرة(رضی الله عنه) روایت است سؤال شده است: ای رسول خدا اما سلام بر تو را دانستیم [که در تشهّد به ما آموخته‌ای بقول خود: اَلسَّلام عَلَیْكَ ایُّها النبیّ و رحمة الله و برکاتُهُ] پس صلواة بر تو چگونه است، فرمود: بگوئید اللّهمّ صلّ علی محمّد و علی آل محمّد کما صَلَّیْتَ علی آل ابراهیم انَّك حمیدٌ مجید، اللّهمّ بارک علی محمّدٍ و علی آل محمّد کما بارَکْتَ علی آل ابراهیم انَّك حمیدٌ مجید، بخاری و ترمذی روایتش کرده‌اند.

وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى ٱللَّهُ وَرَسُولُهُۥٓ أَمْرًا أَن يَكُونَ
لَهُمُ ٱلْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ ۗ وَمَن يَعْصِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَٰلًا
مُّبِينًا ﴿٣٦﴾ وَإِذْ تَقُولُ لِلَّذِىٓ أَنْعَمَ ٱللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ
أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَٱتَّقِ ٱللَّهَ وَتُخْفِى فِى نَفْسِكَ مَا ٱللَّهُ
مُبْدِيهِ وَتَخْشَى ٱلنَّاسَ وَٱللَّهُ أَحَقُّ أَن تَخْشَىٰهُ ۖ فَلَمَّا قَضَىٰ زَيْدٌ
مِّنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَٰكَهَا لِكَىْ لَا يَكُونَ عَلَى ٱلْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِىٓ
أَزْوَٰجِ أَدْعِيَآئِهِمْ إِذَا قَضَوْا۟ مِنْهُنَّ وَطَرًا ۚ وَكَانَ أَمْرُ ٱللَّهِ مَفْعُولًا
﴿٣٧﴾ مَّا كَانَ عَلَى ٱلنَّبِىِّ مِنْ حَرَجٍ فِيمَا فَرَضَ ٱللَّهُ لَهُۥ ۖ سُنَّةَ ٱللَّهِ فِى
ٱلَّذِينَ خَلَوْا۟ مِن قَبْلُ ۚ وَكَانَ أَمْرُ ٱللَّهِ قَدَرًا مَّقْدُورًا ﴿٣٨﴾ ٱلَّذِينَ
يُبَلِّغُونَ رِسَٰلَٰتِ ٱللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُۥ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا ٱللَّهَ ۗ وَكَفَىٰ
بِٱللَّهِ حَسِيبًا ﴿٣٩﴾ مَّا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَآ أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَٰكِن
رَّسُولَ ٱللَّهِ وَخَاتَمَ ٱلنَّبِيِّۦنَ ۗ وَكَانَ ٱللَّهُ بِكُلِّ شَىْءٍ عَلِيمًا ﴿٤٠﴾
يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ ٱذْكُرُوا۟ ٱللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا ﴿٤١﴾ وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً
وَأَصِيلًا ﴿٤٢﴾ هُوَ ٱلَّذِى يُصَلِّى عَلَيْكُمْ وَمَلَٰٓئِكَتُهُۥ لِيُخْرِجَكُم
مِّنَ ٱلظُّلُمَٰتِ إِلَى ٱلنُّورِ ۚ وَكَانَ بِٱلْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا ﴿٤٣﴾

٤٢٣

﴿و هیچ مرد مؤمن و زن مؤمنه‌ای را نرسد که چون خدا و رسولش به کاری فرمان دهند، برای آنان در کارشان اختیاری باشد﴾ برخلاف امر خدا و رسولش، این آیه دربارهٔ عبدالله پسر جحش و خواهرش زینب نازل شده است، پیغمبر(ﷺ) زینب را برای زید پسر حارثه خواستگاری کرد، عبدالله و خواهرش وقتی دانستند که خواستگاری برای زید است آن را پسند نداشتند چون از قبل گمان داشتند که پیغمبر(ﷺ) برای خود خواستگاری کرده است، اما چون آیه نازل شده راضی شدند ﴿و هر کس الله و رسولش را نافرمانی کند قطعاً در گمراهی آشکاری افتاده است﴾ پس پیغمبر(ﷺ) برای زید نکاحش نمود، سپس چشمش بر او افتاد پس از مدّتی پس محبّتش در دلش قرار گرفت و ناپسندی‌اش در دل زید، سپس زید به پیغمبر خدا گفت: می‌خواهم از او جدا شوم فرمود: همسرت نگهدار چنانچه خداوند فرمود[۳۶] ﴿و﴾ به یاد آور ﴿چون کسی که الله بر وی نعمت ارزانی داشته﴾ او زیدبن حارثه است که اسلام آورد ﴿و تو نیز بر وی انعام کرده‌ای﴾ به آزاد کردنش از اسیران زمان جاهلیّت است پیغمبر خدا قبل از بعثت او را خرید و آزادش کرد و فرزند خود قرارش داد ﴿می‌گفتی: نگاه‌دار بر خود همسرت را و از خدا پروا بدار﴾ در کار طلاقش ﴿و آنچه را که خدا پدیدارکنندهٔ آن است﴾ ظاهرکننده آن است از دوست داشتنش و اینکه اگر زید طلاقش میداد نکاحش می‌کردی ﴿در ضمیر خویش نهان می‌کردی و از مردم می‌ترسیدی﴾ که بگویند با همسر پسرش ازدواج کرده است ﴿و خدا سزاوارتر است به این که از او بترسی﴾ در هر چیز و در نکاح او و باکی از قول مردم نیست سپس زید طلاقش داد و عدّه‌اش به سر رفت خداوند فرمود: ﴿پس چون زید حاجت خویش را از او برآورد، او را به ازدواج تو برآوردیم﴾ پس پیامبر(ﷺ) بدون اذن او را نکاح نمود و نان و گوشت ولیمه را داد ﴿تا بر مؤمنان هیچ حرجی نباشد در مورد همسران پسر خواندگانشان آنگاه که [پسرخواندگان] حاجت خویش را از آنان برآورده باشند و امر الله [قضای الله] انجام یافتنی است﴾[۳۷] ﴿بر پیامبر در آنچه خدا برای او فرض [حلال] گردانیده [از ازدواج با زینب رضی الله عنهما] هیچ حرجی نیست این سنّت الهی است در میان پیشینیان نیز معمول بوده است﴾ که حرجی بر پیامبران در این باره نیست تا در نکاح وسعت یابند ﴿و فرمان الله همواره به اندازهٔ مقدر است﴾[۳۸] ﴿همان کسانی [بیان صفت پیامبران پیشین است] که پیامهای خدا را ابلاغ می‌کنند و از او می‌ترسند و جز خدا از هیچ کس بیم ندارند﴾ پس از قول مردم در آنچه خدا برایشان حلال کرده است نمی‌ترسند ﴿و خدا حسابرسی را بس است﴾ نگهدار کردارهای خلق و محاسبه‌شان است[۳۹] ﴿محمّد پدر هیچ یک از مردان شما نیست﴾ پس پدر زید نیست ازدواج با همسرش زینب بر او حرام نیست ﴿ولی محمد فرستاده خدا و خاتم پیامبران است﴾ پس بعد از خود پسر مردی ندارد پیامبر شود در قرائتی به فتح تاء است یعنی وسیلهٔ ختم است ﴿و خداوند به همه چیز داناست﴾ از جملهٔ آن است که پیامبری پس از او نیست و هرگاه حضرت عیسی نازل شود به شریعت او حکم می‌کند[۴۰] ﴿ای مؤمنان خدا را ذکر کنید به ذکر کردنی بسیار﴾[۴۱] ﴿و صبح و شام او را تسبیح گوئید﴾ اول و آخر روز[۴۲] ﴿اوست کسی که بر شما رحمت می‌فرستد﴾ به شما مهربانی می‌کند ﴿و فرشتگان او نیز بر شما رحمت می‌فرستند﴾ طلب آمرزش برایتان می‌کنند ﴿تا شما را [همواره] از تاریکیهای [کفر] به سوی نور [ایمان] برآورد و بر مؤمنان همواره مهربان است﴾[۴۳]

﴿تَحِيَّتُهُمْ يَوْمَ يَلْقَوْنَهُۥ سَلَٰمٌ ۚ وَأَعَدَّ لَهُمْ أَجْرًا كَرِيمًا ﴿٤٤﴾ يَٰٓأَيُّهَا
ٱلنَّبِىُّ إِنَّآ أَرْسَلْنَٰكَ شَٰهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا ﴿٤٥﴾ وَدَاعِيًا
إِلَى ٱللَّهِ بِإِذْنِهِۦ وَسِرَاجًا مُّنِيرًا ﴿٤٦﴾ وَبَشِّرِ ٱلْمُؤْمِنِينَ بِأَنَّ لَهُم
مِّنَ ٱللَّهِ فَضْلًا كَبِيرًا ﴿٤٧﴾ وَلَا تُطِعِ ٱلْكَٰفِرِينَ وَٱلْمُنَٰفِقِينَ
وَدَعْ أَذَىٰهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى ٱللَّهِ ۚ وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ وَكِيلًا ﴿٤٨﴾
يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓا۟ إِذَا نَكَحْتُمُ ٱلْمُؤْمِنَٰتِ ثُمَّ طَلَّقْتُمُوهُنَّ
مِن قَبْلِ أَن تَمَسُّوهُنَّ فَمَا لَكُمْ عَلَيْهِنَّ مِنْ عِدَّةٍ تَعْتَدُّونَهَا ۖ
فَمَتِّعُوهُنَّ وَسَرِّحُوهُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا ﴿٤٩﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِىُّ إِنَّآ
أَحْلَلْنَا لَكَ أَزْوَٰجَكَ ٱلَّٰتِىٓ ءَاتَيْتَ أُجُورَهُنَّ وَمَا مَلَكَتْ
يَمِينُكَ مِمَّآ أَفَآءَ ٱللَّهُ عَلَيْكَ وَبَنَاتِ عَمِّكَ وَبَنَاتِ عَمَّٰتِكَ
وَبَنَاتِ خَالِكَ وَبَنَاتِ خَٰلَٰتِكَ ٱلَّٰتِى هَاجَرْنَ مَعَكَ وَٱمْرَأَةً
مُّؤْمِنَةً إِن وَهَبَتْ نَفْسَهَا لِلنَّبِىِّ إِنْ أَرَادَ ٱلنَّبِىُّ أَن يَسْتَنكِحَهَا
خَالِصَةً لَّكَ مِن دُونِ ٱلْمُؤْمِنِينَ ۗ قَدْ عَلِمْنَا مَا فَرَضْنَا
عَلَيْهِمْ فِىٓ أَزْوَٰجِهِمْ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَٰنُهُمْ لِكَيْلَا
يَكُونَ عَلَيْكَ حَرَجٌ ۗ وَكَانَ ٱللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا ﴿٥٠﴾

٤٢٤

﴿درودشان [از طرف خداوند] روزی که با او ملاقات کنند، سلام است﴾ به زبان فرشتگان ﴿و برای آنان پاداشی ارزشمند [یعنی بهشت] آماده کرده است﴾(٤٤) ﴿ای پیامبر بی‌گمان ما تو را فرستاده‌ایم گواه﴾ بر کسی که به سوی او فرستاده شده‌ای ﴿و بشارتگر﴾ به بهشت برای کسی که تصدیق کند ﴿و هشدار دهنده﴾ به آتش برای کسی که تکذیب کند(٤٥) ﴿و دعوتگر به سوی خدا﴾ به سوی طاعتش ﴿به اذن او [به امر او] و چراغی تابناک هستی﴾ یعنی مانند آن در هدایت نمودن(٤٦) ﴿و مؤمنان را بشارت ده که برای آنان از جانب الله فضلی بزرگ است﴾ آن بهشت است(٤٧) ﴿و از کافران و منافقان [در آنچه مخالف شریعت توست] فرمان نبر و به آزارشان اعتبار نده﴾ مقابله به مثل مکن تا اینکه دربارهٔ آنها کاری به تو امر می‌شود ﴿و بر خدا توکل کن﴾ او کافی توست ﴿و خداوند بعنوان کارساز بس است﴾ که به او تفویض کنید(٤٨) ﴿ای مؤمنان چون زنان مؤمن را به نکاح خود درآورید آنگاه پیش از آن که آنان را مساس کنید طلاق‌شان دادید، دیگر شما را بر این زنان هیچ عدّه‌ای نیست که آن را بشمارید﴾ به طهر یا به حیض ﴿پس به آنان متعه دهید﴾ به آنها به مقداری که بدان بهره‌مند شوند عطا کنید یعنی در صورتی مهریه نام برده نشده باشد، و اگر مهریه را نام برده باشند فقط حق نصف مهریه را دارد، ابن‌عباس گفته است: امام شافعی بر آن است ﴿و آنان را رها کنید به رها کردنی نیک﴾ بدون ضرر(٤٩) ﴿ای پیامبر قطعاً ما آن همسرانت را که مهرهاشان را داده‌ای، برای تو حلال کرده‌ایم و کسانی را که خدا از طریق فییء به تو بخشیده و ملک یمین تو هستند﴾ از کافران به سبیٔ و اسارت مانند صفیّه و جویریه ﴿و دختران عمویت و دختران عمه‌هایت و دختران دائی‌آت و دختران خاله‌هایت که با تو مهاجرت کرده‌اند﴾ به خلاف آنان که مهاجرت نکرده‌اند [اما این قید منسوخ است] و زن مؤمنی که خود را به پیامبر ببخشد در صورتی که پیامبر بخواهد او را به زنی گیرد﴾ نکاحش را بدون مهریه بخواهد ﴿مخصوص توست نه دیگر مؤمنان﴾ نکاح به لفظ هبه بدون مهر مخصوص پیامبر است ﴿به راستی دانستیم آنچه را فرض کرده‌ایم بر آنان﴾ یعنی مؤمنان ﴿در حقّ زنانشان﴾ از احکام به این که چهار زن بیشتر در نکاح نداشته باشند و جز به حضور ولیّ و شاهد و مهریه ازدواج نکنند ﴿و﴾ نیز در مورد ﴿آنچه که یمین‌هایشان مالک آن شده است﴾ از کنیزان به خریدن و غیره بدینگونه که کنیز از آنان باشد که برای مالکشان حلال است مانند کنیزان کتابی به خلاف آتش‌پرست و بت‌پرست و شرط دیگر آن است که برائت رَحِم قبل از وطهٔ حاصل آید ﴿تا بر تو هیچ حرجی نباشد﴾ مربوط است به وسعت نکاحها در مورد زنان پیامبر(ﷺ) ﴿و خداوند آمرزنده است﴾ در آنچه دوری از آن سخت باشد ﴿مهربان است﴾ با وسیع ساختن دائرهٔ اباحت(٥٠)

۞ تُرْجِي مَن تَشَآءُ مِنْهُنَّ وَتُـْٔوِيٓ إِلَيْكَ مَن تَشَآءُ ۖ وَمَنِ ٱبْتَغَيْتَ
مِمَّنْ عَزَلْتَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكَ ۚ ذَٰلِكَ أَدْنَىٰٓ أَن تَقَرَّ أَعْيُنُهُنَّ
وَلَا يَحْزَنَّ وَيَرْضَيْنَ بِمَآ ءَاتَيْتَهُنَّ كُلُّهُنَّ ۚ وَٱللَّهُ يَعْلَمُ
مَا فِى قُلُوبِكُمْ ۚ وَكَانَ ٱللَّهُ عَلِيمًا حَلِيمًا ﴿٥١﴾ لَّا يَحِلُّ لَكَ
ٱلنِّسَآءُ مِنۢ بَعْدُ وَلَآ أَن تَبَدَّلَ بِهِنَّ مِنْ أَزْوَٰجٍ وَلَوْ أَعْجَبَكَ
حُسْنُهُنَّ إِلَّا مَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ ۗ وَكَانَ ٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ رَّقِيبًا
﴿٥٢﴾ يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ لَا تَدْخُلُوا۟ بُيُوتَ ٱلنَّبِىِّ إِلَّآ أَن
يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَىٰ طَعَامٍ غَيْرَ نَـٰظِرِينَ إِنَىٰهُ وَلَـٰكِنْ إِذَا دُعِيتُمْ
فَٱدْخُلُوا۟ فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَٱنتَشِرُوا۟ وَلَا مُسْتَـْٔنِسِينَ لِحَدِيثٍ ۚ إِنَّ
ذَٰلِكُمْ كَانَ يُؤْذِى ٱلنَّبِىَّ فَيَسْتَحْىِۦ مِنكُمْ ۖ وَٱللَّهُ لَا
يَسْتَحْىِۦ مِنَ ٱلْحَقِّ ۚ وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَـٰعًا فَسْـَٔلُوهُنَّ مِن
وَرَآءِ حِجَابٍ ۚ ذَٰلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ ۚ وَمَا كَانَ
لَكُمْ أَن تُؤْذُوا۟ رَسُولَ ٱللَّهِ وَلَآ أَن تَنكِحُوٓا۟ أَزْوَٰجَهُۥ
مِنۢ بَعْدِهِۦٓ أَبَدًا ۚ إِنَّ ذَٰلِكُمْ كَانَ عِندَ ٱللَّهِ عَظِيمًا ﴿٥٣﴾ إِن
تُبْدُوا۟ شَيْـًٔا أَوْ تُخْفُوهُ فَإِنَّ ٱللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَىْءٍ عَلِيمًا ﴿٥٤﴾

٤٢٥

﴿نوبت هر کدام از آنان را﴾ از همسرانت ﴿که می‌خواهی به تأخیر اندازد و هر کدام را که می‌خواهی پیش خود جای ده﴾ از آنان پس نزد او بیا ﴿و اگر زنی از آنان را که از او کناره گرفته‌ای، باز بجوئی هیچ گناهی بر تو نیست﴾ در خواستن و پیش آمدنش نزد تو، اختیار به او(ﷺ) داده شده پس از اینکه نوبت بر او واجب بوده است ﴿این﴾ که من به تو این اختیار را داده‌ام ﴿نزدیکتر است به آن که چشمانشان روشن شود﴾ زیرا وقتی بدانند که این اختیار از نزد ما به تو داده شده است رشک و غیرت زنانه از آنان رخت بربسته و دلها و دیدگانشان آرام می‌گیرد ﴿و اندوهگین نشوند و همگی‌شان به آنچه به آنان داده‌ای﴾ آنچه در آن مختار است ﴿خشنود گردند، و آنچه در دلهای شماست خدا می‌داند﴾ از امر زنان و میل به بعضی از ایشان و در آن تو را مختار ننموده‌ایم جز برای آسان نمودن کار بر تو در آنچه اراده کنی، ﴿و خداوند داناست﴾ به خلقش ﴿بردبار است﴾ از عقابشان[۵۱] ﴿بعد از این﴾ که این نه تن همسرانت پس از مخیّر شدن، تو را برگزیدند ﴿دیگر گرفتن زنان برای تو حلال نیست و برایت حلال نیست که زنان دیگری را جانشین آنان کنی﴾ بدینگونه که آنان یا یکی از آنان را طلاق دهی و در عوض آنان با زنانی دیگر ازدواج کنی ﴿هر چند زیبائی آنان تو را به شگفت آورد به استثنای آنچه که دست تو مالک شده است﴾ از کنیزان پس برای تو حلال است، و او(ﷺ) پس از آنان مالک ماریه شد و با وی ازدواج کردند و فرزندشان ابراهیم که در حیات پیامبر(ﷺ) درگذشت، از وی به دنیا آمد ﴿و خداوند بر همه چیز مراقب است﴾ نگهدار است[۵۲] ﴿ای مؤمنان به خانه‌های پیامبر داخل نشوید مگر آن که با دعوت به طعامی به شما اجازه داده شود بی آن که منتظر آماده شدن آن باشید﴾ یعنی بی آن که انتظار پخته شدن غذا بنشینید ﴿ولی هنگامی که دعوت شدید داخل شوید پس چون غذا خوردید پراکنده شوید، و نه سرگرم سخن [بعضی برای بعضی دیگر] شوید بی‌گمان این کار [سرگرمی و ایستادن]، پیامبر را رنج می‌دهد ولی از شما شرم می‌دارد [که شما را بیرون نماید] ولی خدا از حقّ شرم نمی‌کند﴾ که شما را خارج کند یعنی بیان حکم را ترک نمی‌کند ﴿و چون از زنان پیامبر(ﷺ) متاعی خواستید، پس از پشت پرده از آنان بخواهید این برای دلهای شما و دلهای آنان پاکیزه‌تر است﴾ از شکّ و شبهه و وسائس شیطانی ﴿و برای شما سزاوار نیست که رسول خدا را برنجانید [به چیزی] و قطعاً نباید زنانش را پس از وفات او به نکاح خود درآورید بی‌گمان این کار نزد الله [گناهی] بزرگ است﴾[۵۳] ﴿اگر چیزی را [از امر نکاح همسرانش پس از او] آشکار کنید یا آن را پنهان دارید قطعاً خداوند به هر چیزی داناست پس شما را بر آن پاداش می‌دهد﴾[۵۴]

لَّا جُنَاحَ عَلَيۡهِنَّ فِيٓ ءَابَآئِهِنَّ وَلَآ أَبۡنَآئِهِنَّ وَلَآ إِخۡوَٰنِهِنَّ وَلَآ أَبۡنَآءِ
إِخۡوَٰنِهِنَّ وَلَآ أَبۡنَآءِ أَخَوَٰتِهِنَّ وَلَا نِسَآئِهِنَّ وَلَا مَا مَلَكَتۡ
أَيۡمَٰنُهُنَّۗ وَٱتَّقِينَ ٱللَّهَۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ شَهِيدًا
٥٥ إِنَّ ٱللَّهَ وَمَلَٰٓئِكَتَهُۥ يُصَلُّونَ عَلَى ٱلنَّبِيِّۚ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ
ءَامَنُواْ صَلُّواْ عَلَيۡهِ وَسَلِّمُواْ تَسۡلِيمًا ٥٦ إِنَّ ٱلَّذِينَ يُؤۡذُونَ
ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ لَعَنَهُمُ ٱللَّهُ فِي ٱلدُّنۡيَا وَٱلۡأٓخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمۡ عَذَابٗا
مُّهِينٗا ٥٧ وَٱلَّذِينَ يُؤۡذُونَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ وَٱلۡمُؤۡمِنَٰتِ
بِغَيۡرِ مَا ٱكۡتَسَبُواْ فَقَدِ ٱحۡتَمَلُواْ بُهۡتَٰنٗا وَإِثۡمٗا مُّبِينٗا ٥٨
يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ قُل لِّأَزۡوَٰجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَآءِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ يُدۡنِينَ
عَلَيۡهِنَّ مِن جَلَٰبِيبِهِنَّۚ ذَٰلِكَ أَدۡنَىٰٓ أَن يُعۡرَفۡنَ فَلَا يُؤۡذَيۡنَۗ وَكَانَ
ٱللَّهُ غَفُورٗا رَّحِيمٗا ٥٩ ۞ لَّئِن لَّمۡ يَنتَهِ ٱلۡمُنَٰفِقُونَ وَٱلَّذِينَ
فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٞ وَٱلۡمُرۡجِفُونَ فِي ٱلۡمَدِينَةِ لَنُغۡرِيَنَّكَ
بِهِمۡ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَآ إِلَّا قَلِيلٗا ٦٠ مَّلۡعُونِينَۖ
أَيۡنَمَا ثُقِفُوٓاْ أُخِذُواْ وَقُتِّلُواْ تَقۡتِيلٗا ٦١ سُنَّةَ ٱللَّهِ فِي
ٱلَّذِينَ خَلَوۡاْ مِن قَبۡلُۖ وَلَن تَجِدَ لِسُنَّةِ ٱللَّهِ تَبۡدِيلٗا ٦٢

٤٢٦

﴿بر زنان هیچ گناهی نیست در مورد فروگذاشتن حجاب پیش پدران خویش و پسران خویش و برادران خویش و پسران برادران خویش و پسران خواهران خویش و زنان هم‌جنس خویش [مؤمنات] و نه آنچه که دست آنان مالک آن شده است﴾ از کنیزان و غلامان که آنها ببینند و بدون حجاب با آنها سخن گویند ﴿و ای زنان از الله پروا بدارید [در آنچه به او امر شده است] همانا خدا بر همه چیز شهید است﴾ چیزی بر او پوشیده نیست[۵۵] ﴿همانا خدا و فرشتگان بر پیامبر درود می‌فرستند﴾ بر محمّد(ﷺ) ﴿ای مؤمنان شما نیز بر او درود بفرستید و سلام گوئید به سلام گفتنی﴾ یعنی بگوئید: اللّهمّ صل علی محمّد و سلّم[۵۶] ﴿بی‌گمان کسانی که خدا و پیامبرش را می‌رنجانند﴾ و آنها کافران‌اند خدا را به داشتن فرزند و شریک وصف می‌کنند که خدا از آن پاک و منزّه است و پیامبرش را تکذیب می‌کنند ﴿خدا آنان را در دنیا و آخرت لعنت کرده﴾ از رحمتش دور نموده ﴿و برایشان عذابی خوارکننده آماده کرده است﴾ و آن آتش است[۵۷] ﴿و کسانی که مردان و زنان مؤمن را بی‌آن‌که مرتکب عملی ناروا شده باشند﴾ به آنان افتراء می‌بندند ﴿آزار می‌رسانند قطعاً بهتان [دروغ] و گناه آشکاری به گردن گرفته‌اند﴾[۵۸] ﴿ای پیامبر به زنان و دخترانت و به زنان مسلمانان بگو جلبابهای خود را بر خود نزدیک سازند﴾ و آن چادر یا جامهٔ گشادی است که زنان بر روی لباس پوشند یعنی بعضی را بر صورت‌شان قرار دهند جز یک چشم هرگاه برای حاجتی بیرون می‌روند ﴿این﴾ فرو پوشیدن چادرها ﴿نزدیک‌تر است به آن که شناخته شوند﴾ به این که از زنان حرّ و آزاد می‌باشند ﴿پس مورد آزار قرار داده نشوند﴾ به تعرّض به آنها، به خلاف کنیزان پس صورتشان را نمی‌پوشند و منافقان به آنها تعرّض می‌کردند ﴿و خدا آمرزنده است﴾ از آنچه زنان مؤمن در گذشته ترک حجاب کرده‌اند ﴿مهربان است﴾ به آنها زیرا حجاب را پوشیده‌اند[۵۹] ﴿اگر منافقین و کسانی که در دلهایشان بیماری است﴾ به عمل زنا ﴿و شایعه‌سازان در مدینه﴾ آنها که به قول‌شان باور دارند می‌گویند: دشمنتان آمد و سریّه‌هاتان کشته شدند یا شکست خوردند سریه چند کس از اصحابند که مأمور جهادند ولی پیغمبر(ﷺ) با آنان نباشد، اگر پیامبر(ﷺ) با آنان باشد به آن غزوه گفته می‌شود ﴿دست برندارند، البتّه تو را بر آنها می‌شورانیم﴾ مسلّط می‌کنیم ﴿و سپس جز اندک مدّتی در مدینه در جوار تو نپایند﴾ ساکن نباشند[۶۰] ﴿لعنت کرده شدگانند﴾ و رانده‌شدگانند از رحمت ﴿هر کسی یافته شوند اسیر گرفته شوند و به کشتنی سخت کشته شوند﴾ این حکم در میان آنان دستوری است امر شده[۶۱] ﴿دربارهٔ کسانی که پیش از این گذشته‌اند﴾ از ملتهای گذشته در منافقان و شایعه‌سازان ﴿همین سنّت خدا جاری بوده است﴾ سنّت کشتار منافقان ﴿و در سنّت خدا هرگز تغییر و تبدیلی نمی‌یابی﴾ از آن[۶۲]

يَسْـَٔلُكَ ٱلنَّاسُ عَنِ ٱلسَّاعَةِ ۖ قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِندَ ٱللَّهِ ۚ وَمَا يُدْرِيكَ
لَعَلَّ ٱلسَّاعَةَ تَكُونُ قَرِيبًا ﴿٦٣﴾ إِنَّ ٱللَّهَ لَعَنَ ٱلْكَٰفِرِينَ وَأَعَدَّ
لَهُمْ سَعِيرًا ﴿٦٤﴾ خَٰلِدِينَ فِيهَآ أَبَدًا ۖ لَّا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا
﴿٦٥﴾ يَوْمَ تُقَلَّبُ وُجُوهُهُمْ فِى ٱلنَّارِ يَقُولُونَ يَٰلَيْتَنَآ أَطَعْنَا ٱللَّهَ
وَأَطَعْنَا ٱلرَّسُولَا۠ ﴿٦٦﴾ وَقَالُوا۟ رَبَّنَآ إِنَّآ أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبَرَآءَنَا
فَأَضَلُّونَا ٱلسَّبِيلَا۠ ﴿٦٧﴾ رَبَّنَآ ءَاتِهِمْ ضِعْفَيْنِ مِنَ ٱلْعَذَابِ
وَٱلْعَنْهُمْ لَعْنًا كَبِيرًا ﴿٦٨﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ لَا تَكُونُوا۟ كَٱلَّذِينَ
ءَاذَوْا۟ مُوسَىٰ فَبَرَّأَهُ ٱللَّهُ مِمَّا قَالُوا۟ ۚ وَكَانَ عِندَ ٱللَّهِ وَجِيهًا ﴿٦٩﴾
يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ ٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ وَقُولُوا۟ قَوْلًا سَدِيدًا ﴿٧٠﴾ يُصْلِحْ
لَكُمْ أَعْمَٰلَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ ۗ وَمَن يُطِعِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ
فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا ﴿٧١﴾ إِنَّا عَرَضْنَا ٱلْأَمَانَةَ عَلَى ٱلسَّمَٰوَٰتِ
وَٱلْأَرْضِ وَٱلْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَن يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا
ٱلْإِنسَٰنُ ۖ إِنَّهُۥ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا ﴿٧٢﴾ لِّيُعَذِّبَ ٱللَّهُ ٱلْمُنَٰفِقِينَ
وَٱلْمُنَٰفِقَٰتِ وَٱلْمُشْرِكِينَ وَٱلْمُشْرِكَٰتِ وَيَتُوبَ ٱللَّهُ
عَلَى ٱلْمُؤْمِنِينَ وَٱلْمُؤْمِنَٰتِ ۗ وَكَانَ ٱللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًۢا ﴿٧٣﴾

٤٢٧

﴿مردم [اهل مکّه] از تو دربارهٔ قیامت [وقت وقوعش] می‌پرسند، بگو: علم آن فقط نزد الله است و تو چه دانی چه بسا قیامت نزدیک باشد﴾[۶۳] ﴿همانا خداوند کافران را لعنت کرده [دور افکنده] و برایشان آتش فروزانی آماده کرده است﴾ سعیر آتش بسیار فروزان است که در آن وارد می‌شوند[۶۴] ﴿جاودانه و همیشه در آن می‌مانند نه هیچ دوستی می‌یابند [آنها را از آتش حفظ کند] و نه هیچ یاوری﴾ عذاب را از آنها دفع کند[۶۵] ﴿روزی که چهره‌هایشان در آتش دوزخ گردانده شود، می‌گویند: ای کاش ما الله را فرمان می‌بردیم و پیامبر را اطاعت می‌کردیم﴾[۶۶] ﴿و گفتند﴾ پیروان آنان ﴿پروردگارا ما از پیشوایان و بزرگان خود فرمان بردیم پس ما را از راه [هدایت] گمراه ساختند﴾[۶۷] ﴿پروردگارا آنان را دو چندان عذاب ده [دو برابر عذاب ما] و لعنتشان کن لعنتی بزرگ﴾ عددش بزرگ باشد[۶۸] ﴿ای مؤمنان [با پیامبرتان] مانند کسانی نباشید که موسی را آزار دادند﴾ می‌گفتند: مثلاً او را از اینکه غسل کند مانع نبوده جز دبّه خایه‌اش [ورم دو بیضه] ﴿پس خدا او را از آنچه گفتند مُبَرّا ساخت﴾ بدینگونه که لباسش را روی سنگی نهاد تا غسل کند پس سنگ لباسش را در ربود در بین اشرافی از بنی‌اسرائیل متوقف شد موسی(عليه السلام) ناگزیر با تنی عریان دنبال وی افتاد تا به محل مجالس بنی‌اسرائیل رسید لباسش برگرفت و پوشید، او را دیدند که ورم دو بیضه ندارد ﴿و موسی نزد خدا با آبرو بود﴾ صاحب مقام، و از جملهٔ آنچه پیغمبر(ﷺ) ما با آن آزار دید اینکه غنیمه را تقسیم می‌نمود، مردی گفت قطعاً در این تقسیم رضای خداوند متعادل مدّ نظر قرار نگرفته است پس چهرهٔ مبارک از خشم قرمز شد فرمودند: رحمت خداوند بر موسی باد قطعاً او بیشتر از این، مورد آزار قرار گرفت پس شکیبائی کرد. بخاری این را روایت کرده است[۶۹] ﴿ای مؤمنان از خدا پروا دارید و سخنی استوار بگوئید﴾ سخنی حق[۷۰] ﴿تا اعمال شما را برای شما به صلاح درآورد﴾ بپذیرد ﴿و گناهان شما را برای شما بیامرزد و هرکس خدا و رسولش را فرمان برد قطعاً به رستگاری بزرگی نائل آمده است﴾ به غایت مطلوب رسیده است[۷۱] ﴿همانا ما امانت را﴾ نماز و غیره را از چیزهائی که بر ادای آن ثواب و بر ترک آن عقاب تعلق می‌گیرد ﴿بر آسمانها و زمین و کوهها عرضه داشتیم [بدانگونه که فهم و نطق را در آن آفرید] پس از برداشتن آن سرباز زدند و از آن هراسناک شدند، و انسان [آدم پس از عرضه داشتن بر او] آن را برداشت بی‌گمان او ستمگر است﴾ به نفس خود به سبب آن برداشتن ﴿نادان است﴾ به آن[۷۲] ﴿تا سرانجام خدا مردان و زنان منافق و مردان و زنان مشرک را [خیانت‌کنندگان به امانت را] عذاب دهد، و بر مردان و زنان مؤمن [که پرداخت کنندگان امانتند] به رحمت باز گردد و خدا آمرزگار است﴾ برای مؤمنان ﴿مهربان است﴾ به آنها[۷۳]

سُورَةُ سَبَإٍ

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ ٱلَّذِى لَهُۥ مَا فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِى ٱلْأَرْضِ وَلَهُ ٱلْحَمْدُ
فِى ٱلْءَاخِرَةِ ۚ وَهُوَ ٱلْحَكِيمُ ٱلْخَبِيرُ ﴿١﴾ يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِى ٱلْأَرْضِ
وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنزِلُ مِنَ ٱلسَّمَآءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا ۚ وَهُوَ
ٱلرَّحِيمُ ٱلْغَفُورُ ﴿٢﴾ وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ لَا تَأْتِينَا ٱلسَّاعَةُ ۖ
قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّى لَتَأْتِيَنَّكُمْ عَٰلِمِ ٱلْغَيْبِ ۖ لَا يَعْزُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ
ذَرَّةٍ فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَلَا فِى ٱلْأَرْضِ وَلَآ أَصْغَرُ مِن ذَٰلِكَ
وَلَآ أَكْبَرُ إِلَّا فِى كِتَٰبٍ مُّبِينٍ ﴿٣﴾ لِّيَجْزِىَ ٱلَّذِينَ
ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ ۚ أُو۟لَٰٓئِكَ لَهُم مَّغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ
كَرِيمٌ ﴿٤﴾ وَٱلَّذِينَ سَعَوْ فِىٓ ءَايَٰتِنَا مُعَٰجِزِينَ أُو۟لَٰٓئِكَ
لَهُمْ عَذَابٌ مِّن رِّجْزٍ أَلِيمٌ ﴿٥﴾ وَيَرَى ٱلَّذِينَ أُوتُوا۟ ٱلْعِلْمَ
ٱلَّذِىٓ أُنزِلَ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ هُوَ ٱلْحَقَّ وَيَهْدِىٓ إِلَىٰ صِرَٰطِ
ٱلْعَزِيزِ ٱلْحَمِيدِ ﴿٦﴾ وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ هَلْ نَدُلُّكُمْ عَلَىٰ رَجُلٍ
يُنَبِّئُكُمْ إِذَا مُزِّقْتُمْ كُلَّ مُمَزَّقٍ إِنَّكُمْ لَفِى خَلْقٍ جَدِيدٍ ﴿٧﴾

سورهٔ سبأ

مکّی است جز آیهٔ شش پس مدنی است و آیه‌هایش ۵۴ یا ۵۵ است.

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحيم

﴿همه ستایشها خدائی راست﴾ خداوند بزرگ خود را به این [الحمدلله] ستایش فرموده و مراد به آن ثنا و ستایش به مضمون آن است یعنی ستایش نیکو برای خدا ثابت است در برابر صفات و افعال زیبای وی ﴿که آنچه در آسمانها و زمین است از آن اوست﴾ از جهت ملکیّت و آفرینش ﴿و در آخرت [نیز] ستایش از آنِ اوست﴾ چنانچه در این دنیا از آنِ اوست، دوستانش وقتی وارد بهشت می‌شوند خدا را ستایش می‌کنند ﴿و اوست حکیم﴾ در کارش ﴿آگاه﴾ به خلقش[1] ﴿آنچه در زمین فرو می‌رود می‌داند﴾ مانند آب و جز آن ﴿و می‌داند آنچه از آن برمی‌آید﴾ مانند گیاهان و جز آن ﴿و می‌داند آنچه از آسمان فرود می‌آید﴾ از روزی و جز آن ﴿و می‌داند آنچه در آسمان بالا می‌رود﴾ از کردار و غیره ﴿و اوست مهربان [به دوستانش] و آمرزنده [به آن]﴾[2] ﴿و کافران گفتند: قیامت برای ما فرا نمی‌رسد بگو: [به آنها] نه چنان است سوگند به پروردگارم که حتماً برای شما خواهد آمد همو که دانای غیب است و هم‌وزن ذرّه‌ای [کوچکترین مورچه یا اتم] نه در آسمانها و نه در زمین و نه کوچکتر از آن و نه بزرگ‌تر از آن است مگر اینکه در کتاب مبین ثبت شده است﴾. و آن لوح‌المحفوظ است[3] ﴿تا﴾ در آن حق تعالی ﴿کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند پاداش دهد آنانند که برایشان آمرزشی و روزیِ گرامی است﴾ نیکو در بهشت[4] ﴿و کسانی که مقابله کنان﴾ یعنی عجز ما را فرض کرده‌اند، یا با ما پیشی گیرند پس از دست ما بگریزند چون گمان دارند که زنده شدن و عقابی نیست ﴿آن گروه برایشان عذابی از رجز بسیار دردناک باشد﴾[5] ﴿و کسانی که علم داده شده‌اند می‌بینند [می دانند] که آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو نازل شده [یعنی قرآن] حقّ است﴾ یعنی مؤمنین اهل کتاب مانند عبدالله‌بن سلام و یارانش ـ و می‌دانند ﴿که به سوی راه خداوند غالب ستوده صفات، هدایت می‌کند﴾[6] ﴿و کافران گفتند﴾ شگفت‌انگیزانه بعضی به بعضی دیگر می‌گفت: ﴿آیا شما را بر مردی [او محمد است] راهنمائی کنیم که بر شما خبر می‌دهد [و آن این است] ﴿چون کاملاً متلاشی و پاره پاره شدید آنگاه آفرینش جدیدی خواهید یافت﴾[7]

قواعد آیه ۷ـ الیم: به جرّ و رفع صفت است برای رِجز یا عذاب.

أَفْتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبًا أَم بِهِۦ جِنَّةٌۢ بَلِ ٱلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِٱلْـَٔاخِرَةِ
فِى ٱلْعَذَابِ وَٱلضَّلَـٰلِ ٱلْبَعِيدِ ﴿٨﴾ أَفَلَمْ يَرَوْا۟ إِلَىٰ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ
وَمَا خَلْفَهُم مِّنَ ٱلسَّمَآءِ وَٱلْأَرْضِ ۚ إِن نَّشَأْ نَخْسِفْ بِهِمُ
ٱلْأَرْضَ أَوْ نُسْقِطْ عَلَيْهِمْ كِسَفًا مِّنَ ٱلسَّمَآءِ ۚ إِنَّ فِى ذَٰلِكَ
لَـَٔايَةً لِّكُلِّ عَبْدٍ مُّنِيبٍ ﴿٩﴾ ۞ وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا دَاوُۥدَ مِنَّا فَضْلًا ۖ
يَـٰجِبَالُ أَوِّبِى مَعَهُۥ وَٱلطَّيْرَ ۖ وَأَلَنَّا لَهُ ٱلْحَدِيدَ ﴿١٠﴾ أَنِ ٱعْمَلْ
سَـٰبِغَـٰتٍ وَقَدِّرْ فِى ٱلسَّرْدِ ۖ وَٱعْمَلُوا۟ صَـٰلِحًا ۖ إِنِّى بِمَا تَعْمَلُونَ
بَصِيرٌ ﴿١١﴾ وَلِسُلَيْمَـٰنَ ٱلرِّيحَ غُدُوُّهَا شَهْرٌ وَرَوَاحُهَا شَهْرٌ ۖ
وَأَسَلْنَا لَهُۥ عَيْنَ ٱلْقِطْرِ ۖ وَمِنَ ٱلْجِنِّ مَن يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ بِإِذْنِ
رَبِّهِۦ ۖ وَمَن يَزِغْ مِنْهُمْ عَنْ أَمْرِنَا نُذِقْهُ مِنْ عَذَابِ ٱلسَّعِيرِ ﴿١٢﴾
يَعْمَلُونَ لَهُۥ مَا يَشَآءُ مِن مَّحَـٰرِيبَ وَتَمَـٰثِيلَ وَجِفَانٍ كَٱلْجَوَابِ
وَقُدُورٍ رَّاسِيَـٰتٍ ۚ ٱعْمَلُوٓا۟ ءَالَ دَاوُۥدَ شُكْرًا ۚ وَقَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِىَ
ٱلشَّكُورُ ﴿١٣﴾ فَلَمَّا قَضَيْنَا عَلَيْهِ ٱلْمَوْتَ مَا دَلَّهُمْ عَلَىٰ مَوْتِهِۦٓ
إِلَّا دَآبَّةُ ٱلْأَرْضِ تَأْكُلُ مِنسَأَتَهُۥ ۖ فَلَمَّا خَرَّ تَبَيَّنَتِ ٱلْجِنُّ
أَن لَّوْ كَانُوا۟ يَعْلَمُونَ ٱلْغَيْبَ مَا لَبِثُوا۟ فِى ٱلْعَذَابِ ٱلْمُهِينِ ﴿١٤﴾

٤٢٩

«آیا بر خدا دروغی بربسته» در این مورد «یا او جنونی دارد» آن را به خیالش می‌افکند ـ خداوند فرمود: «بلکه نامؤمنان به آخرت» که مشتمل است بر بعث و عذاب «در عذاب [آخرت] و گمراهی دور و درازی» از حق در دنیا «هستند»(۸) «آیا به سوی آنچه ـ در آسمان و زمین است ـ که پیش رویشان و پشت سرشان است، ننگریسته‌اند؟ اگر بخواهیم آنان را در زمین فرو می‌بریم یا پاره‌هائی از آسمان بر آنان فرو می‌اندازیم قطعاً در این» امر که ذکر شد «نشانه‌ای است برای هر بندهٔ منیبی» بازگشت شده به سوی پروردگارش، دلیل است بر قدرت خداوند بر بعث و آنچه بخواهد(۹) «و به راستی داوود را از جانب خود فضلی [نبوّت و کتاب را] دادیم [و گفتیم] ای کوهها همراه او تسبیح گوئید و پرندگان را» یعنی آنها را خواستیم با او تسبیح گویند «و آهن را برای او نرم گردانیدیم» در دستش مانند خمیر بوده.(۱۰) و گفتیم: «که زره‌های بلند و رسا [از آن] بساز» که پوشنده آن را روی زمین بکشد «و در یافتن حلقه‌ها اندازه را نگاه دار» به گونه‌ای که حلقه‌ها با هم تناسب داشته «و کار شایسته کنید» ای آل داوود «در حقیقت من به آنچه می‌کنید بینایم» شما را بدان پاداش می‌دهم.(۱۱) «و برای سلیمان باد را» رام گردانیدیم «که سیر بامدادی آن» از صبح تا زوال «یک ماهه راه و سیر شامگاهی آن» از زوال تا غروب «یک ماهه راه است و چشمهٔ مسّ را برای او روان ساختیم» پس سه شبانه‌روز مانند آب روان جریان داشته، و عمل امروز مردم از آن است که به سلیمان عطا شده است «و برخی از جنّیان نزد او به اذن [امر] پروردگارش کار می‌کردند و هر کس از آنها از فرمان ما [به طاعتش] عدول کند از عذاب سوزان به او می‌چشانیم» در آخرت و قولی می‌گوید در دنیا بدان گونه که فرشته‌ای به شلاقی از آتش ضربهٔ سختی را به او می‌زند که بسوزد(۱۲) «برایش هر آنچه می‌خواست از [قبیل] قلعه‌ها [بناهای بلند که به وسیلهٔ پلکان به سوی آن بالا رفت] و تماثیل [جمع تمثال است و آن هر چیزی است که مانند صورت چیزی را بدان ساخت،] از مسّ و شیشه و سنگ رخام و ساختن صورت در شریعتش حرام نبوده و کاسه‌هائی چون برکه‌ها» جوابی جمع جابیه است و آن مانند حوض بزرگی است که هزار کس بر آن کاسه جمع آیند از آن می‌خورند «و دیگهای استوار ثابت در جای خود می‌ساختند» دارای ستونهائی که در جای خود حرکت داده نمی‌شد، از کوههائی در کشور یمن ساخته می‌شد صعود به سوی آنها با نردبانها است ـ و گفتیم «ای آل داوود در عمل سپاسگزار باشید» به طاعت خداوند برابر آنچه که به شما عطا کرده است «و از بندگانم اندک [کسانی] سپاسگزارند» به طاعتم عمل کنند و به نعمتم سپاسگزارند(۱۳) «پس چون مرگ را بر او [بر سلیمان] مقرّر داشتیم» و یک سال به حال مرده بر عصایش به پا ایستاده و جنّیان برابر عادت‌شان کارهای سخت را انجام می‌دادند و به مرگ او آگاه نبودند تا این که موریانه عصایش را خورد پس سلیمان به حالت مرده به زمین افتاد «جز کرم چوب‌خوار که عصایش را می‌خورد آنان را به مرگ او راه ننمود پس چون [مرده] افتاد جنّ‌ها دریافتند که اگر غیب می‌دانستند» از آنچه از آنان غایب بود مرگ سلیمان است «در [این] عذاب خوار کننده نمی‌ماندند» کارهای دشواری که انجام می‌دادند چون گمان داشتند سلیمان زنده است برخلاف گمانشان به علم غیب که ادّعا داشتند و مدّت ایستادن سلیمان با پیکر بی‌جان بدان وسیله دانسته شده که پس از مرگش یک شبانه‌روز مثلاً خوردن کرم را از عصا مقایسه کرده‌اند یکسال می‌شد(۱۴)

قواعد آیه ۱۲ـ لسلیمان الریح: در قرائتی به رفع آمده به تقدیر تسخیرُ الرّیح مبتداست لسلیمان خبر است، سپس مبتدا حذف شده و مضاف‌الیه به جای آن قرار گرفته و مرفوع است.

لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكَنِهِمْ ءَايَةٌ جَنَّتَانِ عَن يَمِينٍ وَشِمَالٍ
كُلُوا مِن رِّزْقِ رَبِّكُمْ وَاشْكُرُوا لَهُ بَلْدَةٌ طَيِّبَةٌ وَرَبٌّ غَفُورٌ
﴿١٥﴾ فَأَعْرَضُوا فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ سَيْلَ الْعَرِمِ وَبَدَّلْنَاهُم بِجَنَّتَيْهِمْ
جَنَّتَيْنِ ذَوَاتَيْ أُكُلٍ خَمْطٍ وَأَثْلٍ وَشَيْءٍ مِّن سِدْرٍ قَلِيلٍ
﴿١٦﴾ ذَٰلِكَ جَزَيْنَاهُم بِمَا كَفَرُوا وَهَلْ نُجَازِي إِلَّا الْكَفُورَ ﴿١٧﴾
وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا قُرًى ظَاهِرَةً
وَقَدَّرْنَا فِيهَا السَّيْرَ سِيرُوا فِيهَا لَيَالِيَ وَأَيَّامًا ءَامِنِينَ ﴿١٨﴾
فَقَالُوا رَبَّنَا بَاعِدْ بَيْنَ أَسْفَارِنَا وَظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ فَجَعَلْنَاهُمْ
أَحَادِيثَ وَمَزَّقْنَاهُمْ كُلَّ مُمَزَّقٍ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ
شَكُورٍ ﴿١٩﴾ وَلَقَدْ صَدَّقَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ ظَنَّهُ فَاتَّبَعُوهُ إِلَّا
فَرِيقًا مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٢٠﴾ وَمَا كَانَ لَهُ عَلَيْهِم مِّن سُلْطَانٍ
إِلَّا لِنَعْلَمَ مَن يُؤْمِنُ بِالْآخِرَةِ مِمَّنْ هُوَ مِنْهَا فِي شَكٍّ وَرَبُّكَ
عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَفِيظٌ ﴿٢١﴾ قُلِ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُم مِّن دُونِ
اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي
الْأَرْضِ وَمَا لَهُمْ فِيهِمَا مِن شِرْكٍ وَمَا لَهُ مِنْهُم مِّن ظَهِيرٍ ﴿٢٢﴾

۴۳۰

﴿بی‌گمان برای [قوم] سبأ﴾ قبیله‌ای است به اسم جدّشان از عرب نامیده شده است ﴿در مسکنهای آنان [در یمن] نشانه‌ای است﴾ دالّ بر قدرت خدای بزرگ ﴿دو باغستان از جانب راست و چپ وادی‌شان بود [به آنان گفته شد] از روزی پروردگارتان بخورید و برای او شکر گزارید﴾ در برابر نعمتی که به شما داده است در سرزمین سبأ ﴿شهری است پاکیزه﴾ در آن زمین شوره‌زار نیست نه پشه و نه مگسی و نه کک و نه عقرب و نه مار در آن نیست و غریبی در آن می‌گذرد حشره‌ای در لباسش باشد از خوشی و خوشبوئی هوایش می‌میرد ﴿و﴾ الله ﴿پروردگاری است آمرزنده﴾[15] ﴿پس [از شکر او] روی گردانیدند [و کافر شدند] پس بر آنان سیل عَرِم را فرستادیم﴾ یعنی سیل وادی‌شان که بوسیلهٔ سدّ مأرب نگهداری شده بود، پس باغستانها و اموال‌شان را غرق ﴿و خانه‌هایشان را در زیر گل و لای مدفون کرد﴾ ﴿و به جای آن دو باغستان، دو باغ دیگر به آنان عوض دادیم دارای میوه‌های بدمزّه و چیزی اندک از درخت کنار﴾[16] ﴿این [تبدیل را] به سزای کفر [و ناسپاسی] آنان به آنان جزا دادیم و آیا جز ناسپاس را مجازات می‌کنیم؟﴾ یعنی جز ناسپاس کیفر داده نمی‌شود.[17] ﴿و در میان آنها﴾ قبیله سبأ در حالی که در یمن بودند ﴿و میان آبادانی‌هائی که در آنها برکت نهاده بودیم﴾ بوسیلهٔ آب و درختان و آن آبادی‌های شام است که برای تجارت به آنجا می‌رفتند ﴿آبادیهای بر تپّه‌های بلند﴾ به هم پیوسته از یمن تا شام ﴿و در میان آنها مسافت را به اندازه مقرّر داشته بودیم﴾ به گونه‌ای که استراحت نیم روز آنان در آبادی‌ای بود، و شب گذراندن آنها در آبادی‌ای دیگر تا پایان مسافرتشان و در آن به برداشتن توشه و آب محتاج نمی‌شوند ـ و گفتیم ﴿در آنها شبها و روزها با کمال امن و امان سیر کنید﴾ بیمی نه در شب داشته باشید و نه در روز[18] ﴿تا گفتند: پروردگارا میان سفرهای ما [به سوی شام] فاصله انداز﴾ آن را بیابانی دور و درازگردان تا به سوار شدن بر اسبهای نجیب و برداشتن توشه و آب، بر فقیران گردن‌فرازی نمایند پس نعمت را وسیله فخرنمائی گردانیدند ﴿و بر خود ستم کردند﴾ با کفر و گناهان ﴿پس آنها را افسانه گردانیدیم﴾ برای آیندگان ﴿و آنها را پاره پاره ساختیم﴾ در هر سمت و سوئی از سرزمینها، کاملاً پراکنده و تار و مارشان ساختیم ﴿بی‌گمان در این [ماجرا] عبرتهائی است برای صبر کننده [از گناهان] و شکرگزار﴾ بر نعمتها[19] ﴿و قطعاً شیطان گمان خود را﴾ که اگر اغوایشان کند، از او پیروی می‌کنند ﴿در مورد آنها [کافران از جمله اهالی سبأ] راست یافت پس از او پیروی کردند جز گروهی از مؤمنان﴾ که از شیطان پیروی نکردند[20] ﴿و شیطان را بر آنان هیچ سلطه‌ای نبود مگر تا معلوم بداریم [علم ظهور] کسی را که به آخرت ایمان می‌آورد از کسی که او از آن در شبهه است، پس هر یک را پاداش دهیم و پروردگار تو بر همه چیز نگهبان است﴾[21] ﴿بگو﴾ ای محمّد به کفار مکّه ﴿کسانی را که گمان می‌کنید [خدایان هستند] بجز الله﴾ تا به گمان شما به شما نفع رسانند ـ خداوند دربارهٔ آنها فرمود: ﴿هموزن ذرّه‌ای نه در آسمانها و نه در زمین مالک نیستند [از خیر یا شرّ] و آنان را در آسمان و زمین هیچ شرکتی نیست و برای خداوند از میان آنان [خدایان] هیچ پشتیبانی نیست﴾[22]

قواعد آیه ۱۶ـ عَرِم: جمع عَرِمه چیزی است آب را نگه میدارد از بناء و غیره تا وقت حاجت. اکل خمط به اضافه اکل بمعنی مأکول و ترک اضافه ـ و أثل بر آن عطف می‌شود.

وَلَا تَنفَعُ الشَّفَٰعَةُ عِندَهُۥٓ إِلَّا لِمَنْ أَذِنَ لَهُۥ حَتَّىٰٓ إِذَا فُزِّعَ عَن
قُلُوبِهِمْ قَالُوا۟ مَاذَا قَالَ رَبُّكُمْ قَالُوا۟ ٱلْحَقَّ وَهُوَ ٱلْعَلِىُّ ٱلْكَبِيرُ
﴿٢٣﴾ قُلْ مَن يَرْزُقُكُم مِّنَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ قُلِ ٱللَّهُ
وَإِنَّآ أَوْ إِيَّاكُمْ لَعَلَىٰ هُدًى أَوْ فِى ضَلَٰلٍ مُّبِينٍ ﴿٢٤﴾ قُل
لَّا تُسْـَٔلُونَ عَمَّآ أَجْرَمْنَا وَلَا نُسْـَٔلُ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٢٥﴾ قُلْ
يَجْمَعُ بَيْنَنَا رَبُّنَا ثُمَّ يَفْتَحُ بَيْنَنَا بِٱلْحَقِّ وَهُوَ ٱلْفَتَّاحُ ٱلْعَلِيمُ
﴿٢٦﴾ قُلْ أَرُونِىَ ٱلَّذِينَ أَلْحَقْتُم بِهِۦ شُرَكَآءَ كَلَّا بَلْ هُوَ ٱللَّهُ
ٱلْعَزِيزُ ٱلْحَكِيمُ ﴿٢٧﴾ وَمَآ أَرْسَلْنَٰكَ إِلَّا كَآفَّةً لِّلنَّاسِ
بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٢٨﴾
وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا ٱلْوَعْدُ إِن كُنتُمْ صَٰدِقِينَ ﴿٢٩﴾
قُل لَّكُم مِّيعَادُ يَوْمٍ لَّا تَسْتَـْٔخِرُونَ عَنْهُ سَاعَةً وَلَا تَسْتَقْدِمُونَ
﴿٣٠﴾ وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ لَن نُّؤْمِنَ بِهَٰذَا ٱلْقُرْءَانِ وَلَا
بِٱلَّذِى بَيْنَ يَدَيْهِ وَلَوْ تَرَىٰٓ إِذِ ٱلظَّٰلِمُونَ مَوْقُوفُونَ عِندَ
رَبِّهِمْ يَرْجِعُ بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ ٱلْقَوْلَ يَقُولُ ٱلَّذِينَ
ٱسْتُضْعِفُوا۟ لِلَّذِينَ ٱسْتَكْبَرُوا۟ لَوْلَآ أَنتُمْ لَكُنَّا مُؤْمِنِينَ ﴿٣١﴾

٤٣١

﴿و شفاعت در پیشگاه او [تعالی] سود نمی‌بخشد﴾ ردّ قول آنهاست که گفتند خدایان نزد او شفاعت نمی‌کنند ﴿مگر برای کسی که به وی اجازه دهد﴾ فرشتگان و مؤمنان در انتظار و اضطرابند ﴿تا چون فَزَع و اضطراب [به سبب اجازهٔ شفاعت] از دلهایشان برطرف شود میگویند [بعضی به بعضی دیگر مژده رسان] پروردگارتان [در شفاعت] چه فرمود؟ می‌گویند: قول حق را﴾ یعنی اجازه شفاعت داد ﴿و هموست بلندمرتبه﴾ بر خلقتش با قهر و قدرت ﴿بزرگ است﴾(۲۳) ﴿بگو﴾ ای محمد ﴿کیست که شما را از جانب آسمانها و زمین روزی می‌دهد؟ [باران و گیاه را] بگو: الله﴾ اگر نگفته باشند جوابی دیگر ندارند ﴿و ما یا شما﴾ یکی از دو گروه ﴿بر طریق هدایت یا گمراهی آشکار هستیم﴾ در این ابهام لطف و ادبی با آنها است در حالی که به سوی خدا دعوتشان می‌کند اگر در حال خویش و حال دیگران بنگرند و تأمّل کند(۲۴) ﴿بگو﴾ به آنان ﴿شما از جرم ما [از گناه ما] بازخواست نمی‌شوید، و ما از آنچه شما می‌کنید بازخواست نمی‌شویم﴾ زیرا ما از شما دور و برائت داریم(۲۵) ﴿بگو﴾ ای محمد ﴿پروردگارمان ما و شما را جمع می‌کند [در روز قیامت] سپس در میان ما به حق حکم می‌کند﴾ پس مُحقِّین را به بهشت و مبطلین را به دوزخ داخل می‌کند ﴿و اوست فتّاح [حاکم دانا]﴾ به آنچه حکم می‌کند(۲۶) ﴿بگو﴾ به آن کافران ﴿کسانی را که به عنوان شریک به او ملحق گردانیده‌اند، [در عبادت] به من بنمایانید نه چنین است﴾ از این اعتقاد برگردید ﴿بلکه اوست الله غالب [بر امرش] با حکمت﴾ در تدبیرش به خلقش پس شریکی در ملکش ندارد(۲۷) ﴿و ما تو را جز بشارتگر برای مؤمنان به بهشت و هشدار دهندهٔ﴾ کافران به عذاب ﴿برای تمام مردم نفرستاده‌ایم و لیکن اکثر مردم [کفار مکّه] نمی‌دانند﴾ آن را(۲۸) ﴿و می‌گویند: این وعده [به عذاب] کی فرا می‌رسد اگر [در آن] راست می‌گوئید﴾(۲۹) ﴿بگو: برای شما میعاد روزی است مقرّر که نه ساعتی از آن بازپس می‌افتید و نه پیش﴾ بر آن و آن روز قیامت است(۳۰) ﴿و کافران [اهل مکّه] گفتند: به این قرآن و به آنچه پیش از آن است﴾ مانند تورات و انجیل که بر بعث دلالت دارند ﴿هرگز باور نمی‌کنیم﴾ چون انکارش می‌کنند و خداوند دربارهٔ آنها فرمود: ﴿و اگر [ای محمّد] بببینی ستمگران را هنگامی که نزد پروردگارشان بازداشت شده‌اند که چگونه بعضی با بعضی دیگر سخنی را باز می‌گردانند مستضعفان [پیروان و زیردستان] به کسانی که استکبار ورزیده‌اند [رؤسا] می‌گویند: اگر شما نبودید﴾ ما را از ایمان آوردن مانع می‌شدید ﴿یقیناً ما مؤمن می‌بودیم﴾ به پیغمبر ﷺ(۳۱)

قال الذين استكبروا للذين استضعفوا أنحن صددنكم
عن الهدى بعد إذ جاءكم بل كنتم مجرمين ﴿٣٢﴾ وقال الذين
استضعفوا للذين استكبروا بل مكر الليل والنهار إذ
تأمروننا أن نكفر بالله ونجعل له أندادا وأسروا الندامة
لما رأوا العذاب وجعلنا الأغلل في أعناق الذين كفروا
هل يجزون إلا ما كانوا يعملون ﴿٣٣﴾ وما أرسلنا في قرية
من نذير إلا قال مترفوها إنا بما أرسلتم به كفرون ﴿٣٤﴾
وقالوا نحن أكثر أموالا وأولدا وما نحن بمعذبين ﴿٣٥﴾
قل إن ربي يبسط الرزق لمن يشاء ويقدر ولكن أكثر الناس
لا يعلمون ﴿٣٦﴾ وما أموالكم ولا أولدكم بالتي تقربكم عندنا
زلفى إلا من ءامن وعمل صلحا فأولئك لهم جزاء الضعف
بما عملوا وهم في الغرفت ءامنون ﴿٣٧﴾ والذين يسعون في
ءايتنا معجزين أولئك في العذاب محضرون ﴿٣٨﴾ قل
إن ربي يبسط الرزق لمن يشاء من عباده ويقدر له وما
أنفقتم من شيء فهو يخلفه وهو خير الرزقين ﴿٣٩﴾

٤٣٢

﴿مستکبران [در پاسخ] به مستضعفان می‌گویند: مگر شما را از هدایت بازداشتیم بعد از آنکه به شما آمد؟﴾ خیر ﴿بلکه شما خود مجرم بودید﴾ در نفس خودتان[٣٢] ﴿و مستضعفان به مستکبران می‌گویند: نه بلکه ما را مکر شب و روز [از طرف شما به ما] بازداشت آنگاه که به ما فرمان می‌دادید که به خدا کفر بورزیم و برای او اندادی [شریکانی] مقرّر کنیم و هنگامی که عذاب را ببینند﴾ هر دو گروه ﴿پشیمانی خود را پنهان کنند﴾ هر یک از ترس سرزنش پشیمانی‌اش را از رفیقش پنهان می‌دارد ﴿و غلها را [طوقهائی است از آهن] در گردنهای کسانی که کافر شده‌اند می‌اندازیم آیا جز در برابر آنچه کرده‌اند [در دنیا] جزا داده می‌شوند؟﴾[٣٣] ﴿و ما در هیچ شهری بیم دهنده‌ای را نفرستاده‌ایم مگر این که مترفان آن [نازپروردگان گردنکش] گفتند: قطعاً ما به آنچه شما بدان فرستاده شده‌اید کافریم﴾[٣٤] ﴿و گفتند: ما به اعتبار اموال و اولاد بیشتریم [از آنها که ایمان آورده‌اند] و ما عذاب شونده نیستیم﴾[٣٥] ﴿بگو: [ای محمد به آنان] بی‌گمان پروردگار من است که روزی را برای هر کس که بخواهد گشاده یا تنگ می‌گرداند﴾ برای امتحان هر دو گروه ﴿ولیکن بیشتر مردم [کافران مکّه] آن را نمی‌دانند﴾[٣٦] ﴿و اموال و اولاد شما چیزی نیست که شما را به پیشگاه ما نزدیک گرداند به مرتبهٔ قربت، مگر کسانی که ایمان آورده و کار شایسته کرده باشند پس برای آنان دو برابر آنچه عمل [حسنه] کرده‌اند پاداش است و آنها در غرفه‌ها [در بهشت] آسوده خاطر هستند﴾ از مرگ و غیره[٣٧] ﴿و کسانی که در آیات ما [قرآن] سعی می‌کنند مقابله کنان﴾ در ابطال آن می‌کوشند ناتوانی ما را تصور می‌کنند و اینکه از دست ما رهائی می‌یابند ﴿آنان در عذاب احضار می‌شوند﴾[٣٨] ﴿بگو: در حقیقت پروردگار من است که روزی را برای هر کس از بندگانش که بخواهد گشاده [برای امتحان] یا برای او تنگ می‌گرداند﴾ پس از گشادی یا برای هر کس بخواهد امتحانش نماید ﴿و هر چه را انفاق کردید [در نیکی] پس خدا عوضش را می‌دهد و او بهترین روزی‌دهندگان است﴾ گفته می‌شود: هر انسانی روزی عائله‌اش می‌دهد یعنی از روزی خداوند[٣٩][١]

١ـ فروهٔ مرادی (رضی الله عنه) گفت: پیش پیغمبر (ﷺ) آمدم گفتم: ای رسول خدا آیا کسانی از قوم من از اسلام پشت کرده‌اند بوسیلهٔ کسانی که از آنها به اسلام روی آورده‌اند قتال نکنیم پس اجازه‌ام را در قتال آنها و فرمان داد، وقتی خارج شدم دربارهٔ من بپرسید چه کار کرده است پس او را به مسیرم آگاه کردند کسی را دنبالم فرستاد به خدمتش آمدم در حالی که در میان چند کس از یارانش بود، پس فرمود: آن قوم را ترک کن هرکس اسلام آورد از او بپذیر و هرکس اسلام نیاورد شتاب مکن تا دستوری برایت می‌نویسم.

وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ يَقُولُ لِلْمَلَٰٓئِكَةِ أَهَٰٓؤُلَآءِ إِيَّاكُمْ كَانُوا۟
يَعْبُدُونَ ﴿٤٠﴾ قَالُوا۟ سُبْحَٰنَكَ أَنتَ وَلِيُّنَا مِن دُونِهِم ۖ بَلْ كَانُوا۟
يَعْبُدُونَ ٱلْجِنَّ ۖ أَكْثَرُهُم بِهِم مُّؤْمِنُونَ ﴿٤١﴾ فَٱلْيَوْمَ لَا يَمْلِكُ
بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ نَّفْعًا وَلَا ضَرًّا وَنَقُولُ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا۟ ذُوقُوا۟ عَذَابَ
ٱلنَّارِ ٱلَّتِى كُنتُم بِهَا تُكَذِّبُونَ ﴿٤٢﴾ وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ ءَايَٰتُنَا بَيِّنَٰتٍ
قَالُوا۟ مَا هَٰذَآ إِلَّا رَجُلٌ يُرِيدُ أَن يَصُدَّكُمْ عَمَّا كَانَ يَعْبُدُ ءَابَآؤُكُمْ
وَقَالُوا۟ مَا هَٰذَآ إِلَّآ إِفْكٌ مُّفْتَرًى ۚ وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ لِلْحَقِّ لَمَّا
جَآءَهُمْ إِنْ هَٰذَآ إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ ﴿٤٣﴾ وَمَآ ءَاتَيْنَٰهُم مِّن كُتُبٍ
يَدْرُسُونَهَا ۖ وَمَآ أَرْسَلْنَآ إِلَيْهِمْ قَبْلَكَ مِن نَّذِيرٍ ﴿٤٤﴾ وَكَذَّبَ
ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَمَا بَلَغُوا۟ مِعْشَارَ مَآ ءَاتَيْنَٰهُمْ فَكَذَّبُوا۟ رُسُلِى ۖ
فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ ﴿٤٥﴾ ۞ قُلْ إِنَّمَآ أَعِظُكُم بِوَٰحِدَةٍ ۖ أَن
تَقُومُوا۟ لِلَّهِ مَثْنَىٰ وَفُرَٰدَىٰ ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا۟ ۚ مَا بِصَاحِبِكُم
مِّن جِنَّةٍ ۚ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لَّكُم بَيْنَ يَدَىْ عَذَابٍ شَدِيدٍ ﴿٤٦﴾
قُلْ مَا سَأَلْتُكُم مِّنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ ۖ إِنْ أَجْرِىَ إِلَّا عَلَى ٱللَّهِ ۖ وَهُوَ عَلَىٰ
كُلِّ شَىْءٍ شَهِيدٌ ﴿٤٧﴾ قُلْ إِنَّ رَبِّى يَقْذِفُ بِٱلْحَقِّ عَلَّٰمُ ٱلْغُيُوبِ ﴿٤٨﴾

٤٣٣

«و» به یاد کن «روزی را که خداوند همهٔ آنان۔ [مشرکین] را محشور می‌کند سپس به فرشتگان می‌گوید: آیا اینها بودند که شما را می‌پرستیدند»[٤٠] «فرشتگان می‌گویند: پاک و منزّهی تو از شرک ولیّ ما تو هستی نه آنها» هیچ دوستی در بین ما و آنها از جهت ما نیست «بلکه آنها جِنّیان را می‌پرستیدند» یعنی آنها شیاطین را اطاعت می‌کردند در عبادت «بیشتر آنان به جِنّیان [شیاطین] مؤمن بودند» آنچه را برایشان می‌گفتند تصدیق می‌کردند[٤١] خداوند بزرگ فرمود: «امّا امروز هیچ یک از آنان» از پرستشگران و پرستش‌شدگان «برای یک دیگر مالک سود [شفاعت] و زیان [عذاب] نیستند و به کسانی که کافر شدند می‌گوئیم بچشید عذاب آتشی را که آن را تکذیب می‌کردید»[٤٢] «و چون آیات بیّنات ما» قرآنی که دلالت آنها روشن و معانی آنها آشکار است بر زبان محمد(ﷺ) «بر آنها خوانده شود، می‌گویند: این [خواننده آیات] جز مردی نیست که می‌خواهد شما را از آنچه پدران شما می‌پرستیدند [از بتان] باز دارد، و می‌گویند: این [قرآن] جز دروغی بربافته» و بهتانی بر ساخته برالله «نیست و کسانی به آن [به قرآن] ـ چون به سویشان آمد ـ کافر شدند، می‌گویند: این جز جادوی آشکار نیست»[٤٣] «و ما کتابهائی به آنان نداده بودیم که آن را بخوانند و پیش از تو هشداردهنده‌ای به سویشان نفرستاده بودیم» تا عمل آنان را تأیید نماید پس از چه جهتی تو را تکذیب کرده‌اند[٤٤] «و» ای محمّد(ﷺ) «کسانی که پیش از اینان بودند [نیز] تکذیب پیشه کردند، در حالی که [اینان یعنی مشرکین عرب] به یک دهم آنچه به پیشینیان داده بودیم» از نیرو و طول عمر و فراوانی مال «نرسیده‌اند، آنگاه پیامبران مرا دروغزن شمرده بودند، پس چگونه بود عقوبت من» یعنی انکار من بر آنها به عقوبت و نابودی جای خود دارد.[٤٥] «بگو: جز این نیست که من به شما فقط یک اندرز می‌دهم و آن این است که: دوگان دوگان و یکان یکان برای الله» در طلب حقّ صادقانه و متفرّق زیرا در اجتماع تشویش فکر است [بخاطر او] به پاخیزید سپس اندیشه کنید» پس می‌دانید: «این رفیق شما [محمّد] هیچ جنونی ندارد، او جز هشداردهنده‌ای برای شما در پیشاپیش عذابی شدید [در آخرت] نیست» اگر نافرمانی‌اش کنید[٤٦] «بگو: [به آنان] هر مزدی که از شما طلبیده باشم [در برابر هشدار دادن و تبلیغ] پس آن متعلق به خودتان است» یعنی مزدی در برابر آن نمی‌خواهم «مزد من [ثوابم] جز بر خدا نیست و او بر هر چیزی گواه است» آگاه است صدقم را میداند[٤٧] «بگو: بی‌گمان پروردگارم حق را در میان می‌افکند» به پیامبرانش القاء می‌کند «و او دانای غیب‌هاست» آنچه در آسمانها و زمین از خلقش غائب است.[٤٨]

قواعد آیه ٤٠ـ اهؤلاء أیاکم: به تحقیق دو همزه با تبدیل اولی به یاء و اسقاط آن.

قُلْ جَآءَ ٱلْحَقُّ وَمَا يُبْدِئُ ٱلْبَٰطِلُ وَمَا يُعِيدُ ﴿٤٩﴾ قُلْ إِن ضَلَلْتُ
فَإِنَّمَآ أَضِلُّ عَلَىٰ نَفْسِى وَإِنِ ٱهْتَدَيْتُ فَبِمَا يُوحِىٓ إِلَىَّ رَبِّىٓ إِنَّهُۥ
سَمِيعٌ قَرِيبٌ ﴿٥٠﴾ وَلَوْ تَرَىٰٓ إِذْ فَزِعُوا۟ فَلَا فَوْتَ وَأُخِذُوا۟ مِن
مَّكَانٍ قَرِيبٍ ﴿٥١﴾ وَقَالُوٓا۟ ءَامَنَّا بِهِۦ وَأَنَّىٰ لَهُمُ ٱلتَّنَاوُشُ مِن
مَّكَانٍۭ بَعِيدٍ ﴿٥٢﴾ وَقَدْ كَفَرُوا۟ بِهِۦ مِن قَبْلُ وَيَقْذِفُونَ
بِٱلْغَيْبِ مِن مَّكَانٍۭ بَعِيدٍ ﴿٥٣﴾ وَحِيلَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ مَا يَشْتَهُونَ
كَمَا فُعِلَ بِأَشْيَاعِهِم مِّن قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا۟ فِى شَكٍّ مُّرِيبٍۭ ﴿٥٤﴾

سُورَةُ فَاطِرٍ

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ جَاعِلِ ٱلْمَلَٰٓئِكَةِ رُسُلًا أُو۟لِىٓ
أَجْنِحَةٍ مَّثْنَىٰ وَثُلَٰثَ وَرُبَٰعَ يَزِيدُ فِى ٱلْخَلْقِ مَا يَشَآءُ إِنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ
شَىْءٍ قَدِيرٌ ﴿١﴾ مَّا يَفْتَحِ ٱللَّهُ لِلنَّاسِ مِن رَّحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا
وَمَا يُمْسِكْ فَلَا مُرْسِلَ لَهُۥ مِنۢ بَعْدِهِۦ وَهُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلْحَكِيمُ ﴿٢﴾ يَٰٓأَيُّهَا
ٱلنَّاسُ ٱذْكُرُوا۟ نِعْمَتَ ٱللَّهِ عَلَيْكُمْ هَلْ مِنْ خَٰلِقٍ غَيْرُ ٱللَّهِ يَرْزُقُكُم
مِّنَ ٱلسَّمَآءِ وَٱلْأَرْضِ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّىٰ تُؤْفَكُونَ ﴿٣﴾

٤٣٤

﴿بگو: حق [اسلام] آمد و دیگر باطل [کفر] از سر نمی‌گیرد و برنمی‌گردد﴾ یعنی اثری برای آن باقی نمانده[۴۹] ﴿بگو: اگر گمراه شدم [از حق] جز این نیست که به زیان خود گمراه می‌شوم﴾ یعنی گناه گمراهیم بر خودم می‌باشد ﴿و اگر هدایت شدم، این به سبب آن است که پروردگارم به سویم وحی می‌فرستد﴾ از قرآن و حکمت ﴿بی‌گمان او شنوای [دعا] و نزدیک است﴾[۵۰] ﴿و اگر می‌دیدی [ای محمد] هنگامی را که مضطرب شوند﴾ هنگام بعث قطعاً امر بزرگی را می‌دیدی ﴿آنجا هیچ گریزی در کار نیست و از جای نزدیک [از قبرها] گرفته شدند﴾[۵۱] ﴿و می‌گویند: به او [قرآن یا محمّد] ایمان آوردیم کجا از جایی دور دست، یافتن ایمان برای آنان میسّر است؟﴾ دور دست از مخل ایمان زیرا اکنون در آخرت‌اند و محل ایمان در دنیاست[۵۲] ﴿و حال آن که پیش از این [در دنیا به آن کفر ورزیدند و از جایی دور] به چیزی که علم‌شان بدان بسیار دور است ﴿به نادیده غیب می‌افکنند﴾ بگونه‌ای دربارهٔ پیغمبر گفتند: ساحر است، شاعر است، کاهن است و درباره قرآن، سحر است، شعر است، کهانت است[۵۳] ﴿و میان آنان و آنچه می‌خواستند [از قبول ایمان] جدائی افکنده شد همانگونه که از دیرباز با امثال آنان [در کفر] نیز چنین شد، زیرا آنها در دو دلی سخت بودند﴾ در آنچه اکنون به آن ایمان دارند و در دنیا به دلایل آن اعتنائی نکردند.[۵۴]

سورهٔ فاطر

در مکّه نازل شده و آیه‌هایش ۴۵ یا ۴۶ است.

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيم

﴿همهٔ ستایشها از آن خدائی است که پدید آورندهٔ آسمانها و زمین است﴾ آفرینندهٔ آنهاست بدون نمونهٔ قبلی ﴿فرشتگان را پیام‌آورنده [به سوی پیامبران] قرار داده است دارای بالهای دوگانه و سه‌گانه و چهارگانه‌اند، در آفرینش [فرشتگان و غیره] هر چه بخواهد می‌افزاید بی‌گمان خداوند بر هر چیزی تواناست﴾[۱] ﴿هر رحمتی را که خداوند برای مردم گشاید [مانند روزی و باران] بازدارنده‌ای برای آن نیست، و آنچه را که باز دارد [از آن] هیچ کس بعد از بازداشتن او به بازگشادن آن قادر نیست، و اوست غالب [بر امرش با حکمت] در کارش﴾[۲] ﴿ای مردم [اهل مکّه] نعمتهای خدا را بر خود یاد کنید﴾ نعمت اسکان دادنتان در حرم و منع چپاول و غارتها از شما ﴿آیا هیچ آفریدگاری غیر از خدا هست که شما را از آسمان [به وسیلهٔ باران] و از زمین [با رستنی‌ها] روزی دهد خدائی جز او نیست پس چگونه برگردانیده می‌شوید؟﴾ از توحید خداوند با وجود اقرارتان به این که او آفریدگار روزی دهنده است[۳]

وَإِن يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كُذِّبَتْ رُسُلٌ مِّن قَبْلِكَ وَإِلَى ٱللَّهِ تُرْجَعُ ٱلْأُمُورُ
٤ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ إِنَّ وَعْدَ ٱللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ ٱلْحَيَوٰةُ ٱلدُّنْيَا
وَلَا يَغُرَّنَّكُم بِٱللَّهِ ٱلْغَرُورُ ٥ إِنَّ ٱلشَّيْطَٰنَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَٱتَّخِذُوهُ
عَدُوًّا إِنَّمَا يَدْعُواْ حِزْبَهُۥ لِيَكُونُواْ مِنْ أَصْحَٰبِ ٱلسَّعِيرِ ٦ ٱلَّذِينَ
كَفَرُواْ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ لَهُم
مَّغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ ٧ أَفَمَن زُيِّنَ لَهُۥ سُوٓءُ عَمَلِهِۦ فَرَءَاهُ حَسَنًا
فَإِنَّ ٱللَّهَ يُضِلُّ مَن يَشَآءُ وَيَهْدِى مَن يَشَآءُ فَلَا تَذْهَبْ نَفْسُكَ
عَلَيْهِمْ حَسَرَٰتٍ إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمٌۢ بِمَا يَصْنَعُونَ ٨ وَٱللَّهُ ٱلَّذِىٓ أَرْسَلَ
ٱلرِّيَٰحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَسُقْنَٰهُ إِلَىٰ بَلَدٍ مَّيِّتٍ فَأَحْيَيْنَا بِهِ ٱلْأَرْضَ بَعْدَ
مَوْتِهَا كَذَٰلِكَ ٱلنُّشُورُ ٩ مَن كَانَ يُرِيدُ ٱلْعِزَّةَ فَلِلَّهِ ٱلْعِزَّةُ جَمِيعًا
إِلَيْهِ يَصْعَدُ ٱلْكَلِمُ ٱلطَّيِّبُ وَٱلْعَمَلُ ٱلصَّٰلِحُ يَرْفَعُهُۥ وَٱلَّذِينَ
يَمْكُرُونَ ٱلسَّيِّـَٔاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَكْرُ أُوْلَٰٓئِكَ هُوَ يَبُورُ
١٠ وَٱللَّهُ خَلَقَكُم مِّن تُرَابٍ ثُمَّ مِن نُّطْفَةٍ ثُمَّ جَعَلَكُمْ أَزْوَٰجًا
وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنثَىٰ وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِۦ وَمَا يُعَمَّرُ مِن مُّعَمَّرٍ
وَلَا يُنقَصُ مِنْ عُمُرِهِۦٓ إِلَّا فِى كِتَٰبٍ إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَى ٱللَّهِ يَسِيرٌ ١١

٤٣٥

«و اگر [ای محمّد] تو را دروغگو شمرند» در آوردن یگانگی خدا و بعث و حساب و عقاب «قطعاً پیش از تو پیامبرانی دروغگو شمرده شدند» در آوردن آنها پس شکیبائی پیشه کن چنانکه آنها شکیبائی کردند «و کارها به سوی خدا بازگردانیده می‌شود» در آخرت پس تکذیب‌کنندگان را کیفر و پیامبران را نصرت می‌دهد[٤] «ای مردم: بی‌گمان وعدهٔ الله [به زنده شدن و غیره] حق است زنهار تا این زندگی دنیا شما را فریب ندهد» از ایمان آوردن به آنها «و زنهار تا شیطان فریبکار شما را دربارهٔ خداوند [در حلم و مهلت دادنش] نفریبد»[٥] «در حقیقت شیطان دشمن شما است، شما نیز او را دشمن گیرید» به فرمانبرداری خدا و نافرمانی شیطان «جز این نیست که او حزب خود را [پیروانش در کفر] دعوت می‌کند تا از اهل دوزخ باشند» سعیر: آتش سخت است[٦] «کسانی که کافر شدند، عذابی سخت خواهند داشت، و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند برای آنان آمرزش و پاداشی بزرگ است» این آیه بیانی است برای موافقان شیطان و آنچه برای مخالفانش می‌باشد[٧] و دربارهٔ ابی‌جهل و دیگران نازل شد: «آیا آن کس که زشتی عملش برای او آراسته جلوه داده شده» به سبب بلندنام گردانیدن «و آن را نیک می‌بیند» مانند کسی است که خدا هدایتش داده، خیر، «بی‌گمان خداست که هر که را بخواهد گمراه می‌کند و هر که را بخواهد هدایت می‌کند، پس خود را به سبب حسرت‌خوردنها بر آنان» که عمل بدشان نیک جلوه داده شده است «هلاک نساز» به سبب غم‌خوردنت که ایمان نمی‌آورند «قطعاً خدا به آنچه می‌کنند داناست» بر آن پاداششان می‌دهد[٨] «و خدا همان کسی است که بادها را فرستاد پس آن بادها ابری را برمی‌انگیزند، و ما آن ابر را به سوی سرزمین مرده» گیاهی در آن نیست «راندیم و آن زمین را پس از مرگش» پس از خشک شدنش «به آن زنده ساختیم» کِشت و گیاهان را بدان رویاندیم «برانگیختن مردگان نیز چنین است» بعث و احیاء[٩] «هر کس عزّت می‌خواهد پس عزّت همه از آن خداست» در دنیا و آخرت پس بدان نمی‌رسی جز به طاعت او پس هر کس باید او را اطاعت کند.
«کلام طیّب» پاکیزه و آن لا اله الاّ الله و مانند آن است «به سوی او بالا می‌رود» آن را خود می‌داند «و عمل صالح به آن رفعت می‌بخشد» می‌پذیرد «و کسانی که با مکر و حیله بدیها را می‌اندیشند» دربارهٔ پیغمبر(ﷺ) در دارالندوه از به بندکشیدن و زندانی کردن یا کشتن یا اخراج نمودنش از مکه چنانکه در آیه ٣٠ سوره انفال گذشت «آنان را عذابی سخت است و نیرنگشان خود تباه می‌گردد»[١٠] «و خدا شما را از خاکی» به آفریدن پدرتان آدم از آن «آفرید سپس از نطفه‌ای» از منّی به آفریدن ذرّیتش از آن «آنگاه شما را زوجها گردانید» ذکور و اناث «و هیچ ماده‌ای باردار نمی‌شود و وضع حمل نمی‌کند مگر به علم او» برای او معلوم است «و هیچ سالخورده‌ای عمر دراز نمی‌یابد و از عمرش کاسته نمی‌شود» یعنی از آن سالخورده یا صاحب عمر دیگر «مگر آن که در کتابی» یعنی در لوح المحفوظ «ثبت است بی‌گمان این کار بر خداوند آسان است»[١١]

وَمَا يَسْتَوِي الْبَحْرَانِ هَٰذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ سَائِغٌ شَرَابُهُ وَهَٰذَا
مِلْحٌ أُجَاجٌ ۖ وَمِن كُلٍّ تَأْكُلُونَ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُونَ
حِلْيَةً تَلْبَسُونَهَا ۖ وَتَرَى الْفُلْكَ فِيهِ مَوَاخِرَ لِتَبْتَغُوا مِن فَضْلِهِ
وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿١٢﴾ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ
النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي
لِأَجَلٍ مُّسَمًّى ۚ ذَٰلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ ۚ وَالَّذِينَ
تَدْعُونَ مِن دُونِهِ مَا يَمْلِكُونَ مِن قِطْمِيرٍ ﴿١٣﴾ إِن
تَدْعُوهُمْ لَا يَسْمَعُوا دُعَاءَكُمْ وَلَوْ سَمِعُوا مَا اسْتَجَابُوا لَكُمْ ۖ
وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُونَ بِشِرْكِكُمْ ۚ وَلَا يُنَبِّئُكَ مِثْلُ خَبِيرٍ
﴿١٤﴾ ۞ يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ ۖ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ
الْحَمِيدُ ﴿١٥﴾ إِن يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ ﴿١٦﴾
وَمَا ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ ﴿١٧﴾ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ ۚ وَإِن
تَدْعُ مُثْقَلَةٌ إِلَىٰ حِمْلِهَا لَا يُحْمَلْ مِنْهُ شَيْءٌ وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ ۗ
إِنَّمَا تُنذِرُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ ۚ
وَمَن تَزَكَّىٰ فَإِنَّمَا يَتَزَكَّىٰ لِنَفْسِهِ ۚ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ ﴿١٨﴾

٤٣٦

﴿و دو دریا یکسان نیستند این یک شیرین بسیار گوارا که نوشیدنش خوشگوار است و آن یک شور تلخ و از هر یک گوشتی تازه [و آن ماهی است] و زیوری برمی‌آورید﴾ و آن لؤلؤ و مرجان است، از دریای شور و قولی می‌گوید: از هر دو ﴿که آن را بر خود می پوشید، و کشتی‌ها را در آن [دریا] شکافنده می‌بینی﴾ موجها را می‌شکافد به پیش به پس به یک باد ﴿تا از فضل او [روزی را با تجارت] بجوئید و باشد که سپاس گزارید﴾ خداوند را بر آن(۱۲) ﴿شب را در روز درمی‌آورد [روز زیاد می‌شود] و روز را در شب درمی‌آورد [شب زیاد می‌شود] و خورشید و ماه را رام کرده است هر یک [از آنها در مدار خود] تا سرآمدی معین [روز قیامت] روان است این است خداوند پروردگار شما، فرمانروائی او راست و کسانی [بتان] که به جای او [به نیایش] می‌خوانید [هموزن] پوست هستهٔ خرمائی را مالک نمی‌گردند﴾(۱۳) ﴿اگر آنها را بخوانید، دعای شما را نمی‌شنوند و اگر هم بشنوند [بر فرض] شما را پاسخ نمی‌دهند و روز قیامت شریک نمودن شما [آنها را با خدا] انکار می‌کنند﴾ یعنی از شما و از عبادت‌تان برای آنها بیزاری جسته ﴿و هیچ کس مانند [خدای] آگاه تو را [به احوال هر دو دنیا] خبردار نمی‌کند﴾(۱۴) ﴿ای مردم شما به سوی خداوند فقیر هستند [در هر حال] و خداوند است بی‌نیاز است [از خلقش] ستوده است﴾ در صنعش به آنها(۱۵) ﴿اگر بخواهد شما را از میان می‌برد و خلقی نو به میان می‌آورد﴾ به جای شما(۱۶) ﴿و این کار بر خداوند دشوار نیست﴾(۱۷) ﴿و هیچ بار بردارنده‌ای [گنهکار] بار [نفس] دیگری را برنمی‌دارد و اگر گرانباری [به سبب گناه] کسی را به سوی بارش فرا خواند [تا بعضی از آن را بردارد] چیزی از آن برداشته نمی‌شود هر چند آن کس خویشاوند باشد﴾ مانند پدر و پسر ـ و برنداشتن بار گناه در دو طرف حکمی است از طرف خداوند ﴿جز این نیست که تو، تنها کسانی را که به طور پنهانی از پروردگارشان می‌ترسند هشدار می‌دهی﴾ یعنی از او می ترسند در حالی که او را ندیده‌اند، زیرا اینان از هشدار سود می‌برند ﴿و نماز را برپا داشتند، و هرکس [از شرک و جز آن] پاکیزگی جوید پس جز این نیست که به سود خویش پاکیزگی می‌جوید﴾ پس صلاحش مختصّ به خویش است ﴿و بازگشت به سوی خداوند است﴾ در آخرت به عمل خود پاداش داده می‌شود(۱۸)

وَمَا يَسْتَوِي ٱلْأَعْمَىٰ وَٱلْبَصِيرُ ١٩ وَلَا ٱلظُّلُمَٰتُ وَلَا ٱلنُّورُ
٢٠ وَلَا ٱلظِّلُّ وَلَا ٱلْحَرُورُ ٢١ وَمَا يَسْتَوِي ٱلْأَحْيَآءُ وَلَا ٱلْأَمْوَٰتُ
إِنَّ ٱللَّهَ يُسْمِعُ مَن يَشَآءُ وَمَآ أَنتَ بِمُسْمِعٍ مَّن فِي ٱلْقُبُورِ ٢٢ إِنْ
أَنتَ إِلَّا نَذِيرٌ ٢٣ إِنَّآ أَرْسَلْنَٰكَ بِٱلْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَإِن مِّنْ
أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ ٢٤ وَإِن يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَ ٱلَّذِينَ
مِن قَبْلِهِمْ جَآءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِٱلْبَيِّنَٰتِ وَبِٱلزُّبُرِ وَبِٱلْكِتَٰبِ
ٱلْمُنِيرِ ٢٥ ثُمَّ أَخَذْتُ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ ٢٦
أَلَمْ تَرَ أَنَّ ٱللَّهَ أَنزَلَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءً فَأَخْرَجْنَا بِهِۦ ثَمَرَٰتٍ مُّخْتَلِفًا
أَلْوَٰنُهَا وَمِنَ ٱلْجِبَالِ جُدَدٌۢ بِيضٌ وَحُمْرٌ مُّخْتَلِفٌ أَلْوَٰنُهَا
وَغَرَابِيبُ سُودٌ ٢٧ وَمِنَ ٱلنَّاسِ وَٱلدَّوَآبِّ وَٱلْأَنْعَٰمِ
مُخْتَلِفٌ أَلْوَٰنُهُۥ كَذَٰلِكَ إِنَّمَا يَخْشَى ٱللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ ٱلْعُلَمَٰٓؤُا۟
إِنَّ ٱللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ ٢٨ إِنَّ ٱلَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَٰبَ ٱللَّهِ
وَأَقَامُوا۟ ٱلصَّلَوٰةَ وَأَنفَقُوا۟ مِمَّا رَزَقْنَٰهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً
يَرْجُونَ تِجَٰرَةً لَّن تَبُورَ ٢٩ لِيُوَفِّيَهُمْ أُجُورَهُمْ
وَيَزِيدَهُم مِّن فَضْلِهِۦٓ إِنَّهُۥ غَفُورٌ شَكُورٌ ٣٠

«و نابینا و بینا برابر نیستند» کافر و مؤمن[۱۹] «و نه تاریکی‌ها و روشنائی» کفر و ایمان[۲۰] «و نه سایه و باد سموم گرم» بهشت و آتش[۲۱] «و زندگان و مردگان برابر نیستند» مؤمنان و کافران «همانا خداوند هر که را بخواهد [هدایتش پیامش را] به او می‌شنواند» پاسخش را به ایمان آوردن می‌دهد «و تو شنوانندهٔ کسانی که در گور رهایند نیستی» یعنی کافران آنها را به مردگان تشبیه کرده است[۲۲] «تو جز هشدار دهنده نیستی» آنان را هشدار می‌دهی[۲۳] «هر آینه ما تو را به حق [به هدایت] مژده‌دهنده» به کسی که هدایت را اجابت کند «و بیم دهنده» به کسی که اجابت نکند «فرستادیم و هیچ امّتی نیست مگر اینکه هشدار دهنده‌ای در آن گذشته است» پیامبری هشدارش داده[۲۴] «و اگر [اهل مکّه] تو را تکذیب کنند قطعاً کسانی که پیش از آنها بودند نیز به تکذیب پرداختند، پیامبرانشان برایشان بیّنات [معجزات] و زُبُر [مانند صحیفه‌های ابراهیم] و کتابهای روشنگر» و آن تورات و انجیل است «آوردند» پس شکیبائی کن چنانکه شکیبائی کردند[۲۵] «آنگاه کافران را فرو گرفتیم [به سبب تکذیبشان] پس [بنگر] کیفر من چگونه بود» یعنی انکار من بر آنها به عقوبت و نابودی جای خود دارد[۲۶] «آیا ندیدی که خداوند از آسمان آبی را فرود آورد سپس بدان میوه‌های رنگارنگ» مانند سبز و سرخ و زرد و جز آن «بیرون آوردیم؟ و از کوهها راههائی سفید و سرخ [و زرد] رنگارنگ [به شدّت و ضعف] و سیاه [سنگهای] در نهایت سیاهی»[۲۷] «و از مردمان و جانوران و چهارپایان که رنگهای آنها همچنین گوناگون است» مانند میوه‌ها و کوهها «جز این نیست که از بندگان خدا فقط عالمانند عارفان به خداوند و صفات بزرگ و افعال زیبای وی برخلاف جاهلان مانند کافران مکّه «که از او می‌ترسند بی‌گمان خدا غالب است [در ملکش] آمرزنده است» برای گناه بندگان مؤمنش[۲۸] «بی‌گمان کسانی که کتاب خدا را تلاوت می‌کنند و نماز را برپا داشته‌اند و از آنچه به آنان روزی داده‌ایم، پنهان و آشکارا [زکات و غیره را] انفاق کرده‌اند امید به تجارتی بسته‌اند که هرگز زوال نمی‌پذیرد»[۲۹] «تا پاداشهایشان به تمام و کمال به ایشان بپردازد» ثواب کردارهای مذکور «و از فضل خود به آنان بیفزاید چرا که او آمرزگار [گناهانشان] و قدردان» طاعتشان است[۳۰]

وَٱلَّذِيٓ أَوۡحَيۡنَآ إِلَيۡكَ مِنَ ٱلۡكِتَٰبِ هُوَ ٱلۡحَقُّ مُصَدِّقٗا لِّمَا بَيۡنَ
يَدَيۡهِۗ إِنَّ ٱللَّهَ بِعِبَادِهِۦ لَخَبِيرُۢ بَصِيرٞ ﴿٣١﴾ ثُمَّ أَوۡرَثۡنَا ٱلۡكِتَٰبَ
ٱلَّذِينَ ٱصۡطَفَيۡنَا مِنۡ عِبَادِنَاۖ فَمِنۡهُمۡ ظَالِمٞ لِّنَفۡسِهِۦ وَمِنۡهُم
مُّقۡتَصِدٞ وَمِنۡهُمۡ سَابِقُۢ بِٱلۡخَيۡرَٰتِ بِإِذۡنِ ٱللَّهِۚ ذَٰلِكَ هُوَ
ٱلۡفَضۡلُ ٱلۡكَبِيرُ ﴿٣٢﴾ جَنَّٰتُ عَدۡنٖ يَدۡخُلُونَهَا يُحَلَّوۡنَ
فِيهَا مِنۡ أَسَاوِرَ مِن ذَهَبٖ وَلُؤۡلُؤٗاۖ وَلِبَاسُهُمۡ فِيهَا حَرِيرٞ ﴿٣٣﴾
وَقَالُواْ ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ ٱلَّذِيٓ أَذۡهَبَ عَنَّا ٱلۡحَزَنَۖ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٞ
شَكُورٌ ﴿٣٤﴾ ٱلَّذِيٓ أَحَلَّنَا دَارَ ٱلۡمُقَامَةِ مِن فَضۡلِهِۦ لَا يَمَسُّنَا
فِيهَا نَصَبٞ وَلَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٞ ﴿٣٥﴾ وَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَهُمۡ
نَارُ جَهَنَّمَ لَا يُقۡضَىٰ عَلَيۡهِمۡ فَيَمُوتُواْ وَلَا يُخَفَّفُ عَنۡهُم مِّنۡ
عَذَابِهَاۚ كَذَٰلِكَ نَجۡزِي كُلَّ كَفُورٖ ﴿٣٦﴾ وَهُمۡ يَصۡطَرِخُونَ
فِيهَا رَبَّنَآ أَخۡرِجۡنَا نَعۡمَلۡ صَٰلِحًا غَيۡرَ ٱلَّذِي كُنَّا نَعۡمَلُۚ
أَوَلَمۡ نُعَمِّرۡكُم مَّا يَتَذَكَّرُ فِيهِ مَن تَذَكَّرَ وَجَآءَكُمُ ٱلنَّذِيرُۖ
فَذُوقُواْ فَمَا لِلظَّٰلِمِينَ مِن نَّصِيرٍ ﴿٣٧﴾ إِنَّ ٱللَّهَ عَٰلِمُ
غَيۡبِ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ إِنَّهُۥ عَلِيمُۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ ﴿٣٨﴾

﴿و آنچه از کتاب [قرآن] به سوی تو وحی کرده‌ایم خود حقّ و تصدیق کنندهٔ کتابهای پیشین است بی‌گمان خداوند نسبت به بندگانش آگاه و بیناست﴾ دانا به باطن و ظاهر است[۳۱] ﴿سپس این کتاب را [قرآن] به آن بندگان خود که آنان را [از امّت] برگزیده بودیم به میراث دادیم، پس برخی از آنان بر نفس خود ستمکار [به قصور در عمل کردن به آن] و برخی از آنان میانه‌رو﴾ اغلب اوقات بدان عمل می‌کند ﴿و برخی از آنان به اذن الله به سوی نیکی‌ها پیشگامند﴾ چون تعلیم و تبلیغ و ارشاد را به عمل نمودن به قرآن بدانش خود پیوند می‌دهد ﴿این﴾ میراث کتاب و گزینش ﴿همانا فضل بزرگ است﴾[۳۲] ﴿بهشتهای عدن [اقامت] که [هر سه گروه] به آنها وارد می‌شوند، در آنجا با دستبندهایی از طلا و مروارید [مرصع به طلا] زیور داده می‌شوند و جامه‌شان در آنجا ابریشم است﴾[۳۳] ﴿و گفتند همه ستایشها خدایی راست که اندوه را از ما دور کرد، به راستی پروردگار ما قطعاً آمرزگار [گناهان است] قدردان است﴾ برای طاعت[۳۴] ﴿همان خدایی که ما را از فضل خویش به اقامتگاه جاودان فرود آورد، در اینجا هیچ رنجی به ما نمی‌رسد و در اینجا به ما هیچ درماندگی‌ای [از اثر رنج] به ما نمی‌رسد﴾ ذکر درماندگی که تابع و اثر رنج است بخاطر تصریح به نبودن رنج است[۳۵] ﴿و کسانی که کافر شده‌اند، برای آنها آتش دوزخ است نه بر آنان [به مرگ] حکم شود تا بمیرند [راحت شوند] و نه عذاب بر آنها﴾ چشم به هم‌زدنی ﴿تخفیف داده می‌شود هر کفوری را چنین کیفر می‌دهیم﴾[۳۶] ﴿و آنان در آنجا فریاد برمی‌آورند﴾ با شدت و صدای بلند گریه می‌کنند می‌گویند ﴿پروردگارا ما را [از اینجا] بیرون بیاور تا غیر از آنچه می‌کردیم، کار شایسته کنیم﴾ پس به آنان گفته می‌شود: ﴿مگر به شما چندان عمر ندادیم که در آن هر که پندپذیری خواهد، پندپذیر شود، و آیا هشدار دهنده‌ای به سوی شما نیامد﴾ پیامبران به سوی شما آمدند نپذیرفتید ﴿پس بچشید، زیرا برای ستمکاران [کافران] هیچ یاری دهنده‌ای نیست﴾ عذاب را از آنان دفع کند[۳۷] ﴿بی‌گمان خداوند دانای غیب آسمانها و زمین است و قطعاً او به راز سینه‌ها داناست﴾ به آنچه در دلهاست وقتی حق‌تعالی راز سینه‌ها بداند، قطعاً به طریق اولی رازهای دیگر را که فروتر از آن است می‌داند از احوال مردم[۳۸]

هُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ فَمَنْ كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ وَلَا
يَزِيدُ الْكَافِرِينَ كُفْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ إِلَّا مَقْتًا وَلَا يَزِيدُ الْكَافِرِينَ
كُفْرُهُمْ إِلَّا خَسَارًا ﴿٣٩﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ شُرَكَاءَكُمُ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ
دُونِ اللَّهِ أَرُونِي مَاذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي السَّمَاوَاتِ
أَمْ آتَيْنَاهُمْ كِتَابًا فَهُمْ عَلَىٰ بَيِّنَتٍ مِنْهُ بَلْ إِنْ يَعِدُ الظَّالِمُونَ
بَعْضُهُمْ بَعْضًا إِلَّا غُرُورًا ﴿٤٠﴾ إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَاوَاتِ
وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِنْ زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ
إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا ﴿٤١﴾ وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِنْ
جَاءَهُمْ نَذِيرٌ لَيَكُونُنَّ أَهْدَىٰ مِنْ إِحْدَى الْأُمَمِ فَلَمَّا جَاءَهُمْ نَذِيرٌ
مَا زَادَهُمْ إِلَّا نُفُورًا ﴿٤٢﴾ اسْتِكْبَارًا فِي الْأَرْضِ وَمَكْرَ السَّيِّئِ
وَلَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا سُنَّتَ
الْأَوَّلِينَ فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا
﴿٤٣﴾ أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ
قَبْلِهِمْ وَكَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعْجِزَهُ مِنْ شَيْءٍ
فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ عَلِيمًا قَدِيرًا ﴿٤٤﴾

﴿اوست آن کس که شما را در زمین جانشینان گردانید﴾ بعضی جانشینان بعضی می‌شود ﴿پس هر کس [از شما] کفر ورزد کفرش به زیان اوست﴾ یعنی نکبت کفرش ﴿و کافران را کفرشان نزد پروردگارشان جز مقت نمی‌افزاید﴾ مقت خشم و نفرت است ﴿و کافران را کفرشان غیر از زیان [در آخرت] چیزی نمی‌افزاید﴾[٣٩] ﴿بگو: آیا دیدید شریکانی را که به جای خدا می‌پرستید﴾ و آنها بتانی است که به زعم شما شریک خداوند بزرگ‌اند ﴿به من نشان دهید﴾ مرا آگاه کنید ﴿که چه چیزی از زمین را آفریده‌اند یا مگر آنان در کار آسمانها شرکتی داشته‌اند؟ [با خداوند] یا مگر به آنان کتابی داده‌ایم پس آنان بر حجّتی از آن قرار دارند؟﴾ به اینکه آنها با من شرکتی دارند، هیچ چیزی از این نیست ﴿بلکه [حق این است] که ستمکاران [کافران] جز فریب به یک دیگر وعده‌ای نمی‌دهند﴾ به قول باطل‌شان بتان که برایشان شفاعت می‌کنند[٤٠] ﴿همانا خداوند آسمانها و زمین را نگاه میدارد تا از جای خود نیفتند﴾ نمی‌گذارد زائل شوند ﴿و اگر بلغزند هیچ کس بعد از الله آنها را نگاه نمی‌دارد بی‌گمان او بردبار آمرزگار است﴾ در تأخیر کیفر کافران[٤١] ﴿و﴾ کافران مکّه ﴿با سخت‌ترین سوگندهای خود﴾ با نهایت تلاش و توان خود ﴿به الله سوگند خوردند که اگر بیم دهنده‌ای برای آنان بیاید قطعاً از هر یک از امتهای دیگر راه یافته‌تر خواهند شد﴾ یعنی از یهود و نصاری و جز آنها هر کدام باشد از آنها زیرا دیده‌اند بعضی بعض دیگر را تکذیب می‌کند چون یهود گفتند نصاری بر چیزی نیستند و نصاری گفتند: یهود بر چیزی نیستند ﴿پس وقتی بیم دهنده‌ای [محمّد ﷺ] برایشان آمد در حقّ آنان نیفزود جز رمیدن را﴾ دوری از هدایت[٤٢] ﴿به سبب استکبار در زمین﴾ از آوردن ایمان ﴿و﴾ به سبب ﴿نیرنگ زشت﴾ از شرک و جز آن ﴿و مکر بد جز بر صاحبش فرود نمی‌آید﴾ و آن مکر کننده است ﴿پس آیا جز سنّت پیشینیان را انتظار می‌برند﴾ سنّت خدا در آنان از عذاب دادنشان به سبب تکذیب نمودن پیامبرانشان ﴿و هرگز برای سنّت الهی تبدیلی نمی‌یابی و هرگز برای سنّت الهی تغییری نمی‌یابی﴾ یعنی عذاب به چیز دیگر تبدیل نمی‌شود و به غیر مستحقش احاله نمی‌یابد[٤٣] ﴿آیا در زمین سیر و سفر نکرده‌اند تا فرجام کار کسانی را که پیش از آنان بودند بنگرند و حال آن که از اینان نیرومندتر بودند﴾ پس خدا آنان را به سبب تکذیب پیامبرانشان نابود کرد ﴿و خداوند چنان نیست که چیزی در آسمانها و در زمین خدا را عاجز کند﴾ پیشی گیرد و بگریزد ﴿چرا که او همواره داناست﴾ به تمام چیزها ﴿تواناست﴾ بر آنها[٤٤]

وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِمَا كَسَبُوا مَا تَرَكَ عَلَىٰ
ظَهْرِهَا مِن دَابَّةٍ وَلَٰكِن يُؤَخِّرُهُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى
فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِعِبَادِهِ بَصِيرًا ﴿٤٥﴾

سُورَةُ يس

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

يس ﴿١﴾ وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ ﴿٢﴾ إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿٣﴾ عَلَىٰ
صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿٤﴾ تَنزِيلَ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ ﴿٥﴾ لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّا
أُنذِرَ آبَاؤُهُمْ فَهُمْ غَافِلُونَ ﴿٦﴾ لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلَىٰ أَكْثَرِهِمْ
فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٧﴾ إِنَّا جَعَلْنَا فِي أَعْنَاقِهِمْ أَغْلَالًا فَهِيَ إِلَى
الْأَذْقَانِ فَهُم مُّقْمَحُونَ ﴿٨﴾ وَجَعَلْنَا مِن بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا
وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ ﴿٩﴾ وَسَوَاءٌ
عَلَيْهِمْ أَأَنذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿١٠﴾ إِنَّمَا تُنذِرُ
مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَخَشِيَ الرَّحْمَٰنَ بِالْغَيْبِ فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ
وَأَجْرٍ كَرِيمٍ ﴿١١﴾ إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَنَكْتُبُ
مَا قَدَّمُوا وَآثَارَهُمْ وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ ﴿١٢﴾

٤٤٠

﴿و اگر خدا مردم را به سزای آنچه کرده‌اند [از گناهان] گرفتار می‌کرد هیچ جنبنده‌ای را بر پشت زمین باقی نمی‌گذاشت﴾ که بر آن راه رود ﴿ولی آنان را تا میعادی معیّن مهلت می‌دهد [تا روز قیامت] و چون میعادشان فرا رسد، بی‌گمان خدا به بندگانش بیناست﴾ پس برابر کردارشان پاداششان می‌دهد به ثواب دادن به مؤمنان و کیفر دادن به کافران[۴۵]

سوره یس

مکّی است یا جز آیه ۴۷ یا مدنی است مفسرین دیگر این خلاف را ذکر نکرده بودند و ۸۳ آیه است.

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیم

﴿یس﴾[۱] خدا به مرادش داناتر است به آن ﴿سوگند به قرآن حکیم﴾[۲] که به سبب شگفتیهای نظم و معانی بدیعش محکم و استوار است ﴿قطعاً تو [ای محمّد] از پیامبرانی﴾[۳] ﴿بر صراطی مستقیم﴾ راه پیامبران پیش از تو توحید و هدایت به سوی الله، تأکید مطلب به وسیلهٔ سوگند و غیره ردّ قول کافران است: گفتند: تو پیامبر نیستی[۴] قرآن ﴿فرو فرستادهٔ خدای پیروزمند است﴾ در ملکش ﴿مهربان است﴾ به خلقش[۵] ﴿تا قومی را که پدرانشان بیم داده نشده‌اند [به وسیلهٔ قرآن] بیم دهی﴾ چون در زمان فترت بیم داده نشده‌اند ﴿پس آنان [آن قوم] غافلند﴾ از ایمان و هدایت[۶] ﴿به راستی که بر بیشترشان قول [به عذاب] ثابت شد پس آنها ایمان نمی‌آورند﴾ یعنی بیشترشان[۷] ﴿هر آینه ما در گردنهایشان طوقهایی نهاده‌ایم﴾ بدانگونه که دستها را به آن بسته‌ایم زیرا غلّ دست را به گردن جمع می‌کند ﴿پس دستها را به زیر چانه‌ها افکنده‌ایم در نتیجه سر افراشته‌اند﴾ نمی‌توانند سرشان پائین آورند. و این تمثیل مراد آن است که آنها باور به ایمان ندارند و سر را برای آن پائین نمی‌آورند[۸] ﴿و ما پیش رویشان سدّی و پشت سرشان سدّی هم نهاده‌ایم باز بر آنان پرده‌ای افکنده‌ایم در نتیجه آنان هیچ نمی‌توانند ببینند﴾ این نیز تمثیلی است برای سدّ راه ایمان آوردن بر آنان[۹] ﴿و برای آنان برابر است چه بیمشان بدهی، چه بیمشان ندهی: ایمان نمی‌آورند﴾[۱۰] ﴿تنها کسی را بیم می‌دهی﴾ بیم دادنت به کسی نفع می‌رساند ﴿که از ذکر [از قرآن] پیروی کند و در نهان از خدای رحمان بترسد﴾ هر چند او را ندیده است ﴿پس او را به آمرزش و پاداش ارجمند بشارت ده﴾ آن بهشت است[۱۱] ﴿بی‌گمان مائیم که مردگان را﴾ برای روز رستاخیز ﴿زنده می‌سازیم﴾ ﴿و﴾ در لوح‌المحفوظ ﴿آنچه را پیش فرستاده‌اند می‌نویسیم﴾ خیر و شرّی که در زمان حیاتشان انجام داده‌اند تا بر آن پاداش داده شوند ﴿و آثارشان را﴾ آنچه پس از خودشان سنّت قرار داده‌اند ﴿و هر چیزی را در امام مبین برشمرده‌ایم﴾ در کتاب روشنگر، آن لوح‌المحفوظ است[۱۲]

قواعد آیه ۳ـ عَلَی: متعلق است به مرسلین در آیه قبلی.

آیه ۵ـ تنزیل به رفع خبر است برای مبتدای مقدر یعنی القرآن.

آیه ۶ـ لِتُنذِرَ: متعلق است به تنزیل در آیه قبل.

آیه ۱۰ـ أأنذرتهم: بحث جمع‌شدن دو همزه در آیه ۶ سوره البقره بیان شده است.

وَاضْرِبْ لَهُم مَّثَلًا أَصْحَابَ الْقَرْيَةِ إِذْ جَاءَهَا الْمُرْسَلُونَ ﴿١٣﴾
إِذْ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزْنَا بِثَالِثٍ فَقَالُوا إِنَّا
إِلَيْكُم مُّرْسَلُونَ ﴿١٤﴾ قَالُوا مَا أَنتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا وَمَا أَنزَلَ
الرَّحْمَٰنُ مِن شَيْءٍ إِنْ أَنتُمْ إِلَّا تَكْذِبُونَ ﴿١٥﴾ قَالُوا رَبُّنَا يَعْلَمُ إِنَّا
إِلَيْكُمْ لَمُرْسَلُونَ ﴿١٦﴾ وَمَا عَلَيْنَا إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ ﴿١٧﴾
قَالُوا إِنَّا تَطَيَّرْنَا بِكُمْ لَئِن لَّمْ تَنتَهُوا لَنَرْجُمَنَّكُمْ وَلَيَمَسَّنَّكُم
مِّنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١٨﴾ قَالُوا طَائِرُكُم مَّعَكُمْ أَئِن ذُكِّرْتُم
بَلْ أَنتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ ﴿١٩﴾ وَجَاءَ مِنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ رَجُلٌ
يَسْعَىٰ قَالَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ ﴿٢٠﴾ اتَّبِعُوا مَن
لَّا يَسْأَلُكُمْ أَجْرًا وَهُم مُّهْتَدُونَ ﴿٢١﴾ وَمَا لِيَ لَا أَعْبُدُ الَّذِي
فَطَرَنِي وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٢٢﴾ أَأَتَّخِذُ مِن دُونِهِ آلِهَةً إِن
يُرِدْنِ الرَّحْمَٰنُ بِضُرٍّ لَّا تُغْنِ عَنِّي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا وَلَا
يُنقِذُونِ ﴿٢٣﴾ إِنِّي إِذًا لَّفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٢٤﴾ إِنِّي آمَنتُ
بِرَبِّكُمْ فَاسْمَعُونِ ﴿٢٥﴾ قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي
يَعْلَمُونَ ﴿٢٦﴾ بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ ﴿٢٧﴾

٤٤١

﴿و برایشان از اصحاب قریه [انطاکیه]﴾ مثلی بیان کن آنگاه که فرستادگان [فرستادگان عیسی] به آن قریه آمدند[۱۳] ﴿آنگاه که دو تن به سویشان فرستادیم ولی آن دو را دروغزن شمردند سپس آن دو را با فرستادهٔ سومین تایید کردیم پس رسولان گفتند: قطعاً ما به سوی شما فرستاده شدیم از طرف عیسی﴾[۱۴] ﴿گفتند: شما جز بشری مانند ما نیستید و رحمان چیزی فرو نفرستاده، شما جز دروغ نمی‌پردازید﴾[۱۵] ﴿گفتند: پروردگار ما می‌داند که ما واقعاً به سوی شما به یقین فرستاده شده‌ایم﴾[۱۶] ﴿و بر ما جز پیام‌رسانی آشکار وظیفه‌ای نیست﴾ تبلیغ آشکار با معجزات روشن و آن بینا نمودن نابینا و برطرف نمودن بَرَص [پیسی] و بهبود یافتن بیمار و زنده گردانیدن مرده[۱۷] مردم تکذیب پیشهٔ آن شهر ﴿گفتند: هرآینه ما به شما شگون بد گرفته‌ایم﴾ چون باران به سبب شما از ما قطع شده است ﴿اگر دست برندارید شما را سنگسار می‌کنیم و قطعاً از جانب ما عذاب دردناکی به شما خواهد رسید﴾[۱۸] فرستادگان ﴿گفتند: شومیِ شما با خود شماست﴾ به سبب کفرتان ﴿آیا چون اندرز داده شدید؟﴾ پند داده شدید و ترسیدید ؛جواب شرط محذوف است: یعنی بدشگون شدی و کافر شدی ـ و این محل استفهام است و مراد به آن توبیخ است. ﴿نه: بلکه حق این است که شما قومی اسرافکارید﴾ به شرک قراردادنتان از حد تجاوز کرده‌اید[۱۹] ﴿و از دور دست شهر، مردی﴾ او حبیب نجّار بود منزلش در دورترین نقطهٔ شهر بود ﴿دوان دوان آمد﴾ هنگامی که تکذیب قومش را به فرستادگان شنید ﴿گفت: ای قوم من! از این فرستادگان پیروی کنید﴾[۲۰] ﴿از کسانی پیروی کنید که از شما هیچ مزدی در [برابر رسالتش] نمی‌خواهد، و خود نیز راه یافته‌اند﴾[۲۱] به او گفتند تو بر دینشان هستی پس گفت: ﴿و مرا چه شده است که معبودی نپرستم که مرا آفریده است﴾ یعنی مانعی برای من نیست از عبادتش که دلیل موجود است، و شما هم‌چنین هستید ﴿و همه به سوی او بازگردانده می‌شوید﴾ پس از مرگ شما را به کیفر کفرتان می‌رساند[۲۲] ﴿آیا به جای او خدایانی [بتانی] را به پرستش گیرم که اگر خدای رحمان زیانی در حق من اراده کند، شفاعت آنان [به زعم خودشان] از من چیزی را دفع نمی‌کند و نه آنان می‌توانند مرا نجات دهند﴾[۲۳] ﴿در آن صورت﴾ اگر جزوَیِ معبوداتی برگیرم ﴿من قطعاً در گمراهی آشکاری هستم﴾[۲۴] ﴿بی‌گمان من به پروردگارتان ایمان آوردم پس از من بشنوید﴾ قولم را پس سنگسارش کردند مرد[۲۵] ﴿به او﴾ در هنگام شهادتش ﴿گفته شد: به بهشت در آی﴾ قولی می‌گوید به حالت حیات وارد آن شده است ﴿گفت: ای کاش قوم من این امر را می‌دانستند﴾[۲۶] ﴿که پروردگارم مرا آمرزیده و در زمرهٔ گرامیانم قرار داده است﴾[۲۷]

قواعد آیه ۱۳ و ۱۴ـ إذجاءها: بدل است از اصحاب القریه، إذْ أرسَلْنا بدل است از إذْ اَوّل.

آیه ۱۶ـ ﴿قالوا ربّنا یعلم﴾ حکم سوگند را دارد، تأکید به این جمله و به لام لمُرسلون بر تاکیدی که در ﴿انّا الیکم مرسلون﴾ است زیاد شده است چون در برابر انکاری است که از انکار در آیه ۱۴ بیشتر است.

۞ وَمَآ أَنزَلۡنَا عَلَىٰ قَوۡمِهِۦ مِنۢ بَعۡدِهِۦ مِن جُندٖ مِّنَ ٱلسَّمَآءِ وَمَا
كُنَّا مُنزِلِينَ ﴿٢٨﴾ إِن كَانَتۡ إِلَّا صَيۡحَةٗ وَٰحِدَةٗ فَإِذَا هُمۡ خَٰمِدُونَ
﴿٢٩﴾ يَٰحَسۡرَةً عَلَى ٱلۡعِبَادِۚ مَا يَأۡتِيهِم مِّن رَّسُولٍ إِلَّا كَانُواْ بِهِۦ
يَسۡتَهۡزِءُونَ ﴿٣٠﴾ أَلَمۡ يَرَوۡاْ كَمۡ أَهۡلَكۡنَا قَبۡلَهُم مِّنَ ٱلۡقُرُونِ
أَنَّهُمۡ إِلَيۡهِمۡ لَا يَرۡجِعُونَ ﴿٣١﴾ وَإِن كُلّٞ لَّمَّا جَمِيعٞ لَّدَيۡنَا مُحۡضَرُونَ
﴿٣٢﴾ وَءَايَةٞ لَّهُمُ ٱلۡأَرۡضُ ٱلۡمَيۡتَةُ أَحۡيَيۡنَٰهَا وَأَخۡرَجۡنَا مِنۡهَا حَبّٗا
فَمِنۡهُ يَأۡكُلُونَ ﴿٣٣﴾ وَجَعَلۡنَا فِيهَا جَنَّٰتٖ مِّن نَّخِيلٖ
وَأَعۡنَٰبٖ وَفَجَّرۡنَا فِيهَا مِنَ ٱلۡعُيُونِ ﴿٣٤﴾ لِيَأۡكُلُواْ مِن ثَمَرِهِۦ
وَمَا عَمِلَتۡهُ أَيۡدِيهِمۡۚ أَفَلَا يَشۡكُرُونَ ﴿٣٥﴾ سُبۡحَٰنَ ٱلَّذِي
خَلَقَ ٱلۡأَزۡوَٰجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنۢبِتُ ٱلۡأَرۡضُ وَمِنۡ أَنفُسِهِمۡ
وَمِمَّا لَا يَعۡلَمُونَ ﴿٣٦﴾ وَءَايَةٞ لَّهُمُ ٱلَّيۡلُ نَسۡلَخُ مِنۡهُ ٱلنَّهَارَ
فَإِذَا هُم مُّظۡلِمُونَ ﴿٣٧﴾ وَٱلشَّمۡسُ تَجۡرِي لِمُسۡتَقَرّٖ لَّهَاۚ
ذَٰلِكَ تَقۡدِيرُ ٱلۡعَزِيزِ ٱلۡعَلِيمِ ﴿٣٨﴾ وَٱلۡقَمَرَ قَدَّرۡنَٰهُ مَنَازِلَ حَتَّىٰ
عَادَ كَٱلۡعُرۡجُونِ ٱلۡقَدِيمِ ﴿٣٩﴾ لَا ٱلشَّمۡسُ يَنۢبَغِي لَهَآ أَن تُدۡرِكَ
ٱلۡقَمَرَ وَلَا ٱلَّيۡلُ سَابِقُ ٱلنَّهَارِۚ وَكُلّٞ فِي فَلَكٖ يَسۡبَحُونَ ﴿٤٠﴾

﴿و ما پس از او [پس از مرگش] بر سر قومش [قوم حبیب] هیچ لشکری از آسمان [از فرشتگان برای نابودیشان] فرو نیاوردیم و ما فرود آورندهٔ آن نبودیم﴾ فرشتگانی را برای هلاک کسی[۲۸] ﴿تنها یک بانگ مرگبار بود﴾ سزاوار کیفر ما ﴿و بس﴾ جبریل بر آنها صدا برداشت ﴿پس به ناگاه آنها فسردند﴾ ساکت و مرده شدند[۲۹] ﴿دریغا بر این بندگان﴾ آنان و مانند آنان از کسانی پیامبران را تکذیب نمودند و هلاک شدند ﴿هیچ پیامبری بدیشان نمی‌آمد مگر آن که او را ریشخند می‌کردند﴾ این بالواسطه بیان سبب حسرت را می‌کند چون ریشخند آنها را شامل است که سبب هلاکتشان است و هلاکت سبب حسرت است[۳۰] ﴿مگر ندیده‌اند﴾ اهالی مکّه که می‌گفتند تو پیامبر نیستی، استفهام برای تقریر است یعنی دیده‌اند ﴿که چه بسیار نسلها را پیش از آنان هلاک گردانیدیم که دیگر آنها [هلاک شدگان] به سویشان [تکذیب کنندگان] باز نمی‌گردند﴾ آیا پند نمی‌گیرند به آنان،[۳۱] ﴿و جز این نیست که همهٔ آنان [برای حساب] در نزد ما جمع و احضار خواهند شد﴾ در حشرگاه پس از برانگیختن‌شان حاضر می‌شوند برای حساب[۳۲] ﴿و زمین مرده برای آنان نشانه‌ای است که آن را زنده گردانیدیم [به وسیلهٔ آب] و از آن دانه‌های برآوردیم [مانند گندم] که از آن می‌خورند﴾[۳۳] ﴿و در آن زمین باغهایی از درختان خرما و انگور آفریدیم و چشمه‌ها در آن روان کردیم﴾ بعضی چشمه‌ها[۳۴] ﴿تا از میوه‌های [میوه‌های مذکور از خرما و غیره] آن و از آنچه دستهایشان به عمل آورده است﴾ مانند آب انگور و آب میوه‌ها، نه عین میوه‌ها که عمل آنها نیست ﴿آیا باز هم شکر نمی‌گزارند﴾ نعمتهای خداوند را[۳۵] ﴿پاک و منزّه است آن که تمام ازواج اصناف را از جمله آنچه زمین می‌رویاند [از دانه‌ها و غیره] آفرید و نیز از جنس خودشان [از ذکور و اناث] و از آنچه نمی‌دانند﴾ از آفریده‌های عجیب و غریب[۳۶] ﴿و نشانهای دیگر برای آنها [بر قدرت عظیمه] شب است که روز از آن برمی‌کنیم پس به ناگاه آنان در تاریکی فرو می‌روند﴾[۳۷] ﴿و خورشید به مستقرّی که دارد روان است﴾ از آن تجاوز نمی‌کند ﴿این [جریان] اندازه آفرینی خداوندی است غالب﴾ در ملکش ﴿دانا﴾ به خلقش - این آیه و آیهٔ والقمر از نشانه‌هائی است برای آنان یا هر دو نشانه‌های مستقل هستند[۳۸] ﴿و برای ماه نیز منزلهایی مقرّر داشته‌ایم﴾ از جهت مسیرش و آن بیست و هشت منزل است در بیست و هشت شب در هر ماه و دو شب پنهان می‌شود اگر ماه سی روز باشد و یک شب پنهان می‌شود اگر ماه بیست و نه روز باشد ﴿تا آن که چون شاخه خشکیدهٔ دیرینهٔ خرما برگردد﴾ که نازک و کمانی و زرد می‌شود، در دید چشم[۳۹] ﴿نه خورشید را می‌سزد به ماه برسد﴾ در شب با آن جمع شود ﴿و نه شب بر روز پیشی جوید﴾ پیش از تمام شدن روز نمی‌آید ﴿و هر کدام از آنها﴾ خورشید و ماه و ستارگان نیز ﴿در مدار خود شناورند﴾ «یسبّحون» به تغلیب قمر به صورت جمع مذکر آمده است[۴۰]

قواعد آیه ۳۰ـ منادی قراردادن «حَسْرَةً» مجاز است یعنی این است زمان تو پس حاضر شو.

آیه ۳۱ـ (كَمْ) خبری است مفعول اهلكنا پس از آن است و «ألم یروا» را پیش از آن تعلیق می‌کند و (انهم) تا آخر بدل است از جمله ما قبل به رعایت معنی.

آیه ۳۲ـ (و إنْ) بمعنی مای نفی یا مخفف است از إنّ، و (لمّا) با تشدید، معنی الاّ و با تخفیف ما زائد است و لام فارق بین ان مخففه و إنْ نافیه است.

وَءَايَةٌ لَّهُمْ أَنَّا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ ﴿٤١﴾ وَخَلَقْنَا
لَهُم مِّن مِّثْلِهِ مَا يَرْكَبُونَ ﴿٤٢﴾ وَإِن نَّشَأْ نُغْرِقْهُمْ فَلَا صَرِيخَ لَهُمْ
وَلَا هُمْ يُنقَذُونَ ﴿٤٣﴾ إِلَّا رَحْمَةً مِّنَّا وَمَتَاعًا إِلَىٰ حِينٍ ﴿٤٤﴾ وَإِذَا
قِيلَ لَهُمُ اتَّقُوا مَا بَيْنَ أَيْدِيكُمْ وَمَا خَلْفَكُمْ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿٤٥﴾
وَمَا تَأْتِيهِم مِّنْ ءَايَةٍ مِّنْ ءَايَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ
﴿٤٦﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ أَنفِقُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا
لِلَّذِينَ ءَامَنُوا أَنُطْعِمُ مَن لَّوْ يَشَاءُ اللَّهُ أَطْعَمَهُ إِنْ أَنتُمْ إِلَّا فِي
ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٤٧﴾ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا الْوَعْدُ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ
﴿٤٨﴾ مَا يَنظُرُونَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ يَخِصِّمُونَ
﴿٤٩﴾ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ تَوْصِيَةً وَلَا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ يَرْجِعُونَ ﴿٥٠﴾
وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُم مِّنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنسِلُونَ
﴿٥١﴾ قَالُوا يَا وَيْلَنَا مَن بَعَثَنَا مِن مَّرْقَدِنَا ۜ هَٰذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَٰنُ
وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ ﴿٥٢﴾ إِن كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً
وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَّدَيْنَا مُحْضَرُونَ ﴿٥٣﴾ فَالْيَوْمَ لَا تُظْلَمُ
نَفْسٌ شَيْئًا وَلَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٥٤﴾

٤٤٣

«و نشانه‌ای دیگر برای آنان» بر قدرت ما «اینکه ما نسل بنی‌آدم را در کشتی گرانبار» کشتی نوح «سوار کردیم»(۴۱) «و مانند آن برای ایشان مرکوبهای دیگری مانند آن آفریدیم» مانند کشتی نوح و آن عمل دست خودشان است به شکل آن از کشتی‌های کوچک و بزرگ به وسیلهٔ تعلیم خدای بزرگ(۴۲) «و اگر بخواهیم غرقشان می‌کنیم» با وجود داشتن کشتی «پس برایتان هیچ فریادرسی نباشد و نه نجات داده می‌شوند»(۴۳) «جز رحمتی از جانب ما» جز رحمتی از سوی خویش، به نجاتشان فرمان می‌دهیم «و برخورداری [آنان به لذّاتشان] تا زمان معین» که هنگام مرگ است(۴۴) «و چون به آنان گفته شود: از آنچه که پیش روی شماست [از عذاب و حوادث دنیا مانند دیگران] بترسید و از آنچه پشت سر شماست [از عذاب آخرت] باشد که مشمول رحمت شوید» روی برتافته و اعراض می‌کنند(۴۵) «و هیچ آیتی از آیات پروردگارشان برایشان نمی‌آید جز اینکه از آن رویگردان بوده‌اند»(۴۶) «و چون به آنان گفته شود: از آنچه خدا به شما روزی داده انفاق کنید» یعنی فقرای صحابه گفتند از اموالی که دارید به ما ببخشید «کافران به مؤمنان می‌گویند» از روی تحقیر و استهزاء: «آیا کسی را اطعام کنیم که اگر خدا می‌خواست طعامش می‌داد» در این اعتقاد خودتان «شما» در قول خودتان که درخواست طعام می‌کنید با آن عقیده که دارید «جز در گمراهی آشکاری نیستید» و در تصریح به کفر آنان موقع عظیمی است و آن اشاره به اختلاف دو نوع کفار زیرا اینان زنادقه‌اند که انکار وجود صانع مختار را می‌کنند برخلاف کافران دیگر که به وجود خدا ایمان دارند.(۴۷) «و کافران «می‌گویند: این وعده [به قیامت] کی فرا می‌رسد اگر راست می‌گوئید»(۴۸) خداوند فرمود: «جز یک بانگ تند را انتظار نمی‌کشند» و آن دمیدن اول اسرافیل است در صور «آنان را در حالی فرو می‌گیرد که ستیزه و جدل می‌کنند» یعنی سرگرم جدل و خرید و فروش و خوردن و نوشیدن و جز آن می‌باشند ولی از آن غافلند(۴۹) «آنگاه نه وصیتی توانند کرد و نه» از بازار و مشغلتشان «به سوی خانواده‌شان باز می‌گردند» بلکه در آنجا می‌میرند(۵۰) «و در صور دمیده شد» این دمیدن دوم برای زنده‌شدن است، که طنین‌انداز می‌خروشد بین دو نفخه چهل سال است «پس ناگاه [مردگان] از قبرهای خود به سوی پروردگار خویش می‌شتابند»(۵۱) «می‌گویند» کافران آنها «ای وای بر ما» هلاکت بر ما «چه کسی ما را از آرامگاهمان برانگیخت؟» چون آنان در بین دو نفخه در حال خواب بوده‌اند معذب نبوده‌اند «این» همان رستاخیز «است همان وعده‌ای [است] که خدای رحمان داده بود و پیامبران [در آن] راست می‌گفتند» اقرار کردند در وقتی که اقرارشان به آنان سود ندهد قولی می‌گوید: این از طرف مؤمنین یا فرشتگان به آنها گفته می‌شود(۵۲) «این جز یک بانگ تندی نیست پس به ناگاه همگی نزد ما احضار شدند»(۵۳) «امروز بر هیچ کس ستمی نمی‌رود و جز به حسب آنچه می‌کردند جزاء داده نخواهید شد»(۵۴)

قواعد آیه ۴۹ـ یخصّمون: اصل آن یختصمون است تاء پس از قلب در صاد ادغام شده است.

إِنَّ أَصْحَٰبَ ٱلْجَنَّةِ ٱلْيَوْمَ فِى شُغُلٍ فَٰكِهُونَ ﴿٥٥﴾ هُمْ وَأَزْوَٰجُهُمْ
فِى ظِلَٰلٍ عَلَى ٱلْأَرَآئِكِ مُتَّكِـُٔونَ ﴿٥٦﴾ لَهُمْ فِيهَا فَٰكِهَةٌ وَلَهُم
مَّا يَدَّعُونَ ﴿٥٧﴾ سَلَٰمٌ قَوْلًا مِّن رَّبٍّ رَّحِيمٍ ﴿٥٨﴾ وَٱمْتَٰزُوا۟ ٱلْيَوْمَ
أَيُّهَا ٱلْمُجْرِمُونَ ﴿٥٩﴾ ۞ أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَٰبَنِىٓ ءَادَمَ أَن لَّا
تَعْبُدُوا۟ ٱلشَّيْطَٰنَ ۖ إِنَّهُۥ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ ﴿٦٠﴾ وَأَنِ ٱعْبُدُونِى ۚ
هَٰذَا صِرَٰطٌ مُّسْتَقِيمٌ ﴿٦١﴾ وَلَقَدْ أَضَلَّ مِنكُمْ جِبِلًّا كَثِيرًا ۖ
أَفَلَمْ تَكُونُوا۟ تَعْقِلُونَ ﴿٦٢﴾ هَٰذِهِۦ جَهَنَّمُ ٱلَّتِى كُنتُمْ تُوعَدُونَ
﴿٦٣﴾ ٱصْلَوْهَا ٱلْيَوْمَ بِمَا كُنتُمْ تَكْفُرُونَ ﴿٦٤﴾ ٱلْيَوْمَ نَخْتِمُ
عَلَىٰٓ أَفْوَٰهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَآ أَيْدِيهِمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُم بِمَا كَانُوا۟
يَكْسِبُونَ ﴿٦٥﴾ وَلَوْ نَشَآءُ لَطَمَسْنَا عَلَىٰٓ أَعْيُنِهِمْ فَٱسْتَبَقُوا۟
ٱلصِّرَٰطَ فَأَنَّىٰ يُبْصِرُونَ ﴿٦٦﴾ وَلَوْ نَشَآءُ لَمَسَخْنَٰهُمْ
عَلَىٰ مَكَانَتِهِمْ فَمَا ٱسْتَطَٰعُوا۟ مُضِيًّا وَلَا يَرْجِعُونَ
﴿٦٧﴾ وَمَن نُّعَمِّرْهُ نُنَكِّسْهُ فِى ٱلْخَلْقِ ۖ أَفَلَا يَعْقِلُونَ ﴿٦٨﴾
وَمَا عَلَّمْنَٰهُ ٱلشِّعْرَ وَمَا يَنۢبَغِى لَهُۥٓ ۚ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْءَانٌ مُّبِينٌ
﴿٦٩﴾ لِّيُنذِرَ مَن كَانَ حَيًّا وَيَحِقَّ ٱلْقَوْلُ عَلَى ٱلْكَٰفِرِينَ ﴿٧٠﴾

٤٤٤

﴿بی‌گمان امروز اهل بهشت در کاری خوش و خرّم هستند﴾ از اندیشیدن به سرنوشت کفار و افتادنشان در آتش، باز مانده‌اند زیرا چنان غرق نعمت‌اند از آن لذّت می‌برند که حال کفار را به یاد نمی‌آورند، شغلی نیست آنها را رنج دهد چون در بهشت رنج و الم نیست(۵۵) ﴿آنان با جفتهایشان در سایه‌ساران [آفتاب به آنها نمی‌زند] بر تختها [یا فرشها که آنها را مانند حجله‌ها سایبانی می‌کنند] تکیه زده‌اند﴾(۵۶) ﴿در آنجا برای آنها میوه‌هایی است و برای آنهاست [در آنجا] هر چه طلب کنند﴾ آرزو کنند(۵۷) ﴿سلام بر شما این سخنی است از جانب پروردگاری مهربان﴾ به آنان یعنی به آنان می‌گوید سلام علیکم(۵۸) ﴿و﴾ می‌گوید: ﴿ای گنهکاران امروز جدا شوید﴾ از مؤمنین کناره گیرید(۵۹) ﴿ای فرزندان آدم آیا به سوی شما [از زبان پیامبرم] حکم نفرستاده بودم که شیطان را نپرستید [اطاعت نکنید] زیرا او دشمن آشکاری برای شماست﴾(۶۰) ﴿و اینکه مرا بپرستید﴾ یگانه‌ام بدانید و اطاعتم کنید ﴿این است راه راست﴾(۶۱) ﴿و هر آینه او گروهی بسیار از شما را سخت گمراه کرد آیا تعقّل نمی‌کردید﴾ دشمنی و گمراهی‌اش را یا آنچه بدان گرفتار آمدند از عذاب، پس ایمان آورید(۶۲) و در آخرت به آنان گفته می‌شود: ﴿این همان جهنّمی است که به شما وعده داده می‌شد﴾ به آن(۶۳) ﴿امروز به سبب کفری که می‌ورزیدید به آن درآئید﴾(۶۴) ﴿امروز بر دهانهایشان مهر می‌نهیم﴾ بر دهانهای کافران چون میگویند: والله ربّنا ما کنّا مشرکین ﴿و دستهایشان با ما سخن می‌گویند و پاهایشان [و غیر آن] به آنچه می‌کردند گواهی می‌دهند﴾ پس هر عضوی به آنچه که از آن صادر شده است گویا گردیده است(۶۵) ﴿و اگر بخواهیم هر آینه چشمانشان را نابود می‌کنیم﴾ نه شکافی نه پلکی در آنها نمودار نباشد ﴿پس در راه بر هم پیشی می‌جویند﴾ مانند عادت خودشان راه می‌رفتند ﴿ولی از کجا می‌توانند ببینند﴾ یعنی نمی‌بینند(۶۶) ﴿و اگر بخواهیم هر آینه آنان را بر جایشان مسخ می‌کنیم﴾ به میمون یا خوک یا سنگ ﴿آنگاه نه می‌توانند از آنجا بگذرند و نه برگردند﴾ نه بر رفتن و نه بر آمدن قادر نیستند(۶۷) ﴿و هر که را عمر دراز دهیم، [به طول دادن به اجلش] او را در خلقت نگونسار می‌کنیم﴾ پس از نیرو و جوانی‌اش ضعیف و پیر می‌شود ﴿آیا تعقّل نمی‌کنند﴾ کسی که بر این تغییرات که نزد آنها معلوم است توانا است بر بعث نیز تواناست، پس ایمان بیاورند(۶۸) ﴿و ما به او [به پیغمبر] شعر نیاموختیم﴾ ردّ قول آنهاست: که آنچه از قرآن آورده شعر است ﴿و سزاوار وی هم نیست﴾ شعر بر او آسان نیست ﴿نیست آن﴾ آنچه را آورده است ﴿جز ذکر﴾ پند و موعظت ﴿و قرآنی مبین﴾ ظاهرکننده احکام و چیزهای دیگر(۶۹) ﴿تا﴾ قرآن یا پیامبر(ﷺ) ﴿هر که را زنده باشد﴾ به آنچه به او خطاب می‌شود تعقل کند و آن مؤمنانند ﴿هشدار دهد و قول [به عذاب] بر کافران ثابت شود﴾ و آنان مانند مردگانند آنچه به آنان خطاب می‌شود تعقل نمی‌کنند(۷۰)

تواعد آیه ۶۲ـ جِبِلاً: جمع جبیل مانند قدیم در قرائتی به ضمّ باء آمده است.

آیه ۶۷ـ مکانة در قرائتی مکانات آمده یعنی در منازلشان.



أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا خَلَقْنَا لَهُم مِّمَّا عَمِلَتْ أَيْدِينَا أَنْعَامًا فَهُمْ لَهَا
مَالِكُونَ ٧١ وَذَلَّلْنَاهَا لَهُمْ فَمِنْهَا رَكُوبُهُمْ وَمِنْهَا يَأْكُلُونَ ٧٢
وَلَهُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَمَشَارِبُ أَفَلَا يَشْكُرُونَ ٧٣ وَاتَّخَذُوا
مِن دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لَّعَلَّهُمْ يُنصَرُونَ ٧٤ لَا يَسْتَطِيعُونَ
نَصْرَهُمْ وَهُمْ لَهُمْ جُندٌ مُّحْضَرُونَ ٧٥ فَلَا يَحْزُنكَ قَوْلُهُمْ
إِنَّا نَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ ٧٦ أَوَلَمْ يَرَ الْإِنسَانُ أَنَّا
خَلَقْنَاهُ مِن نُّطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُّبِينٌ ٧٧ وَضَرَبَ لَنَا
مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَن يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ ٧٨
قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ
٧٩ الَّذِي جَعَلَ لَكُم مِّنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا فَإِذَا أَنتُم
مِّنْهُ تُوقِدُونَ ٨٠ أَوَلَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ
بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَن يَخْلُقَ مِثْلَهُم بَلَىٰ وَهُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ ٨١
إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَن يَقُولَ لَهُ كُن فَيَكُونُ ٨٢
فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ٨٣

سورة الصافات

٤٤٥

«آیا ندیده‌اند که ما از آنچه دستان ما کرده است برایشان [در جمع مردم] چارپایانی آفریده‌ایم» بدون شریک و یاوری و آنها شتر و گاو گوسفند و بزند «پس آنان مالک آنهایند؟» بر آنها مسلّطند(۷۱) «و چهارپایان را برایشان رام کردیم پس از آنهاست مرکوبشان و از آنها می‌خورند»(۷۲) «و برای آنان در چهارپایان منفعتهاست» مانند پشم و کرک و موهایشان «و نوشیدنی‌ها» از شیرشان «آیا شکر نمی‌گزارند» آنچه را بر آنان نعمت داده شده است، پس ایمان بیاورند، یعنی شکرگزار نشدند(۷۳) «و جز الله معبوداتی گرفتند» بتانی را می‌پرستیدند «تا مگر یاری شوند» به وسیلهٔ شفاعت خدایانشان به زعم خودشان از عذاب خدای بزرگ منع شوند(۷۴) «توانائی یاری دادنشان را ندارند» خدایانشان «و آنان» خدایان دروغین «برای پرستشگران خود لشکری هستند» یاری دهنده به زعم خودشان «احضار می‌شوند» با آنان در دوزخ(۷۵) «پس گفتارشان تو را اندوهگین نگرداند» که می‌گویند پیامبر نیستی و جز آن «بی‌گمان ما آنچه را پنهان می‌کنند و آنچه را آشکار می‌کنند» از آن و غیر آن «می‌دانیم» پس بر آن پاداششان می‌دهیم(۷۶) «آیا ندیده» و ندانسته «است انسان» و او عاصی پسر وائل است «که ما او را از نطفه‌ای آفریده‌ایم» از منی تا اینکه او را سخت و نیرومند گردانیدیم «پس به ناگاه او جدل کننده‌ای آشکار است» در انکار بعث و شدیدالخصومت است(۷۷) «و برای ما مثلی زد [در آن] و آفرینش خود را فراموش کرد» از منی است و این از مثل او غریب‌تر است «گفت: چه کسی استخوانها را - در حالی که چنین پوسیده‌اند - از نو زنده می‌گرداند» و روایت شده که عاصی‌بن وائل استخوان پوسیده‌ای را گرفت و ریز ریزش کرد و به پیغمبر(ﷺ) گفت: آیا خداوند این را پس از آنکه پوسیده و پاشان شده است زنده می‌کند؟ پیغمبر(ﷺ) فرمود: آری زنده می‌کند و تو را به آتش دوزخ وارد می‌کند(۷۸) «بگو: همان کسی که نخستین بار آنها را پدید آورده، زنده‌شان می‌گرداند و او به هرگونه آفرینشی داناست» به طور مجمل و به طور مفصّل پیش از آفریدنش و پس از آفریدنش(۷۹) «همو که برایتان [با سایر مردم] از درخت سبز» مرخ و عَفار یا از هر درختی جز عَنّاب «آتشی پدید آورد» اگر از آنها دو چوب سبز و تازه را ببرید و یکی از آنها را به دیگری بزنید آتش از آنها بیرون می‌جهد «که به ناگاه از آن درخت آتش می‌افروزید» و این دلالت دارد بر قدرت خداوند بر زنده کردن، چون آب و آتش و چوب را با هم جمع کرده است نه آب آتش را خاموش می‌کند و نه آتش چوب را می‌سوزاند(۸۰) «آیا کسی که آسمانها و زمین را [با وجود عظمتشان] آفریده توانا نیست بر اینکه باز مانند آنها را بیافریند» یعنی مانند انسانهائی که مرده‌اند در حجم کوچک بیافریند «آری» او قادر است بر آن - جواب خود را داده است - «و اوست آفرینشگر دانا» به همه چیز(۸۱) «شأن الله جز این نیست که چون آفرینش چیزی را اراده کند، همین است که به آن می‌گوید: باش پس بی‌درنگ موجود می‌شود»(۸۲) «پس پاک است آن کسی که ملکوت هر چیزی در دست اوست» ملکوت: قدرت تامّ «و به سوی او بازگردانده می‌شوید» در آخرت(۸۳)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

وَالصَّافَّاتِ صَفًّا ﴿١﴾ فَالزَّاجِرَاتِ زَجْرًا ﴿٢﴾ فَالتَّالِيَاتِ ذِكْرًا ﴿٣﴾
إِنَّ إِلَٰهَكُمْ لَوَاحِدٌ ﴿٤﴾ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَرَبُّ
الْمَشَارِقِ ﴿٥﴾ إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةٍ الْكَوَاكِبِ ﴿٦﴾ وَحِفْظًا
مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَارِدٍ ﴿٧﴾ لَا يَسَّمَّعُونَ إِلَى الْمَلَإِ الْأَعْلَىٰ وَيُقْذَفُونَ
مِنْ كُلِّ جَانِبٍ ﴿٨﴾ دُحُورًا وَلَهُمْ عَذَابٌ وَاصِبٌ ﴿٩﴾ إِلَّا مَنْ خَطِفَ
الْخَطْفَةَ فَأَتْبَعَهُ شِهَابٌ ثَاقِبٌ ﴿١٠﴾ فَاسْتَفْتِهِمْ أَهُمْ أَشَدُّ خَلْقًا
أَمْ مَنْ خَلَقْنَا إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِنْ طِينٍ لَازِبٍ ﴿١١﴾ بَلْ عَجِبْتَ
وَيَسْخَرُونَ ﴿١٢﴾ وَإِذَا ذُكِّرُوا لَا يَذْكُرُونَ ﴿١٣﴾ وَإِذَا رَأَوْا آيَةً يَسْتَسْخِرُونَ
﴿١٤﴾ وَقَالُوا إِنْ هَٰذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ ﴿١٥﴾ أَإِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا
أَإِنَّا لَمَبْعُوثُونَ ﴿١٦﴾ أَوَآبَاؤُنَا الْأَوَّلُونَ ﴿١٧﴾ قُلْ نَعَمْ وَأَنْتُمْ دَاخِرُونَ
﴿١٨﴾ فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ فَإِذَا هُمْ يَنْظُرُونَ ﴿١٩﴾ وَقَالُوا يَا وَيْلَنَا هَٰذَا
يَوْمُ الدِّينِ ﴿٢٠﴾ هَٰذَا يَوْمُ الْفَصْلِ الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ ﴿٢١﴾
۞ احْشُرُوا الَّذِينَ ظَلَمُوا وَأَزْوَاجَهُمْ وَمَا كَانُوا يَعْبُدُونَ ﴿٢٢﴾ مِنْ دُونِ
اللَّهِ فَاهْدُوهُمْ إِلَىٰ صِرَاطِ الْجَحِيمِ ﴿٢٣﴾ وَقِفُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ ﴿٢٤﴾

٤٤٦

سورة الصافات

مکّی است و آیه‌هایش ۱۸۲ می‌باشد.

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیم

«سوگند به صف بستگان به صف بستنی» فرشتگانی اند که در نماز خود در آسمانها صف می‌بندند، یا بالهایشان را در هوا همچون پرندگان، به انتظار فرمان اِلٰهی می‌گستراانند[۱] «و سوگند به زجر کنندگان که به سختی زجر می‌کنند» فرشتگانی که ابرها را به شدّت می‌رانند[۲] «و سوگند به تلاوت‌کنندگان قرآن» ذکر مصدری است معنی تلاوت را می‌دهد یعنی قاریان قرآن[۳] «که قطعاً خدای شما [ای اهل مکّه] یگانه است»[۴] «پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آنها است و پروردگار مشرقهاست» یعنی و مغربهای خورشید، هر روز مشرق و مغربی دارد[۵] «ما آسمان دنیا را به زینت ستارگان [یا به نور آنها] زینت داده‌ایم»[۶] «و آن را از شیطان سرکش محفوظ داشتیم» بوسیلهٔ شهاب درخشان[۷] شیاطین «نمی‌توانند به ملأاعلی گوش فرا دهند» ملأاعلی اهالی آسمان دنیا و مافوق آن است ـ ملأ اسفل اهالی زمین‌اند «و از هر سو به راندنی سخت پرتاب می‌شوند» شهابها از آفاق آسمان به شیاطین می‌زند[۸] از مقصود خود «دور ساخته شده» طرد و دفع می‌شوند «و برایشان [در آخرت] عذابی دائمی است»[۹] «مگر کسی که برباید به ربایشی» استثناء از ضمیر یَسَّمَّعُونَ است یعنی نمی‌شنود جز شیطانی که کلمه را از ملائکه می‌شنود پس به شتاب می‌گیردش «پس شهابی درخشان [ستاره‌ای نورانی] از پی او می‌تازد» سوراخش می‌نماید یا آن را می‌سوزاند یا مجنونش می‌کند[۱۰] «پس از آنان» از کفار مکّه بعنوان اثبات یا بعنوان توبیخ «بپرس: آیا آنان در آفرینش سخت ترند یا کسانی که آفریده‌ایم» از فرشتگان و آسمانها و زمینها و آنچه در آنهاست «ما آنان را [اصلشان آدم را] از گلی چسبنده آفریدیم» که به دست می‌چسبد قصد آن است که خلقشان ضعیف است پس به انکار کردن پیغمبر و قرآن که در این دنیا به اندک هلاکتشان می‌کشد، خودخواهی نکنند[۱۱] «بلکه» بل: برای انتقال است از غرضی به غرضی دیگر و آن خبر دادن است به حال پیغمبر (ﷺ) و به حال آنها «بلکه تو تعجّب کرده‌ای» ای محمد(ﷺ) از این که تو را تکذیب کرده‌اند در حالی که «آنها [به تعجب تو] تمسخر می‌کنند»[۱۲] «و چون پند داده شوند [به قرآن] پند نمی‌گیرند»[۱۳] «و چون آیتی را [مانند اِنْشِقاق ماه] ببینند، تمسخر پیشه می‌کنند»[۱۴] «و» دربارهٔ آن «گفتند: این جز جادوئی آشکار نیست»[۱۵] و در حالی که بعث را انکار می‌کردند گفتند: «آیا چون مردیم و خاک و استخوانی چند شدیم آیا به راستی از نو برانگیخته می‌شویم؟»[۱۶] «و همین طور پدران اولیّهٔ ما»[۱۷] «بگو: آری [برانگیخته می‌شوید] در حالی که شما خوار و زبونید»[۱۸] «جز این نیست که آن یک نعرهٔ تند است و بس، به ناگاه آنها [خلایق از گورهایشان برخاسته آنچه برای آنها مقررّ است] بنگرند»[۱۹] «و می‌گویند [کافران] ای وای بر ما» هلاکت بر ما، و فرشتگان به آنان می‌گویند «این است روز جزا» و حساب[۲۰] «این همان روز فصل است [در بین خلائق] که آن را تکذیب می‌کردید»[۲۱] و به فرشتگان گفته می‌شود: «ستم‌پیشگان [نفس خود را به شریک قرار دادن] با همراهانشان [از شیاطین] یکجا گرد آورید و آنچه به جز الله می‌پرستیدند» از بتان[۲۲] «و به سوی راه دوزخ [راه آتش] راهنمائی‌شان کنید»[۲۳] «و بازداشتشان کنید [نزد پل صراط] که آنان سؤال شدنی هستند» از تمام گفتار و کردارشان[۲۴]

قواعد آیه ۶ـ بزینة‌الکواب: به نور ستارگان یا به خود ستارگان به اضافه بیانی مانند قرائت تنوین که کوکب مبیّن آن است.

آیه ۷ـ من کلّ: متعلق است به (حفظناها)ی مقدر.

آیه ۱۷ـ (اَوْ آباؤنا) به سکون واو پس عطف به وسیلهٔ (اَوْ) می‌شود یا به فتح واو همزه برای استفهام است پس عطف به (واو) است در هر دو صورت معطوف علیه محل اِنّ و اسمش می‌باشد یا در صورت دوم معطوف‌علیه ضمیر مبعوثون می‌باشد و همزه استفهام فاصله بین معطوف و معطوف‌علیه است.

مَا لَكُمْ لَا تَنَاصَرُونَ ٢٥ بَلْ هُمُ الْيَوْمَ مُسْتَسْلِمُونَ ٢٦ وَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ
عَلَىٰ بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ ٢٧ قَالُوا إِنَّكُمْ كُنتُمْ تَأْتُونَنَا عَنِ الْيَمِينِ ٢٨
قَالُوا بَل لَّمْ تَكُونُوا مُؤْمِنِينَ ٢٩ وَمَا كَانَ لَنَا عَلَيْكُم مِّن سُلْطَانٍ
بَلْ كُنتُمْ قَوْمًا طَاغِينَ ٣٠ فَحَقَّ عَلَيْنَا قَوْلُ رَبِّنَا إِنَّا لَذَائِقُونَ ٣١
فَأَغْوَيْنَاكُمْ إِنَّا كُنَّا غَاوِينَ ٣٢ فَإِنَّهُمْ يَوْمَئِذٍ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ
٣٣ إِنَّا كَذَٰلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ ٣٤ إِنَّهُمْ كَانُوا إِذَا قِيلَ لَهُمْ
لَا إِلَٰهَ إِلَّا اللَّهُ يَسْتَكْبِرُونَ ٣٥ وَيَقُولُونَ أَئِنَّا لَتَارِكُو آلِهَتِنَا
لِشَاعِرٍ مَّجْنُونٍ ٣٦ بَلْ جَاءَ بِالْحَقِّ وَصَدَّقَ الْمُرْسَلِينَ ٣٧ إِنَّكُمْ
لَذَائِقُو الْعَذَابِ الْأَلِيمِ ٣٨ وَمَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ
٣٩ إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ ٤٠ أُولَٰئِكَ لَهُمْ رِزْقٌ مَّعْلُومٌ ٤١
فَوَاكِهُ وَهُم مُّكْرَمُونَ ٤٢ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ ٤٣ عَلَىٰ سُرُرٍ مُّتَقَابِلِينَ
٤٤ يُطَافُ عَلَيْهِم بِكَأْسٍ مِّن مَّعِينٍ ٤٥ بَيْضَاءَ لَذَّةٍ لِّلشَّارِبِينَ
٤٦ لَا فِيهَا غَوْلٌ وَلَا هُمْ عَنْهَا يُنزَفُونَ ٤٧ وَعِندَهُمْ قَاصِرَاتُ
الطَّرْفِ عِينٌ ٤٨ كَأَنَّهُنَّ بَيْضٌ مَّكْنُونٌ ٤٩ فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ
بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ ٥٠ قَالَ قَائِلٌ مِّنْهُمْ إِنِّي كَانَ لِي قَرِينٌ ٥١

٤٤٧

و به جهت توبیخ به آنها گفته میشود: ﴿شما را چه شده است که همدیگر را یاری نمی‌کنید﴾ چنانکه در دنیا بعضی از شما بعضی دیگر را یاری می‌کرد،[۲۵] و به آنها گفته می‌شود: ﴿نه! بلکه امروز آنان گردن نهادگانند﴾ تسلیم و خوارند[۲۶] ﴿و بعضی به بعضی دیگر روی می‌آورند در حالی که از یک دیگر می‌پرسند﴾ همدیگر را سرزنش و دشمنی می‌کنند[۲۷] پیروان به پیروشدگان ﴿می‌گویند: این شما بودید که از جانب راست به سراغ ما آمدید﴾ از جهتی که ما شما را از آن جهت امین داشتیم زیرا سوگند خوردید که بر حقّ هستید، پس شما را تصدیق کردیم و پیروی نمودیم یعنی شما ما را گمراه کردید[۲۸] ﴿می‌گویند﴾ رهبران گمراهی، به پیروانشان: ﴿بلکه خود شما مؤمن نبودید﴾ گمراه کردن وقتی صدق می‌کند که شما مؤمن بوده باشید پس از ایمان به سوی کفر برگشته باشید[۲۹] ﴿و ما را بر شما هیچ سلطه‌ای نبود﴾ قوّه و قدرتی که شما را به پیروی خود مجبور کنیم ﴿بلکه خودتان قومی طاغی بودید﴾ گمراه مانند ما[۳۰] ﴿پس لازم شد بر ما﴾ همگی، ﴿سخن پروردگار ما﴾ به عذاب یعنی قول خداوند: «لَأَمْلَأَنَّ جهنّم من الجنّةِ و النّاس اجمعین» ﴿که: ما چشندگان عذاب الیم هستیم﴾ به آن قول[۳۱] ﴿[و از این قول، قول آنها پدید آید] که شما را گمراه ساختیم، چون بی‌گمان ما [نیز] گمراه بودیم﴾[۳۲] خداوند فرمود: ﴿پس به راستی آن روز [قیامت همه] در عذاب شریک خواهند بود﴾ زیرا در گمراهی شریکند[۳۳] ﴿ما گناهکاران را﴾ غیر از آنان ﴿چنین می‌کنیم﴾ یعنی تابع و متبوع را عذاب می‌دهیم[۳۴] ﴿چرا که آنان بودند که چون کلمهٔ لا اِلٰهَ اِلاّ الله به آنان گفته می‌شد استکبار می‌ورزیدند﴾[۳۵] ﴿و می‌گویند آیا ما به خاطر گفتهٔ شاعری دیوانه [محمّد] ترک کنندهٔ معبودان خود باشیم﴾[۳۶] خداوند فرمود: ﴿بلکه او حق را آورده و پیامبران را﴾ که آن را آورده‌اند یعنی لا اله الا الله ﴿تصدیق کرده است﴾[۳۷] ﴿به راستی شما عذاب پردرد را خواهید چشید﴾[۳۸] ﴿و جز برحسب آنچه کرده‌اید جزا داده نمی‌شوید﴾[۳۹] ﴿جز بندگان مخلص خداوند﴾ مؤمنان[۴۰] استثناء منقطع است و پاداششان را در قول خود ذکر کرده است: ﴿این گروه روزیِ معیّن دارند﴾ در بهشت صبح و شام[۴۱] ﴿انواع میوه‌هاست﴾ بدل یا بیان روزیِ معیّن است و آن چیزی است برای بهرهٔ لذّت خورده می‌شود نه برای حفظ تندرستی چون اهل بهشت از حفظ تندرستی بی‌نیازاند چون اجسامشان برای ابد آفریده شده است ﴿و آنان گرامیان خواهند بود﴾ به بهره‌مندی ثواب خداوند پاک و بزرگ[۴۲] ﴿در بهشتهای پرناز و نعمت﴾[۴۳] ﴿بر روی تختها روبه‌روی همدیگر﴾ پشت همدیگر را نمی‌بینند[۴۴] ﴿بر آنان﴾ بر هر یک از ایشان ﴿جامی از شراب جاری گردانیده می‌شود﴾ از شرابی که بر روی زمین مانند رودخانه جاری می‌شود.[۴۵] ﴿سخت سپید﴾ سفیدتر از شیر ﴿و لذت‌بخش نوشندگان است﴾ به خلاف شراب دنیا که هنگام شرب ناخوشایند است[۴۶] ﴿نه در آن سردردی است﴾ که عقلهایشان را از بین ببرد ﴿و نه ایشان از آن به بد مستی می‌افتند﴾ به خلاف شراب دنیا ـ نزف یعنی مست شد ـ[۴۷] ﴿و نزدشان دوشیزگان چشم فرو هشته‌اند﴾ فقط شوهرانشان را تماشا می‌کنند. بخاطر زیبائی‌شان در نزد آنها، دیگران را نگاه نمی‌کنند ﴿درشت چشم هستند﴾ زیبا چشم مردمک بزرگ[۴۸] ﴿گوئی آنان﴾ در سفیدی رنگ ﴿بیضه‌های [شترمرغ] در پرده پوشیده‌اند﴾ که آن را به وسیلهٔ پرِ خویش از باد و غبار نگه می‌دارد، و آن سفیدی است متمایل به زردی زیباترین رنگهای زنان[۴۹] ﴿پس برخی از آنان﴾ از اهل بهشت ﴿به برخی دیگر روی نموده و از همدیگر پرس و جو می‌کنند﴾ از آنچه در دنیا گذشته است[۵۰] ﴿گوینده‌ای از میانشان می‌گوید: راستی من همنشینی داشتم﴾ زنده شدن را انکار می‌کرد[۵۱]

يَقُولُ أَءِنَّكَ لَمِنَ الْمُصَدِّقِينَ ﴿٥٢﴾ أَءِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَءِنَّا
لَمَدِينُونَ ﴿٥٣﴾ قَالَ هَلْ أَنتُم مُّطَّلِعُونَ ﴿٥٤﴾ فَاطَّلَعَ فَرَآهُ فِي سَوَآءِ
الْجَحِيمِ ﴿٥٥﴾ قَالَ تَاللَّهِ إِن كِدتَّ لَتُرْدِينِ ﴿٥٦﴾ وَلَوْلَا نِعْمَةُ رَبِّي
لَكُنتُ مِنَ الْمُحْضَرِينَ ﴿٥٧﴾ أَفَمَا نَحْنُ بِمَيِّتِينَ ﴿٥٨﴾ إِلَّا مَوْتَتَنَا
الْأُولَىٰ وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ ﴿٥٩﴾ إِنَّ هَٰذَا لَهُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿٦٠﴾
لِمِثْلِ هَٰذَا فَلْيَعْمَلِ الْعَامِلُونَ ﴿٦١﴾ أَذَٰلِكَ خَيْرٌ نُّزُلًا أَمْ شَجَرَةُ
الزَّقُّومِ ﴿٦٢﴾ إِنَّا جَعَلْنَاهَا فِتْنَةً لِّلظَّالِمِينَ ﴿٦٣﴾ إِنَّهَا شَجَرَةٌ
تَخْرُجُ فِي أَصْلِ الْجَحِيمِ ﴿٦٤﴾ طَلْعُهَا كَأَنَّهُ رُءُوسُ الشَّيَاطِينِ
﴿٦٥﴾ فَإِنَّهُمْ لَآكِلُونَ مِنْهَا فَمَالِـُٔونَ مِنْهَا الْبُطُونَ ﴿٦٦﴾ ثُمَّ إِنَّ لَهُمْ
عَلَيْهَا لَشَوْبًا مِّنْ حَمِيمٍ ﴿٦٧﴾ ثُمَّ إِنَّ مَرْجِعَهُمْ لَإِلَى الْجَحِيمِ ﴿٦٨﴾
إِنَّهُمْ أَلْفَوْا آبَاءَهُمْ ضَالِّينَ ﴿٦٩﴾ فَهُمْ عَلَىٰ آثَارِهِمْ يُهْرَعُونَ ﴿٧٠﴾
وَلَقَدْ ضَلَّ قَبْلَهُمْ أَكْثَرُ الْأَوَّلِينَ ﴿٧١﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا فِيهِم
مُّنذِرِينَ ﴿٧٢﴾ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُنذَرِينَ ﴿٧٣﴾
إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ ﴿٧٤﴾ وَلَقَدْ نَادَانَا نُوحٌ فَلَنِعْمَ
الْمُجِيبُونَ ﴿٧٥﴾ وَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ ﴿٧٦﴾

٤٤٨

«به من می‌گفت» سرزنش‌گرانه: «آیا تو از تصدیق کنندگانی» به بعث[۵۲] «آیا وقتی مردیم و خاک و استخوانی چند شدیم، واقعاً جزا خواهیم یافت» دارای پاداش و محاسبه خواهیم شد، پاداش و حساب را نیز انکار نموده است[۵۳] «گفت» آن گوینده به دوستانش از اهل بهشت «آیا شما اطلاع دارید» می‌آیید با من به سوی دوزخ تا احوال آن همنشین را بنگریم. می‌گویند: خیر[۵۴] «پس» آن گوینده از بعضی از روزنه‌های بهشت «در نگریست و آن همنشین خود را در میانهٔ دوزخ دید»[۵۵] آن شخص مؤمن بعنوان شادکامی «گفت: [به او] سوگند به خدا که نزدیک بود مرا به نابودی بکشی» به گمراهی خود مرا هلاک کنی[۵۶] «و اگر نعمت پروردگارم نبود،» برایمان داشتنم «و هر آینه من نیز از احضارشدگان بودم» با تو در آتش[۵۷] و اهل بهشت می‌گویند: «آیا ما دیگر نمی‌میریم»[۵۸] «جز همان مرگ نخستین خود [در دنیا] و ما هرگز عذاب نخواهیم شد» این استفهام تلذّذ و تحدّث به نعمت خداوند است از ابدیّت حیات و نبودن عذاب[۵۹] «راستی که این» که برای اهل بهشت ذکر نمودم «همان رستگاری بزرگ است»[۶۰] «برای چنین پاداش باید عمل‌کنندگان عمل کنند» قولی می‌گوید: این به آنها گفته می‌شود و قولی می‌گوید: خودشان می‌گویند[۶۱] «آیا از نظر مهمانی [آنچه برای واردین از مهمان و غیره تهیّه می‌شود، بهتر است یا درخت زقّوم؟]» که برای اهل آتش آماده شده است و آن ناپاک‌ترین درخت تلخ مزّه‌ای است در تهامة که خدا آن را در دوزخ مـی‌رویاند چنانچه مـی‌آید[۶۲] «در حقیقت ما آن را» درخت زقّوم را به سبب رویاندنش در جحیم «برای ستمکاران [کافران از اهل مکّه] عقوبتی گردانیدیم» چون گفتند آتش درخت را می‌سوزاند پس چگونه آن را می‌رویاند[۶۳] «آن درختی است که از قعر جهنم می‌روید» و شاخه‌هایش به سوی درکات دوزخ سر برمی‌آورد[۶۴] «میوه‌اش» از نهایت زشتی «گوئی چون کلّه‌های شیاطین است» مارهای زشت‌منظر[۶۵] «پس دوزخیان [کافران] حتماً از آن می‌خورند» با وجود زشت بودنش بخاطر شدّت گرسنگی‌شان «و شکمها را از آن پر می‌کنند»[۶۶] «سپس برایشان بر آن غذا آمیزه‌ای از آب جوشان است» آب داغی که می‌نوشند با آنچه می‌خورند آمیخته می‌گردد تا شدیدتر شود[۶۷] «سپس بازگشتشان بی‌گمان بسوی دوزخ است» افاده می‌دهد که برای نوشیدن آب جوشان از آن بیرون می‌آیند و آن در خارج حجیم است[۶۸] «هر آینه آنها پدران خود را گمراه یافتند»[۶۹] «پس آنها به سرعت بر پی پدران خود رانده می‌شوند» شتابان به سوی آنها می‌روند[۷۰] «و قطعاً پیش از آنان بیشتر پیشینیان گمراه شدند» از ملتهای گذشته[۷۱] «و حال آنکه در میانشان هشداردهندگانی فرستادیم» از پیامبران بیم‌دهنده[۷۲] «پس ببین سرانجام بیم‌یافتگان [کافران] چگونه شد» یعنی عاقبتشان عذاب است[۷۳] «به استثنای بندگان مخلص خداوند» مؤمنان، به راستی آنان از عذاب رستگارند، زیرا در عبادت اخلاص داشته‌اند، یا برای آن است که خداوند آنان را برای عبادت خالص گردانیده است ـ بنابر قرائت فتح لام[۷۴] «و براستی نوح ما را ندا داد» به قول خود: «رَبِّ إِنِّي مَغْلُوبٌ فَانْتَصِرْ» پروردگارا من مغلوب هستم پس یاریم کن «و چه نیک اجابت کننده بودیم» برای او یعنی بر قوم خود دعا کرد پس آنان را به غرق نمودن نابود کردیم[۷۵] «و او و اهلش را از اندوه بزرگ [از غرق شدن] رهانیدیم»[۷۶]

وَجَعَلْنَا ذُرِّيَّتَهُۥ هُمُ ٱلْبَاقِينَ ﴿٧٧﴾ وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِى ٱلْءَاخِرِينَ ﴿٧٨﴾ سَلَٰمٌ
عَلَىٰ نُوحٍ فِى ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿٧٩﴾ إِنَّا كَذَٰلِكَ نَجْزِى ٱلْمُحْسِنِينَ ﴿٨٠﴾ إِنَّهُۥ مِنْ
عِبَادِنَا ٱلْمُؤْمِنِينَ ﴿٨١﴾ ثُمَّ أَغْرَقْنَا ٱلْءَاخَرِينَ ﴿٨٢﴾ ۞ وَإِنَّ مِن
شِيعَتِهِۦ لَإِبْرَٰهِيمَ ﴿٨٣﴾ إِذْ جَآءَ رَبَّهُۥ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ ﴿٨٤﴾ إِذْ قَالَ
لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِۦ مَاذَا تَعْبُدُونَ ﴿٨٥﴾ أَئِفْكًا ءَالِهَةً دُونَ ٱللَّهِ تُرِيدُونَ
﴿٨٦﴾ فَمَا ظَنُّكُم بِرَبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿٨٧﴾ فَنَظَرَ نَظْرَةً فِى ٱلنُّجُومِ ﴿٨٨﴾
فَقَالَ إِنِّى سَقِيمٌ ﴿٨٩﴾ فَتَوَلَّوْا۟ عَنْهُ مُدْبِرِينَ ﴿٩٠﴾ فَرَاغَ إِلَىٰٓ ءَالِهَتِهِمْ
فَقَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ ﴿٩١﴾ مَا لَكُمْ لَا تَنطِقُونَ ﴿٩٢﴾ فَرَاغَ عَلَيْهِمْ ضَرْبًۢا
بِٱلْيَمِينِ ﴿٩٣﴾ فَأَقْبَلُوٓا۟ إِلَيْهِ يَزِفُّونَ ﴿٩٤﴾ قَالَ أَتَعْبُدُونَ مَا تَنْحِتُونَ
﴿٩٥﴾ وَٱللَّهُ خَلَقَكُمْ وَمَا تَعْمَلُونَ ﴿٩٦﴾ قَالُوا۟ ٱبْنُوا۟ لَهُۥ بُنْيَٰنًا فَأَلْقُوهُ
فِى ٱلْجَحِيمِ ﴿٩٧﴾ فَأَرَادُوا۟ بِهِۦ كَيْدًا فَجَعَلْنَٰهُمُ ٱلْأَسْفَلِينَ ﴿٩٨﴾
وَقَالَ إِنِّى ذَاهِبٌ إِلَىٰ رَبِّى سَيَهْدِينِ ﴿٩٩﴾ رَبِّ هَبْ لِى مِنَ ٱلصَّٰلِحِينَ
﴿١٠٠﴾ فَبَشَّرْنَٰهُ بِغُلَٰمٍ حَلِيمٍ ﴿١٠١﴾ فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ ٱلسَّعْىَ قَالَ
يَٰبُنَىَّ إِنِّىٓ أَرَىٰ فِى ٱلْمَنَامِ أَنِّىٓ أَذْبَحُكَ فَٱنظُرْ مَاذَا تَرَىٰ ۚ قَالَ
يَٰٓأَبَتِ ٱفْعَلْ مَا تُؤْمَرُ ۖ سَتَجِدُنِىٓ إِن شَآءَ ٱللَّهُ مِنَ ٱلصَّٰبِرِينَ ﴿١٠٢﴾

«و تنها نسل او را باقی گذاشتیم» پس مردم همه از نسل او(ﷺ) می‌باشند و دارای سه فرزند بوده است ۱ـ سام که پدر اعراب و فارس و روم است ۲ـ حام که پدر سیاه‌پوستان است ۳ـ یافث: که پدر ترکان، اهالی خزر و یأجوج و مأجوج از اقوام آنجا(۷۷) «و برای او میان آیندگان [ثنای نیک] بر جای گذاشتیم» از پیامبران و امتها تا روز قیامت(۷۸) «سلام [از ما] بر نوح در میان جهانیان»(۷۹) «ما این گونه [چنانکه او را پاداش دادیم» نیکوکاران را جزا می‌دهیم»(۸۰) «به راستی او از بندگان مؤمن ما بودند»(۸۱) «سپس دیگران را [کفّار قومش] غرق کردیم»(۸۲) «و بی‌گمان ابراهیم از شیعه نوح بود» در اصل دین از پیروان او بود، هر چند طول زمان بین ایشان دوهزار و ششصد و چهل سال بوده است ۲۶۴۰ و در این فاصله هود و صالح بوده‌اند(۸۳) «آنگاه که ابراهیم که با قلبی سلیم [از شکّ و جز آن] به سوی پروردگار خود روی آورد» دنبال نوح(۸۴) «چون ابراهیم [در این حالت ثابت] به پدرش و قومش گفت [سرزنش‌کنان] چه چیزی را می‌پرستید؟»(۸۵) «آیا به دروغ و دغل معبوداتی را بجز الله می‌خواهید» اِفک: بدترین دروغ است یعنی آیا عبادت غیر خدا را می‌کنید(۸۶) «پس گماتتان به پروردگار جهانیان چیست» چون جز او را می‌پرستید، که شما را بدون عقاب واگذارد، خیر، و ستاره‌شناس بودند، بخاطر جشنی که داشتند از شهر خارج شدند و خوراک و طعامشان نزد بتانشان گذاشتند به زعم تبرّک یافتن بر آن پس هرگاه برگشتند آن را بخورند(۸۷) و به حضرت ابراهیم گفتند با ما بیا «آنگاه نگاهی به ستارگان افکند» تا به وهم آنها بیفکند که او بر ستاره‌شناسی اعتماد دارد تا به او اعتماد کنند(۸۸) «پس گفت: من بیمارم» درد دارم بیمار خواهم شد(۸۹) «پس پشت‌کنان از وی روی برتافتند» به سوی جشن‌شان(۹۰) «پس نهانی به سوی خدایانشان [بتان و طعام نزدشان] رفت و گفت» از روی استهزاء و تمسخر «آیا چیزی نمی‌خورید» پس جواب ندادند(۹۱) پس گفت: «شما را چه شده است که سخن نمی‌گوئید» پس جواب ندادند(۹۲) «پس با دست راست خویش بر سر آنها زدن گرفت» با شدّت نیرو پس بتان را شکست و قومش خبر یافتند از آنان که او را دیده بودند(۹۳) «پس شتابان به سوی او روی آوردند» گفتند: ما آنها را می‌پرستیم تو آنها را می‌شکنی(۹۴) «گفت» به آنها از جهت توبیخ «آیا آنچه را که خود می‌تراشید [از سنگ و چیزهای دیگر بعنوان بتان] می‌پرستید؟»(۹۵) «با این که خدا شما و آنچه را که بر سر آنها کار می‌کنید، آفریده است» از کسی که تراشنده است و چیزی را که تراشیده شده است پس او را به یگانه عبادت کنید(۹۶) «گفتند» در میان خود «برای او بِنائی برآورید» پس پر از هیزم کنید و هیزم را برافروخته هرگاه شعله‌ور شد «پس او را در جحیم بیندازید» در آتش سخت(۹۷) «پس در حقّ او کیدی را قصد کردند» به افکندش در آتش تا هلاک شود «ولی ما آنان را فرودست‌ترین گردانیدیم» مورد قهر و خشم خویش گردانیدیم پس با تندرستی از آتش بیرون آمد(۹۸) «و گفت: من به سوی پروردگارم رهسپارم» از دار کفر به سوی او هجرت می‌کنم «زوداکه مرا راه نماید» به جایی که پروردگارم امر می‌کند به رفتن به سوی آن و آن شام است(۹۹) پس وقتی به سرزمین مقدس رسید گفت: «پروردگارا به من [فرزندی] از شایستگان عطا کن»(۱۰۰) «پس او را به پسری بردبار مژده دادیم» دارای حلمی فراوان(۱۰۱) «پس وقتی آن طفل به آن سنّی رسید که با پدر خود سعی و کوشش تواند کرد» و یاری‌اش دهد، قولی گوید به سنّ هفت سالگی و قولی گوید: به سیزده سالگی رسید «گفت: ای پسر عزیز من! هر آینه من در خواب چنین می‌بینم که تو را ذبح می‌کنم» و خواب انبیاء حقّ است و کارهایشان به امر خداوند بزرگ است «پس ببین در این کار چه به نظرت می‌آید؟» با او مشورت کرد تا به ذبح انس گیرد و تسلیم امرش شود «گفت: ای پدر جان: آنچه فرمانت داده‌اند، انجام بده إنْ شاءالله مرا از شکیبایان خواهی یافت» بر آن(۱۰۲)

قواعد آیه ۸۶ـ إفْکاً مفعول له و آلِهَةً مفعول‌به برای تریدون است.

آیه ۹۶ـ و ما تعملون: ما مصدریّه است قولی میگوید: موصوله است به قولی موصوفه است.

آیه ۱۰۲ـ تریٰ از رأی مشتق است، یا اَبَت: تا، عوض یا، اضافه است در آیه.

فَلَمَّآ أَسْلَمَا وَتَلَّهُۥ لِلْجَبِينِ ﴿١٠٣﴾ وَنَـٰدَيْنَـٰهُ أَن يَـٰٓإِبْرَٰهِيمُ ﴿١٠٤﴾ قَدْ
صَدَّقْتَ ٱلرُّءْيَآ ۚ إِنَّا كَذَٰلِكَ نَجْزِى ٱلْمُحْسِنِينَ ﴿١٠٥﴾ إِنَّ هَـٰذَا لَهُوَ
ٱلْبَلَـٰٓؤُا۟ ٱلْمُبِينُ ﴿١٠٦﴾ وَفَدَيْنَـٰهُ بِذِبْحٍ عَظِيمٍ ﴿١٠٧﴾ وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِى
ٱلْـَٔاخِرِينَ ﴿١٠٨﴾ سَلَـٰمٌ عَلَىٰٓ إِبْرَٰهِيمَ ﴿١٠٩﴾ كَذَٰلِكَ نَجْزِى ٱلْمُحْسِنِينَ
﴿١١٠﴾ إِنَّهُۥ مِنْ عِبَادِنَا ٱلْمُؤْمِنِينَ ﴿١١١﴾ وَبَشَّرْنَـٰهُ بِإِسْحَـٰقَ نَبِيًّا مِّنَ
ٱلصَّـٰلِحِينَ ﴿١١٢﴾ وَبَـٰرَكْنَا عَلَيْهِ وَعَلَىٰٓ إِسْحَـٰقَ ۚ وَمِن ذُرِّيَّتِهِمَا
مُحْسِنٌ وَظَالِمٌ لِّنَفْسِهِۦ مُبِينٌ ﴿١١٣﴾ وَلَقَدْ مَنَنَّا عَلَىٰ مُوسَىٰ
وَهَـٰرُونَ ﴿١١٤﴾ وَنَجَّيْنَـٰهُمَا وَقَوْمَهُمَا مِنَ ٱلْكَرْبِ ٱلْعَظِيمِ
﴿١١٥﴾ وَنَصَرْنَـٰهُمْ فَكَانُوا۟ هُمُ ٱلْغَـٰلِبِينَ ﴿١١٦﴾ وَءَاتَيْنَـٰهُمَا ٱلْكِتَـٰبَ
ٱلْمُسْتَبِينَ ﴿١١٧﴾ وَهَدَيْنَـٰهُمَا ٱلصِّرَٰطَ ٱلْمُسْتَقِيمَ ﴿١١٨﴾ وَتَرَكْنَا
عَلَيْهِمَا فِى ٱلْـَٔاخِرِينَ ﴿١١٩﴾ سَلَـٰمٌ عَلَىٰ مُوسَىٰ وَهَـٰرُونَ
﴿١٢٠﴾ إِنَّا كَذَٰلِكَ نَجْزِى ٱلْمُحْسِنِينَ ﴿١٢١﴾ إِنَّهُمَا مِنْ
عِبَادِنَا ٱلْمُؤْمِنِينَ ﴿١٢٢﴾ وَإِنَّ إِلْيَاسَ لَمِنَ ٱلْمُرْسَلِينَ ﴿١٢٣﴾
إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِۦٓ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿١٢٤﴾ أَتَدْعُونَ بَعْلًا وَتَذَرُونَ أَحْسَنَ
ٱلْخَـٰلِقِينَ ﴿١٢٥﴾ ٱللَّهَ رَبَّكُمْ وَرَبَّ ءَابَآئِكُمُ ٱلْأَوَّلِينَ ﴿١٢٦﴾

٤٥٠

﴿پس وقتی هر دو، تن دادند﴾ خاضع شدند و به فرمان خدای بزرگ گردن نهادند ﴿و پسر را [به طرف] پیشانی بر خاک افکند﴾ و آن قربانگاه در منی محلّ رمی‌جمرات بود و کارد را بر حلقومش بگذراند هیچ‌گونه کار نکرد، به سبب مانعی است از طرف قدرت خداوند(۱۰۳) ﴿و او را ندا دادیم که‌ای ابراهیم﴾(۱۰۴) ﴿به راستی رؤیای خود را راست ساختی﴾ به سبب آنچه انجام دادی از آنچه در امکانت بود دربارهٔ امر ذبح، یعنی این تو را کافی است ﴿ما نیکوکاران را چنین پاداش می‌دهیم﴾ هر نیکوکاری را در برابر امتثال امر خدا به برطرف نمودن اندوه و سختی پاداش می‌دهیم(۱۰۵) ﴿بی‌گمان این﴾ ذبحی که بدان امر شده ﴿قطعاً آزمونی آشکار است﴾(۱۰۶) ﴿و او را﴾ یعنی مأمور به ذبح را و آن اسماعیل است یا اسحاق، دو قول است ﴿به قربانی [قوچ] بزرگی فدیه دادیم﴾ از بهشت آورده و آن است که هابیل قربانی کرد جبرئیل آن را آورد پس حضرت ابراهیم تکبیرگویان ذبحش نمود(۱۰۷) ﴿و میان آیندگان برای او [ثنای نیک] به جای گذاشتیم﴾(۱۰۸) ﴿سلام [از طرف ما] بر ابراهیم﴾(۱۰۹) چنانچه او را پاداش دادیم ﴿نیکوکاران به خویش را چنین پاداش می‌دهیم﴾(۱۱۰) ﴿در حقیقت او از بندگان با ایمان ما بود﴾(۱۱۱) ﴿و او را به اسحاق که پیامبری از صالحان است، بشارت دادیم﴾ به این آیه دلیل آورده شده است که ذبیح اسحاق نیست(۱۱۲) ﴿و به ابراهیم [به بسیاری فرزندانش] و به اسحاق﴾ فرزندش به قرار دادن پیامبران از نسل او ﴿برکت دادیم و از زاد و ولد آن دو: برخی نیکوکار [مؤمن] و برخی آشکارا به خود ستمکار بودند﴾ کافر آشکار(۱۱۳) ﴿و در حقیقت ما بر موسی و هارون منّت نهادیم﴾ به پیامبری(۱۱۴) ﴿و آن دو و قومشان [بنی‌اسرائیل] را از اندوه بزرگ [برده نمودن فرعون آنها را] نجات دادیم﴾(۱۱۵) ﴿و یاریشان دادیم [بر قبطیها] تا ایشان بودند که پیروز شدند﴾(۱۱۶) ﴿و به آن دو کتابِ مستبین دادیم﴾ با بیان بلیغ در آنچه آورده از احکام و جز آن و آن تورات است(۱۱۷) ﴿و آنان را به راه راست هدایت کردیم﴾(۱۱۸) ﴿و برایشان میان آیندگان [نام نیک] به جای گذاشتیم﴾(۱۱۹) ﴿سلام [از طرف ما] بر موسی و هارون﴾(۱۲۰) ﴿ما نیکوکاران را چنین﴾ چنانکه آن دو را پاداش دادیم ﴿پاداش می‌دهیم﴾(۱۲۱) ﴿زیرا آن دو از بندگان مؤمن ما بودند﴾(۱۲۲) ﴿و به راستی اِلیاس از پیامبران بود﴾ قولی می‌گوید: او برادرزادهٔ برادر هارون برادر موسی است و قولی می‌گوید غیر آن است و به سوی شهر بعلبک و نواحی آن به پیامبری فرستاده شده است(۱۲۳) ﴿آن گاه که به قومش گفت: آیا پرهیزکاری نمی‌کنید﴾ پروا ندارید از خدا(۱۲۴) ﴿آیا بعل را می‌پرستید﴾ نام بتی است از طلا برای آنها، و شهر به آن به اضافهٔ بک نامیده شده است ﴿و بهترین آفرینندگان را وامی‌گذارید؟﴾ پس عبادتش نمی‌کنید(۱۲۵)

قواعد آیه ۱۰۳ـ جبین: در دو طرف پیشانی است.

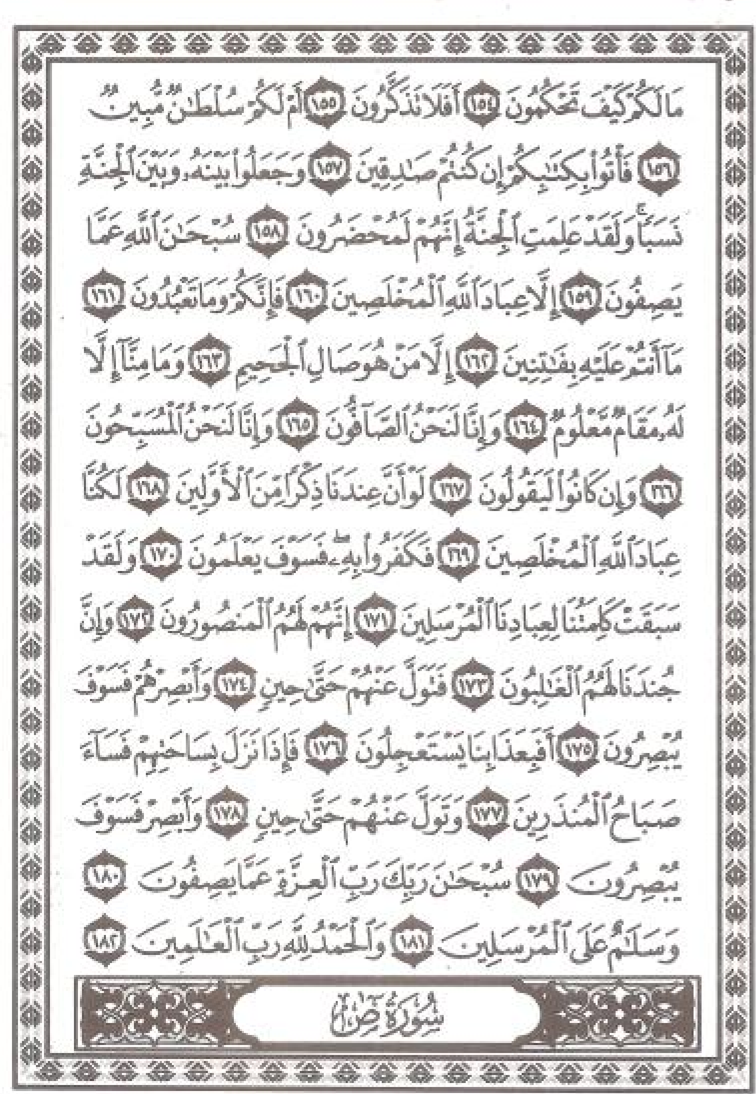
آیه ۱۰۴ـ جمله و نادیناه با زیادی واو، جواب شرط فلمّا اسلما می‌باشد.

فَكَذَّبُوهُ فَإِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ ﴿١٢٧﴾ إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ ﴿١٢٨﴾
وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ ﴿١٢٩﴾ سَلَامٌ عَلَىٰ إِلْ يَاسِينَ ﴿١٣٠﴾ إِنَّا كَذَٰلِكَ
نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿١٣١﴾ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٣٢﴾ وَإِنَّ لُوطًا
لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿١٣٣﴾ إِذْ نَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ أَجْمَعِينَ ﴿١٣٤﴾ إِلَّا عَجُوزًا
فِي الْغَابِرِينَ ﴿١٣٥﴾ ثُمَّ دَمَّرْنَا الْآخَرِينَ ﴿١٣٦﴾ وَإِنَّكُمْ لَتَمُرُّونَ عَلَيْهِمْ
مُصْبِحِينَ ﴿١٣٧﴾ وَبِاللَّيْلِ ۗ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿١٣٨﴾ وَإِنَّ يُونُسَ لَمِنَ
الْمُرْسَلِينَ ﴿١٣٩﴾ إِذْ أَبَقَ إِلَى الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ ﴿١٤٠﴾ فَسَاهَمَ فَكَانَ
مِنَ الْمُدْحَضِينَ ﴿١٤١﴾ فَالْتَقَمَهُ الْحُوتُ وَهُوَ مُلِيمٌ ﴿١٤٢﴾ فَلَوْلَا أَنَّهُ
كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ ﴿١٤٣﴾ لَلَبِثَ فِي بَطْنِهِ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ ﴿١٤٤﴾
۞ فَنَبَذْنَاهُ بِالْعَرَاءِ وَهُوَ سَقِيمٌ ﴿١٤٥﴾ وَأَنْبَتْنَا عَلَيْهِ شَجَرَةً
مِنْ يَقْطِينٍ ﴿١٤٦﴾ وَأَرْسَلْنَاهُ إِلَىٰ مِائَةِ أَلْفٍ أَوْ يَزِيدُونَ ﴿١٤٧﴾
فَآمَنُوا فَمَتَّعْنَاهُمْ إِلَىٰ حِينٍ ﴿١٤٨﴾ فَاسْتَفْتِهِمْ أَلِرَبِّكَ الْبَنَاتُ
وَلَهُمُ الْبَنُونَ ﴿١٤٩﴾ أَمْ خَلَقْنَا الْمَلَائِكَةَ إِنَاثًا وَهُمْ
شَاهِدُونَ ﴿١٥٠﴾ أَلَا إِنَّهُمْ مِنْ إِفْكِهِمْ لَيَقُولُونَ ﴿١٥١﴾ وَلَدَ
اللَّهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ﴿١٥٢﴾ أَصْطَفَى الْبَنَاتِ عَلَى الْبَنِينَ ﴿١٥٣﴾

٤٥١

«الله را که پروردگار شما و پروردگار پدران نخستین شما است» وامی‌گذارید؟(١٢٦) «پس او را دروغگو شمردند قطعاً آنها احضار می‌شوند» در آتش(١٢٧) «جز بندگان مخلص خداوند» یعنی مؤمنین آنها از آن نجات یافتند(١٢٨) «و برای او در میان آیندگان [نام نیک] به جای گذاشتیم»(١٢٩) «سلام [از طرف ما] بر اِلْ یاسین» او اِلْیاس مذکور است، و قولی می‌گوید: او و قومش می‌باشد به تغلیب به این نام با او جمع شده‌اند همچنانکه برای مُهَلَّب و قومش گفته‌اند: مهلبیون و در قرائتی آل یاسین با مدّ است یعنی خانواده‌اش که قصد به آن نیز الیاس است(١٣٠) «به راستی ما [همچنانکه او را پاداش دادیم] نیکوکاران را اینگونه پاداش می‌دهیم»(١٣١) «زیرا او از بندگان با ایمان ما بود»(١٣٢) «و در حقیقت لوط از پیامبران بود»(١٣٣) به یاد آور «آن گاه که او و خانواده‌اش را همگی نجات دادیم»(١٣٤) «جز پیرزنی که از باقیماندگان بود» یعنی باقی در عذاب(١٣٥) «سپس دیگران را [کفّار قومش] را هلاک ساختیم»(١٣٦) «و در حقیقت شما بر آن، بامدادان گذر می‌کنید» در مسافرتهایتان بر آثار و منازلشان در وقت روز(١٣٧) «و شامگاهان نیز پس آیا تعقل نمی‌کنید» سرانجامشان را ای اهل مکّه پس پند گیرید(١٣٨) «و همانا یونس از زمرهٔ پیامبران بود»(١٣٩) «آنگاه که به سوی کشتی گرانبار بگریخت» وقتی از قوم خویش خشم داشت چون عذابی راکه به آنها وعده داده بود نازل نشده بود پس بر کشتی سوار شد، کشتی در وسط دریا توقف کرد، کشتی‌بانان گفتند: دلیل حرکت نکردن کشتی آن است که برده‌ای در اینجاست که از آقایش گریخته است قرعه زدن معلومش می‌کند(١٤٠) «پس [اهل کشتی] با هم قرعه انداختند و او از مغلوبان شد» و او را به دریا انداختند(١٤١) «پس او را ماهی [نهنگ] فرو بلعید و او، درخور ملامت بود» یعنی خود را سرزنش می‌نمود از رفتنش به سوی دریا و سوار شدنش در کشتی بدون اجازه پروردگارش(١٤٢) «پس اگر او از زمرهٔ تسبیح‌گویان نبود» که در شکم ماهی به قول خود: «لَااِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحانَكَ اِنّی كُنْتُ مِنَ الظالمین» ذکر خدا را فراوان نمی‌کرد(١٤٣) «قطعاً در شکم آن ماهی تا روزی که مردم برانگیخته شوند باقی می‌ماند» شکم ماهی تا روز قیامت قبر او می‌شد(١٤٤) «پس او را [از شکم ماهی] به کرانهٔ بی‌گیاه [بر روی زمین] افکندیم» یعنی به ساحل، در همان روز یا پس از سه روز یا هفت روز یا بیست یا چهل روز «در حالی که بیمار بود» افتاده مانند جوجه‌ای بی‌پری گشته بود(١٤٥) «و بر بالای سر او درختی از نوع کدو بن رویاندیم» یقطین: درخت کدو از گونه‌ای به نام قرع است برخلاف عادت در کدو، ساقه‌ای به عنوان معجزه بر یونس سایه افکند و صبح و شام بز کوهی‌ای پیش او آمد از شیر آن می‌نوشید تا وقتی که نیرومند شد(١٤٦) «و او را» پس از آن مانند سابقش باز به سوی آن قوم به نینوی از سرزمین موصل «به سوی صد هزارکس یا بیشتر [بیست یا سی یا هفتاد هزار] فرستادیم»(١٤٧) «پس» هنگام معاینهٔ علائم عذابی که وعده داده شده بودند توبه کردند «ایمان آوردند پس» بدون عذاب آنها را باقی گذاشتیم تا به نعمتهائی که دارند تا چندی برخوردارشان کردیم» که عمرشان در آن پایان یابد(١٤٨) «پس» از کافران مکّه برای توبیخشان «بپرس آیا پروردگارت را دختران است» به زعم خودشان که فرشتگان دختران خدا هستند «و آنان را پسران است» به جنس بهتر اختصاص دارند(١٤٩) «یا ما فرشتگان را مادینه آفریده‌ایم و آنان شاهد بودند» در خلق ما پس این را می‌گویند(١٥٠) «هشدار که اینان از سر تهمت‌شان قطعاً خواهند گفت»(١٥١): «خدا فرزند آورده» به قول آنها: فرشتگان دختران خداوندند «در حالی که آنها قطعاً دروغگویند» در آن(١٥٢) «آیا خدا دختران را بر پسران برگزیده است؟»(١٥٣)

قواعد آیه ١٢٦ـ به رفع هر سه به تقدیر هو الله الخ و به نصب هر سه بنابه بدل بودن از اَحْسَن.



مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ ﴿١٥٤﴾ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿١٥٥﴾ أَمْ لَكُمْ سُلْطَانٌ مُبِينٌ
﴿١٥٦﴾ فَأْتُوا بِكِتَابِكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿١٥٧﴾ وَجَعَلُوا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْجِنَّةِ
نَسَبًا وَلَقَدْ عَلِمَتِ الْجِنَّةُ إِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ ﴿١٥٨﴾ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا
يَصِفُونَ ﴿١٥٩﴾ إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ ﴿١٦٠﴾ فَإِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ ﴿١٦١﴾
مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ بِفَاتِنِينَ ﴿١٦٢﴾ إِلَّا مَنْ هُوَ صَالِ الْجَحِيمِ ﴿١٦٣﴾ وَمَا مِنَّا إِلَّا
لَهُ مَقَامٌ مَعْلُومٌ ﴿١٦٤﴾ وَإِنَّا لَنَحْنُ الصَّافُّونَ ﴿١٦٥﴾ وَإِنَّا لَنَحْنُ الْمُسَبِّحُونَ
﴿١٦٦﴾ وَإِنْ كَانُوا لَيَقُولُونَ ﴿١٦٧﴾ لَوْ أَنَّ عِنْدَنَا ذِكْرًا مِنَ الْأَوَّلِينَ ﴿١٦٨﴾ لَكُنَّا
عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ ﴿١٦٩﴾ فَكَفَرُوا بِهِ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ﴿١٧٠﴾ وَلَقَدْ
سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ ﴿١٧١﴾ إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ ﴿١٧٢﴾ وَإِنَّ
جُنْدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ ﴿١٧٣﴾ فَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّىٰ حِينٍ ﴿١٧٤﴾ وَأَبْصِرْهُمْ فَسَوْفَ
يُبْصِرُونَ ﴿١٧٥﴾ أَفَبِعَذَابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ ﴿١٧٦﴾ فَإِذَا نَزَلَ بِسَاحَتِهِمْ فَسَاءَ
صَبَاحُ الْمُنْذَرِينَ ﴿١٧٧﴾ وَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّىٰ حِينٍ ﴿١٧٨﴾ وَأَبْصِرْ فَسَوْفَ
يُبْصِرُونَ ﴿١٧٩﴾ سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ ﴿١٨٠﴾
وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ ﴿١٨١﴾ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٨٢﴾

سورة ص

٤٥٢

﴿شما را چه شده چگونه داوری می‌کنید﴾ این داوری فاسد[۱۵۴] ﴿آیا متذکّر نمی‌شوید؟﴾ که خداوند پاک و منزّه است از فرزند[۱۵۵] ﴿یا حجّتی آشکار دارید﴾ که خدا فرزند دارد[۱۵۶] ﴿پس اگر راست می‌گوئید﴾ در گفتارتان در آن ﴿کتابتان را بیاورید﴾ تورات را پس به من نشان دهید این را در آن[۱۵۷] ﴿و﴾ مشرکان ﴿میان خدای [بزرگ] و فرشتگان﴾ جنّة یعنی فرشتگان چون مانند جنّیان از چشمها پوشیده‌اند ﴿پیوند نسبی انگاشتند﴾ به قولشان که دختران خداوندند ﴿و حال آن که فرشتگان بخوبی دانسته‌اند﴾ که گویندگان این قول ﴿خودشان احضار خواهند شد﴾ برای آتش که در آن معذّب می‌شوند[۱۵۸] ﴿خدا منزّه است از آنچه در وصف می‌آورند﴾ که خداوند فرزند دارد[۱۵۹] ﴿به استثنای بندگان مخلص خداوند﴾ یعنی مؤمنان پس آنان خداوند را از آنچه آنها وصف می‌کنند، پاک می‌دارند[۱۶۰] ﴿پس شما و آنچه می‌پرستید﴾ از بتان[۱۶۱] ﴿بر [پرستش] آن [معبود دروغین کسی را] نمی‌توانید گمراه کنید﴾[۱۶۲] ﴿مگر کسی را که به دوزخ درآمدنی است﴾ در علم خدا[۱۶۳] جبرئیل به پیغمبر(ﷺ) گفت: ﴿و هیچ یک از ما﴾ گروه فرشتگان ﴿نیست جز این که برای او مقامی معیّن است﴾ در آسمانها در آن عبادت خدا را می‌کند از آن تجاوز نمی‌کند[۱۶۴] ﴿و در حقیقت ما صف بسته‌ایم﴾ گامهای خویش را در وقت خواندن نماز[۱۶۵] ﴿و مائیم که خود تسبیح‌گویانیم﴾ خدا را از آنچه لایق او نیست پاک داریم[۱۶۶] ﴿و مشرکان به تاکید می‌گفتند﴾[۱۶۷] ﴿اگر ذکری [کتابی] از پیشینیان نزد ما بود﴾ از کتابهای ملّتهای گذشته[۱۶۸] ﴿بی‌شکّ از بندگان اخلاص یافتهٔ [عبادت] خداوند می‌شدیم﴾[۱۶۹] خداوند فرمود: ﴿ولی﴾ وقتی محمد(ﷺ) آن کتاب را که برایشان آورد و آن قرآن است که اشرف کتابهاست ﴿به آن کافر شدند پس به زودی خواهند دانست﴾ سرانجام کفرشان را[۱۷۰] ﴿و قطعاً کلمهٔ ما [به پیروزی] در حق بندگان رسالت فرستادهٔ ما از پیش صادر شده است﴾ و آن: «لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَرُسُلِي»[۱۷۱] یا آن قول اوست: ﴿که ایشان حتماً نصرت یافتگانند﴾[۱۷۲] ﴿و هر آینه لشکر ما، [مؤمنان] آنان غالب‌اند﴾ بر کافران با حجت و پیروزی بر آنها در دنیا اگرچه بعضی از آنها در دنیا پیروز نشده‌اند پس در آخرت پیروز می‌شوند[۱۷۳] ﴿و از آنان﴾ از کفار مکّه ﴿روی برتاب تا مدتی﴾ که به قتالشان در آن مأمور می‌شوی[۱۷۴] ﴿و آنان را بنگر﴾ وقتی عذاب که بر آنها نازل می‌شود ﴿که زود بنگرند﴾ عاقبت کفرشان[۱۷۵] پس به ریشخند گفتند: چه وقت است نازل‌شدن این عذاب، خداوند بعنوان تهدید آنها فرمود: ﴿آیا عذاب ما را شتابزده خواستارند﴾[۱۷۶] ﴿پس چون به ساحت آنان فرود آید با مداد بیم‌یافتگان چه بد است﴾[۱۷۷] ﴿و از آنان تا مدّتی روی برتاب﴾[۱۷۸] ﴿و بنگر که آنان نیز خواهند نگریست﴾[۱۷۹] ﴿منزّه است پروردگارت پروردگار عزّت [و غلبه] از آنچه این گروه وصف می‌کنند﴾ که او دارای فرزند است[۱۸۰] ﴿و سلام بر پیامبران باد﴾ که از طرف خداوند تبلیغ یگانه‌پرستی و شریعت را می‌کنند[۱۸۱] ﴿و ستایش ویژهٔ خداوند پروردگار عالمیان است﴾ برای پیروزی مؤمنان و هلاک کافران[۱۸۲]

قواعد آیه ۱۷۷ـ فرّاء می‌گوید: عرب به ذکرکردن ساحت از ذکرکردن قوم اکتفا می‌کنند. المنذرین: اقامه ظاهر است به جای ضمیر.

آیه ۱۷۹ـ تکرار این آیه برای تهدید آنها و تسلیت پیغمبر(ﷺ) است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

صٓ وَالْقُرْءَانِ ذِي الذِّكْرِ ﴿١﴾ بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي عِزَّةٍ وَشِقَاقٍ ﴿٢﴾
كَمْ أَهْلَكْنَا مِن قَبْلِهِم مِّن قَرْنٍ فَنَادَوا وَّلَاتَ حِينَ مَنَاصٍ ﴿٣﴾ وَعَجِبُوا
أَن جَاءَهُم مُّنذِرٌ مِّنْهُمْ وَقَالَ الْكَافِرُونَ هَٰذَا سَاحِرٌ كَذَّابٌ ﴿٤﴾
أَجَعَلَ الْأَلِهَةَ إِلَٰهًا وَاحِدًا إِنَّ هَٰذَا لَشَيْءٌ عُجَابٌ ﴿٥﴾ وَانطَلَقَ الْمَلَأُ
مِنْهُمْ أَنِ امْشُوا وَاصْبِرُوا عَلَىٰ ءَالِهَتِكُمْ إِنَّ هَٰذَا لَشَيْءٌ يُرَادُ ﴿٦﴾
مَا سَمِعْنَا بِهَٰذَا فِي الْمِلَّةِ الْآخِرَةِ إِنْ هَٰذَا إِلَّا اخْتِلَاقٌ ﴿٧﴾ أَءُنزِلَ
عَلَيْهِ الذِّكْرُ مِن بَيْنِنَا بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِّن ذِكْرِي بَل لَّمَّا يَذُوقُوا عَذَابِ
﴿٨﴾ أَمْ عِندَهُمْ خَزَائِنُ رَحْمَةِ رَبِّكَ الْعَزِيزِ الْوَهَّابِ ﴿٩﴾ أَمْ لَهُم
مُّلْكُ السَّمَٰوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَلْيَرْتَقُوا فِي الْأَسْبَابِ ﴿١٠﴾
جُندٌ مَّا هُنَالِكَ مَهْزُومٌ مِّنَ الْأَحْزَابِ ﴿١١﴾ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ
نُوحٍ وَعَادٌ وَفِرْعَوْنُ ذُو الْأَوْتَادِ ﴿١٢﴾ وَثَمُودُ وَقَوْمُ لُوطٍ وَأَصْحَابُ
لْـَٔيْكَةِ أُولَٰئِكَ الْأَحْزَابُ ﴿١٣﴾ إِن كُلٌّ إِلَّا كَذَّبَ الرُّسُلَ
فَحَقَّ عِقَابِ ﴿١٤﴾ وَمَا يَنظُرُ هَٰؤُلَاءِ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً مَّا لَهَا
مِن فَوَاقٍ ﴿١٥﴾ وَقَالُوا رَبَّنَا عَجِّل لَّنَا قِطَّنَا قَبْلَ يَوْمِ الْحِسَابِ ﴿١٦﴾

سورهٔ ص

در مکّه نازل شده است آیه‌هایش ۸۹ یا ۸۸ است.

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحیم

﴿ص﴾ خداوند به مرادش به آن داناتر است ﴿سوگند به قرآن دارای ذکر﴾ یعنی دارای بیان یا شرف ـ جواب این سوگند حذف شده یعنی امر چنان نیست که کافران مکه گفتند از تعدّد خدایان[1] ﴿بلکه کافران [از اهل مکّه] در حمیّت و تکبّرند از آوردن ایمان و سرکشی و ستیزه‌جوی هستند﴾ با پیغمبر(ﷺ)[2] ﴿چه بسیار نسلها [از امّتهای گذشته] که پیش از آنان نابودشان کردیم که [هنگام نزول عذاب] فریاد برآوردند ولی دیگر آن زمان، زمان خلاصی نبود﴾ این جمله حال فاعل «نادَوا» می‌باشد، یعنی طلب فریادرسی کردند در حالی که گریزگاهی نداشتند و نجات دهنده نبود و کفار مکّه به آنان پند نگرفتند[3] ﴿و تعجّب کردند از اینکه بیم‌دهنده‌ای از خودشان برایشان آمد﴾ پیامبری از نفس خودشان که آنها را بیم دهد و بترساند از آتش پس از زنده شدن و او پیغمبر(ﷺ) است ﴿و کافران گفتند: این شخص جادوگری شیّاد است﴾[4] ﴿آیا خدایان متعدد را خدای یگانه‌ای قرار داده﴾ به جهت اینکه گفت: بگوئید: لا إله الاّ الله یعنی چگونه یک خدا تمام خلق را کافی است ﴿به راستی این چیز عجیبی است﴾[5] ﴿و اشراف آنان به راه خود رفتند﴾ از مجلس اجتماعشان نزد ابوطالب که در آن از پیغمبر(ﷺ) شنیدند که بگوئید: لا إلٰهَ إلاّ الله سراسیمه برخاستند و به هم دیگر می‌گفتند ﴿بروید و بر [عبادت] خدایان خود ایستادگی نمائید که این [امر یگانه‌پرستی از ما] خواسته می‌شود﴾[6] ﴿ما چنین خبری را در این ملت اخیر [ملت عیسی] نشنیده‌ایم این ادّعا جز دروغبافی نیست﴾[7] ﴿آیا در میان همه قرآن بر او [محمّد] نازل شده است﴾ در حالی که او بزرگ‌تر از ما نیست از نظر سنّ و اشراف‌تر نیست از جهت جاه و مقام یعنی بر او نازل نشده است ـ خداوند فرمود: ﴿نه بلکه آنان دربارهٔ ذکر من در شک‌اند﴾ در وحی قرآن شک دارند چون آورنده‌اش را تکذیب نموده‌اند ﴿بلکه هنوز عذاب مرا نچشیده‌اند﴾ و اگر می‌چشیدند آن را، پیغمبر(ﷺ) را در آنچه آورده است تصدیق می‌کردند و هنگام چشیدن عذاب تصدیق نفعی به آنان نمی‌رساند[8] ﴿یا مگر گنجینه‌های رحمت پروردگار غالب بخشنده در اختیارشان است﴾ بخشندهٔ پیامبری و جز آن به هر کس بخواهد می‌بخشد[9] ﴿یا مگر فرمانروائی آسمانها و زمین و آنچه میان آن دو است از آن آنان است﴾ اگر آن را زعم می‌برند ﴿پس باید بالا روند در اسباب﴾ که آنها را به آسمان برساند پس وحی را بیاموزند هر کس را می‌خواهند به آن مخصوص گردانند[10] ﴿در آنجا لشکر [کوچکی] به هم آمده﴾ در تکذیب نمودن تو ﴿که در هم‌شکستنی هستند از احزاب‌اند﴾ از جنس احزابی که بر علیه پیامبران پیش از تو حزب حزب می‌شدند در حقیقت شکست‌خورده و نابود شدند پس همچنین اینان را هلاک خواهیم نمود.[11] ﴿پیش از آنان قوم نوح و عاد و فرعون صاحب اوتاد تکذیب پیشه کردند﴾ اوتاد جمع وَتَد بمعنی میخ است فرعون بر هر کس خشم می‌گرفت چهار میخ را به زمین می‌کوبید و دست و پای او را به آن می‌بست و عذابش می‌داد[12] ﴿و ثمود و قوم لوط و اصحاب ایکه [بیشهٔ انبوه] و آنان قوم شعیب(علیه السلام) بودند ﴿اینان احزاب بودند﴾[13] ﴿و هیچکدام نبودند [از احزاب] جز این که پیامبران را تکذیب کردند﴾ زیرا وقتی یکی از ایشان را تکذیب کنند همه را تکذیب کرده‌اند چون دعوت همه یکی است و آن دعوت توحید است ﴿پس عقاب من [در حق آنان] ثابت شد﴾[14] ﴿و اینان [کفار مکّه] جز یک بانگ تندی را انتظار نمی‌کشند﴾ آن نفخهٔ قیامت است که عذاب بدانها وارد است ﴿که آن را هیچ توقعی نیست﴾ برگشتی نیست[15] ﴿و﴾ هنگامی این آیه نازل شده «فأمّا من اوتی کتابه بیمینه تا آخر» هر کس کتاب اعمالش را بدست راستش بدهند الخ یعنی حسابش آسان است، از روی استهزاء و تکذیب ﴿گفتند: پروردگارا هر چه زودتر کتاب اعمال ما را پیش از روز حساب به ما بده﴾[16] خداوند فرمود: ﴿بر آنچه می‌گویند صبر کن و بندهٔ ما داوود را به یاد آور که صاحب قوّت بود﴾ قوّت در عبادت روز در میان روزه بوده و نصف شب به عبادت مشغول بوده و $\frac{1}{3}$ آن می‌خوابید باز $\frac{1}{6}$ آن عبادت می‌کرد، یعنی در ۱۲ ساعت ۸ ساعتش در عبادت بوده است ﴿قطعاً او اوّاب است﴾ به سوی آنچه رضای خدا در آن است باز می‌گردد[17] ﴿هر آینه ما کوهها را با او رام ساختیم شامگاهان﴾ وقت نماز عشاء ﴿و با مدادان﴾ وقت نماز چاشت و آن وقتی است که خورشید درخشان و در نهایت نورافکنی است ﴿همراه

ٱصۡبِرۡ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَٱذۡكُرۡ عَبۡدَنَا دَاوُۥدَ ذَا ٱلۡأَيۡدِۖ إِنَّهُۥٓ أَوَّابٌ ﴿١٧﴾
إِنَّا سَخَّرۡنَا ٱلۡجِبَالَ مَعَهُۥ يُسَبِّحۡنَ بِٱلۡعَشِيِّ وَٱلۡإِشۡرَاقِ ﴿١٨﴾ وَٱلطَّيۡرَ
مَحۡشُورَةٗۖ كُلّٞ لَّهُۥٓ أَوَّابٞ ﴿١٩﴾ وَشَدَدۡنَا مُلۡكَهُۥ وَءَاتَيۡنَٰهُ ٱلۡحِكۡمَةَ
وَفَصۡلَ ٱلۡخِطَابِ ﴿٢٠﴾ ۞ وَهَلۡ أَتَىٰكَ نَبَؤُاْ ٱلۡخَصۡمِ إِذۡ تَسَوَّرُواْ
ٱلۡمِحۡرَابَ ﴿٢١﴾ إِذۡ دَخَلُواْ عَلَىٰ دَاوُۥدَ فَفَزِعَ مِنۡهُمۡۖ قَالُواْ لَا تَخَفۡۖ
خَصۡمَانِ بَغَىٰ بَعۡضُنَا عَلَىٰ بَعۡضٖ فَٱحۡكُم بَيۡنَنَا بِٱلۡحَقِّ وَلَا تُشۡطِطۡ
وَٱهۡدِنَآ إِلَىٰ سَوَآءِ ٱلصِّرَٰطِ ﴿٢٢﴾ إِنَّ هَٰذَآ أَخِي لَهُۥ تِسۡعٞ وَتِسۡعُونَ نَعۡجَةٗ
وَلِيَ نَعۡجَةٞ وَٰحِدَةٞ فَقَالَ أَكۡفِلۡنِيهَا وَعَزَّنِي فِي ٱلۡخِطَابِ ﴿٢٣﴾ قَالَ
لَقَدۡ ظَلَمَكَ بِسُؤَالِ نَعۡجَتِكَ إِلَىٰ نِعَاجِهِۦۖ وَإِنَّ كَثِيرٗا مِّنَ ٱلۡخُلَطَآءِ لَيَبۡغِي
بَعۡضُهُمۡ عَلَىٰ بَعۡضٍ إِلَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَقَلِيلٞ
مَّا هُمۡۗ وَظَنَّ دَاوُۥدُ أَنَّمَا فَتَنَّٰهُ فَٱسۡتَغۡفَرَ رَبَّهُۥ وَخَرَّۤ رَاكِعٗاۤ وَأَنَابَ ۩
﴿٢٤﴾ فَغَفَرۡنَا لَهُۥ ذَٰلِكَۖ وَإِنَّ لَهُۥ عِندَنَا لَزُلۡفَىٰ وَحُسۡنَ مَـَٔابٖ
﴿٢٥﴾ يَٰدَاوُۥدُ إِنَّا جَعَلۡنَٰكَ خَلِيفَةٗ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَٱحۡكُم بَيۡنَ ٱلنَّاسِ
بِٱلۡحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ ٱلۡهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِۚ إِنَّ ٱلَّذِينَ يَضِلُّونَ
عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ لَهُمۡ عَذَابٞ شَدِيدُۢ بِمَا نَسُواْ يَوۡمَ ٱلۡحِسَابِ ﴿٢٦﴾

٤٥٤

او تسبیح می‌گفتند»[۱۸] «و پرندگان را» رام کردیم «که گرد آینده بودند» به سوی او با او تسبیح می‌گفتند «هر کدام» از کوهها و پرندگان «برای او بازگشت کننده بودند» همنوا با او تسبیح می‌گفتند[۱۹] «و فرمانروائی‌اش را استوار کردیم» بوسیلهٔ پاسداران و ارتشیان و هر شب سی هزار مرد عبادت‌گاهش را پاسداری می‌کرد «و به او حکمت» پیامبری و شناخت حق را در امور «و فصل الخطاب» بیان شاخص و روشن در هر قصد و امری «را به او بخشیدیم»[۲۰] «و آیا» معنی استفهام در اینجا تعجب و تشویق است به گوش فرا دادن به مطالب بعدی «خبر اصحاب دعوی به تو رسیده است چون از دیوار محراب [عبادتگاهٔ] او بالا رفتند» زیرا منع شده بودند از در بر او وارد شوند چون وقت مشغول بودنش به عبادت بود.[۲۱]

«وقتی بر داوود درآمدند پس او از آنان به هراس افتاد» «گمان کرد ترورش می‌کنند» چون ترور پیامبران در میان بنی‌اسرائیل معروف بوده است به یقین اشعیاء و زکریا راکشتند» «گفتند نترس ما دو طرف دعوی هستیم» آنان دو فرشته بودند به عنوان دو طرف دعوی آمده‌اند آنچه ذکر می‌شود بر سبیل فرض برای آنها واقع است تا داوود(علیه‌السلام) را بر داوری‌اش امتحان کنند «که یکی از ما بر دیگری ستم کرده است پس میان ما به حق داوری کن و جور نکن و ما را به راه راست [وسط راه صواب] راهنمائی کن»[۲۲] «این برادر [دینی] من است نود و نه میش دارد و من فقط یک میش دارم و می‌گوید آن یک میش را هم به من واگذار [مرا کفیل آن گردان] و در جدال و سن بر من غالب آمده است» و طرف دیگر بدان اقرار نمود[۲۳] داوود «گفت: قطعاً او در مطالبهٔ میشت و افزودنش به میشهای خود [در حق تو] ستم کرده است و در حقیقت بسیاری از شریکان [در مال] به همدیگر ستم روا می‌دارند به استثنای کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند و اینها بس اندک‌اند» پیداست که آن دو فرشته به سوی آسمان پرواز کرده‌اند و پنهان شده‌اند، داوود متوجه شد و خداوند فرمود: «و داوود یقین حاصل کرد که ما او را آزمایش کرده‌ایم» او را در گرفتاری قرار دادیم «پس از پروردگارش آمرزش خواست و رکوع‌کنان» سجودکنان به روی در افتاده و انابت کرد»[۲۴][۱] و این قضیهٔ حضرت داود(علیه‌السلام) چنانکه مدّعی اظهار کرده است متضمّن ستمی فریادرس و هیجان‌آور است که قابل تأویل نیست و داود شتابان پس از استماع از مدّعی، حکم را صادر کرده و با خصم دیگر صحبت نکرده و بیانی را از او نخواسته و برهانی را از او نشنید، ولی اقدام نمود به صدور حکم گفت: به تو ستم کرده است... و پیداست که در این مرحله آن دو مرد پنهان می‌شوند پس دو فرشته‌اند برای امتحان آمده‌اند، امتحان پیامبری صاحب حکومت که خداوند امر مردم را به تولیت او سپرده است تا در بین آنان به حق قضاوت کند و حق را پیش از صادرنمودن حکم روشن نماید.

و آنها قضیّه را بصورتی هیجان‌آور و محرّک مطرح کردند و واردشدنشان بر داود در وقت و جهتی غیرمعمول ترس از ترور را موجب می‌شود، ولیکن بر قاضی واجب است از تأثیر هیجان قضیه و عواطف و ترس، هنگام قضاوت به دور باشد و شتاب ننماید و ظاهر قول یکی از طرفین را نگیرد پیش از اینکه به طرف دیگر فرصت استماع قول و برهانش بدهد زیرا شاید مسئله به تمامی یا بعضی از آن تغییر کند و روشن شود که آن ظاهر قضیه فریب‌دهنده یا ناقص یا دروغ بوده است، در اینجا داود متوجه شد به اینکه مورد آزمایش و ابتلاء قرار گرفته است.

بعضی تفاسیر همراه با اسرائیلیات در تفسیر این فتنه چیزهائی ساخته‌اند که طبیعت پیامبری از آن پاک است و هیچ‌وقت با قول قرآن که ذات حق می‌فرماید: «وَإِنَّ لَهُ عِندَنَا لَزُلْفَىٰ وَحُسْنَ مَآبٍ» موافق نمی‌آید.

«پس این امر را بر او آمرزیدیم در حقیقت او را نزد ما زُلفی [قرب و نیکی بسیاری است در دنیا] و بازگشتی نیکوست» در آخرت[۲۵] «ای داوود ما تو را در زمین خلیفه گردانیدیم» تدبیر امر مردم را بکنید «پس میان مردم به حق حکم کن و زنهار از هوای [نفس] پیروی نکن که تو را از راه خدا به در کند» از دلائلی که دلالت کننده توحید خداوند است دورت اندازد «در حقیقت کسانی که از راه خدا [از ایمان به خدا] به در می‌روند، به سزای آن که روز حساب را فراموش کرده اند» نداشتن ایمانشان از فراموش نمودن روز حساب مترتّب است و اگر به روز حساب یقین می‌داشتند، در دنیا ایمان می‌آوردند «عذابی سخت خواهند داشت»[۲۶]

۱ـ عبارات پس از آیه ۲۴ تا اول آیه ۲۵ از تفسیرهای دیگر استنباط شده.

وَمَا خَلَقْنَا ٱلسَّمَآءَ وَٱلْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَٰطِلًا ۚ ذَٰلِكَ ظَنُّ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ ۚ
فَوَيْلٌ لِّلَّذِينَ كَفَرُوا۟ مِنَ ٱلنَّارِ ﴿٢٧﴾ أَمْ نَجْعَلُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟
ٱلصَّٰلِحَٰتِ كَٱلْمُفْسِدِينَ فِى ٱلْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ ٱلْمُتَّقِينَ كَٱلْفُجَّارِ
﴿٢٨﴾ كِتَٰبٌ أَنزَلْنَٰهُ إِلَيْكَ مُبَٰرَكٌ لِّيَدَّبَّرُوٓا۟ ءَايَٰتِهِۦ وَلِيَتَذَكَّرَ أُو۟لُوا۟
ٱلْأَلْبَٰبِ ﴿٢٩﴾ وَوَهَبْنَا لِدَاوُۥدَ سُلَيْمَٰنَ ۚ نِعْمَ ٱلْعَبْدُ ۖ إِنَّهُۥٓ أَوَّابٌ
﴿٣٠﴾ إِذْ عُرِضَ عَلَيْهِ بِٱلْعَشِىِّ ٱلصَّٰفِنَٰتُ ٱلْجِيَادُ ﴿٣١﴾ فَقَالَ إِنِّىٓ
أَحْبَبْتُ حُبَّ ٱلْخَيْرِ عَن ذِكْرِ رَبِّى حَتَّىٰ تَوَارَتْ بِٱلْحِجَابِ ﴿٣٢﴾
رُدُّوهَا عَلَىَّ ۖ فَطَفِقَ مَسْحًۢا بِٱلسُّوقِ وَٱلْأَعْنَاقِ ﴿٣٣﴾ وَلَقَدْ فَتَنَّا
سُلَيْمَٰنَ وَأَلْقَيْنَا عَلَىٰ كُرْسِيِّهِۦ جَسَدًا ثُمَّ أَنَابَ ﴿٣٤﴾ قَالَ رَبِّ ٱغْفِرْ
لِى وَهَبْ لِى مُلْكًا لَّا يَنۢبَغِى لِأَحَدٍ مِّنۢ بَعْدِىٓ ۖ إِنَّكَ أَنتَ ٱلْوَهَّابُ ﴿٣٥﴾
فَسَخَّرْنَا لَهُ ٱلرِّيحَ تَجْرِى بِأَمْرِهِۦ رُخَآءً حَيْثُ أَصَابَ ﴿٣٦﴾ وَٱلشَّيَٰطِينَ
كُلَّ بَنَّآءٍ وَغَوَّاصٍ ﴿٣٧﴾ وَءَاخَرِينَ مُقَرَّنِينَ فِى ٱلْأَصْفَادِ ﴿٣٨﴾ هَٰذَا
عَطَآؤُنَا فَٱمْنُنْ أَوْ أَمْسِكْ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿٣٩﴾ وَإِنَّ لَهُۥ عِندَنَا لَزُلْفَىٰ وَحُسْنَ
مَـَٔابٍ ﴿٤٠﴾ وَٱذْكُرْ عَبْدَنَآ أَيُّوبَ إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُۥٓ أَنِّى مَسَّنِىَ ٱلشَّيْطَٰنُ
بِنُصْبٍ وَعَذَابٍ ﴿٤١﴾ ٱرْكُضْ بِرِجْلِكَ ۖ هَٰذَا مُغْتَسَلٌۢ بَارِدٌ وَشَرَابٌ ﴿٤٢﴾

٤٥٥

﴿و آسمان و زمین و آنچه را که میان این دو است بیهوده نیافریدیم این﴾ آفریدن؛ بدون هیچ هدفی ﴿پندار کسانی است که کفر می‌ورزند [از اهل مکّه] پس ویل ﴿وادی است از آتش] برای کسانی که کفر ورزیده‌اند﴾(۲۷) ﴿آیا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند همانند مفسدان در زمین می‌گردانیم یا پرهیزکاران را چون فاجران قرار می‌دهیم﴾ این هنگامی نازل شد کفار مکّه به مؤمنان گفتند: قطعاً در آخرت آن اندازه که به شما عطا می‌شود به ما نیز عطا می‌شود(۲۸) این قرآن ﴿کتابی است مبارک که آن را بر تو فرو فرستاده‌ایم تا در آیات آن تدبّر کنند﴾ در معانی‌اش بیندیشند پس ایمان آورند ﴿و تا خردمندان از آن پند گیرند﴾(۲۹) ﴿و سلیمان را به پدرش داوود بخشیدیم نیکو بنده‌ای بود [سلیمان] به راستی او، اوّاب بود﴾ یعنی بسیار رجوع‌کننده بود در تسبیح و ذکر در تمام اوقات(۳۰) ﴿یاد کن چون عرضه داشته شد بر او به وقت عشی﴾ یعنی بعدازظهر ﴿اسبهای صافن جیاد﴾ جمع صافنه و آن اسبی است که بر دو پا و یکی از دستهایش می‌ایستد و دست دیگرش بالا نگه داشته و گوشهٔ سُم آن را بر زمین می‌گذارد جیاد جمع جواد است یعنی اسب بسیار دونده و تیز دو، یعنی این اسبها هنگام ایستادن آرام و در هنگام راه پیمودن تیز تک و چابک بودند، و هزار اسب بودند پس از اینکه نماز ظهر را خواند برای جهاد با دشمن بر او عرضه داشتند هنگامی که تا نهصد از آنها را بر او عرضه داشتند آفتاب غروب کرد در حالی که نماز عصر را نخوانده بود اندوهگین شد.(۳۱) ﴿پس گفت﴾ سلیمان(عليه السلام) ﴿من چنان شیفتهٔ مهر اسبان شدم که از ذکر [نماز عصر] پروردگارم غافل گشتم تا آن که خورشید در حجاب پنهان شد﴾ پوشیده شد به حجابی که چشمها آن را نبیند(۳۲) سلیمان دستور داد که: ﴿اسبها را بر من بازگردانید﴾ پس اسبهائی که بر او عرضه داشته بودند، بازگرداندند ﴿پس شروع به شمشیر کشیدن بر ساقها و گردنهای آنها کرد﴾ یعنی ذبح‌شان کرد و پاهای‌شان را قطع نمود و گوشتشان را صدقه داد برای تقرب به خداوند، زیرا به سبب مشغول شدن به آنها نماز عصر را فراموش کرد پس خداوند بهتر و شتابنده‌تر از آنها را به او داد و آن عبارت است از باد، هرگونه بخواهد به امر او روان است(۳۳) ﴿و قطعاً سلیمان را آزمودیم﴾ به گرفتن ملکش چون زنی را که دوست داشت نکاح کرد در حالی که بدون اینکه سلیمان بداند، در خانهٔ خود، بت را می‌پرستید و ملک او بسته به انگشترش بود، یک بار هنگام ارادهٔ قضای حاجت انگشتر را بیرون آورد و نزد زنش به نام آمِنهٔ گذاشت برابر عادتش که بدون دست‌نماز آن را نمی‌پوشید پس جنّی‌ای به صورت سلیمان نزد او آمد آن را از او گرفت. ﴿و بر تخت او جسدی بیفکندیم﴾ آن جنّی بود به نام صخر یا نام دیگر بر کرسیِ سلیمان نشست و پرنده و جز آن در خدمتش بودند پس سلیمان در هیئتی بی‌رونق غیر هیئت سابق بیرون آمد، آن جنّی را بر تختش دید گفت: من سلیمانم پس انکارش کردند ﴿پس به خدا رجوع کرد﴾ پس از چند روز سلیمان به ملکش بازگشت بدینگونه که انگشترش را دریافت پس آن را پوشید و بر تختش نشست(۳۴) ﴿گفت: پروردگارا مرا بیامرز و به من فرمانروائی ببخش که برای هیچ کس پس از من نباشد بی‌گمان تو وهّاب هستی﴾(۳۵) ﴿پس باد را برای او مسخّر گردانیدیم که به فرمان او [نرم] روان می‌شد هر جا که تصمیم می‌گرفت﴾(۳۶) ﴿و [نیز] شیطانها را بر بنّائی﴾ که بناهای شگفت‌آور را می‌ساخت ﴿و هر غوّاص﴾ که در دریا مروارید را استخراج می‌نمود.(۳۷) ﴿و دیگرانی [از آنها] که دست و پا به هم بسته در زنجیرها بودند﴾ دست‌هایشان به گردن بسته اینان دیوانی متمرّد بودند(۳۸) و به سلیمان گفتیم: ﴿این بخشش ماست پس بخشش [آن را به هر که می‌خواهی] یا برای خود نگهدار بی‌حساب﴾ یعنی در آن حسابی بر تو نیست(۳۹) ﴿و بی‌گمان برای او نزد ما قربتی است و نیکو بازگشتی است﴾ مانند این در آیه ۲۵ گذشت(۴۰) ﴿و یاد کن بندهٔ ما ایّوب را آنگاه که پروردگارش را ندا داد که شیطان مرا به رنجوری و عذاب مبتلا کرده است﴾ آن را به شیطان نسبت داد و اگرچه چیزها همه از خداوند است بخاطر ادب از باری تعالی(۴۱) و به او گفته

وَوَهَبۡنَا لَهُۥٓ أَهۡلَهُۥ وَمِثۡلَهُم مَّعَهُمۡ رَحۡمَةٗ مِّنَّا وَذِكۡرَىٰ لِأُوْلِي ٱلۡأَلۡبَٰبِ
٤٣ وَخُذۡ بِيَدِكَ ضِغۡثٗا فَٱضۡرِب بِّهِۦ وَلَا تَحۡنَثۡۗ إِنَّا وَجَدۡنَٰهُ صَابِرٗاۚ
نِّعۡمَ ٱلۡعَبۡدُ إِنَّهُۥٓ أَوَّابٞ ٤٤ وَٱذۡكُرۡ عِبَٰدَنَآ إِبۡرَٰهِيمَ وَإِسۡحَٰقَ وَيَعۡقُوبَ
أُوْلِي ٱلۡأَيۡدِي وَٱلۡأَبۡصَٰرِ ٤٥ إِنَّآ أَخۡلَصۡنَٰهُم بِخَالِصَةٖ ذِكۡرَى
ٱلدَّارِ ٤٦ وَإِنَّهُمۡ عِندَنَا لَمِنَ ٱلۡمُصۡطَفَيۡنَ ٱلۡأَخۡيَارِ ٤٧ وَٱذۡكُرۡ
إِسۡمَٰعِيلَ وَٱلۡيَسَعَ وَذَا ٱلۡكِفۡلِۖ وَكُلّٞ مِّنَ ٱلۡأَخۡيَارِ ٤٨ هَٰذَا ذِكۡرٞۚ
وَإِنَّ لِلۡمُتَّقِينَ لَحُسۡنَ مَـَٔابٖ ٤٩ جَنَّٰتِ عَدۡنٖ مُّفَتَّحَةٗ لَّهُمُ ٱلۡأَبۡوَٰبُ
٥٠ مُتَّكِـِٔينَ فِيهَا يَدۡعُونَ فِيهَا بِفَٰكِهَةٖ كَثِيرَةٖ وَشَرَابٖ ٥١
۞ وَعِندَهُمۡ قَٰصِرَٰتُ ٱلطَّرۡفِ أَتۡرَابٌ ٥٢ هَٰذَا مَا تُوعَدُونَ لِيَوۡمِ
ٱلۡحِسَابِ ٥٣ إِنَّ هَٰذَا لَرِزۡقُنَا مَا لَهُۥ مِن نَّفَادٍ ٥٤ هَٰذَاۚ وَإِنَّ
لِلطَّٰغِينَ لَشَرَّ مَـَٔابٖ ٥٥ جَهَنَّمَ يَصۡلَوۡنَهَا فَبِئۡسَ ٱلۡمِهَادُ ٥٦ هَٰذَا
فَلۡيَذُوقُوهُ حَمِيمٞ وَغَسَّاقٞ ٥٧ وَءَاخَرُ مِن شَكۡلِهِۦٓ أَزۡوَٰجٌ ٥٨
هَٰذَا فَوۡجٞ مُّقۡتَحِمٞ مَّعَكُمۡ لَا مَرۡحَبَۢا بِهِمۡۚ إِنَّهُمۡ صَالُواْ ٱلنَّارِ ٥٩
قَالُواْ بَلۡ أَنتُمۡ لَا مَرۡحَبَۢا بِكُمۡۖ أَنتُمۡ قَدَّمۡتُمُوهُ لَنَاۖ فَبِئۡسَ ٱلۡقَرَارُ ٦٠
قَالُواْ رَبَّنَا مَن قَدَّمَ لَنَا هَٰذَا فَزِدۡهُ عَذَابٗا ضِعۡفٗا فِي ٱلنَّارِ ٦١

٤٥٦

شد: «پایت را به زمین بزن» پایش را به زمین زد چشمهٔ آبی پدید آمد پس گفته شد: «این شستنگاهی است» آبی است بدان غسل کنی «سرد و نوشیدنی است» از آن می‌نوشی، پس غسل کرد و نوشید پس هر دردی به باطن و ظاهرش بود از او رفت[۴۲] «و خانواده‌اش را به او بخشیدیم و مانند آن را [نیز] همراه آنها» یعنی خداوند آنان را که از فرزندانش مرده بودند زنده گردانید و همانند آنها را نیز به او عطا کرد «از سر رحمتی [نعمتی] از نزد خویش و تا پندی برای خردمندان باشد»[۴۳] «و» به او گفتیم «دسته‌ای چوب ترکه [یا شاخکهائی] به دست بگیر و با آن بزن» همسرت را ـ و او سوگند یاد کرده بود همسرش را صد تازیانه بزند چون روزی درنگ کرده بود پیش او بیاید «و سوگندت نشکن» به ترک زدنش پس صد شاخک را از چوب اذخر یا جز آن برداشت یکباره او را به آن زد «ما او را [ایوب را] شکیبا یافتیم چه نیکو بنده‌ای بود [ایّوب] به راستی او آوّاب است» به سوی الله بسیار بازگشت می‌کند[۴۴] «و به یاد آور بندگان ما ابراهیم و اسحاق و یعقوب را که نیرومند و صاحب بصیرت بودند» در دین[۴۵] «ما آنان را به خصلتی خالص ساختیم که ذکر آخرت بود» یعنی یاد آن و عمل برای آن[۴۶] «و آنان نزد ما جدّاً از برگزیدگان نیکانند»[۴۷] «و اسماعیل ویَسَع [او پیامبر است و ال زائد است] و ذوالکفل را به یاد آور» در پیامبری‌اش اختلاف است قولی گفته است این لقب را داشته چون صدْ کس از پیامبران به سوی او گریخته‌اند تا از قتل نجات یابند «و همه از نیکانند»[۴۸] «این ذکر است» یعنی این یادکردی نیکو و زیبا از این پیامبران(علیهم السلام) است در دنیا «و قطعاً برای پرهیزکاران [که شامل آنهاست] حتماً فرجامی نیک است» در آخرت[۴۹] «بهشتهای عدن که درهای آن برایشان گشاده است»[۵۰] «در آنجا تکیه می‌زنند [بر کرسی‌ها] میوه‌های بسیار و نوشیدنی در آنجا می‌طلبند»[۵۱] «و نزدشان دوشیزگان فروهشته نگاه» چشمانشان فقط بر شوهرانشان فروهشته است «همسال‌اند» همه در سنّ سی و سه سال‌اند[۵۲] «این» پاداش «آنچه برای روز حساب به شما وعده داده می‌شد»[۵۳] «در حقیقت این همان رزق ماست آن را هیچ زوالی نیست»[۵۴] «این است» پاداش مؤمنان که ذکر شد «و اما برای طغیانگران واقعاً بد فرجامی است»[۵۵] «جهنّم است که وارد آن می‌شوند و چه بد آرامگاهی است» چه بد فرشی است[۵۶] «این» عذاب «آب جوش و زرد آب است باید آن را بچشند»[۵۷] «و عذابهای دیگر همانند آن به انواع و اقسام است» از آب جوش و چرک آب صنفهائی از انواع گوناگون عذاب[۵۸] و به آنها هنگام وارد شدنشان به آتش، گفته می‌شود: «این فوجی است که همراه با شما در دوزخ به شدّت فرو می‌روند» پس رهبران کفّار می‌گویند: «آنان را خوشامدی نیست زیرا آنان [پیروان ما] داخل آتش می‌شوند»[۵۹] پیروان «می‌گویند: بلکه بر خود شما خوش مبادا شما بودید که آن راه را [کفر را] پیش پای ما گذاشتید و چه بد قرارگاهی است» آتش برای ما و شما[۶۰] باز پیروانشان «می‌گویند: پروردگارا هر کس این [عذاب را] از پیش برای ما فراهم آورده عذاب او را در آتش دوزخ دوچندان کن» دو چندان عذابش در کفرش[۶۱]

قواعد آیه ۴۶ـ در قرائتی خالِصَة به اضافه آمده و مضاف‌الیه [ذکری] بیان آن است.

آیه ۴۷ـ اخیار: جمع خیِّر با تشدید یاء می‌باشد همچنین در آیهٔ ۴۸ و دیگر آیه‌ها.

آیه ۵۰ـ جنّات عدن: بدل یا عطف بیان است برای لحسن مآب.

وَقَالُوا مَا لَنَا لَا نَرَىٰ رِجَالًا كُنَّا نَعُدُّهُم مِّنَ الْأَشْرَارِ ﴿٦٢﴾ أَتَّخَذْنَاهُمْ
سِخْرِيًّا أَمْ زَاغَتْ عَنْهُمُ الْأَبْصَارُ ﴿٦٣﴾ إِنَّ ذَٰلِكَ لَحَقٌّ تَخَاصُمُ أَهْلِ
النَّارِ ﴿٦٤﴾ قُلْ إِنَّمَا أَنَا مُنذِرٌ ۖ وَمَا مِنْ إِلَٰهٍ إِلَّا اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ ﴿٦٥﴾
رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ ﴿٦٦﴾ قُلْ هُوَ نَبَأٌ
عَظِيمٌ ﴿٦٧﴾ أَنتُمْ عَنْهُ مُعْرِضُونَ ﴿٦٨﴾ مَا كَانَ لِيَ مِنْ عِلْمٍ بِالْمَلَإِ الْأَعْلَىٰ
إِذْ يَخْتَصِمُونَ ﴿٦٩﴾ إِن يُوحَىٰ إِلَيَّ إِلَّا أَنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿٧٠﴾ إِذْ قَالَ رَبُّكَ
لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِّن طِينٍ ﴿٧١﴾ فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ
مِن رُّوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ ﴿٧٢﴾ فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ
أَجْمَعُونَ ﴿٧٣﴾ إِلَّا إِبْلِيسَ اسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ ﴿٧٤﴾ قَالَ
يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَن تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِيَدَيَّ ۖ أَسْتَكْبَرْتَ أَمْ كُنتَ
مِنَ الْعَالِينَ ﴿٧٥﴾ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِّنْهُ ۖ خَلَقْتَنِي مِن نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِن طِينٍ
﴿٧٦﴾ قَالَ فَاخْرُجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ ﴿٧٧﴾ وَإِنَّ عَلَيْكَ لَعْنَتِي إِلَىٰ يَوْمِ
الدِّينِ ﴿٧٨﴾ قَالَ رَبِّ فَأَنظِرْنِي إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ ﴿٧٩﴾ قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ
الْمُنظَرِينَ ﴿٨٠﴾ إِلَىٰ يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ ﴿٨١﴾ قَالَ فَبِعِزَّتِكَ
لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٨٢﴾ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ ﴿٨٣﴾

٤٥٧

﴿و می‌گویند﴾ کفّار مکّه در حالی که در آتش‌اند: ﴿ما را چه شده است که مردانی را که ما آنان را از زمرهٔ اشرار می‌شمردیم [در دنیا]، نمی‌بینیم﴾[۶۲] ﴿آیا آنان را به مسخره می‌گرفتیم﴾ آیا آنان نابود شده‌اند ﴿یا چشمهای ما از آنها برگشته است﴾ آنها را ندیده‌ایم و آنان فقرای مسلمانان‌اند مانند عمار و بلال و صهیب و سلمان[۶۳] ﴿این: ستیزهٔ دوزخیان با همدیگر قطعاً راست است﴾ چنانچه گذشت[۶۴] ﴿بگو﴾ ای محمّد(ﷺ) به کفار مکّه ﴿من فقط بیم‌دهنده‌ای هستم﴾ شما را از آتش ﴿و جز خدای یگانهٔ غالب قوّی هیچ خدائی نیست﴾[۶۵] ﴿پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آن دو است همان پیروزمند است﴾ بر امرش ﴿آمرزنده﴾ برای دوستانش[۶۶] ﴿بگو﴾ به آنها ﴿آن خبری بزرگ است﴾[۶۷] ﴿که شما از آن روی برمی‌تابید﴾ یعنی از قرآنی که شما را بدان خبر داده‌ام و در آن برای شما چیزهائی آورده‌ام که جز با وحی دانسته نمی‌شود[۶۸] و آن قول خداوند است در آیه‌های بعد ﴿مرا به حال مَلأ أعلی [فرشتگان] هیچ دانشی نبود آنگاه که با یک دیگر مجادله می‌کردند﴾ در شأن آدم هنگامی که خداوند فرمود: خلیفه‌ای در زمین قرار می‌دهم تا آخر.[۶۹] ﴿به من جز در این باب که هشداردهندهٔ آشکار هستم، وحی فرستاده نمی‌شود﴾[۷۰] یاد آور ﴿آنگاه که پروردگارت به فرشتگان گفت: من آفرینندهٔ بشر از گل هستم﴾ و او آدم است[۷۱] ﴿پس چون او را تمام ساختم و در آن از روح خود دمیدم﴾ پس زنده گردید - و نسبت دادن روح به خداوند برای شرافت آدم است و روح جسم لطیفی است با نفوذش در تن انسان، انسان زنده می‌گردد ﴿پس سجده‌کنان برای او درافتید﴾ سجود تحیّت و شادباش بوسیلهٔ خم شدن[۷۲] ﴿پس فرشتگان سجده کردند تمامشان یکسره﴾[۷۳] ﴿جز ابلیس﴾ او پدر جنّ است در میان فرشتگان ﴿که استکبار ورزید از کافران شد﴾ در علم الله[۷۴] ﴿فرمود: ای ابلیس چه چیز تو را بازداشت از این که برای چیزی که با دستان خود آفریدم سجده کنی؟﴾ یعنی بدون واسطهٔ پدر و مادر آفرینش را تولیت نمودم - این تعبیر گرامیداشتی برای آدم است چون هر مخلوقی خداوند عهده‌دار آفریدن آن است ﴿آیا استکبار ورزیدی [اکنون از سجده بردن] یا از جملهٔ بلندمرتبگان بودی﴾ تکبّر نمودی از سجده بردن چون از آنان هستی[۷۵] ﴿گفت من از او بهترم مرا از آتش آفریده‌ای و او از گل﴾[۷۶] ﴿فرمود: پس از آنجا [از بهشت قولی میگوید از آسمانها] بیرون شو که تو رانده شده هستی﴾[۷۷] ﴿و بی‌گمان تا روز جزا لعنت من بر توست﴾[۷۸] ﴿گفت: پروردگارا! پس مرا تا روزی که مردمان برانگیخته می‌شوند مهلت ده﴾[۷۹] ﴿فرمود: تو از مهلت یافتگانی﴾[۸۰] ﴿تا روز وقت معلوم﴾ وقت نفخهٔ اوّل[۸۱] ﴿گفت﴾ ابلیس ﴿پس به عِزّتت سوگند که البتّه آنان را همه یکجا از راه به در می‌برم﴾[۸۲] ﴿جز بندگان [مؤمن خالص تو از آنان را﴾[۸۳]

قَالَ فَالْحَقُّ وَالْحَقَّ أَقُولُ ﴿٨٤﴾ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنكَ وَمِمَّن تَبِعَكَ
مِنْهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٨٥﴾ قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ
﴿٨٦﴾ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَالَمِينَ ﴿٨٧﴾ وَلَتَعْلَمُنَّ نَبَأَهُ بَعْدَ حِينٍ ﴿٨٨﴾

سُورَةُ الزُّمَرِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

تَنزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ ﴿١﴾ إِنَّا أَنزَلْنَا إِلَيْكَ
الْكِتَابَ بِالْحَقِّ فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَّهُ الدِّينَ ﴿٢﴾ أَلَا
لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ ۚ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِن دُونِهِ أَوْلِيَاءَ
مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَىٰ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ
فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ
كَفَّارٌ ﴿٣﴾ لَّوْ أَرَادَ اللَّهُ أَن يَتَّخِذَ وَلَدًا لَّاصْطَفَىٰ مِمَّا
يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ ۚ سُبْحَانَهُ ۖ هُوَ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ ﴿٤﴾
خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ ۖ يُكَوِّرُ اللَّيْلَ عَلَى النَّهَارِ
وَيُكَوِّرُ النَّهَارَ عَلَى اللَّيْلِ ۖ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ ۖ
كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى ۗ أَلَا هُوَ الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ ﴿٥﴾

﴿فرمود: این حقّ است و من حقّ را می‌گویم﴾(۸۴) ﴿که البتّه پر کنم دوزخ را از تو [و ذرّیّت] و هر کس از کسانی که از تو پیروی کنند﴾(۸۵) ﴿بگو: [ای محمد] برای آن [بر تبلیغ رسالت] از شما مزدی طلب نمی‌کنم و من از متکلّفان [که قرآن را از طرف خود ساخته] نیستم﴾(۸۶) ﴿این [قرآن] جز پندی برای عالمیان نیست﴾ برای جنّ و انس و خردمندان نه فرشتگان(۸۷) ﴿و البتّه [ای کفار مکه] خبر آن را [خبر راستی‌اش] پس از چندی﴾ یعنی روز قیامت ﴿خواهید دانست﴾(۸۸)

قواعد آیه ۸۴ـ فَالْحَقُّ و الْحَقَّ أَقُولُ به نصب هر دو و به رفع اول و نصب دوم پس منصوب‌بودن الحق دوم به فعل أَقُولُ می‌باشد اما منصوب‌بودن الحق اول قولی می‌گوید؛ به فعل مذکور است به تکریر أَقُولُ و قولی می‌گوید مصدر تاکیدی است یعنی أَحُقُّ الْحَقَّ و قولی می‌گوید منصوب است به نزع خافض یعنی حذف حرف قسم، و رفع الحق اول بنابر اینکه مبتدای محذوف‌الخبر است یعنی فالحقُّ منّی و قولی می‌گوید: فالحقُّ قسمی و جواب آیه ۸۵ است.

آیه ۸۸ـ علم بمعنی حرف است و لام قبل از آن لام قسم مقدر است ای والله.

سورهٔ الزُّمر

مکّی است جز آیه ۵۳ پس مدنی است و آیه‌هایش ۷۵ است.

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيم

﴿نازل کردن این قرآن از جانب خدائی است عزیز [در ملکش] حکیم﴾ در صنعتش(۱) ﴿ما این کتاب را به حقّ به سوی تو [ای محمّد] نازل کرده‌ایم پس خدا را عبادت کن در حالی که دین خود را برای او [از شرک] پاک و خالص می‌داری﴾ یعنی او را یگانه میدانی(۲) ﴿آگاه باشید دین خالص از آن خداست﴾ جز او شایستهٔ آن نیست ﴿وکسانی که به جای او [بتان را] سرورانی برای خود گرفته‌اند﴾ و آنها کافران مکّه‌اند گفتند: ﴿ما آنها را جز برای این که ما را به الله در مرتبهٔ قرب نزدیک سازند، عبادت نمی‌کنیم بی‌گمان خدا در میان‌شان [و در میان مسلمانان] دربارهٔ آنچه که بر سر آن اختلاف دارند﴾ از امر دین ﴿حکم می‌کند﴾ پس مؤمنان را در بهشت و کافران را به دوزخ وارد می‌کند ﴿به راستی خداوند کسی را که دروغزن [در نسبت فرزند به او] کفران پیشه است﴾ به عبادت غیر او ﴿هدایت نمی‌کند﴾(۳) ﴿اگر خدا می‌خواست برای خود فرزندی بگیرد﴾ چنانچه گفتند خداوند فرزند دارد ﴿قطعاً از میان آنچه آفریده است، آنچه می‌خواست برمی‌گزید﴾ نه کسانی که آنها گفتند: فرشتگان دختران خدا و عزیر پسر خدا و مسیح پسر خداست ﴿او از این نسبتها [داشتن فرزند] پاک است، او خدای یگانهٔ قهّار است﴾ برای آفریدگانش(۴) ﴿آسمانها و زمین را به حقّ آفریده است شب را به روز در می‌پیچد﴾ پس زیاد می‌شود ﴿و روز را به شب﴾ یعنی می‌پوشاند پس شب زیاد می‌شود ﴿و خورشید و ماه را رام ساخت هر کدام [در مدار خود] سیر می‌کند تا میعادی معین [روز قیامت] آگاه باش که او عزیز﴾ غالب بر امرش انتقام گیرنده از دشمنانش است ﴿آمرزنده است﴾ برای دوستانش(۵)

قواعد آیه ۱ـ تنزیل مبتدا و من الله خبر است.

۴۵۸

خَلَقَكُم مِّن نَّفۡسٖ وَٰحِدَةٖ ثُمَّ جَعَلَ مِنۡهَا زَوۡجَهَا وَأَنزَلَ لَكُم
مِّنَ ٱلۡأَنۡعَٰمِ ثَمَٰنِيَةَ أَزۡوَٰجٖۚ يَخۡلُقُكُمۡ فِي بُطُونِ أُمَّهَٰتِكُمۡ
خَلۡقٗا مِّنۢ بَعۡدِ خَلۡقٖ فِي ظُلُمَٰتٖ ثَلَٰثٖۚ ذَٰلِكُمُ ٱللَّهُ رَبُّكُمۡ لَهُ
ٱلۡمُلۡكُۖ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۖ فَأَنَّىٰ تُصۡرَفُونَ ٦ إِن تَكۡفُرُواْ فَإِنَّ
ٱللَّهَ غَنِيٌّ عَنكُمۡۖ وَلَا يَرۡضَىٰ لِعِبَادِهِ ٱلۡكُفۡرَۖ وَإِن تَشۡكُرُواْ يَرۡضَهُ
لَكُمۡۗ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٞ وِزۡرَ أُخۡرَىٰۗ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُم مَّرۡجِعُكُمۡ
فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَۚ إِنَّهُۥ عَلِيمُۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ ٧
۞وَإِذَا مَسَّ ٱلۡإِنسَٰنَ ضُرّٞ دَعَا رَبَّهُۥ مُنِيبًا إِلَيۡهِ ثُمَّ إِذَا خَوَّلَهُۥ
نِعۡمَةٗ مِّنۡهُ نَسِيَ مَا كَانَ يَدۡعُوٓاْ إِلَيۡهِ مِن قَبۡلُ وَجَعَلَ لِلَّهِ أَندَادٗا
لِّيُضِلَّ عَن سَبِيلِهِۦۚ قُلۡ تَمَتَّعۡ بِكُفۡرِكَ قَلِيلًا إِنَّكَ مِنۡ أَصۡحَٰبِ
ٱلنَّارِ ٨ أَمَّنۡ هُوَ قَٰنِتٌ ءَانَآءَ ٱلَّيۡلِ سَاجِدٗا وَقَآئِمٗا يَحۡذَرُ
ٱلۡأٓخِرَةَ وَيَرۡجُواْ رَحۡمَةَ رَبِّهِۦۗ قُلۡ هَلۡ يَسۡتَوِي ٱلَّذِينَ يَعۡلَمُونَ وَٱلَّذِينَ
لَا يَعۡلَمُونَۗ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُوْلُواْ ٱلۡأَلۡبَٰبِ ٩ قُلۡ يَٰعِبَادِ ٱلَّذِينَ
ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ رَبَّكُمۡۚ لِلَّذِينَ أَحۡسَنُواْ فِي هَٰذِهِ ٱلدُّنۡيَا حَسَنَةٞۗ
وَأَرۡضُ ٱللَّهِ وَٰسِعَةٌۗ إِنَّمَا يُوَفَّى ٱلصَّٰبِرُونَ أَجۡرَهُم بِغَيۡرِ حِسَابٖ ١٠

٤٥٩

«شما را از نفس واحدی آفرید [یعنی آدم] سپس همسرش را [حواء] از او قرار داد، و برای شما از چهارپایان [شتر وگاو وگوسفند و بز] هشت قسم فرو فرستاد» از هر یک دو زوج نر و ماده چنانچه در سوره انعام بیان شد «شما را در شکمهای مادرانتان می‌آفرینند: آفرینشی پس از آفرینشی دیگر» یعنی نطفه و خون بسته و گوشتپاره «در تاریکیهای سه‌گانه» تاریکی شکم و تاریکی رحم و تاریکی بچه‌دان «این است الله پروردگار شما فرمانروائی از آن اوست خدائی جز او نیست پس چگونه برگردانیده می‌شوید» از عبادت خدا به سوی عبادت غیر او(۶) «اگر کفر ورزید بدانید که خدا از شما بی‌نیاز است و اگر سپاس دارید» خداوند را پس ایمان بیاورید «آن را [شکر را] برای شما می‌پسندد و هیچ [نفس] بردارنده‌ای [گناه] بار [گناه] دیگری را برنمی‌دارد آنگاه بازگشت شما به سوی پروردگارتان است و شما را به آنچه می‌کردید آگاه می‌گرداند قطعاً او به راز سینه‌ها داناست» به آنچه در دلهاست(۷) «و چون به انسان [کافر] رنجی برسد [با بیم و هراس] پروردگارش را ـ انابت‌کنان به سوی او ـ می‌خواند سپس چون از سوی خویش به او نعمتی عطا کند» خَوَّله اشیئَ: او را مالک آن چیز گرداند «فراموش می‌کند که پیشتر [با هراس] چه دعائی به درگاه او داشت، و برای خدا همتایانی [شریکانی] قرار می‌دهد تا [دیگران را] هم از راه او گمراه سازد» از اسلام «بگو: اندکی [بقیهٔ اجلت] به کفرت برخوردار شو که بی‌گمان تو از دوزخیانی»(۸) «آیا آن کس که در طول ساعتهای شب قانت است» به وظائف عبادت قیام میکند. «در سجده و قیام [نماز شب] از [عذاب] آخرت می‌ترسد و رحمت [بهشت] پروردگار خود را امید دارد؟» مانند کسی است که به کفر و جز آن نافرمان است «بگو: آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند برابرند؟» یعنی برابر نیستند چنانچه دانا و نادان برابر نیستند «فقط خردمندانند که پند می‌گیرند»(۹) «بگو: ای بندگان من که ایمان آورده‌اید از پروردگارتان پروا بدارید» از عذابش به وسیلهٔ اطاعت نمودنش «برای کسانی که در این دنیا نیکوکاری می‌کنند [بوسیلهٔ طاعت خدا] نیکی است» یعنی بهشت «و زمین خدا فراخ است» به سوی آن هجرت کنید از میان کافران و مشاهده منکرات «جز این نیست که به صبرپیشگان» در برابر طاعات و سختیهائی که بدان گرفتارند «مزدشان تمامی بی‌حساب [بدون پیمانه و وزن] داده می‌شوند»(۱۰)

قواعد آیه ۷ـ یَرْضَه: به سکون هاء و به ضمّ آن با اشباع و بدون آن.

آیه ۸ـ ما: به جای «مَنْ» است یعنی خداوند ـ لیضلّ به فتح یاء و به ضمّ آن است.

آیه ۹ـ أَمَّنْ: در قرائتی أَمْ مَنْ آمده است پس ام به معنای بل و همزه است.

قُلۡ إِنِّيٓ أُمِرۡتُ أَنۡ أَعۡبُدَ ٱللَّهَ مُخۡلِصٗا لَّهُ ٱلدِّينَ ﴿١١﴾ وَأُمِرۡتُ لِأَنۡ أَكُونَ
أَوَّلَ ٱلۡمُسۡلِمِينَ ﴿١٢﴾ قُلۡ إِنِّيٓ أَخَافُ إِنۡ عَصَيۡتُ رَبِّي عَذَابَ يَوۡمٍ عَظِيمٖ
﴿١٣﴾ قُلِ ٱللَّهَ أَعۡبُدُ مُخۡلِصٗا لَّهُۥ دِينِي ﴿١٤﴾ فَٱعۡبُدُواْ مَا شِئۡتُم مِّن دُونِهِۦۗ
قُلۡ إِنَّ ٱلۡخَٰسِرِينَ ٱلَّذِينَ خَسِرُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ وَأَهۡلِيهِمۡ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِۗ أَلَا
ذَٰلِكَ هُوَ ٱلۡخُسۡرَانُ ٱلۡمُبِينُ ﴿١٥﴾ لَهُم مِّن فَوۡقِهِمۡ ظُلَلٞ مِّنَ ٱلنَّارِ
وَمِن تَحۡتِهِمۡ ظُلَلٞۚ ذَٰلِكَ يُخَوِّفُ ٱللَّهُ بِهِۦ عِبَادَهُۥۚ يَٰعِبَادِ فَٱتَّقُونِ ﴿١٦﴾
وَٱلَّذِينَ ٱجۡتَنَبُواْ ٱلطَّٰغُوتَ أَن يَعۡبُدُوهَا وَأَنَابُوٓاْ إِلَى ٱللَّهِ لَهُمُ ٱلۡبُشۡرَىٰۚ
فَبَشِّرۡ عِبَادِ ﴿١٧﴾ ٱلَّذِينَ يَسۡتَمِعُونَ ٱلۡقَوۡلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحۡسَنَهُۥٓۚ
أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ هَدَىٰهُمُ ٱللَّهُۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمۡ أُوْلُواْ ٱلۡأَلۡبَٰبِ ﴿١٨﴾
أَفَمَنۡ حَقَّ عَلَيۡهِ كَلِمَةُ ٱلۡعَذَابِ أَفَأَنتَ تُنقِذُ مَن فِي ٱلنَّارِ ﴿١٩﴾
لَٰكِنِ ٱلَّذِينَ ٱتَّقَوۡاْ رَبَّهُمۡ لَهُمۡ غُرَفٞ مِّن فَوۡقِهَا غُرَفٞ مَّبۡنِيَّةٞ تَجۡرِي
مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُۖ وَعۡدَ ٱللَّهِ لَا يُخۡلِفُ ٱللَّهُ ٱلۡمِيعَادَ ﴿٢٠﴾ أَلَمۡ تَرَ
أَنَّ ٱللَّهَ أَنزَلَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءٗ فَسَلَكَهُۥ يَنَٰبِيعَ فِي ٱلۡأَرۡضِ ثُمَّ
يُخۡرِجُ بِهِۦ زَرۡعٗا مُّخۡتَلِفًا أَلۡوَٰنُهُۥ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَىٰهُ مُصۡفَرّٗا ثُمَّ
يَجۡعَلُهُۥ حُطَٰمًاۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَذِكۡرَىٰ لِأُوْلِي ٱلۡأَلۡبَٰبِ ﴿٢١﴾

٤٦٠

﴿بگو: [ای محمد (ﷺ)] همانا من فرمان یافته‌ام که خدا را ـ در حالی که دینم را برای او [از شرک] خالص ساخته‌ام ـ بپرستم﴾(۱۱) ﴿و فرمان یافته‌ام به این که [از این امّت] نخستین مسلمانان باشم﴾(۱۲) ﴿بگو: من اگر پروردگار خود را نافرمانی کنم از عذاب روزی عظیم می‌ترسم﴾(۱۳) ﴿بگو: خدا را می‌پرستم در حالی که دینم را برای او [از شرک] خالص می‌گردانم﴾(۱۴) ﴿پس شما هم هر چه را غیر از او می‌خواهید بپرستید﴾ در این آیه تهدید است به آنها و اعلام است به این که خداوند بزرگ را نمی‌پرستند ﴿بگو: زیانکاران در حقیقت کسانی‌اند که به خود و خانواده‌شان در روز قیامت زیان رسانده‌اند﴾ به سبب ابدی نمودن خودشان در آتش و دست نیافتن به حورهائی که در بهشت برایشان آماده شده است اگر ایمان می‌آوردند ﴿آری این همان خسران آشکار است﴾(۱۵) ﴿برایشان از بالای سرشان ظُللی [طبقاتی] از آتش است و از زیر پایشان نیز طبقاتی است﴾ از آتش ﴿این همان کیفری است که خداوند بندگان خویش را به آن بیم می‌دهد﴾ یعنی مؤمنان را تا از او پروا بدارند، که می‌فرماید: ای بندگان من پس از من پروا بدارید﴾(۱۶) ﴿و کسانی که از طاغوت [از بتان] پرهیز کردند از این که آن را بپرستند و به سوی الله بازگشتند ایشان را مژده باد به بهشت ﴿پس مژده بده به بندگانم﴾(۱۷) ﴿که سخن را می‌شنوند و از نیکوترین آن [و آن چیزهائی است که صلاحشان در آن است] پیروی می‌کنند، ایناناند که الله آنان را هدایت کرده و اینان همان خردمندانند﴾(۱۸) ﴿پس آیا کسی که کلمه عذاب﴾ یعنی لَأملأنّ جهنم الآیه ﴿بروی ثابت شد، آیا تو آن دوزخی را خلاص توانی کرد؟﴾ یعنی نمی‌توانی هدایتش دهی پس از آتش خارجش کنی.(۱۹) ﴿لیکن کسانی که از پروردگارشان پروا داشته‌اند﴾ به امتثال فرمانش ﴿برای ایشان غرفه‌هایی است که بر فراز آنها غرفه‌های دیگری بنا شده است، جویباران از زیر آنها [از زیر غرفه‌های فوقانی و تحتانی] روان است، این وعدهٔ خداست، خدا خلاف وعده نمی‌کند﴾(۲۰) ﴿مگر ندیده‌ای که خدا از آسمان آبی فرو فرستاد پس آن را به چشمه‌هایی که در دل زمین است راه داد آنگاه به وسیلهٔ آن، کشتزاری را که رنگهای آن گوناگون است، بیرون می‌آورد، سپس می‌خشکد آنگاه آن را [پس از سبز رنگی مثلاً] زرد می‌بینی سپس آن را ریزه ریزه می‌گرداند قطعاً در این امر برای صاحبان خرد پندی است﴾ بدان متذکر می‌شوند زیرا بر یگانگی و توانائی خدا دلالت می‌کند(۲۱)

أَفَمَن شَرَحَ ٱللَّهُ صَدۡرَهُۥ لِلۡإِسۡلَٰمِ فَهُوَ عَلَىٰ نُورٖ مِّن رَّبِّهِۦۚ فَوَيۡلٞ
لِّلۡقَٰسِيَةِ قُلُوبُهُم مِّن ذِكۡرِ ٱللَّهِۚ أُوْلَٰٓئِكَ فِي ضَلَٰلٖ مُّبِينٍ (٢٢)
ٱللَّهُ نَزَّلَ أَحۡسَنَ ٱلۡحَدِيثِ كِتَٰبٗا مُّتَشَٰبِهٗا مَّثَانِيَ تَقۡشَعِرُّ مِنۡهُ
جُلُودُ ٱلَّذِينَ يَخۡشَوۡنَ رَبَّهُمۡ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمۡ وَقُلُوبُهُمۡ
إِلَىٰ ذِكۡرِ ٱللَّهِۚ ذَٰلِكَ هُدَى ٱللَّهِ يَهۡدِي بِهِۦ مَن يَشَآءُۚ وَمَن
يُضۡلِلِ ٱللَّهُ فَمَا لَهُۥ مِنۡ هَادٍ (٢٣) أَفَمَن يَتَّقِي بِوَجۡهِهِۦ سُوٓءَ
ٱلۡعَذَابِ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِۚ وَقِيلَ لِلظَّٰلِمِينَ ذُوقُواْ مَا كُنتُمۡ تَكۡسِبُونَ
(٢٤) كَذَّبَ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡ فَأَتَىٰهُمُ ٱلۡعَذَابُ مِنۡ حَيۡثُ
لَا يَشۡعُرُونَ (٢٥) فَأَذَاقَهُمُ ٱللَّهُ ٱلۡخِزۡيَ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَاۖ وَلَعَذَابُ
ٱلۡأٓخِرَةِ أَكۡبَرُۚ لَوۡ كَانُواْ يَعۡلَمُونَ (٢٦) وَلَقَدۡ ضَرَبۡنَا لِلنَّاسِ فِي
هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانِ مِن كُلِّ مَثَلٖ لَّعَلَّهُمۡ يَتَذَكَّرُونَ (٢٧) قُرۡءَانًا عَرَبِيًّا
غَيۡرَ ذِي عِوَجٖ لَّعَلَّهُمۡ يَتَّقُونَ (٢٨) ضَرَبَ ٱللَّهُ مَثَلٗا رَّجُلٗا فِيهِ
شُرَكَآءُ مُتَشَٰكِسُونَ وَرَجُلٗا سَلَمٗا لِّرَجُلٍ هَلۡ يَسۡتَوِيَانِ مَثَلًاۚ
ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِۚ بَلۡ أَكۡثَرُهُمۡ لَا يَعۡلَمُونَ (٢٩) إِنَّكَ مَيِّتٞ وَإِنَّهُم مَّيِّتُونَ
(٣٠) ثُمَّ إِنَّكُمۡ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ عِندَ رَبِّكُمۡ تَخۡتَصِمُونَ (٣١)

٤٦١

«پس آیا کسی که خدا سینه‌اش را برای اسلام گشاده کرده [پس هدایت شد] و در نتیجه او برخوردار از نوری از جانب پروردگارش می‌باشد؟» مانند کسی است که قسوت و تاریکی بر دلش مهر شده است، که «پس وای بر کسانی که دلهایشان از یاد کردن الله سخت است» یعنی از قبول قرآن «اینان که در گمراهی آشکار هستند»[۲۲] «خدا بهترین حدیث را [یعنی قرآن] نازل کرده است، کتابی است متشابه» در نظم و بلاغت و زیبائی و غیره بعضی با بعضی دیگر شباهت و همگونی دارد «و مکرّر است» وعد و وعید و قصص و غیره در آن تکرار می‌شود ـ هنگام ذکر آیات وعید خداوند، «پوست بدن آنان که از پروردگارشان خشیت دارند از آن به لرزه می‌افتد، سپس پوستهایشان و دلهایشان به یاد خدا [هنگام ذکر وعده‌اش] نرم می‌شود، این [قرآن] هدایت الله است، هر که را بخواهد به آن راه می‌نماید و هر که را خدا گمراه کند، او را هیچ راهبری نیست»[۲۳] «پس آیا آن کس که با چهرهٔ خود سختی عذاب روز قیامت را دفع می‌کند» سخت‌ترین عذاب بدینگونه که در حال بستن دستهایش به گردنش، در آتش افکنده شود، مانند کسی است که به وسیلهٔ وارد شدن به بهشت از آتش ایمن است «و به ستمگران [کافران] گفته می‌شود: وبال آنچه را که می‌کردید، بچشید»[۲۴] «کسانی هم که پیش از آنان بودند تکذیب [پیامبرانشان را در آمدن عذاب] پیشه کردند و از آنجا که حدس نمی‌زدند، عذاب بر آنان آمد» از جهتی که به دلهایشان خطور نمی‌کرد[۲۵] «پس خدا ذلّت و خواری را [از مسخ و قتل و غیره] در زندگانی دنیا به آنان چشانید و اگر [تکذیب کنندگان] می‌دانستند قطعاً عذاب آخرت بزرگ‌تر است» تکذیب نمی‌کردند[۲۶] «و برای مردم در این قرآن از هرگونه مثلی آوردیم باشد که آنان پند گیرند»[۲۷] «قرآنی است عربی بی‌هیچ کژی و کاستی» التباس و اختلافی در آن نیست «باشد که آنان [از کفر] پرهیز نمایند»[۲۸] «خدا [برای مشرک و موحّد] مثلی زده است مردی [برده‌ای را] که چند مالک ناسازگار و بداخلاق در او شرکت دارند، و برده‌ای را که ویژهٔ یک مرد است، آیا این دو در مثل با هم برابرند؟» یعنی بردهٔ مشترک میان چندین مالک با آن برده‌ای که در خدمت یک شخص است با هم برابر نیستند، اولی اگر هر یک از مالکان در وقت واحد خدمتی را از او بخواهد، برده سرگردان می‌شود به کدام از آنان خدمت کند، این مثال است برای مشرک، و دومی مثال است برای مُوحّد. «ستایش برای الله است» به تنهائی «بلکه بیشترشان [اهل مکّه] نمیدانند» عذابی را که بازگشت مشرک به سوی آن است[۲۹] «به راستی تو» خطاب است به پیغمبر(ﷺ) «می‌میری و آنان نیز می‌میرند» پس شادکامی‌ای به مردن نیست، این آیه وقتی نازل شد که کافران انتظار مرگ او(ﷺ) را داشتند «خداوند فرمود مرگ برای همه است»[۳۰] «سپس شما» ای مردم دربارهٔ مظالم و نزاعی که در میان شماست «روز قیامت پیش پروردگارتان مجادله خواهید کرد»[۳۱]

فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن كَذَبَ عَلَى اللَّهِ وَكَذَّبَ بِالصِّدْقِ
إِذْ جَاءَهُ ۚ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَافِرِينَ ﴿٣٢﴾ وَالَّذِي
جَاءَ بِالصِّدْقِ وَصَدَّقَ بِهِ ۙ أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ ﴿٣٣﴾
لَهُم مَّا يَشَاءُونَ عِندَ رَبِّهِمْ ۚ ذَٰلِكَ جَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ ﴿٣٤﴾
لِيُكَفِّرَ اللَّهُ عَنْهُمْ أَسْوَأَ الَّذِي عَمِلُوا وَيَجْزِيَهُمْ أَجْرَهُم
بِأَحْسَنِ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٣٥﴾ أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ
عَبْدَهُ ۖ وَيُخَوِّفُونَكَ بِالَّذِينَ مِن دُونِهِ ۚ وَمَن يُضْلِلِ
اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ ﴿٣٦﴾ وَمَن يَهْدِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِن مُّضِلٍّ ۗ
أَلَيْسَ اللَّهُ بِعَزِيزٍ ذِي انتِقَامٍ ﴿٣٧﴾ وَلَئِن سَأَلْتَهُم مَّنْ خَلَقَ
السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ ۚ قُلْ أَفَرَأَيْتُم مَّا تَدْعُونَ
مِن دُونِ اللَّهِ إِنْ أَرَادَنِيَ اللَّهُ بِضُرٍّ هَلْ هُنَّ كَاشِفَاتُ ضُرِّهِ
أَوْ أَرَادَنِي بِرَحْمَةٍ هَلْ هُنَّ مُمْسِكَاتُ رَحْمَتِهِ ۚ قُلْ حَسْبِيَ
اللَّهُ ۖ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ ﴿٣٨﴾ قُلْ يَا قَوْمِ اعْمَلُوا
عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَامِلٌ ۖ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ﴿٣٩﴾
مَن يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُّقِيمٌ ﴿٤٠﴾

﴿پس کیست ستمگرتر از آن کسی که بر خدا دروغ بست﴾ شریک و فرزند را به او نسبت داد ﴿و قرآن را ـ چون بر او عرضه شد ـ تکذیب کرد؟ آیا مأوای کافران در دوزخ نیست﴾ بلی[۳۲] ﴿و آن کسی که دین راست و درست را آورد﴾ او پیغمبر(ﷺ) است ﴿و آن کس که تصدیق کرد﴾ آنان مؤمنانند، ﴿آنانند که متقیانند﴾ از شرک[۳۳] ﴿برایشان هر چه بخواهند نزد پروردگارشان است این است پاداش محسنان﴾ برای خودشان به سبب ایمانشان[۳۴] ﴿تا خدا از آنان اعمال بدی را که کرده‌اند بزداید و تا پاداششان را برحسب اعمال نیکی که می‌کردند بپردازد﴾[۳۵] ﴿آیا خدا بنده‌اش [پیغمبر] را بسنده نیست [بلی] و تو را از کسانی [از بتانی که به جای خدا دارند] می‌ترسانند﴾ گفتند: بتان را دشنام مده تو را می‌کشند یا دیوانه‌ات می‌کنند ﴿و هر که را خدا گمراه گرداند، برایش هیچ راهبری نیست﴾[۳۶] ﴿و هر که را الله هدایت کند، هیچ گمراه کننده‌ای ندارد، مگر خدا غالب [بر امرش انتقام گیرنده] از دشمنانش نیست﴾ بلی[۳۷] ﴿و اگر از آنها بپرسی که چه کسی آسمانها و زمین را آفریده؟ قطعاً می‌گویند: خدا بگو: چه تصوّر می‌کنید: اگر خدا در حقّ من بلائی خواسته باشد، آیا آنچه را به جای خدا می‌پرستید [از بتان] می‌توانند بلای او را دفع کنند [خیر] یا اگر در حق من خیری اراده کند آیا آنها می‌توانند رحمتش را باز دارند [خیر] بگو: خدا مرا بس است اهل توکّل تنها بر او توکل می‌کنند﴾ به او اعتماد دارند.[۳۸] ﴿بگو ای قوم من شما بر روش و حال خودتان عمل کنید من [نیز بر روش خود] عمل می‌کنم پس به زودی خواهید دانست﴾[۳۹] ﴿بر چه کسی عذابی که رسوایش کند فرود می‌آید و بر وی عذابی مقیم نازل می‌شود﴾ عذاب دائمی که عذاب آتش است و خداوند آنها را در غزوه بدر رسوا ساخت[۴۰]

قواعد آیه ۳۳ـ الذی به معنای الذین است.

آیه ۳۵ـ أسوأ و احسن بمعنای سَیِّیء و حسن است.

مربوط به آیه ۵۳ است

ـ ابن عباس(رضی الله عنهما) روایت می‌کند که مردمانی از اهل شرک بسیار قتل کرده بودند و بسیار زنا کرده بودند پس نزد محمد(ﷺ) آمدند، گفتند آنچه می‌گوئی و بسوی آن دعوت می‌کنی قطعاً خوب است می‌خواهیم ما را خبر دهید که کردار ما قابل کفارت است. پس آیه‌ای نازل و این آیه نیز نازل شد: «قُلْ یا عبادی الذین أسْرفوا علی أنفسهم لا تَقْنَطُوا من رحمة الله ان الله یَغْفِر الذّنوب جمیعاً» به شرط برگشت و اخلاص در عمل بخاری روایتش کرده است.

إِنَّآ أَنزَلۡنَا عَلَيۡكَ ٱلۡكِتَٰبَ لِلنَّاسِ بِٱلۡحَقِّۖ فَمَنِ ٱهۡتَدَىٰ
فَلِنَفۡسِهِۦۖ وَمَن ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيۡهَاۖ وَمَآ أَنتَ عَلَيۡهِم
بِوَكِيلٍ ﴿٤١﴾ ٱللَّهُ يَتَوَفَّى ٱلۡأَنفُسَ حِينَ مَوۡتِهَا وَٱلَّتِي
لَمۡ تَمُتۡ فِي مَنَامِهَاۖ فَيُمۡسِكُ ٱلَّتِي قَضَىٰ عَلَيۡهَا ٱلۡمَوۡتَ
وَيُرۡسِلُ ٱلۡأُخۡرَىٰٓ إِلَىٰٓ أَجَلٖ مُّسَمًّىۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ
لِّقَوۡمٖ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٤٢﴾ أَمِ ٱتَّخَذُواْ مِن دُونِ ٱللَّهِ شُفَعَآءَۚ
قُلۡ أَوَلَوۡ كَانُواْ لَا يَمۡلِكُونَ شَيۡـٔٗا وَلَا يَعۡقِلُونَ ﴿٤٣﴾
قُل لِّلَّهِ ٱلشَّفَٰعَةُ جَمِيعٗاۖ لَّهُۥ مُلۡكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ ثُمَّ
إِلَيۡهِ تُرۡجَعُونَ ﴿٤٤﴾ وَإِذَا ذُكِرَ ٱللَّهُ وَحۡدَهُ ٱشۡمَأَزَّتۡ
قُلُوبُ ٱلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ بِٱلۡأٓخِرَةِۖ وَإِذَا ذُكِرَ ٱلَّذِينَ مِن
دُونِهِۦٓ إِذَا هُمۡ يَسۡتَبۡشِرُونَ ﴿٤٥﴾ قُلِ ٱللَّهُمَّ فَاطِرَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ
وَٱلۡأَرۡضِ عَٰلِمَ ٱلۡغَيۡبِ وَٱلشَّهَٰدَةِ أَنتَ تَحۡكُمُ بَيۡنَ عِبَادِكَ
فِي مَا كَانُواْ فِيهِ يَخۡتَلِفُونَ ﴿٤٦﴾ وَلَوۡ أَنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُواْ
مَا فِي ٱلۡأَرۡضِ جَمِيعٗا وَمِثۡلَهُۥ مَعَهُۥ لَٱفۡتَدَوۡاْ بِهِۦ مِن سُوٓءِ ٱلۡعَذَابِ
يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِۚ وَبَدَا لَهُم مِّنَ ٱللَّهِ مَا لَمۡ يَكُونُواْ يَحۡتَسِبُونَ ﴿٤٧﴾

٤٦٣

«هر آینه ما این کتاب را برای مردم به حق بر تو فرو فرستادیم پس هرکس هدایت شد به سود خود هدایت شده است، و هرکس گمراه گشت به زیان خویش گمراه می‌شود، و تو بر آنان وکیل نیستی» تا آنان را بر هدایت مجبور کنی[۴۱] «خداوند ارواح مردم را به تمامی قبض می‌کند و [نیز] روحی را که نمرده است، در موقع خوابش قبض می‌کند، پس آن نفسی را که حکم مرگش را کرده نگاه می‌دارد، و آن دیگر را تا هنگامی معیّن بازپس می‌فرستد» تا وقت مرگش آنچه بازپس فرستاده می‌شود نفس تمیز و تشخیص است نفس حیات بدون آن باقی می‌ماند اما نفس تمیز بدون نفس حیات باقی نمی‌ماند «قطعاً در این امر [که ذکر شد] برای مردمی که اندیشه می‌کنند نشانه‌هائی است» پس میدانند که کسی بر آنها قادر باشد. بر بعث و زنده کردن قادر است و قریش در این امر نیندیشیدند[۴۲] «آیا غیر از الله [بتان را] برای خود شفاعتگرانی [نزد خدا به زعم خودشان] برگرفته‌اند، بگو به آنها: آیا می توانند شفاعت کنند هر چند بتان اختیار چیزی را نداشته باشند [از شفاعت و جز آن] و تعقّل نکنند» که شما آنها را می‌پرستید؟ و نه چیزهای دیگر، خیر، نمی‌توانند[۴۳] «بگو: شفاعت یکسره از آن خداست» یعنی او مخصوص شفاعت است کسی شفاعت نمی‌کند جز به اجازه خدا «فرمانروائی آسمانها و زمین مخصوص اوست، سپس به سوی او بازگردانیده می‌شوید»[۴۴] «و چون خدا به تنهائی یاد شود» بدون خدایانشان «دلهای کسانی که به آخرت ایمان ندارند، نگران و تنگ می‌شود و چون کسانی که غیر از او به پرستش گرفته شده‌اند [یعنی بتان] یاد شوند بناگاه آنان شادمانی می‌کنند»[۴۵] «بگو: بار الها ای پدیدآورندهٔ آسمانها و زمین [از آغاز] ای دانای نهان و آشکار تو خود میان بندگانت بر سر آنچه اختلاف می‌کردند [از امر دین] داوری می‌کنی» مرا به آنچه اختلاف در آن داشتند، به حقّ هدایت کن[۴۶] «و اگر آنچه در زمین است یکسره از آنِ کسانی که ستم کرده‌اند باشد و مانندش نیز با آن باشد، قطعاً آن را برای رهائی خودشان از سختی عذاب روز قیامت خواهند داد، و آنچه که حسابش را نمی‌کردند، از سوی خدا برایشان آشکار می‌گردد»[۴۷]

وَبَدَا لَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُوا بِهِۦ
يَسْتَهْزِءُونَ ﴿٤٨﴾ فَإِذَا مَسَّ ٱلْإِنسَٰنَ ضُرٌّ دَعَانَا ثُمَّ إِذَا خَوَّلْنَٰهُ
نِعْمَةً مِّنَّا قَالَ إِنَّمَآ أُوتِيتُهُۥ عَلَىٰ عِلْمٍۭ ۚ بَلْ هِىَ فِتْنَةٌ وَلَٰكِنَّ
أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٤٩﴾ قَدْ قَالَهَا ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَمَآ أَغْنَىٰ
عَنْهُم مَّا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿٥٠﴾ فَأَصَابَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا ۚ
وَٱلَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ هَٰٓؤُلَآءِ سَيُصِيبُهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا
وَمَا هُم بِمُعْجِزِينَ ﴿٥١﴾ أَوَلَمْ يَعْلَمُوٓا أَنَّ ٱللَّهَ يَبْسُطُ ٱلرِّزْقَ
لِمَن يَشَآءُ وَيَقْدِرُ ۚ إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَءَايَٰتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٥٢﴾
۞ قُلْ يَٰعِبَادِىَ ٱلَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰٓ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن
رَّحْمَةِ ٱللَّهِ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ يَغْفِرُ ٱلذُّنُوبَ جَمِيعًا ۚ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلْغَفُورُ ٱلرَّحِيمُ
﴿٥٣﴾ وَأَنِيبُوٓا إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَأَسْلِمُوا لَهُۥ مِن قَبْلِ أَن يَأْتِيَكُمُ
ٱلْعَذَابُ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ ﴿٥٤﴾ وَٱتَّبِعُوٓا أَحْسَنَ مَآ أُنزِلَ
إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُم مِّن قَبْلِ أَن يَأْتِيَكُمُ ٱلْعَذَابُ
بَغْتَةً وَأَنتُمْ لَا تَشْعُرُونَ ﴿٥٥﴾ أَن تَقُولَ نَفْسٌ يَٰحَسْرَتَىٰ
عَلَىٰ مَا فَرَّطتُ فِى جَنۢبِ ٱللَّهِ وَإِن كُنتُ لَمِنَ ٱلسَّٰخِرِينَ ﴿٥٦﴾

٤٦٤

﴿و کیفر آنچه کرده بودند بر آنان آشکار می‌شود، و آنچه را که بدان استهزاء می‌کردند [از عذاب] آنها را فرو می‌گیرد﴾(۴۸) ﴿و چون به [جنس] انسان سختی‌ای برسد، ما را فرا می‌خواند، سپس چون نعمتی از جانب خود به او ارزانی داریم می‌گوید: جز این نیست که این نعمت بنابر دانشی که در من است، به من داده شده است﴾ دانشی از طرف خدا به اینکه من شایستهٔ آن هستم ﴿نه چنان است بلکه آن [گفته یا آن نعمت] آزمونی است﴾ که بنده به آن امتحان می‌گردد ﴿ولی بیشترشان نمیدانند﴾ که نعمت دادن استدراج و امتحان است(۴۹) ﴿قطعاً کسانی که پیش از آنان بودند﴾ از امتها مانند قارون و قومش که به آن راضی‌اند ﴿نیز این سخن را گفتند پس آنچه بدست آورده بودند بلا را از آنان دفع نکرد﴾(۵۰) ﴿تا کیفر آنچه که مرتکب شده بودند [پاداش] به آنان رسید و کسانی از این گروه [قریش] که ستم کرده‌اند، به زودی نتایج سوء آنچه را که مرتکب شده‌اند، بدیشان خواهد رسید و آنان عاجزکننده نیستند﴾ از عذاب ما گریزی ندارند پس هفت سال به خشکسالی و قحطی مبتلا شدند، سپس خداوند نعمت را بر آنان ارزانی داشت(۵۱) ﴿آیا ندانسته‌اند که خداست روزی را برای هر کس که بخواهد گشاده می‌گرداند [برای امتحان] و برای هر کس که بخواهد [تنگ می‌گرداند]﴾ بخاطر آزمودن به گرفتاری ﴿قطعاً در این امر نشانه‌هائی است برای مردمی که ایمان دارند﴾(۵۲) ﴿بگو ای محمّد﴾ از جانب من به بندگانم: ﴿ای بندگان من که بر خود اسراف روا داشته‌اید از رحمت خدا نومید نشوید در حقیقت خدا همهٔ گناهان را می‌آمرزد﴾ برای کسی که از شرک توبه کرده است ﴿بی‌گمان او آمرزگار مهربان است﴾(۵۳)

﴿و به سوی پروردگار خویش بازگردید و عمل را برای او خالص کنید پیش از آن که بر شما عذاب [دنیا] بیاید و دیگر یاری نشوید﴾ به دفع عذاب اگر توبه نکنید(۵۴) ﴿و نیکوترین چیزی را که از جانب پروردگارتان به سوی شما نازل شده است [آن قرآن است] پیروی کنید، پیش از آن که به طور ناگهانی و در حالی که حدس نمی‌زنید عذاب بر شما فرود آید﴾ پیش از آمدنش به وقت آن(۵۵) پس بشتابید پیش از ﴿این که کسی بگوید: دریغا بر آنچه در کار خدا فروگذار کردم بی‌تردید من از تمسخرکنندگان [به دین و کتابش] بودم﴾(۵۶)

أَوْ تَقُولَ لَوْ أَنَّ اللَّهَ هَدَانِي لَكُنتُ مِنَ الْمُتَّقِينَ ﴿٥٧﴾
أَوْ تَقُولَ حِينَ تَرَى الْعَذَابَ لَوْ أَنَّ لِي كَرَّةً فَأَكُونَ
مِنَ الْمُحْسِنِينَ ﴿٥٨﴾ بَلَىٰ قَدْ جَاءَتْكَ آيَاتِي فَكَذَّبْتَ بِهَا
وَاسْتَكْبَرْتَ وَكُنتَ مِنَ الْكَافِرِينَ ﴿٥٩﴾ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ
تَرَى الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى اللَّهِ وُجُوهُهُم مُّسْوَدَّةٌ ۚ أَلَيْسَ فِي
جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِينَ ﴿٦٠﴾ وَيُنَجِّي اللَّهُ الَّذِينَ اتَّقَوْا
بِمَفَازَتِهِمْ لَا يَمَسُّهُمُ السُّوءُ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٦١﴾ اللَّهُ
خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ ۖ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ ﴿٦٢﴾ لَّهُ مَقَالِيدُ
السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ
هُمُ الْخَاسِرُونَ ﴿٦٣﴾ قُلْ أَفَغَيْرَ اللَّهِ تَأْمُرُونِّي أَعْبُدُ أَيُّهَا
الْجَاهِلُونَ ﴿٦٤﴾ وَلَقَدْ أُوحِيَ إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكَ لَئِنْ
أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿٦٥﴾ بَلِ اللَّهَ
فَاعْبُدْ وَكُن مِّنَ الشَّاكِرِينَ ﴿٦٦﴾ وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ
وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالسَّمَاوَاتُ
مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ ۚ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٦٧﴾

٤٦٥

﴿یا بگوید: اگر خدا هدایتم می‌کرد﴾ به امتثال امرش پس هدایت می‌شدم ﴿مسلماً از متّقیان [عذابش] بودم﴾[۵۷] ﴿یا چون عذاب را ببیند، بگوید: کاش مرا برگشتی [به سوی دنیا] بود تا از نیکوکاران می‌شدم﴾ از مؤمنان[۵۸] از طرف خدا به او گفته می‌شود: ﴿نه چنان است آیات من [قرآن که سبب هدایت است] بر تو آمد و تو آنها را تکذیب کردی و تکبّر ورزیدی [از ایمان آوردن به آن] و از کافران شدی﴾[۵۹] ﴿و روز قیامت کسانی راکه بر خدا دروغ بسته‌اند [به نسبت دادن شریک و فرزند به او] روسیاه می‌بینی آیا منزلگاه متکبّران [از ایمان] در جهنّم نیست؟﴾ آری[۶۰] ﴿و خدا پرهیزکاران [شرک را از جهنّم] قرین رستگاریشان نجات می‌دهد﴾ به قرار دادنشان در بهشت ﴿به آنان رنجی نمی‌رسد و نه اندوهگین شوند﴾[۶۱] ﴿خداوند آفریننده همه چیز است و او بر همه چیز نگهبان است﴾ هرگونه بخواهد در آن تصرّف می‌کند[۶۲] ﴿کلیدهای [گنجینه‌های] آسمان و زمین﴾ از باران و گیاهان و جز آنها ﴿به دست اوست و کسانی که به آیات خداوند [به قرآن] کفر ورزیده‌اند اینان‌اند که زیانکارند﴾[۶۳] ﴿بگو: ای نادانان، آیا به من فرمان می‌دهید که غیر خدا را بندگی کنم﴾[۶۴] ﴿و به راستی که به تو و به کسانی که پیش از تو بودند، وحی کرده شد [سوگند به خدا] اگر شرک آوری بی‌گمان عملکردت نابود شود، و به یقین از زیانکاران شوی﴾[۶۵] ﴿بلکه خدا را [به تنهائی] بندگی کن و از سپاسگزاران باش﴾ سپاس نعمتهائی که به تو داده است[۶۶] ﴿و خداوند را چنانکه سزاوار بزرگی اوست ارج ننهاده‌اند﴾ به بزرگی نشناختند آنگاه که غیر وی را شریک او قرار دادند ﴿در حالی که روز قیامت زمین [هفتگانه] یکجا در قبضهٔ [قدرت و تصرّف] اوست، و آسمانها در دست ﴿قدرت﴾ او در هم نوردیده شوند، او پاک و منزّه است و از آنچه [با او] شرک می‌آورند برتر است﴾[۶۷][۱]

قواعد آیه ۶۳ـ این آیه با آیه ۶۱ ارتباط دارد و آیه ۶۲ در میان آن و آیه ۶۳ معترضه است.

آیه ۶۴ـ غیر مفعول أعْبُد که به تقدیر أنْ أعْبُدَ مفعول تامرونّي می‌باشد تامرونی به نون واحد و به دو نون ادغام شده و بدون ادغام.

۱ـ عبدالله (رضی الله عنه) می‌گوید: عالمی از علمای یهود نزد پیغمبر (ﷺ) آمد پس گفت: ای محمّد ما [در تورات] می‌یابیم که خداوند آسمانها را بر انگشتی و هفت زمین را بر انگشتی و درختها را بر انگشتی و آب و خاک را بر انگشتی و سایر مخلوقات را بر انگشتی می‌گرداند، پس می‌گوید: منم پادشاه، پس پیغمبر (ﷺ) خندید تا اینکه دندانهایش ظاهر شد، قول آن عالم را تصدیق نمود، سپس رسول الله (ﷺ) این آیه را خواند «و ما قَدَرُوا اللهَ حَقَّ قَدْرِه و الأرْضُ جمیعاً قَبْضَتُهُ یومَ القیامةِ» آیه ۶۷. شیخان و ترمذی روایتش کرده‌اند.

وَنُفِخَ فِي ٱلصُّورِ فَصَعِقَ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَن فِي ٱلۡأَرۡضِ
إِلَّا مَن شَآءَ ٱللَّهُۖ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخۡرَىٰ فَإِذَا هُمۡ قِيَامٞ يَنظُرُونَ
٦٨ وَأَشۡرَقَتِ ٱلۡأَرۡضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ ٱلۡكِتَٰبُ وَجِاْيٓءَ
بِٱلنَّبِيِّـۧنَ وَٱلشُّهَدَآءِ وَقُضِيَ بَيۡنَهُم بِٱلۡحَقِّ وَهُمۡ لَا يُظۡلَمُونَ
٦٩ وَوُفِّيَتۡ كُلُّ نَفۡسٖ مَّا عَمِلَتۡ وَهُوَ أَعۡلَمُ بِمَا يَفۡعَلُونَ ٧٠
وَسِيقَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ إِلَىٰ جَهَنَّمَ زُمَرًاۖ حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءُوهَا
فُتِحَتۡ أَبۡوَٰبُهَا وَقَالَ لَهُمۡ خَزَنَتُهَآ أَلَمۡ يَأۡتِكُمۡ رُسُلٞ مِّنكُمۡ
يَتۡلُونَ عَلَيۡكُمۡ ءَايَٰتِ رَبِّكُمۡ وَيُنذِرُونَكُمۡ لِقَآءَ يَوۡمِكُمۡ
هَٰذَاۚ قَالُواْ بَلَىٰ وَلَٰكِنۡ حَقَّتۡ كَلِمَةُ ٱلۡعَذَابِ عَلَى ٱلۡكَٰفِرِينَ
٧١ قِيلَ ٱدۡخُلُوٓاْ أَبۡوَٰبَ جَهَنَّمَ خَٰلِدِينَ فِيهَاۖ فَبِئۡسَ مَثۡوَى
ٱلۡمُتَكَبِّرِينَ ٧٢ وَسِيقَ ٱلَّذِينَ ٱتَّقَوۡاْ رَبَّهُمۡ إِلَى
ٱلۡجَنَّةِ زُمَرًاۖ حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءُوهَا وَفُتِحَتۡ أَبۡوَٰبُهَا وَقَالَ لَهُمۡ
خَزَنَتُهَا سَلَٰمٌ عَلَيۡكُمۡ طِبۡتُمۡ فَٱدۡخُلُوهَا خَٰلِدِينَ ٧٣
وَقَالُواْ ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ ٱلَّذِي صَدَقَنَا وَعۡدَهُۥ وَأَوۡرَثَنَا ٱلۡأَرۡضَ
نَتَبَوَّأُ مِنَ ٱلۡجَنَّةِ حَيۡثُ نَشَآءُۖ فَنِعۡمَ أَجۡرُ ٱلۡعَٰمِلِينَ ٧٤

٤٦٦

﴿و در «صور» دمیده می‌شود [نفخهٔ اول] آنگاه آسمانیان و زمینیان [همگی] می‌میرند جز کسی که خدا خواسته است﴾ از حوریان و غلامان و غیر آنها ﴿سپس دوباره در آن دمیده شود به ناگاه آنان [تمام مردگان] ایستادگانی خواهند بود که می‌نگرند﴾ منتظرند چه کاری به آنان می‌شود(۶۸) ﴿و زمین به نور پروردگارش روشن گردد﴾ هنگامی که خداوند برای فصل قضاء تجلّی می‌کند ﴿و نامهٔ اعمال [برای حساب] نهاده شود، و پیامبران و گواهان آورده می‌شوند﴾ یعنی پیغمبر(ﷺ) و امّتش برای پیامبران گواهی می‌دهند که رسالت را تبلیغ کرده‌اند ﴿و در بین آنان به حقّ [به عدل] حکم می‌شود و آنان ستم نبینند﴾(۶۹) ﴿و به هر کسی [جزای] آنچه کرده است به تمام و کمال داده شود و او به آنچه می‌کنند داناست﴾ به گواه احتیاج ندارد(۷۰) ﴿و کافران گروه گروه [به تندی] به سوی دوزخ رانده می‌شوند تا چون به [کنار] آن آیند، درهایش گشوده می‌شود و نگهبانانش به آنان گویند: آیا رسولانی از خودتان به سوی شما نیامدند که آیات پروردگارتان را [قرآن و غیره] بر شما می‌خواندند و شما را از دیار امروزتان هشدار می‌دادند، گویند: آری ولی حکم عذاب﴾ یعنی «لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ الآیه» بر کافران محقق شده است﴾(۷۱) ﴿گفته شود: به درهای دوزخ ـ در حالی که در آنجا جاودانه خواهید بود ـ وارد شوید، پس چه بد است [جهنّم] جایگاه متکبّران﴾(۷۲) ﴿و کسانی که از پروردگارشان پروا داشته‌اند گروه گروه به سوی بهشت [به آرامی] سوق داده می‌شوند، تا هنگامی که به [کنار] آن رسند در حالی که درهایش گشوده شده است، و نگهبانانش به آنان گویند: سلام بر شما باد پاک بوده‌اید [و خوش باشید] جاودانه به آن درآیید﴾ خلود شما در آن مقدّر شده است و سوق آنها و گشودن درها پیش از آمدنشان، برای احترام آنان است، و سوق کفار و گشودن درهای جهنّم هنگام آمدنشان است تا حرارتش به سوی آنان بماند، برای خوار نمودن آنهاست(۷۳) ﴿و [بهشتیان] گویند: ستایش خداوندی راست که وعده‌اش را [به بهشت] در حق ما محقّق ساخت و سرزمین [بهشت] را به ما میراث داد، از بهشت هر جا که می‌خواهیم، مأوی می‌گیریم پس چه نیک است [بهشت] پاداش نیکوکاران﴾(۷۴)[۱]

قواعد آیه ۷۳ـ جواب «إذا جاؤها» مقدر است یعنی وارد بهشت شدند.
آیه ۷۴ـ «قالوا» عطف است بر «دخلوا»ی مقدّر.

۱ـ خداوند می‌فرماید: «و نُفِخَ فی الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فی السموات و مَنْ فی الأرضِ إلاّ مَنْ شاءَ اللهُ ثمّ نُفِخَ فیه أُخری فَإذاهُم قیامٌ یَنْظُرون» تفسیرش در متن ترجمه است از ابی هریرة(رضی الله عنه) روایت است پیغمبر(ﷺ) فرمود: مدّت زمان بین دو نفخه چهل می‌باشد، گفتند: ای ابا هریره چهل روز؟ گفت نمیدانم، گفت: چهل سال؟ گفت نمیدانم، گفت چهل ماه؟ گفت نمیدانم، هر چیزی از انسان از بین می‌روه جز عجب ذَنبش [و آن جزء آخر از پشت انسان است اندازه یک خردل در بین أَلیتین] از آن دوباره جسم ترکیب می‌شود. شیخان روایتش کرده‌اند.

وَتَرَى ٱلْمَلَٰٓئِكَةَ حَآفِّينَ مِنْ حَوْلِ ٱلْعَرْشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ
رَبِّهِمْ ۖ وَقُضِىَ بَيْنَهُم بِٱلْحَقِّ وَقِيلَ ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿۷۵﴾

سُورَةُ غَافِرٍ

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

حمٓ ﴿۱﴾ تَنزِيلُ ٱلْكِتَٰبِ مِنَ ٱللَّهِ ٱلْعَزِيزِ ٱلْعَلِيمِ ﴿۲﴾ غَافِرِ
ٱلذَّنۢبِ وَقَابِلِ ٱلتَّوْبِ شَدِيدِ ٱلْعِقَابِ ذِى ٱلطَّوْلِ ۖ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ۖ
إِلَيْهِ ٱلْمَصِيرُ ﴿۳﴾ مَا يُجَٰدِلُ فِىٓ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ إِلَّا ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟
فَلَا يَغْرُرْكَ تَقَلُّبُهُمْ فِى ٱلْبِلَٰدِ ﴿۴﴾ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ
نُوحٍ وَٱلْأَحْزَابُ مِنۢ بَعْدِهِمْ ۖ وَهَمَّتْ كُلُّ أُمَّةٍۭ بِرَسُولِهِمْ
لِيَأْخُذُوهُ ۖ وَجَٰدَلُوا۟ بِٱلْبَٰطِلِ لِيُدْحِضُوا۟ بِهِ ٱلْحَقَّ فَأَخَذْتُهُمْ ۖ
فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ ﴿۵﴾ وَكَذَٰلِكَ حَقَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ عَلَى
ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓا۟ أَنَّهُمْ أَصْحَٰبُ ٱلنَّارِ ﴿۶﴾ ٱلَّذِينَ يَحْمِلُونَ ٱلْعَرْشَ
وَمَنْ حَوْلَهُۥ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِۦ وَيَسْتَغْفِرُونَ
لِلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَىْءٍ رَّحْمَةً وَعِلْمًا
فَٱغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا۟ وَٱتَّبَعُوا۟ سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ ٱلْجَحِيمِ ﴿۷﴾

۴۶۷

﴿و فرشتگان بینی که پیرامون عرش حلقه زده‌اند [از هر طرف] همراه با ستایش پروردگارشان تسبیح می‌گویند﴾ می‌گویند: «سبحان الله وبِحَمْدِهِ» ﴿و در بین آنان﴾ بین تمام خلایق ﴿به حق [به عدل] حکم می‌شود﴾ پس مؤمنان وارد بهشت و کافران وارد دوزخ می‌شوند ﴿و گفته شود: ستایش خدای راست پروردگار جهانیان﴾ قرارگاه هر دو گروه را با ستایش از طرف فرشتگان ختم نموده است.[۲۵]

سورة غافر مکّی است جز دو آیه ۵۶ و ۵۷ که مدنی می‌باشد و آیه‌هایش ۸۵ است

بِسْمِ اللهِ الرَّحمنِ الرَّحِيمِ

﴿حٰم﴾ خداوند مرادش را به آن می‌داند[۱] ﴿فرو فرستادن این قرآن از جانب خداوندی است که غالب است﴾ در ملکش ﴿داناست به خلقش﴾[۲] ﴿آمرزندهٔ گناه است﴾ برای مؤمنان ﴿پذیرندهٔ توبه است﴾ برای آنان ﴿سخت کیفر است﴾ برای کافران ﴿صاحب توانگری است﴾ و او علی‌الدوام به این صفات موصوف است ﴿خدائی جز او نیست، بازگشت به سوی اوست﴾[۳] ﴿مجادله نمی‌کنند در آیات خدا [در قرآن] جز آنهائی که کفر ورزیدند [از اهل مکه] پس گشت و گذارشان﴾ برای تهیّهٔ زندگی با امنیّت و سلامتی ﴿تو را نفریبد﴾ که سرانجامشان آتش است.[۴] ﴿پیش از اینان قوم نوح و بعد از آنها گروههای دیگری [مانند عاد و ثمود و دیگران] تکذیب را پیشه کردند و هر امّتی قصد پیامبرشان را کردند تا او را بگیرند [بکشند] و به باطل جدال کردند تا حقّ را با آن ابطال کنند پس آنان را [به عذاب] گرفتیم پس بنگر که کیفر من چگونه بوده﴾ برای آنها یعنی جای خود دارد.[۵] ﴿و بدینسان فرمان پروردگارت [لا ملأنّ جهنّمَ الأیه] بر کافران ثابت شد که آنان اهل دوزخ‌اند﴾[۶] ﴿کسانی که عرش را حمل می‌کنند و آنان که پیرامون آن هستند با ستایش پروردگارشان﴾ یعنی می‌گویند: سبحان الله وبحمده. ﴿تسبیح می‌گویند و به او ایمان دارند﴾ با بصیرت یگانگی او را تصدیق می‌کنند ﴿و برای مؤمنان آمرزش می‌خواهند [می‌گویند:] پروردگارا بخشایش و دانش تو همه‌چیز را فراگرفته است پس آنان را که [از شرک] توبه کرده‌اند و از راه تو [دین اسلام] پیروی کرده‌اند بیامرز و آنان را از عذاب دوزخ [آتش] حفظ کن﴾[۷]

قواعد آیه ۳ـ التوب: مصدر است. شُدَّدَة ـ اضافه این صفات برای تعریف است مانند ذی‌الطوال.

آیه ۶ـ اصحاب‌النار: بدل کَلِمَة می‌باشد.

آیه ۷ـ الذین مبتدا و من حوله عطف بر آن است.

رَبَّنَا وَأَدْخِلْهُمْ جَنَّٰتِ عَدْنٍ ٱلَّتِي وَعَدتَّهُمْ وَمَن صَلَحَ
مِنْ ءَابَآئِهِمْ وَأَزْوَٰجِهِمْ وَذُرِّيَّٰتِهِمْ ۚ إِنَّكَ أَنتَ ٱلْعَزِيزُ
ٱلْحَكِيمُ ﴿٨﴾ وَقِهِمُ ٱلسَّيِّـَٔاتِ ۚ وَمَن تَقِ ٱلسَّيِّـَٔاتِ
يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتَهُۥ ۚ وَذَٰلِكَ هُوَ ٱلْفَوْزُ ٱلْعَظِيمُ ﴿٩﴾ إِنَّ
ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ يُنَادَوْنَ لَمَقْتُ ٱللَّهِ أَكْبَرُ مِن مَّقْتِكُمْ
أَنفُسَكُمْ إِذْ تُدْعَوْنَ إِلَى ٱلْإِيمَٰنِ فَتَكْفُرُونَ ﴿١٠﴾
قَالُوا۟ رَبَّنَآ أَمَتَّنَا ٱثْنَتَيْنِ وَأَحْيَيْتَنَا ٱثْنَتَيْنِ فَٱعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا
فَهَلْ إِلَىٰ خُرُوجٍ مِّن سَبِيلٍ ﴿١١﴾ ذَٰلِكُم بِأَنَّهُۥٓ إِذَا دُعِيَ
ٱللَّهُ وَحْدَهُۥ كَفَرْتُمْ ۖ وَإِن يُشْرَكْ بِهِۦ تُؤْمِنُوا۟ ۚ فَٱلْحُكْمُ لِلَّهِ
ٱلْعَلِيِّ ٱلْكَبِيرِ ﴿١٢﴾ هُوَ ٱلَّذِي يُرِيكُمْ ءَايَٰتِهِۦ وَيُنَزِّلُ
لَكُم مِّنَ ٱلسَّمَآءِ رِزْقًا ۚ وَمَا يَتَذَكَّرُ إِلَّا مَن يُنِيبُ ﴿١٣﴾
فَٱدْعُوا۟ ٱللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ ٱلدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ ٱلْكَٰفِرُونَ ﴿١٤﴾
رَفِيعُ ٱلدَّرَجَٰتِ ذُو ٱلْعَرْشِ يُلْقِي ٱلرُّوحَ مِنْ أَمْرِهِۦ عَلَىٰ مَن
يَشَآءُ مِنْ عِبَادِهِۦ لِيُنذِرَ يَوْمَ ٱلتَّلَاقِ ﴿١٥﴾ يَوْمَ هُم بَٰرِزُونَ ۖ لَا يَخْفَىٰ
عَلَى ٱللَّهِ مِنْهُمْ شَىْءٌ ۚ لِّمَنِ ٱلْمُلْكُ ٱلْيَوْمَ ۖ لِلَّهِ ٱلْوَٰحِدِ ٱلْقَهَّارِ ﴿١٦﴾

٤٦٨

﴿پروردگارا و آنان را به باغهای جاودانه‌ای در آوری که به آنان وعده داده‌ای و [نیز به همان بهشت درآور] هرکس از پدران و همسران و فرزندانشان را که درستکارند، بی‌گمان تویی که پیروزمند فرزانه‌ای﴾ در صنعت خود[۸] ﴿و آنان را از کیفرها حفظ کن و هرکس راکه در آن روز [قیامت] حفظ کنی در حقیقت به او رحمت آورده‌ای و این است کامیابی بزرگ﴾[۹] ﴿بی‌گمان کافران را ندا در دهند﴾: از طرف فرشتگان در حالی که هنگام واردشدنشان در آتش، به شدّت از خود نگرانند: ﴿حقّا که خشم خداوند [در حق شما] از خشم شما با خودتان بیشتر است چرا که به ایمان فرا خوانده می‌شدید [در دنیا] آنگاه کفر می‌ورزیدید﴾[۱۰] ﴿گویند: پروردگار را ما را دو بار میراندی و ما را دو بار زنده گردانیدی﴾ زیرا آنان نطفه‌های مرده بودند پس زنده گردانیده شدند سپس مرده گردانیده شدند سپس برای روز قیامت زنده گردانیده شدند ﴿[اینک] به گناهانمان اعتراف کرده‌ایم﴾ به کفرانمان به روز بعث ﴿پس آیا به سوی برآمدن﴾ از دوزخ و برگشتن به دنیا تا اطاعت پروردگارمان کنیم ﴿راهی هست؟﴾ پاسخشان خیر[۱۱] ﴿این﴾ عذابی که شما در آن هستید ﴿از آن است﴾ که در دنیا ﴿چون وقتی خداوند به تنهائی یاد می‌شد، [توحیدش را] انکار می‌کردید و اگر به او شرک آورده می‌شد﴾ شریکی برایش قرار می‌دادند ﴿ایمان آوردید﴾ شریک قراردادن را تصدیق می‌کردید ﴿پس [اینک] داوری [در عذابتان] با خداوند بلندمرتبه و بزرگ است﴾[۱۲] ﴿اوست که نشانه‌هایش را [دلایل یگانگی‌اش را] به شما می‌نمایاند و از آسمان برایتان روزی می‌فرستد﴾ به وسیلهٔ باران ﴿و جز کسی که رو [به سوی خدا] می‌آورد [از شرک برمی‌گردد] پند نمی‌پذیرد﴾[۱۳] ﴿پس خدا را در حالی بخوانید که دین را برای او [از شرک] خالص ساخته‌اید اگرچه کافران ناخوش دارند﴾ اخلاص شما را به او[۱۴] ﴿فرابرندهٔ مرتبه‌هاست﴾ یعنی صفاتش بزرگ است یا درجات مؤمنان را در بهشت بلند می‌دارد - و ﴿صاحب عرش [اوست] خالقش می‌باشد که وحی را از قول خویش بر هرکس از بندگانش که بخواهد می‌افکند [تا مردم را] از روز قیامت بیم دهد﴾ تا در آن اهل آسمان و زمین و عابد و معبود و ظالم و مظلوم ملاقات کنند و به هم برسند.[۱۵] ﴿روزی که آنها آشکار شوند﴾ از قبور خویش بیرون می‌آیند ﴿چیزی از آنان بر خداوند پوشیده نمی‌ماند [خداوند میگوید:] امروز فرمانروائی از آنِ چه کسی است؟﴾ در پاسخ می‌فرماید: ﴿از آنِ خداوند یگانهٔ قهّار است﴾ برای خلقش[۱۶]

قواعد آیه ۸ـ وَ مَن صلح: عطف است بر «هم» در أدْخلهُم یا در وعدتهم.

آیه ۱۵ـ التلاق با یاء و بدون یاء.

ٱلۡيَوۡمَ تُجۡزَىٰ كُلُّ نَفۡسِۭ بِمَا كَسَبَتۡۚ لَا ظُلۡمَ ٱلۡيَوۡمَۚ إِنَّ
ٱللَّهَ سَرِيعُ ٱلۡحِسَابِ ١٧ وَأَنذِرۡهُمۡ يَوۡمَ ٱلۡأٓزِفَةِ إِذِ ٱلۡقُلُوبُ
لَدَى ٱلۡحَنَاجِرِ كَٰظِمِينَۚ مَا لِلظَّٰلِمِينَ مِنۡ حَمِيمٖ وَلَا شَفِيعٖ
يُطَاعُ ١٨ يَعۡلَمُ خَآئِنَةَ ٱلۡأَعۡيُنِ وَمَا تُخۡفِي ٱلصُّدُورُ ١٩
وَٱللَّهُ يَقۡضِي بِٱلۡحَقِّۖ وَٱلَّذِينَ يَدۡعُونَ مِن دُونِهِۦ لَا يَقۡضُونَ
بِشَيۡءٍۗ إِنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡبَصِيرُ ٢٠ ۞ أَوَلَمۡ يَسِيرُواْ فِي
ٱلۡأَرۡضِ فَيَنظُرُواْ كَيۡفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلَّذِينَ كَانُواْ مِن قَبۡلِهِمۡۚ
كَانُواْ هُمۡ أَشَدَّ مِنۡهُمۡ قُوَّةٗ وَءَاثَارٗا فِي ٱلۡأَرۡضِ فَأَخَذَهُمُ ٱللَّهُ
بِذُنُوبِهِمۡ وَمَا كَانَ لَهُم مِّنَ ٱللَّهِ مِن وَاقٖ ٢١ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ
كَانَت تَّأۡتِيهِمۡ رُسُلُهُم بِٱلۡبَيِّنَٰتِ فَكَفَرُواْ فَأَخَذَهُمُ ٱللَّهُۚ إِنَّهُۥ
قَوِيّٞ شَدِيدُ ٱلۡعِقَابِ ٢٢ وَلَقَدۡ أَرۡسَلۡنَا مُوسَىٰ بِـَٔايَٰتِنَا
وَسُلۡطَٰنٖ مُّبِينٍ ٢٣ إِلَىٰ فِرۡعَوۡنَ وَهَٰمَٰنَ وَقَٰرُونَ
فَقَالُواْ سَٰحِرٞ كَذَّابٞ ٢٤ فَلَمَّا جَآءَهُم بِٱلۡحَقِّ مِنۡ
عِندِنَا قَالُواْ ٱقۡتُلُوٓاْ أَبۡنَآءَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مَعَهُۥ وَٱسۡتَحۡيُواْ
نِسَآءَهُمۡۚ وَمَا كَيۡدُ ٱلۡكَٰفِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَٰلٖ ٢٥

«امروز هر کسی به [پاس] آنچه کرده است پاداش می‌یابد، امروز ستمی [در میان] نیست بی‌گمان خداوند زودشمار است» تمام خلق را در اندازهٔ نیم روز از روزهای دنیا محاسبه می‌کند به دلیل حدیثی که در این مورد می‌باشد(۱۷) «و آنان را از روز قیامت بترسان آنگاه که دلها [برکنده شده] ـ سرشار از غم ـ به حلقومها رسد، ستمکاران نه دوستی و نه شفیعی که سخنش را بپذیرند، نخواهند داشت»(۱۸) خداوند «خیانت چشمان» دزدانه به سوی نامحرم نگاه‌کردن «و آنچه را که در دلها نهفته می‌دارند، می‌داند»(۱۹) «و خداوند به حقّ حکم می‌کند و کسانی [که اهل مکّه] هستند و به جای او [بتان را] می‌پرستند، که به چیزی حکم نمی‌کنند» پس چگونه شریک او می‌شوند؟ «بی‌گمان خداوند شنواست» به گفتارشان «بیناست» به کردارشان(۲۰) «آیا در زمین به سیر [و گردش] نپرداخته‌اند تا بنگرند که سرانجام پیشینیانشان چگونه بود؟ آنان از اینان توانمندتر و در زمین پُرنشانتر بودند» «از نظر کارگاهها و قلعه‌ها که خداوند به [سزای] گناهانشان آنان را گرفتار و [نابود] ساخت و آنان در برابر خداوند پناه‌دهنده‌ای [از عذاب] نداشتند»(۲۱) «این» کیفر «از آن روی بود که رسولانشان با نشانه‌ها [معجزات آشکار] به [نزد] آنان می‌آمدند، آنگاه آنان کفر ورزیدند، در نتیجه خداوند آنان را گرفتار ساخت، بی‌گمان او توانمند سخت کیفر است»(۲۲) «و به راستی موسی را با نشانه‌های خویش و حجّتی آشکار [برهانی روشن و ظاهر] فرستادیم»(۲۳) «به [سوی] فرعون و هامان و قارون، پس گفتند [او] جادوی دروغگو است»(۲۴) «پس چون با پیام حق [راست] از سوی ما به نزد آنان آمد، گفتند: پسران آنان را که با او ایمان آورده‌اند، بکشید و دخترانشان زنده [باقی] گذارید. و نیرنگ کافران جز در تباهی [نابودی] نیست»(۲۵)

قواعد آیه ۱۸ـ کاظمین: حال است برای قلوب به اعتبار صاحبان قلوب با یاء و نون جمع شده است.

آیه ۱۸ـ وصف‌نمودن شفیع به «یطاع» مفهوم مخالف ندارد، چون آنها اصلاً شفیع ندارند.

آیه ۱۸ـ یا مفهوم دارد بنابه زعم‌شان که شفیعانی دارند، یعنی اگر به فرض شفاعت کنند پذیرفته نمی‌شود.

وَقَالَ فِرۡعَوۡنُ ذَرُونِيٓ أَقۡتُلۡ مُوسَىٰ وَلۡيَدۡعُ رَبَّهُۥٓۖ إِنِّيٓ أَخَافُ
أَن يُبَدِّلَ دِينَكُمۡ أَوۡ أَن يُظۡهِرَ فِي ٱلۡأَرۡضِ ٱلۡفَسَادَ ﴿٢٦﴾
وَقَالَ مُوسَىٰٓ إِنِّي عُذۡتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُم مِّن كُلِّ مُتَكَبِّرٖ
لَّا يُؤۡمِنُ بِيَوۡمِ ٱلۡحِسَابِ ﴿٢٧﴾ وَقَالَ رَجُلٞ مُّؤۡمِنٞ مِّنۡ ءَالِ
فِرۡعَوۡنَ يَكۡتُمُ إِيمَٰنَهُۥٓ أَتَقۡتُلُونَ رَجُلًا أَن يَقُولَ رَبِّيَ
ٱللَّهُ وَقَدۡ جَآءَكُم بِٱلۡبَيِّنَٰتِ مِن رَّبِّكُمۡۖ وَإِن يَكُ كَٰذِبٗا
فَعَلَيۡهِ كَذِبُهُۥۖ وَإِن يَكُ صَادِقٗا يُصِبۡكُم بَعۡضُ ٱلَّذِي
يَعِدُكُمۡۖ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَهۡدِي مَنۡ هُوَ مُسۡرِفٞ كَذَّابٞ ﴿٢٨﴾ يَٰقَوۡمِ
لَكُمُ ٱلۡمُلۡكُ ٱلۡيَوۡمَ ظَٰهِرِينَ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَمَن يَنصُرُنَا مِنۢ
بَأۡسِ ٱللَّهِ إِن جَآءَنَاۚ قَالَ فِرۡعَوۡنُ مَآ أُرِيكُمۡ إِلَّا مَآ أَرَىٰ وَمَآ
أَهۡدِيكُمۡ إِلَّا سَبِيلَ ٱلرَّشَادِ ﴿٢٩﴾ وَقَالَ ٱلَّذِيٓ ءَامَنَ يَٰقَوۡمِ إِنِّيٓ
أَخَافُ عَلَيۡكُم مِّثۡلَ يَوۡمِ ٱلۡأَحۡزَابِ ﴿٣٠﴾ مِثۡلَ دَأۡبِ قَوۡمِ نُوحٖ
وَعَادٖ وَثَمُودَ وَٱلَّذِينَ مِنۢ بَعۡدِهِمۡۚ وَمَا ٱللَّهُ يُرِيدُ ظُلۡمٗا لِّلۡعِبَادِ ﴿٣١﴾
وَيَٰقَوۡمِ إِنِّيٓ أَخَافُ عَلَيۡكُمۡ يَوۡمَ ٱلتَّنَادِ ﴿٣٢﴾ يَوۡمَ تُوَلُّونَ مُدۡبِرِينَ
مَا لَكُم مِّنَ ٱللَّهِ مِنۡ عَاصِمٖۗ وَمَن يُضۡلِلِ ٱللَّهُ فَمَا لَهُۥ مِنۡ هَادٖ ﴿٣٣﴾

٤٧٠

﴿و فرعون گفت: مرا بگذارید تا موسی را بکشم﴾ چون آنها او را از کُشتنش کفایت نمی‌نمودند ﴿و باید که پروردگارش را [به فریاد] بخواند﴾ تا او را از کشتن بدست من برهاند ﴿بی‌گمان من می‌ترسم که دینتان را دگرگون کند﴾ از عبادت شما نسبت به من و پیرو او شوید ﴿یا در زمین فساد در میان آورد﴾ از قتل و جز آن.[۲۶] ﴿و موسی گفت:﴾ به قومش در حالی که آن سخن را شنیده بود ﴿به راستی من از [دست] هر متکبّری که به روز حساب ایمان نمی‌آورد به پروردگار خود و پروردگار شما پناه آورده‌ام﴾[۲۷] ﴿و شخص مؤمن از خویشاوندان فرعون﴾. قولی میگوید: عموزاده‌اش بوده ﴿ـ که ایمانش را پنهان می‌کرد ـ گفت: آیا مردی را [برای آن] می‌کشید که می‌گوید «خداوند» پروردگار من است؟ بی‌گمان از سوی پروردگارتان برای شما نشانه‌ها [معجزات روشن آورده است و اگر دروغگو باشد زیان دروغش بر [عهدهٔ] اوست و اگر راستگو باشد به یقین پاره‌ای از آنچه وعده می‌دهد به شما می‌رسد [از عذاب دنیا] بی‌گمان خداوند کسی را که مسرف [مشرک] افتراکننده باشد، هدایت نمی‌کند﴾[۲۸] ﴿ای قوم من امروز با چیرگی در سرزمین [مصر و فرمانروائی در اختیار] دارید، پس چه کسی ما را از عذاب خداوند ـ اگر دامنگیرتان شود ـ یاری می‌دهد؟ [اگر دوستانش را بکُشید یاری‌دهنده‌ای نداریم] فرعون گفت: جز آنچه در می‌یابم، به شما نمی‌نمایانم﴾ چون فرعون نصیحت و خرداندیش راستین آن مرد مؤمن را شنید، حیله و نیرنگی دیگر در پیش افکند گفت: جز آنچه را که برای خود مصلحت بدانم به شما مشورت نمی‌دهم آنچه مصلحت ماست کشتن موسی است ﴿و شما را جز به ارشاد [راه راست] راهبر نیستم﴾[۲۹] ﴿و کسی که ایمان آورده بود، گفت: ای قوم من، من بر شما از روزی مانند روز احزاب [گروههای پیشین] بیمناکم﴾ گروهی پس از گروهی.[۳۰] ﴿مانند [وضع و] حال قوم نوح و عاد و ثمود و کسانی که پس از آنان بودند﴾ یعنی مانند کیفر کسانی پیش از شما که به کفر و انکار عادت داشتند، به عذاب در این دنیا گرفتار می‌شوید ﴿و خداوند در حق بندگان ستم نمی‌خواهد﴾[۳۱] ﴿و ای قوم من، من بر شما از روزی بیمناکم که [مردم] همدیگر را به فریاد خوانند﴾ یعنی روز قیامت که در آن فریاد اصحاب بهشت به اصحاب دوزخ و بالعکس فریاد به سعادت برای اهل آن و فریاد به شقاوت برای اهل آن و جز اینها فراوان است[۳۲] ﴿روزی که پشت‌کنان روی بگردانید﴾ از موقف حساب به سوی آتش ﴿شما در برابر [عذاب] خدا هیچ عاصمی [نگاهدارنده‌ای] ندارید و هرکس را که خداوند بیراه گذارد، دیگر او هیچ هدایتگری ندارد﴾[۳۳]

قواعد آیه ۲۶ـ در قرائتی یظهر الفساد فعل و فاعل می‌باشد.

آیه ۳۱ـ مِثْل بدل است از مِثْل در آیه ۳۰.

وَلَقَدْ جَاءَكُمْ يُوسُفُ مِن قَبْلُ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا زِلْتُمْ فِي شَكٍّ
مِّمَّا جَاءَكُم بِهِ حَتَّىٰ إِذَا هَلَكَ قُلْتُمْ لَن يَبْعَثَ اللَّهُ
مِن بَعْدِهِ رَسُولًا كَذَٰلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ
مُّرْتَابٌ ﴿٣٤﴾ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ
أَتَاهُمْ كَبُرَ مَقْتًا عِندَ اللَّهِ وَعِندَ الَّذِينَ آمَنُوا كَذَٰلِكَ
يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ قَلْبِ مُتَكَبِّرٍ جَبَّارٍ ﴿٣٥﴾ وَقَالَ فِرْعَوْنُ
يَا هَامَانُ ابْنِ لِي صَرْحًا لَّعَلِّي أَبْلُغُ الْأَسْبَابَ ﴿٣٦﴾ أَسْبَابَ
السَّمَاوَاتِ فَأَطَّلِعَ إِلَىٰ إِلَٰهِ مُوسَىٰ وَإِنِّي لَأَظُنُّهُ كَاذِبًا
وَكَذَٰلِكَ زُيِّنَ لِفِرْعَوْنَ سُوءُ عَمَلِهِ وَصُدَّ عَنِ السَّبِيلِ
وَمَا كَيْدُ فِرْعَوْنَ إِلَّا فِي تَبَابٍ ﴿٣٧﴾ وَقَالَ الَّذِي
آمَنَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُونِ أَهْدِكُمْ سَبِيلَ الرَّشَادِ ﴿٣٨﴾
يَا قَوْمِ إِنَّمَا هَٰذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ
دَارُ الْقَرَارِ ﴿٣٩﴾ مَنْ عَمِلَ سَيِّئَةً فَلَا يُجْزَىٰ إِلَّا مِثْلَهَا
وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّن ذَكَرٍ أَوْ أُنثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ
فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿٤٠﴾

٤٧١

«و به راستی یوسف پیش از [موسی] با نشانه‌ها [معجزات روشن] نزد شما آمد» و او در قولی یوسف بن یعقوب است تا زمان موسی عمر کرده است، یا یوسف پسر ابراهیم پسر یوسف پسر یعقوب است به قولی دیگر.

به قولی یوسف ۱۲۰ سال عمر کرده و تا بعثت موسی ۴۰۰ سال بوده «پس همواره از آنچه آن را برایتان آورده بود، در شکّ بودید تا چون مرد گفتید [بدون برهان] خداوند پس از او [هیچ] رسولی را نمی‌فرستد» یعنی همیشه به یوسف و غیر او کافرند «بدینسان» یعنی مانند گمراهی شما «خداوند کسی را که مشرک شکّ‌آورنده است» در آنچه برهان بدان گواهی می‌دهد «بی‌راه می‌گذارد»[۳۴] «کسانی که بی‌هیچ حجّتی که [از سوی خداوند] برایشان آمده باشد مجادله می‌کنند [این مجادلهٔ آنان] در نزد خداوند و نزد مؤمنان بس ناپسند است بدینسان» مانند گمراهی آنها «خداوند بر هر دل متکبّر سرکشی مُهر می‌نهد» و هرگاه دل متکبّر باشد صاحبش متکبر است و بالعکس.[۳۵]

«و فرعون گفت: ای هامان برجی [بلند] برای من بساز باشد که به آن اسباب [به آن راهها] برسم»[۳۶] «راههای دستیابی به آسمانها» که بدانها رسد «تا به معبود موسی نظر افکنم و به راستی من او را [موسی را] دروغگو می‌پندارم» در این که خدائی جز من داشته باشد. فرعون این را گفت تا سرپوشی بر عقیده‌اش به خداوند باشد «و بدینسان برای فرعون بدیِ کردارش آراسته شد و از راه [راست] باز داشته شد، و نیرنگ فرعون جز در تباهی [و زیان] نبود»[۳۷] «و کسی که ایمان آورده بود، گفت: ای قوم من، از من پیروی کنید، تا شما را به راه راستی رهنمون کنم»[۳۸] «ای قوم من، جز این نیست که این زندگانی دنیا بهره‌ای [اندک و زائل] است، و آخرت همان سرای پایدار [و جاودانه] است»[۳۹] «هرکس کار بدی انجام دهد، جز به مانند آن جزا نمی‌بیند و هرکس از مرد یا زن ـ در حالی که مؤمن است ـ کاری شایسته انجام دهد، آنان به بهشت درآیند در آنجا روزی بی‌شمار [بدون رنج] می‌یابند»[۴۰]

قواعد آیه ۳۵ـ الذین مبتدا، کَبُرَ ـ خبر است ـ قلب: با تنوین و بدون تنوین و «کلّ» به هر دو قرائت برای عموم گمراهی در تمام قلب است نه برای عموم قلبها.
آیه ۴۰ـ یدخلون به ضمّ یاء و فتح خاء و بالعکس.

وَيَٰقَوْمِ مَا لِيٓ أَدْعُوكُمْ إِلَى ٱلنَّجَوٰةِ وَتَدْعُونَنِيٓ إِلَى
ٱلنَّارِ ﴿٤١﴾ تَدْعُونَنِي لِأَكْفُرَ بِٱللَّهِ وَأُشْرِكَ بِهِۦ مَا لَيْسَ
لِي بِهِۦ عِلْمٌ وَأَنَا۠ أَدْعُوكُمْ إِلَى ٱلْعَزِيزِ ٱلْغَفَّٰرِ ﴿٤٢﴾ لَا جَرَمَ
أَنَّمَا تَدْعُونَنِيٓ إِلَيْهِ لَيْسَ لَهُۥ دَعْوَةٌ فِي ٱلدُّنْيَا وَلَا فِي ٱلْءَاخِرَةِ
وَأَنَّ مَرَدَّنَآ إِلَى ٱللَّهِ وَأَنَّ ٱلْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَٰبُ ٱلنَّارِ
﴿٤٣﴾ فَسَتَذْكُرُونَ مَآ أَقُولُ لَكُمْ وَأُفَوِّضُ أَمْرِيٓ إِلَى
ٱللَّهِ إِنَّ ٱللَّهَ بَصِيرٌۢ بِٱلْعِبَادِ ﴿٤٤﴾ فَوَقَىٰهُ ٱللَّهُ سَيِّـَٔاتِ
مَا مَكَرُوا۟ وَحَاقَ بِـَٔالِ فِرْعَوْنَ سُوٓءُ ٱلْعَذَابِ ﴿٤٥﴾ ٱلنَّارُ
يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا وَيَوْمَ تَقُومُ ٱلسَّاعَةُ أَدْخِلُوٓا۟
ءَالَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ ٱلْعَذَابِ ﴿٤٦﴾ وَإِذْ يَتَحَآجُّونَ فِي
ٱلنَّارِ فَيَقُولُ ٱلضُّعَفَٰٓؤُا۟ لِلَّذِينَ ٱسْتَكْبَرُوٓا۟ إِنَّا كُنَّا
لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنتُم مُّغْنُونَ عَنَّا نَصِيبًا مِّنَ ٱلنَّارِ
﴿٤٧﴾ قَالَ ٱلَّذِينَ ٱسْتَكْبَرُوٓا۟ إِنَّا كُلٌّ فِيهَآ إِنَّ ٱللَّهَ
قَدْ حَكَمَ بَيْنَ ٱلْعِبَادِ ﴿٤٨﴾ وَقَالَ ٱلَّذِينَ فِي ٱلنَّارِ لِخَزَنَةِ
جَهَنَّمَ ٱدْعُوا۟ رَبَّكُمْ يُخَفِّفْ عَنَّا يَوْمًا مِّنَ ٱلْعَذَابِ ﴿٤٩﴾

﴿و ای قوم من، مرا چه شده است که شما را به نجات می‌خوانم و [شما] مرا به سوی آتش فرا می‌خوانید﴾(٤١) ﴿مرا فرا می‌خوانید که به خداوند کافر شوم و چیزی را که من به [حقیقت] آن علم ندارم شریکش مقرر کنم، حال آن که من شما را به سوی خداوند پیروزمند [غالب بر امرش] آمرزگار [به کسی که توبه کند] فرا می‌خوانم﴾(٤٢) ﴿بی‌گمان چیزی که شما، مرا به سوی آن فرا می‌خوانید﴾ تا عبادتش کنم ﴿آن نه در دنیا و نه در آخرت [اختیار پذیرش] دعائی ندارد و به یقین بازگشت ما به سوی خداست و کافرانند که دوزخی‌اند﴾(٤٣) ﴿پس آنچه را که به شما می‌گویم یاد خواهید کرد [هرگاه عذاب را مشاهده کنید] و کار و بارم را به خدا می‌سپارم بی‌گمان خدا به [حال] بندگان بیناست﴾ این را برای آن گفت که او را به سبب مخالفت با دینشان وعدهٔ قتلش داده بودند(٤٤) ﴿پس خداوند او را از سختی نیرنگشان [قتلش] حفظ کرد و عذاب سخت فرعونیان را [قومش با او] فرو گرفت﴾(٤٥) سپس ﴿آتش [دوزخ آنان را فروگرفت] که به هنگام صبح و شام بر آن عرضه می‌شوند [در آن می‌سوزند] و روزی که قیامت برپا شود [به امر خدا فرشتگان می‌گویند] فرعونیان را به سخت‌ترین عذاب [عذاب جهنّم] در آورید﴾(٤٦) ﴿و﴾ یاد آور چون کافران در آتش [دوزخ] با همدیگر احتجاج می‌ورزند، ناتوانان به سرکشان گویند بی‌گمان ما پیرو شما بودیم، پس آیا شما بخششی از [کیفر] آتش دوزخ را از [سر] ما دفع توانید کرد؟(٤٧) ﴿کبرورزان گویند، بی‌گمان همهٔ ما در آن خواهیم بود، به راستی که خداوند در میان بندگان داوری کرده است﴾ پس مؤمنان را به بهشت و کافران را به دوزخ داخل کرده است(٤٨) ﴿و دوزخیان به نگهبانان جهنّم گویند: از پروردگارتان بخواهید تا به [اندازهٔ] روزی، از روزها عذاب را در حق ما بکاهد﴾(٤٩)[1]

۱- بزار و ابو نعیم در باب فضائل صحابه از علی ابن طالب (علیه‌السلام) روایت کرده‌اند که او فرمود: «ای مردم مرا آگاه کنید چه کسی شجیع‌ترین مردم است؟ گفتند خودت، فرمود امّا من با کسی مبارز نبوده‌ام مگر کینه را از او کشیده‌ام ولیکن از شجیع‌ترین مردم به من خبر دهید چه کسی است؟ گفتند نمیدانم. پس کیست؟ گفت ابوبکر است. پیغمبر خدا را (ﷺ) دیدم و قریش او را گرفته بودند یکی تمام بدنش را می‌زد و یکی رو به گردنش می‌انداخت، در حالی که می‌گفتند: تو آن کسی که خدایان را یک خدا قرار می‌دهید، گفت: سوگند به خدا یکی از ما نزدیک نشد جز ابوبکر این را می‌زد و آن را می‌انداخت، در حالی که می‌گفت: ویل برای شما آیا مردی را می‌کشید که می‌گوید پروردگار من الله است؟ سپس عبائی را که بر دوش ایشان بود، برداشت پس گریه کرد تا ریشش تَر شد، سپس علی گفت سوگندتان می‌دهم: آیا مؤمن آل فرعون بهتر است یا ابوبکر؟ پس قوم ساکت شدند، گفت: چرا جواب نمی‌دهید؟ سوگند به خدا یک ساعت از ابوبکر بهتر است از مانند مؤمن آل فرعون او مردی است ایمانش را پنهان می‌دارد پس خداوند در کتابش او را ثنا و ستایش می‌کند، و این مردی است ایمانش را آشکار می‌نماید و مال و جانش را می‌بخشد.»

قَالُوٓاْ أَوَلَمۡ تَكُ تَأۡتِيكُمۡ رُسُلُكُم بِٱلۡبَيِّنَٰتِۖ قَالُواْ
بَلَىٰۚ قَالُواْ فَٱدۡعُواْۗ وَمَا دُعَٰٓؤُاْ ٱلۡكَٰفِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَٰلٍ
٥٠ إِنَّا لَنَنصُرُ رُسُلَنَا وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا
وَيَوۡمَ يَقُومُ ٱلۡأَشۡهَٰدُ ٥١ يَوۡمَ لَا يَنفَعُ ٱلظَّٰلِمِينَ مَعۡذِرَتُهُمۡۖ
وَلَهُمُ ٱللَّعۡنَةُ وَلَهُمۡ سُوٓءُ ٱلدَّارِ ٥٢ وَلَقَدۡ ءَاتَيۡنَا مُوسَى
ٱلۡهُدَىٰ وَأَوۡرَثۡنَا بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ ٱلۡكِتَٰبَ ٥٣ هُدٗى
وَذِكۡرَىٰ لِأُوْلِي ٱلۡأَلۡبَٰبِ ٥٤ فَٱصۡبِرۡ إِنَّ وَعۡدَ ٱللَّهِ
حَقّٞ وَٱسۡتَغۡفِرۡ لِذَنۢبِكَ وَسَبِّحۡ بِحَمۡدِ رَبِّكَ بِٱلۡعَشِيِّ
وَٱلۡإِبۡكَٰرِ ٥٥ إِنَّ ٱلَّذِينَ يُجَٰدِلُونَ فِيٓ ءَايَٰتِ
ٱللَّهِ بِغَيۡرِ سُلۡطَٰنٍ أَتَىٰهُمۡ إِن فِي صُدُورِهِمۡ إِلَّا كِبۡرٞ
مَّا هُم بِبَٰلِغِيهِۚ فَٱسۡتَعِذۡ بِٱللَّهِۖ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلسَّمِيعُ
ٱلۡبَصِيرُ ٥٦ لَخَلۡقُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ أَكۡبَرُ مِنۡ
خَلۡقِ ٱلنَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَعۡلَمُونَ ٥٧
وَمَا يَسۡتَوِي ٱلۡأَعۡمَىٰ وَٱلۡبَصِيرُ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ
ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَلَا ٱلۡمُسِيٓءُۚ قَلِيلٗا مَّا تَتَذَكَّرُونَ ٥٨

٤٧٣

﴿نگهبانان [با ریشخند] گویند: آیا رسولانتان با بیّنات [معجزات روشن] به نزد شما نمی‌آمدند؟ گویند: چرا﴾ یعنی به آنها کافر شدیم [باز نگهبانان] گویند: پس [خودتان] دعا کنید ما برای کافران شفاعت نمی‌کنیم ـ خداوند فرمود: ﴿و دعای کافران جز در تباهی نیست﴾ نابودی(۵۰) ﴿به یقین ما رسولانمان و کسانی را که ایمان آورده‌اند، در زندگی دنیا و روزی که گواهان [برای گواهی‌دادن] برخیزند، یاری می‌دهیم﴾ اشهاد جمع شاهد است و آنان فرشتگانند برای پیامبران گواهی تبلیغ رسالت می‌دهند، و بر کافران گواهی تکذیب رسالت می‌دهند(۵۱) ﴿روزی که به ستمکاران عذرخواهی‌شان [اگر عذر بیاورند] سودی نبخشد و آنان لعنت [یعنی دور از رحمت] و کیفر آن سرای [آخرت] را دارند﴾ یعنی شدّت عذابش(۵۲) ﴿و ما به موسی هدایت را [تورات و معجزات را] دادیم و به بنی اسرائیل﴾ پس از موسی ﴿کتاب [تورات] را به ارث دادیم﴾(۵۳) ﴿برای هدایت و پنددادنِ خردمندان﴾(۵۴) ﴿پس شکیبا باش [ای محمّد]، بی‌گمان وعدهٔ خداوند [به یاری دوستانش] حقّ است﴾ و تو و پیروانت از ایشانند ﴿و برای گناهت آمرزش بخواه﴾ تا به روش تو اقتدا شود ﴿و شامگاهان [بعد از زوال] و بامدادان با ستایش پروردگارت تسبیح گوی﴾ نماز پنجگانه را بخوان(۵۵) ﴿آنان که ـ بی‌هیچ حجّتی که برایشان [از سوی خداوند] آمده باشد ـ در آیات خدا [در قرآن] جدل می‌ورزند، در سینهٔ آنان جز کبری﴾ و طمع آن که بر تو غالب آیند ﴿که آنها به آن نخواهند رسید، وجود ندارد. پس [از شرّشان] به خداوند پناه ببر، براستی هم اوست که شنواست﴾ گفتارشان را ﴿بیناست﴾ به احوالشان(۵۶) و درباره آنها که بعث را انکار می‌کنند نازل شد: ﴿بی‌گمان آفریدن آسمانها و زمین [در ابتدا] بزرگ‌تر از آفرینش مردم است﴾ دربار دوم و آن است اعاده ﴿اما بیشتر مردم [کفار مکّه] نمی‌دانند﴾ پس او مانند نابیناست و آن که می‌داند مانند بیناست(۵۷) ﴿و نابینا و بینا یکسان نیستند و [نه] کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند﴾ و او مُحسن است ﴿با [مردم] بدکار [برابراند] اندک شماری پند می‌پذیرند﴾ یعنی پندپذیری‌شان جداً کم است(۵۸)

إِنَّ ٱلسَّاعَةَ لَآتِيَةٌ لَّا رَيْبَ فِيهَا وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ ٱلنَّاسِ
لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٥٩﴾ وَقَالَ رَبُّكُمُ ٱدْعُونِىٓ أَسْتَجِبْ لَكُمْ
إِنَّ ٱلَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِى سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ
دَاخِرِينَ ﴿٦٠﴾ ٱللَّهُ ٱلَّذِى جَعَلَ لَكُمُ ٱلَّيْلَ لِتَسْكُنُوا۟
فِيهِ وَٱلنَّهَارَ مُبْصِرًا ۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى ٱلنَّاسِ
وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ ﴿٦١﴾ ذَٰلِكُمُ
ٱللَّهُ رَبُّكُمْ خَٰلِقُ كُلِّ شَىْءٍ لَّآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ۖ فَأَنَّىٰ تُؤْفَكُونَ
﴿٦٢﴾ كَذَٰلِكَ يُؤْفَكُ ٱلَّذِينَ كَانُوا۟ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ يَجْحَدُونَ
﴿٦٣﴾ ٱللَّهُ ٱلَّذِى جَعَلَ لَكُمُ ٱلْأَرْضَ قَرَارًا وَٱلسَّمَآءَ
بِنَآءً وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوَرَكُمْ وَرَزَقَكُم مِّنَ
ٱلطَّيِّبَٰتِ ۚ ذَٰلِكُمُ ٱللَّهُ رَبُّكُمْ ۖ فَتَبَارَكَ ٱللَّهُ رَبُّ
ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿٦٤﴾ هُوَ ٱلْحَىُّ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ فَٱدْعُوهُ
مُخْلِصِينَ لَهُ ٱلدِّينَ ۗ ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿٦٥﴾ ۞ قُلْ
إِنِّى نُهِيتُ أَنْ أَعْبُدَ ٱلَّذِينَ تَدْعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ لَمَّا جَآءَنِىَ
ٱلْبَيِّنَٰتُ مِن رَّبِّى وَأُمِرْتُ أَنْ أُسْلِمَ لِرَبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿٦٦﴾

٤٧٤

﴿بی‌گمان قیامت آمدنی است در آن شکّی نیست و اما بیشتر مردم، ایمان نمی‌آورند﴾ به آن.(۵۹) ﴿و پروردگارتان گفت: مرا به دعا بخوانید تا برایتان اجابت کنم﴾ یعنی ما را عبادت کنید پاداشتان می‌دهم - به قرینهٔ جملهٔ بعد - ﴿آنان که از عبادت من کبر می‌ورزند، با خواری به جهنّم در می‌آیند﴾(۶۰) ﴿خداوند کسی است که شب را برایتان آفرید تا در آن آرام گیرید و روز را روشنی‌بخش گرداند، به یقین خداوند بر مردم فضل نعمت دارد، ولی بیشتر مردم سپاس نمی‌گذارند﴾(۶۱) ﴿این است خداوند، پروردگارتان آفرینندهٔ همه‌چیز، معبود [راستینی] جز او نیست پس [از حقّ] به کجا برگردانده می‌شوید﴾ چگونه از ایمان برمی‌گردید با وجود براهین آن(۶۲) ﴿بدینسان﴾ یعنی مانند برگرداندهشدن اینان است برگردانده شدن. ﴿کسانی که آیات خدا را انکار می‌کردند﴾ معجزاتش انکار می‌کنند(۶۳) ﴿خداوند است که برایتان زمین را قرارگاهی و آسمان را سقفی ساخت و شما را نقش بست و نقشهایتان را نیکو گرداند. و از پاکیزه‌ها به شما روزی داد، این است خداوند، پروردگارتان پس بس خجسته است پروردگار جهانیان﴾(۶۴) ﴿اوست زنده هیچ معبود [راستینی] جز او نیست، پس او را - با پرستشی خالص [از شرک] برای او - پرستش کنید، سپاس خدای را پروردگار جهانیان﴾(۶۵) ﴿بگو من منع شده‌ام از آن که - وقتی نشانه‌های روشنگر [دلائل توحید] از سوی پروردگارم آمده است - کسانی را بپرستم که شما [از بتان] می‌پرستید، و فرمان یافته‌ام که برای پروردگار جهانیان فرمانبردار شوم﴾(۶۶)۱

قواعد آیه ۶۱- نسبت‌دادن ابصار به نهار مجازی است چون نهار زمان دیدن است نه بخشنده دیدن.

۱- ﴿النّارُ یُعرضون عَلَیها غُدُوّاً و عَشیّاً، و یومَ تَقومُ السّاعةُ أدخِلوا آلَ فرعون أشدَّ العذاب﴾ یعنی از هنگام مردن تا روز قیامت صبح و شام آتش دوزخ بر ارواحشان عرضه داشته می‌شود که این جای شماست و در فاصله صبح و شام آرامند، و این حال تا روز قیامت دوام دارد و در روز قیامت به نگهبانان جهنّم گفته می‌شود: آل فرعون را وارد دوزخ نمائید.

بعضی دانشمندان دینی گفته‌اند: در این آیه دلیلی است بر عذاب قبر، و آنچه بخاری و مسلم از پیغمبر خدا(ﷺ) روایت کرده‌اند آن را تأیید می‌کند فرموده است «قطعاً یکی از شما هرگاه بمیرد جایش را صبح و شام بر او عرضه می‌دارند اگر اهل بهشت باشد جایش در بهشت است و اگر اهل جهنّم باشد جایش در جهنّم است و هنگامی که خداوند بزرگ در روز قیامت ترا به سوی خود زنده می‌دارد، گفته می‌شود این جای تو است، سپس این آیه را خواند «النّارُ یُعرضُونَ علیها غدواً و عَشیّاً».

هُوَ ٱلَّذِى خَلَقَكُم مِّن تُرَابٍ ثُمَّ مِن نُّطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ
يُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوٓا۟ أَشُدَّكُمْ ثُمَّ لِتَكُونُوا۟
شُيُوخًا ۚ وَمِنكُم مَّن يُتَوَفَّىٰ مِن قَبْلُ ۖ وَلِتَبْلُغُوٓا۟ أَجَلًا مُّسَمًّى
وَلَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿٦٧﴾ هُوَ ٱلَّذِى يُحْىِۦ وَيُمِيتُ ۖ فَإِذَا
قَضَىٰٓ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُۥ كُن فَيَكُونُ ﴿٦٨﴾ أَلَمْ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ
يُجَٰدِلُونَ فِىٓ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ أَنَّىٰ يُصْرَفُونَ ﴿٦٩﴾ ٱلَّذِينَ كَذَّبُوا۟
بِٱلْكِتَٰبِ وَبِمَآ أَرْسَلْنَا بِهِۦ رُسُلَنَا ۖ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ
﴿٧٠﴾ إِذِ ٱلْأَغْلَٰلُ فِىٓ أَعْنَٰقِهِمْ وَٱلسَّلَٰسِلُ يُسْحَبُونَ ﴿٧١﴾
فِى ٱلْحَمِيمِ ثُمَّ فِى ٱلنَّارِ يُسْجَرُونَ ﴿٧٢﴾ ثُمَّ قِيلَ لَهُمْ أَيْنَ
مَا كُنتُمْ تُشْرِكُونَ ﴿٧٣﴾ مِن دُونِ ٱللَّهِ ۖ قَالُوا۟ ضَلُّوا۟ عَنَّا بَل لَّمْ
نَكُن نَّدْعُوا۟ مِن قَبْلُ شَيْـًٔا ۚ كَذَٰلِكَ يُضِلُّ ٱللَّهُ ٱلْكَٰفِرِينَ ﴿٧٤﴾
ذَٰلِكُم بِمَا كُنتُمْ تَفْرَحُونَ فِى ٱلْأَرْضِ بِغَيْرِ ٱلْحَقِّ وَبِمَا كُنتُمْ
تَمْرَحُونَ ﴿٧٥﴾ ٱدْخُلُوٓا۟ أَبْوَٰبَ جَهَنَّمَ خَٰلِدِينَ فِيهَا ۖ فَبِئْسَ
مَثْوَى ٱلْمُتَكَبِّرِينَ ﴿٧٦﴾ فَٱصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ ٱللَّهِ حَقٌّ ۚ فَإِمَّا
نُرِيَنَّكَ بَعْضَ ٱلَّذِى نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفَّيَنَّكَ فَإِلَيْنَا يُرْجَعُونَ ﴿٧٧﴾

﴿اوست کسی که شما [یعنی پدر اولتان آدم(علیه‌السلام)] را﴾ از خاک، سپس از منی سپس از خون بسته آفرید، آنگاه شما را کودکانی [کامل شده از شکم مادر] بیرون می‌آورد، باز شما را باقی می‌گذارد تا به کمال رشد خود برسید [کمال قوّت از سی سال تا چهل سال است سپس شما را باقی می‌گذارد] تا پیر شوید، و از شما کسی است که پیش از این [پیش از تکامل و پیری] جانش گرفته می‌شود﴾ این کار را به شما می‌کند تا زندگی کنید، ﴿و تا به مدّت معیّن برسید و باشد که خرد ورزید﴾ تعقّل کنید دلایل توحید را پس ایمان آورید[۶۷] ﴿اوست کسی که زنده می‌دارد و می‌میراند پس چون خواهد چیزی را بوجود آورد، به او می‌گوید: موجود شو، پس [بی‌درنگ] موجود می‌شود﴾[۶۸] ﴿آیا ننگریسته‌ای به آنان که در آیات خدا [در قرآن] جدال می‌کنند، چگونه برگردانیده می‌شوند﴾ از ایمان.[۶۹]

﴿آنان که کتاب آسمانی [قرآن] را و آنچه را که رسولانمان را به آن فرستادیم دروغ انگاشتند﴾ از توحید و زنده‌شدن و آنان کافران مکّه بودند پس [حقیقت کیفر تکذیبشان] خواهند دانست[۷۰] ﴿وقتی که طوقها و زنجیرها در گردنشان خواهد بود﴾ یا زنجیرها در پایشان یا به زنجیرها کشانده می‌شوند﴾[۷۱] ﴿در جهنّم آنگاه در آتش تافته می‌شوند﴾[۷۲] ﴿سپس [سرزنش‌گرانه] به آنان گفته می‌شود: آنچه را که در برابر خداوند شریک می‌آورید، کجاست﴾[۷۳] ﴿بتانی که با خدا شریک قرار می‌دادی، گویند: از [دید] ما ناپدید شدند، [آنها را نمی‌بینیم] بلکه هرگز پیش از این چیزی را [به نیایش] نمی‌خواندیم﴾ منکر پرستش بتان می‌شوند، سپس بتان حاضر شوند خداوند فرمود: شما و آنچه را جز خدا پرستش کردید هیزم و فروزینهٔ جهنم‌اند ﴿خداوند بدینسان﴾ یعنی مانند گمراه‌نمودن آن تکذیب‌کنندگان ﴿کافران را بیراه می‌گذارد﴾[۷۴] و همچنین به آنها گفته می‌شود: ﴿این [کیفر] از آن است که به ناحق﴾ به اشراک و انکار قیامت ﴿شادمان شدید و به آنکه [به خود] می‌نازید﴾ فراوان شادی می‌کنید[۷۵] ﴿از درهای دوزخ ـ در حالی که در آنجا جاودان خواهید بود ـ درآیید، و جایگاه متکبّران [در دوزخ] چه بد است﴾[۷۶] ﴿پس شکیبا باش بی‌گمان وعده خداوند [به عذاب] حق است، که اگر پاره‌ای از آنچه را که به آنان وعده می‌دهیم﴾ از عذاب در حال حیاتت ﴿به تو بنمایانیم [چه بهتر] یا اگر روحت را بستانیم [پیش از عذاب‌دادنشان] پس به سوی ما بازگردانده می‌شوند﴾ به سخت‌ترین کیفر آنها را عذاب می‌دهیم[۷۷]

قواعد آیه ۶۸ـ فیکونُ به ضمّ و فتح نون به تقدیر أنْ: یعنی پس از اراده به معنای قول مذکور، موجود می‌شود.

آیه ۷۱ـ و السلاسلُ: عطف است بر اغلال یا مبتداست خبرش فی ارجلهم محذوف است یا یسحبون خبر است.

آیه ۷۷ـ فإما: نون شرطیه در إمّا در میم ادغام شده و ما زائد است برای تاکید معانی شرط است در اول فعل و نون مشدّد برای تأکید در آخر فعل است فالینا یرجعون فقط جواب نَتَوَفَّیَنَّکَ است.

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِّن قَبْلِكَ مِنْهُم مَّن قَصَصْنَا عَلَيْكَ
وَمِنْهُم مَّن لَّمْ نَقْصُصْ عَلَيْكَ ۗ وَمَا كَانَ لِرَسُولٍ أَن يَأْتِيَ
بِآيَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ ۚ فَإِذَا جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ قُضِيَ بِالْحَقِّ وَخَسِرَ
هُنَالِكَ الْمُبْطِلُونَ ﴿٧٨﴾ اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَنْعَامَ
لِتَرْكَبُوا مِنْهَا وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ ﴿٧٩﴾ وَلَكُمْ فِيهَا
مَنَافِعُ وَلِتَبْلُغُوا عَلَيْهَا حَاجَةً فِي صُدُورِكُمْ وَعَلَيْهَا وَعَلَى
الْفُلْكِ تُحْمَلُونَ ﴿٨٠﴾ وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ فَأَيَّ آيَاتِ
اللَّهِ تُنكِرُونَ ﴿٨١﴾ أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنظُرُوا كَيْفَ
كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ ۚ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْهُمْ وَأَشَدَّ
قُوَّةً وَآثَارًا فِي الْأَرْضِ فَمَا أَغْنَىٰ عَنْهُم مَّا كَانُوا يَكْسِبُونَ
﴿٨٢﴾ فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَرِحُوا بِمَا عِندَهُم
مِّنَ الْعِلْمِ وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ﴿٨٣﴾ فَلَمَّا
رَأَوْا بَأْسَنَا قَالُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَحْدَهُ وَكَفَرْنَا بِمَا كُنَّا بِهِ
مُشْرِكِينَ ﴿٨٤﴾ فَلَمْ يَكُ يَنفَعُهُمْ إِيمَانُهُمْ لَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا ۖ سُنَّتَ
اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ فِي عِبَادِهِ ۖ وَخَسِرَ هُنَالِكَ الْكَافِرُونَ ﴿٨٥﴾

۴۷۶

﴿و به راستی پیش از تو [هم] رسولانی فرستادیم از [میان] آنان کسی هست که [داستانش را] بر تو خوانده‌ایم و از آنان کسی است که [داستانش را] بر تو نخوانده‌ایم﴾ روایت شده که خداوند تعالی هشت هزار پیامبر را روانه فرموده است، چهار هزار پیامبر از بنی اسرائیل و چهار هزار سایر مردم ﴿و هیچ رسولی را نمی‌رسد که معجزه‌ای در میان آورد، مگر به فرمان خداوند﴾ زیرا ایشان بندگان تربیت شده‌اند ﴿پس چون فرمان خدا [در میان] آید به نزول عذاب بر کافران به حق﴾ در بین آنان و تکذیب‌کنندگان ﴿حکم شود، و ژاژخایان آنجا زیان بینند﴾ یعنی داوری و زیان برای مردم آشکار می‌شود، در حالی که آنها زیانکارانند در هر وقت پیش از این داوری(۷۸) ﴿خدا کسی است که چهارپایان را برایتان آفرید﴾ قولی میگوید این فقط شتر است اینجا اما ظاهر آن است که گاو و گوسفند است ﴿تا بر [برخی] از آنها سوار شوید و [برخی] از آنها را می‌خورید﴾(۷۹) ﴿و شما در آنها منافعی دارید﴾ از شیر و کرک و بچه و پشم ﴿و تا [به حمل نمودن بارهائی سنگین به شهرها] بر آنها به هدفی که در دل دارید، برسید و بر آنها [در صحرا] و بر کشتی [در دریا] حمل می‌شوید﴾(۸۰) ﴿نشانه‌هایش را به شما می‌نمایاند، پس کدامیک از نشانه‌های خدا را [که دلیل وحدانیّت اوست] انکار می‌کنید﴾. استفهام برای توبیخ است.(۸۱)

﴿آیا در زمین سیر [و سیاحت] نکرده‌اند تا بنگرند سرانجام پیشینیانشان چگونه بود؟ آنان از اینان به توان و آثار [آفرینی] در زمین﴾ از صنعتها و قصرها ﴿بیشتر و افزونتر بودند، پس آنچه می‌کردند [عذاب الهی را] از [سرِ] آنان دفع نکرد﴾(۸۲) ﴿پس چون پیامبرانشان با معجزه‌های [روشن] به سوی آنان آمدند [کافران] به دانشی که نزدشان [نزد پیامبران] بود﴾ با شادی و استهزاء و خنده انکارش می‌کردند ﴿و آنچه که آن را [عذاب را] به ریشخند می‌گرفتند، آنان را فروگرفت﴾(۸۳) ﴿پس چون کیفر ما را دیدند [شدّت عذاب را] گفتند: تنها به خدا ایمان آوردیم و آنچه را که شریک می‌آوردیم، منکر شدیم﴾(۸۴) ﴿پس هرگز ایمانشان ـ هنگامی که کیفر ما را دیدند ـ به حالشان سودی نمی‌بخشید، از سنّت [و آئین] خدا که دربارهٔ بندگانش جاری است﴾ که ایمان هنگام نزول عذاب به آنان نفعی نمی‌رساند ﴿و آنجا کافران زیان بینند﴾ زیانشان برای هرکس آشکار می‌شود و آنان در هر وقت زیانکارانند پیش از آن در ازل.(۸۵)

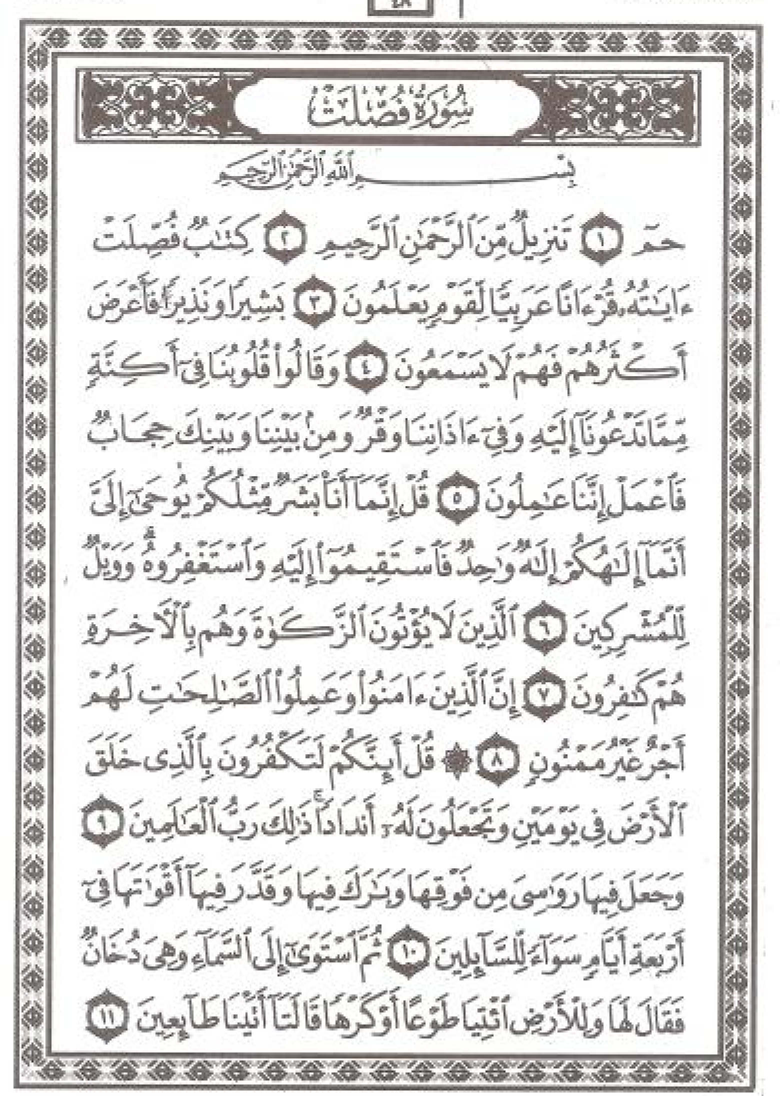
قواعد آیه ۸۱ـ فأيّ: به صورت مذکر مشهورتر است از آية بتانيث.

سوره السجده یا فُصّلتْ مکّی است آیه‌هایش ۵۴ است

بسم الله الرَّحمن الرَّحیم

﴿حمٓ﴾ خداوند به مراد خود اعلم است(1) ﴿[این] فرو فرستادنی از [سوی خداوند] بخشایندهٔ مهربان﴾(2) ﴿کتابی است در هیأت قرآنی عربی که آیاتش روشن گردیده شد﴾ احکام و داستانها و اندرزشهایش ﴿برای گروهی که می‌دانند﴾ آن را می‌فهمند و آنان عربند.(3) ﴿بگونه‌ای که مژده‌آور و بیم‌دهنده است پس بیشترشان روی گرداندند و آنان [حق را] نمی‌شنوند﴾ شنیدن قبول(4) ﴿و گفتند [به پیغمبر(ﷺ)] دلهای ما را از آنچه ما را به آن می‌خوانی در پرده‌هائی است و در گوشهایمان سنگینی است و میان ما و تو حجابی است [خلافی است در دین] پس [به دین خود] رفتارکن که ما [نیز به دین خود] کار می‌کنیم﴾(5) ﴿بگو: جز این نیست که من بشری مانند شما هستم به من وحی می‌شود که خدایتان معبود یگانه است. پس به راستی و درستی [با ایمان و طاعت] رویه سوی او نهید و از او آمرزش بخواهید، و وای [کلمهٔ عذاب است] به حال مشرکان﴾(6) ﴿کسانی که زکات نمی‌دهند و آنان به آخرت ناباورند﴾(7) ﴿آنان که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند، پاداشی پایان‌ناپذیر دارند﴾(8) ﴿بگو: آیا شما به کسی که زمین را در دو روز [یکشنبه و دوشنبه] آفریده است کفر می‌ورزید و برایش همتائی قائل می‌شوید؟ این است پروردگار جهانیان﴾ آنچه غیر خداست جهان یا عالم نام دارد(9) ﴿و در زمین کوههای استوار از بالای آن آفرید و در آن برکت نهاد﴾ به بسیاری آبها وکاشته‌ها و وسائل شیر و لبنیات و در آن اقوات را [برای مردم و حیوانات] مقدّر کرد، در چهار روز. یعنی قراردادن کوهها و آنچه با آن مذکور شد در روزهای سه‌شنبه و چهارشنبه آفرید که خلق زمین و آنچه در آن است در چهار روز بوده است نه زیاد نه کم [این ۴ روز] برای سؤال‌کنندگان [از خلق زمین و آنچه در آن است] به بیان واضح ارائه شد﴾(10) ﴿آنگاه به آسمان پرداخت و آن دود [بخاری مرتفع] بود سپس به آن و زمین فرمود: خواسته یا ناخواسته﴾ برای مرادم به شما ﴿پیش آیید﴾ و به فرمان من گردن نهید ﴿گفتند: [با آنچه در میان ماست] به دلخواه آمده‌ایم﴾(11)

قواعد آیه ۲ و ۳ـ تنزیل مبتدا و کتابٌ خبر است ـ قراناً عربیّاً: هر دو صفت و موصوف حال کتابٌ می‌باشند.
آیه ۱۰ـ و جعل: جمله مستأنفه است صحیح نیست عطف شود به صلهٔ الّذی زیرا فاصله به اجنبی واقع است.
آیه ۱۱ـ طائعین: تغلیب مذکر عاقل است، یا چون مخاطب قرار گرفته‌اند به منزله مذکر عاقل‌اند.



سورة فصلت

بسم الله الرحمن الرحيم

حم ﴿١﴾ تنزيل من الرحمن الرحيم ﴿٢﴾ كتب فصلت
ءايته قرءانا عربيا لقوم يعلمون ﴿٣﴾ بشيرا ونذيرا فأعرض
أكثرهم فهم لا يسمعون ﴿٤﴾ وقالوا قلوبنا في أكنة
مما تدعونا إليه وفي ءاذاننا وقر ومن بيننا وبينك حجاب
فاعمل إننا عملون ﴿٥﴾ قل إنما أنا بشر مثلكم يوحى إلي
أنما إلهكم إله وحد فاستقيموا إليه واستغفروه وويل
للمشركين ﴿٦﴾ الذين لا يؤتون الزكوة وهم بالءاخرة
هم كفرون ﴿٧﴾ إن الذين ءامنوا وعملوا الصلحت لهم
أجر غير ممنون ﴿٨﴾ ۞ قل أئنكم لتكفرون بالذي خلق
الأرض في يومين وتجعلون له أندادا ذلك رب العلمين ﴿٩﴾
وجعل فيها روسي من فوقها وبرك فيها وقدر فيها أقوتها في
أربعة أيام سواء للسائلين ﴿١٠﴾ ثم استوى إلى السماء وهي دخان
فقال لها وللأرض ائتيا طوعا أو كرها قالتا أتينا طائعين ﴿١١﴾

٤٧٧

فَقَضَىٰهُنَّ سَبْعَ سَمَٰوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَأَوْحَىٰ فِي كُلِّ سَمَآءٍ أَمْرَهَا
وَزَيَّنَّا ٱلسَّمَآءَ ٱلدُّنْيَا بِمَصَٰبِيحَ وَحِفْظًا ذَٰلِكَ تَقْدِيرُ ٱلْعَزِيزِ
ٱلْعَلِيمِ ﴿١٢﴾ فَإِنْ أَعْرَضُوا۟ فَقُلْ أَنذَرْتُكُمْ صَٰعِقَةً مِّثْلَ صَٰعِقَةِ
عَادٍ وَثَمُودَ ﴿١٣﴾ إِذْ جَآءَتْهُمُ ٱلرُّسُلُ مِنۢ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ
خَلْفِهِمْ أَلَّا تَعْبُدُوٓا۟ إِلَّا ٱللَّهَ قَالُوا۟ لَوْ شَآءَ رَبُّنَا لَأَنزَلَ مَلَٰٓئِكَةً
فَإِنَّا بِمَآ أُرْسِلْتُم بِهِۦ كَٰفِرُونَ ﴿١٤﴾ فَأَمَّا عَادٌ فَٱسْتَكْبَرُوا۟ فِي
ٱلْأَرْضِ بِغَيْرِ ٱلْحَقِّ وَقَالُوا۟ مَنْ أَشَدُّ مِنَّا قُوَّةً أَوَلَمْ يَرَوْا۟ أَنَّ ٱللَّهَ
ٱلَّذِي خَلَقَهُمْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَكَانُوا۟ بِـَٔايَٰتِنَا يَجْحَدُونَ
﴿١٥﴾ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِيٓ أَيَّامٍ نَّحِسَاتٍ لِّنُذِيقَهُمْ
عَذَابَ ٱلْخِزْيِ فِي ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا وَلَعَذَابُ ٱلْءَاخِرَةِ أَخْزَىٰ وَهُمْ
لَا يُنصَرُونَ ﴿١٦﴾ وَأَمَّا ثَمُودُ فَهَدَيْنَٰهُمْ فَٱسْتَحَبُّوا۟ ٱلْعَمَىٰ عَلَى
ٱلْهُدَىٰ فَأَخَذَتْهُمْ صَٰعِقَةُ ٱلْعَذَابِ ٱلْهُونِ بِمَا كَانُوا۟ يَكْسِبُونَ
﴿١٧﴾ وَنَجَّيْنَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَكَانُوا۟ يَتَّقُونَ ﴿١٨﴾ وَيَوْمَ يُحْشَرُ
أَعْدَآءُ ٱللَّهِ إِلَى ٱلنَّارِ فَهُمْ يُوزَعُونَ ﴿١٩﴾ حَتَّىٰٓ إِذَا مَا جَآءُوهَا شَهِدَ
عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ وَأَبْصَٰرُهُمْ وَجُلُودُهُم بِمَا كَانُوا۟ يَعْمَلُونَ ﴿٢٠﴾

٤٧٨

«سپس در دو روز آنها را هفت آسمان ساخت» در روزهای پنجشنبه و جمعه در آخرین ساعت آن از آن فارغ شد و آدم را در روز جمعه آفرید و آنچه در اینجا ذکر شد موافق آیهٔ «خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالأَرضَ فِي سِتَّةِ أَيّامٍ» است «و در هر آسمانی تدبیرش را [آنچه امر فرموده به آنان از طاعت و عبادت] وحی فرمود و آسمان فرودین را با چراغهایی [به ستارگانی] آراستیم و» از دستبرد شیطانها از شنیدن، به وسیلهٔ شهابها «حفظ کردیم این است به اندازه آفرینی [خداوند] پیروزمند [در ملکش] دانا» به خلقش[۱۲] «پس اگر» بعد از این بیان روشن کافران مکّه از ایمان «روی برتافتند، بگو: شما را از [کیفر] صاعقه‌ای مانند صاعقه عاد و ثمود برحذر می‌دارم» از عذابی که شما را نابود کند مانند آن که آنها را نابود کرد[۱۳] «هنگامی که پیامبرانشان از پیش رو و از پشت سر، بر آنان آمدند» پیش‌رو مانند هود و صالح و پشت سر مانند نوح و ادریس و شیث و آدم. پس چنانچه می‌آید کافر شدند، و هلاکتی که پیغمبر(ﷺ) قریش را بدان بیم داده است فقط در زمان پیغمبر است نه بعد از او(ﷺ) - و پیامبران با این پیام آمدند «که جز خدا را نپرستید، گفتند: اگر پروردگارمان می‌خواست فرشتگانی [بر ما] می‌فرستاد، پس ما به آنچه [به زعم خود] رسالت یافته‌اید، باور نداریم»[۱۴] «امّا [قوم] عاد در زمین به ناحق کبر ورزیدند و» هنگامی به عذاب بیم داده شدند. «گفتند: چه کسی از ما توانمندتر است؟» یعنی کسی نیست، یکی از آنها صخرهٔ بزرگی را از کوه بر می‌کند و به هر جا می‌خواست قرارش می‌داد «آیا نیندیشیده‌اند خدائی که آنان را آفریده است همو توانمندتر از آنان است و آیات [معجزات] ما را انکار می‌کردند»[۱۵] «پس بر آنان باد صَرصَرَ [باد سرد با صدای تند بدون باران] فرستادیم در روزهای شوم [بر آنان] تا در زندگی دنیا عذاب رسوائی [و ذلّت را] به آنان بچشانیم و قطعاً عذاب آخرت رسواکننده‌تر است و آنان یاری داده نمی‌شوند» عذاب را از آنان دفع نمی‌کنند[۱۶] «و اما ثمود را پس از آنان، رهبری کردیم» راه هدایت را برایشان بیان کردیم «اما آنها نابینائی را [کفر را] بر هدایت ترجیح دادند پس صاعقه عذاب خفّت‌آور آنان را فرو گرفت به کیفر آنچه مرتکب می‌شدند»[۱۷] «و کسانی را که ایمان آورده بودند [از آنها] و پرهیزکاری می‌کردند نجات دادیم»[۱۸] «و» یاد آور، «آن روز که دشمنان خدا به سوی دوزخ گرد آورده می‌شوند، پس آنان به همدیگر فرا می‌رسند»[۱۹] «تا چون به آن [دوزخ] آیند گوش و چشمان و پوستهایشان به آنچه می‌کردند، به زبان آنان گواهی دهند»[۲۰]

قواعد آیه ۱۹- يُحْشَرُ: در قرائتی با یاء و نون مفتوحه و ضمّ شین و به فتح همزه آخر اعداءَ.

وَقَالُوا لِجُلُودِهِمْ لِمَ شَهِدتُّمْ عَلَيْنَا قَالُوا أَنطَقَنَا اللَّهُ الَّذِي
أَنطَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ خَلَقَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٢١﴾
وَمَا كُنتُمْ تَسْتَتِرُونَ أَن يَشْهَدَ عَلَيْكُمْ سَمْعُكُمْ وَلَا أَبْصَارُكُمْ
وَلَا جُلُودُكُمْ وَلَٰكِن ظَنَنتُمْ أَنَّ اللَّهَ لَا يَعْلَمُ كَثِيرًا مِّمَّا تَعْمَلُونَ
﴿٢٢﴾ وَذَٰلِكُمْ ظَنُّكُمُ الَّذِي ظَنَنتُم بِرَبِّكُمْ أَرْدَاكُمْ فَأَصْبَحْتُم
مِّنَ الْخَاسِرِينَ ﴿٢٣﴾ فَإِن يَصْبِرُوا فَالنَّارُ مَثْوًى لَّهُمْ وَإِن
يَسْتَعْتِبُوا فَمَا هُم مِّنَ الْمُعْتَبِينَ ﴿٢٤﴾ ۞ وَقَيَّضْنَا لَهُمْ
قُرَنَاءَ فَزَيَّنُوا لَهُم مَّا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَحَقَّ عَلَيْهِمُ
الْقَوْلُ فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِهِم مِّنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ إِنَّهُمْ
كَانُوا خَاسِرِينَ ﴿٢٥﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَٰذَا الْقُرْآنِ
وَالْغَوْا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَغْلِبُونَ ﴿٢٦﴾ فَلَنُذِيقَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا عَذَابًا
شَدِيدًا وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَسْوَأَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٢٧﴾ ذَٰلِكَ جَزَاءُ
أَعْدَاءِ اللَّهِ النَّارُ لَهُمْ فِيهَا دَارُ الْخُلْدِ جَزَاءً بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ
﴿٢٨﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا رَبَّنَا أَرِنَا الَّذَيْنِ أَضَلَّانَا مِنَ الْجِنِّ
وَالْإِنسِ نَجْعَلْهُمَا تَحْتَ أَقْدَامِنَا لِيَكُونَا مِنَ الْأَسْفَلِينَ ﴿٢٩﴾

۴۷۹

﴿و به پوستهای خود گویند: چرا به زیان ما گواهی دادید؟ [در پاسخ] گویند: خدائی که همه چیز را به سخن آورده است، [ارادهٔ نطقش کرده است] ما را گویا ساخت و او نخستین بار شما را آفرید و به سوی او باز گردانده می‌شوید﴾ قولی می‌گوید: این: [وَهُوَ خَلَقَكُمْ] از کلام پوستهاست، و قولی می‌گوید: از کلام خدای بزرگ است مانند آیه بعد از این [وَمَا كُنتُم...] و موقع این آیه به ماقبلش نزدیک‌تر است به اینکه کسی که بر ایجاد شما، در ابتدا و بر إعادهٔ شما پس از مرگ به حالت زنده قادر باشد، بر به سخن‌آوردن پوستها و اعضایتان نیز قادر است﴾[۲۱] ﴿و شما از اینکه مبادا گوشهایتان و چشمهایتان و پوستهایتان بر ضدّ شما گواهی دهند [از إرتکاب گناهان فاحش] پرده‌پوشی نمی‌کردید﴾ چون شما به بعث ایمان نداشتید ﴿لیکن گمان داشتید که خداوند بسیاری از آنچه را که [از گناهان] می‌کنید نمی‌داند﴾[۲۲] ﴿و همین گمانتان که به غلط دربارهٔ پروردگارتان بردید، شما را هلاک کرد و از زیانکاران شدید﴾[۲۳] ﴿پس اگر بردباری کنند [بر عذاب] آتش [دوزخ] جایگاهشان است، و اگر بخشایش طلبند، پس از بخشودگان نیستند﴾[۲۴] ﴿و برای آنان همنشینانی [از شیطانها] برگماشتیم، که آنچه پیش‌رویشان است﴾ از امر دنیا و پیروی شهوات ﴿و آنچه را پشت سر آنان است﴾ از امر آخرت به گفتشان که زنده‌شدن و حسابی نیست ﴿برایشان آراسته جلوه دادند، و بر آنان قول به عذاب [لأملأنّ جهنّم] ثابت شده در [زمرهٔ] امّتهائی از جنّ و انس که پیش از آنان بوده‌اند، بی‌گمان آنان زیانکار بودند﴾[۲۵]

﴿وکافران﴾ هنگامی پیغمبر(ﷺ) قرآن می‌خواند ﴿گفتند: به این قرآن گوش ندهید و در [اثنای آن] سخن بیهوده بگوئید﴾ به صدا به هم زدن و فریادنمودن و مانند آن، ﴿باشد که چیره شوید﴾ پس قرآن نخواند[۲۶] خداوند دربارهٔ آنها فرمود: ﴿پس به یقین کافران را [طعم تلخ] عذابی سخت می‌چشانیم و به آنان به [سزای] بدترین آنچه می‌کردند، جزا خواهیم داد﴾ یعنی زشت‌ترین عذاب را[۲۷] ﴿این﴾ عذاب سخت و زشت‌ترین جزا ﴿جزای دشمنان خدا که آتش است، آنان در آنجا سرای جاودان دارند، به [کیفر] آنکه آیات ما را [قرآن] انکار می‌کردند، [به آنان] سزا دادیم﴾[۲۸] ﴿وکافران [در میان آتش] گویند: پروردگارا آن دو تن از جنّ و انس﴾ ابلیس و قابیل که کفر و قتل را بنیان گذاشتند ﴿که ما را گمراه ساختند، به ما بنما، تا آن دو را زیر گامهایمان [در آتش] قرار دهیم تا از فروترماندگان شوند﴾ عذابشان از ما سخت‌تر باشد[۲۹]

قواعد آیه ۲۳ـ ذلکم: مبتداست و ظنّکم بدل است از آن وصله و موصول صفت‌اند و أرْدَاکم خبر است.

إِنَّ ٱلَّذِينَ قَالُواْ رَبُّنَا ٱللَّهُ ثُمَّ ٱسۡتَقَٰمُواْ تَتَنَزَّلُ عَلَيۡهِمُ
ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ أَلَّا تَخَافُواْ وَلَا تَحۡزَنُواْ وَأَبۡشِرُواْ بِٱلۡجَنَّةِ
ٱلَّتِي كُنتُمۡ تُوعَدُونَ ﴿٣٠﴾ نَحۡنُ أَوۡلِيَآؤُكُمۡ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ
ٱلدُّنۡيَا وَفِي ٱلۡأٓخِرَةِۖ وَلَكُمۡ فِيهَا مَا تَشۡتَهِيٓ أَنفُسُكُمۡ
وَلَكُمۡ فِيهَا مَا تَدَّعُونَ ﴿٣١﴾ نُزُلٗا مِّنۡ غَفُورٖ رَّحِيمٖ ﴿٣٢﴾
وَمَنۡ أَحۡسَنُ قَوۡلٗا مِّمَّن دَعَآ إِلَى ٱللَّهِ وَعَمِلَ صَٰلِحٗا وَقَالَ
إِنَّنِي مِنَ ٱلۡمُسۡلِمِينَ ﴿٣٣﴾ وَلَا تَسۡتَوِي ٱلۡحَسَنَةُ وَلَا ٱلسَّيِّئَةُۚ
ٱدۡفَعۡ بِٱلَّتِي هِيَ أَحۡسَنُ فَإِذَا ٱلَّذِي بَيۡنَكَ وَبَيۡنَهُۥ عَدَٰوَةٞ كَأَنَّهُۥ
وَلِيٌّ حَمِيمٞ ﴿٣٤﴾ وَمَا يُلَقَّىٰهَآ إِلَّا ٱلَّذِينَ صَبَرُواْ وَمَا يُلَقَّىٰهَآ
إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٖ ﴿٣٥﴾ وَإِمَّا يَنزَغَنَّكَ مِنَ ٱلشَّيۡطَٰنِ نَزۡغٞ
فَٱسۡتَعِذۡ بِٱللَّهِۖ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡعَلِيمُ ﴿٣٦﴾ وَمِنۡ ءَايَٰتِهِ
ٱلَّيۡلُ وَٱلنَّهَارُ وَٱلشَّمۡسُ وَٱلۡقَمَرُۚ لَا تَسۡجُدُواْ لِلشَّمۡسِ
وَلَا لِلۡقَمَرِ وَٱسۡجُدُواْۤ لِلَّهِۤ ٱلَّذِي خَلَقَهُنَّ إِن كُنتُمۡ
إِيَّاهُ تَعۡبُدُونَ ﴿٣٧﴾ فَإِنِ ٱسۡتَكۡبَرُواْ فَٱلَّذِينَ عِندَ
رَبِّكَ يُسَبِّحُونَ لَهُۥ بِٱلَّيۡلِ وَٱلنَّهَارِ وَهُمۡ لَا يَسۡـَٔمُونَ ۩ ﴿٣٨﴾

٤٨٠

﴿به راستی کسانی که گفتند: پروردگارمان خداست آنگاه استوار ماندند﴾ بر توحید و جز آن از چیزهائی که بر آنان واجب است ﴿فرشتگان [با این پیام] بر آنان فرو می‌آیند [در هنگام مرگ] که نترسید﴾ از مرگ و آنچه پس از آن است ﴿و اندوهگین نباشید﴾ بر آنچه پشت سرتان است از خانواده و فرزند پس مادر آنها به جای شما می‌باشیم ﴿و به بهشتی که وعده داده می‌شدید خوش باشید﴾(۳۰) ﴿ما در زندگی دنیا دوستانتان هستیم [شما را در آن حفظ می‌کنیم] و در آخرت [نیز]﴾ یعنی با شمائیم تا داخل بهشت می‌شوید ﴿و شما را در آنجا آنچه را که دلتان بخواهد دارید و هر آنچه درخواست کنید خواهید داشت﴾(۳۱) ﴿[به عنوان] پذیرائی [روزی آماده] از سوی آمرزگار مهربان﴾ و او خداوند است(۳۲) ﴿و چه کسی خوش سخن‌تر است﴾ یعنی کسی خوش‌سخن‌تر نیست ﴿از کسی که به [سوی] خدا [به توحید] دعوت کند و کار شایسته انجام دهد و گوید: به یقین من از مسلمانانم﴾(۳۳) ﴿و نیکی و بدی یکسان نیست﴾ در جزئیات آنها چون بعضی بر بعضی تفوق دارد ﴿به شیوه‌ای که نیکوتر است دفع کن﴾ مانند اینکه در برابر خشم، شکیبائی، جهل و نادانی، حلم و بردباری، خرابی و گناه گذشت، انجام دهید. ﴿پس ناگاه [می‌بینی] کسی که میان تو و او دشمنی کرده است، گوئی دوستی مهربان شده است﴾ پس دشمنت مانند دوست خویشاوند است در محبت هر گاه آن شیوه به کار بری(۳۴) ﴿و جز بردباران آن را﴾ آن شیوهٔ بهتر را ﴿نمی‌یابند، و جز دارندهٔ سهمی [ثوابی] بزرگ [از اخلاق] آن را نپذیرد﴾(۳۵) ﴿و اگر وسوسه‌ای از سوی شیطان تو را﴾ از آن شیوه و فرمانی که یافته‌ای ﴿باز گرداند به خدا پناه بر﴾ یعنی آن را از تو دفع می‌کند ﴿بی‌گمان اوست شنوای گفتار (دانا) به کردار﴾(۳۶).

﴿شب و روز و خورشید و ماه از نشانه‌های او هستند، برای خورشید و هم برای ماه سجده نکنید، و برای خدایی سجده برید که آنها را [نشانه‌های چهارگانه] آفریده است اگر تنها او را می‌پرستید﴾(۳۷) ﴿پس اگر [کافران] کبر ورزیدند﴾ از سجده برای خدای یگانه، چه باک ﴿آنان که نزد پروردگارت هستند [فرشتگان] در شب و روز او را به پاکی یاد می‌کنند﴾ نماز می‌خوانند ﴿و آنان خسته نمی‌شوند﴾(۳۸)

قواعد آیه ۳۴ـ الّذی: مبتداست کانّه: خبر است و «اذا» ظرف است برای معنای تشبیه.

وَمِنْ ءَايَٰتِهِۦٓ أَنَّكَ تَرَى ٱلْأَرْضَ خَٰشِعَةً فَإِذَآ أَنزَلْنَا عَلَيْهَا ٱلْمَآءَ
ٱهْتَزَّتْ وَرَبَتْ ۚ إِنَّ ٱلَّذِىٓ أَحْيَاهَا لَمُحْىِ ٱلْمَوْتَىٰٓ ۚ إِنَّهُۥ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ
قَدِيرٌ ﴿٣٩﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِىٓ ءَايَٰتِنَا لَا يَخْفَوْنَ عَلَيْنَآ ۗ أَفَمَن
يُلْقَىٰ فِى ٱلنَّارِ خَيْرٌ أَم مَّن يَأْتِىٓ ءَامِنًا يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ ۚ ٱعْمَلُوا۟ مَا شِئْتُمْ ۖ
إِنَّهُۥ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٤٠﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ بِٱلذِّكْرِ لَمَّا جَآءَهُمْ ۖ
وَإِنَّهُۥ لَكِتَٰبٌ عَزِيزٌ ﴿٤١﴾ لَّا يَأْتِيهِ ٱلْبَٰطِلُ مِنۢ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ
خَلْفِهِۦ ۖ تَنزِيلٌ مِّنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ ﴿٤٢﴾ مَّا يُقَالُ لَكَ إِلَّا مَا قَدْ قِيلَ
لِلرُّسُلِ مِن قَبْلِكَ ۚ إِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ وَذُو عِقَابٍ أَلِيمٍ ﴿٤٣﴾
وَلَوْ جَعَلْنَٰهُ قُرْءَانًا أَعْجَمِيًّا لَّقَالُوا۟ لَوْلَا فُصِّلَتْ ءَايَٰتُهُۥٓ ۖ ءَا۬عْجَمِىٌّ
وَعَرَبِىٌّ ۗ قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ هُدًى وَشِفَآءٌ ۖ وَٱلَّذِينَ
لَا يُؤْمِنُونَ فِىٓ ءَاذَانِهِمْ وَقْرٌ وَهُوَ عَلَيْهِمْ عَمًى ۚ أُو۟لَٰٓئِكَ
يُنَادَوْنَ مِن مَّكَانٍۭ بَعِيدٍ ﴿٤٤﴾ وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَى ٱلْكِتَٰبَ
فَٱخْتُلِفَ فِيهِ ۗ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِن رَّبِّكَ لَقُضِىَ
بَيْنَهُمْ ۚ وَإِنَّهُمْ لَفِى شَكٍّ مِّنْهُ مُرِيبٍ ﴿٤٥﴾ مَّنْ عَمِلَ صَٰلِحًا
فَلِنَفْسِهِۦ ۖ وَمَنْ أَسَآءَ فَعَلَيْهَا ۗ وَمَا رَبُّكَ بِظَلَّٰمٍ لِّلْعَبِيدِ ﴿٤٦﴾

۴۸۱

﴿و [یکی] از نشانه‌های اوست که تو زمین را خشکیده [بدون گیاه] می‌بینی آنگاه چون بر آن آب [باران] فرو فرستیم، به جنبش آید و بردمد [بالا آید] بی‌گمان همان کسی که آن را زنده ساخته است به یقین مردگان را نیز زنده خواهد کرد. او بر هر کاری تواناست.﴾(۳۹) ﴿بی‌گمان کسانی که در نشانه‌های ما [در قرآن] به کژی [و باطل] به تکذیب آن می‌گرایند بر ما پوشیده و پنهان نیستند﴾ پاداششان را می‌دهیم ﴿آیا کسی که در آتش انداخته شود بهتر است یا آن کسی که روز قیامت ایمن بیاید؟ هر چه می‌خواهید بکنید، او به آنچه می‌کنید بیناست﴾، تهدید آنهاست.(۴۰) ﴿بی‌گمان کسانی قرآن را ـ چون به آنان رسید ـ انکار کردند﴾ پاداششان می‌دهیم ﴿و به راستی آن کتابی گرانقدر است﴾(۴۱) ﴿باطل را از پیش روی آن و از پشت سر آن در آن راه نمی‌یابد﴾ پیش از این کتابی نیست تکذیبش کرده باشد و پس از این نیز نیست ﴿از [سوی] فرزانهٔ ستوده فرو فرستاده شده است﴾ خداوندِ ستوده در امرش(۴۲) ﴿[ای پیامبر] به تو چیزی [از تکذیب] گفته نمی‌شود جز [مانند] آنچه به رسولان پیش از تو گفته شد بی‌گمان پروردگارت صاحب آمرزش است [برای مؤمنان] و هم کیفری دردناک دارد﴾ برای کافران.(۴۳) ﴿و اگر آن را قرآنی به زبان غیرعربی قرار می‌دادیم به یقین می‌گفتند: چرا آیه‌هایش تفصیل [و روشن] نشده‌اند؟ [تا آن را بفهمیم] آیا [قرآن] به زبان غیرعربی و [پیغمبر] عرب زبان باشد؟ بگو: آن برای مؤمنان هدایت است [از گمراهی] و شفاعت [از جهالت] وکسانی که ایمان نمی‌آورند در گوشهایشان سنگینی است﴾ پس نمی‌شنوند. ﴿و قرآن برای آنان کوری‌ای است﴾ آن را نمی‌فهمند ﴿اینان﴾ به مثل چنانند ﴿گوئی از جای دوری ندا داده می‌شوند﴾ که نمی‌شنوند و نمی‌فهمند آنچه را ندا داده شده‌اند(۴۴) ﴿و به راستی به موسی کتاب [تورات] دادیم آنگاه در آن اختلاف شد﴾ به تصدیق و تکذیب مانند قرآن ﴿و اگر نمی‌بود وعدهٔ از پیش صادر شدهٔ پروردگارت﴾ به آخر افکندن حساب و جزای خلائق تا روز قیامت ﴿در میان آنان﴾ در دنیا در آنچه در آن اختلاف داشتند ﴿داوری می‌شد و آنان [تکذیب‌کنندگان] از آن [قرآن] در شکّی قوی هستند﴾(۴۵) ﴿هرکس که کار شایسته‌ای انجام دهد [عملش] به سودِ خود اوست و هرکس کار بد انجام دهد [پس زیان بدکاری‌اش] به زیان اوست و پروردگارت در حقّ بندگان ستمکار نیست﴾ چون می‌فرماید: إنّ الله لا یظلم مثقال ذرة(۴۶)

۞ إِلَيْهِ يُرَدُّ عِلْمُ ٱلسَّاعَةِ ۚ وَمَا تَخْرُجُ مِن ثَمَرَٰتٍ مِّنْ أَكْمَامِهَا
وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنثَىٰ وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِۦ ۚ وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ أَيْنَ
شُرَكَآءِى قَالُوٓا۟ ءَاذَنَّٰكَ مَا مِنَّا مِن شَهِيدٍ ﴿٤٧﴾ وَضَلَّ
عَنْهُم مَّا كَانُوا۟ يَدْعُونَ مِن قَبْلُ ۖ وَظَنُّوا۟ مَا لَهُم مِّن مَّحِيصٍ ﴿٤٨﴾
لَّا يَسْـَٔمُ ٱلْإِنسَٰنُ مِن دُعَآءِ ٱلْخَيْرِ وَإِن مَّسَّهُ ٱلشَّرُّ فَيَـُٔوسٌ
قَنُوطٌ ﴿٤٩﴾ وَلَئِنْ أَذَقْنَٰهُ رَحْمَةً مِّنَّا مِنۢ بَعْدِ ضَرَّآءَ مَسَّتْهُ
لَيَقُولَنَّ هَٰذَا لِى وَمَآ أَظُنُّ ٱلسَّاعَةَ قَآئِمَةً وَلَئِن رُّجِعْتُ إِلَىٰ
رَبِّىٓ إِنَّ لِى عِندَهُۥ لَلْحُسْنَىٰ ۚ فَلَنُنَبِّئَنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ بِمَا عَمِلُوا۟
وَلَنُذِيقَنَّهُم مِّنْ عَذَابٍ غَلِيظٍ ﴿٥٠﴾ وَإِذَآ أَنْعَمْنَا عَلَى ٱلْإِنسَٰنِ
أَعْرَضَ وَنَـَٔا بِجَانِبِهِۦ وَإِذَا مَسَّهُ ٱلشَّرُّ فَذُو دُعَآءٍ عَرِيضٍ
﴿٥١﴾ قُلْ أَرَءَيْتُمْ إِن كَانَ مِنْ عِندِ ٱللَّهِ ثُمَّ كَفَرْتُم
بِهِۦ مَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ هُوَ فِى شِقَاقٍۭ بَعِيدٍ ﴿٥٢﴾ سَنُرِيهِمْ
ءَايَٰتِنَا فِى ٱلْءَافَاقِ وَفِىٓ أَنفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ ٱلْحَقُّ ۗ
أَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُۥ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ شَهِيدٌ ﴿٥٣﴾ أَلَآ إِنَّهُمْ
فِى مِرْيَةٍ مِّن لِّقَآءِ رَبِّهِمْ ۗ أَلَآ إِنَّهُۥ بِكُلِّ شَىْءٍ مُّحِيطٌۢ ﴿٥٤﴾

«علم و آگاهی از قیامت به او إحاله می‌شود» چه وقت می‌باشد؟ جز او کسی نمی‌داند «و انواع میوه‌ها از غلافهای خود بیرون نمی‌آید، [مگر آن را می‌داند] و هیچ مادینه‌ای باردار نمی‌شود و نمی‌زاید مگر با علم او، و روزی که آنان را ندا می‌دهد که شریکان من کجایند؟ می‌گویند: [اکنون] ما با بانگ رسا به تو می‌گوئیم که هیچ گواهی از میان ما نیست» گواهی دهد به این که تو شریک داری[۴۷] «و آنچه پیش از این [در دنیا از بتان] می‌پرستیدند از نظر آنان گم شد، و دانستند که آنان را هیچ گریزگاهی نیست»[۴۸] «انسان هرگز از دعای خیر خسته نمی‌شود» همیشه از پروردگارش طلب مال و تندرستی و جز آنها را می‌کند. «و هرگاه شرّی به او برسد [فقرو سختی] نومید و دلسرد است» از رحمت خداوند و این و آیه بعدش مربوط به کافران است[۴۹] «و اگر از جانب خود پس از رنجی [شدّت و بلا] که به او رسیده باشد رحمتی [ثروت و تندرستی] به او بچشانیم، به یقین گوید: این حقّ من است» یعنی به عمل شایسته بوده‌ام «و گمان نمی‌برم که قیامت برپا شود، و اگر [به فرض] به سوی پروردگارم باز گردانده شوم، بی‌گمان من در نزد او خوشی خواهم داشت» بهشت دارم «پس بی‌گمان کافران را به آنچه می‌کردند، خبر خواهیم داد و از [طعم] عذاب سخت به آنان خواهیم چشاند»[۵۰] «و چون به جنس انسان نعمتی ارزانی داریم روی می‌گرداند [از سپاس] و پرغرور شود و چون رنج به او رسد، بسیار دعا کند»[۵۱] «بگو: آیا دیدید [یعنی به من خبر دهید] که اگر این [قرآن] از سوی خدا باشد [چنانکه پیغمبر گفت] آنگاه به آن کفر ورزیدید کیست گمراه‌تر از کسی که در ستیزیِ دور [و دراز] است» از حقّ[۵۲] «زودا که آیات خود را به آنان بنمایانیم در آفاق» در پهنای آسمانها و زمین از خورشید گرفته تا ماه و ستارگان و رعد و برق و گیاهان و درختان و غیر اینها «و در نفسهای آنان» از صنعت پیچیده و دقیق و حکمت بدیع «تا برایشان روشن شود که آن [قرآن] حقّ است» از طرف خداوند نازل شده خبر می‌دهد به زنده‌شدن و حساب و عقاب پس در برابر کفرشان به آن و به پیامبری که قرآن را آورده کیفر می‌بینند «آیا کافی نیست [برایشان] که پروردگارت خود بر هر چیزی گواه است» یعنی آیا در راست‌گوئی تو کافی نیست که پروردگارت هیچ‌چیز از او غائب نیست[۵۳] «آگاه باشید که آنان در لقای پروردگارشان در شکّند» چون بعث را انکار می‌کنند «آگاه باشید که مسلّماً او به هر چیزی احاطه دارد» از جهت دانائی و توانائی پس به سبب کفرشان، کیفرشان می‌دهد.[۵۴]

قواعد آیه ۴۸- قوله و النفی فی الموضعین ألخ: و آن ما منا من شهید در آیه ۴۷ و مَا لهم من مَحِیص در آیه ۴۸ که عمل فعلهای «آذنّاك» و «ظنّوا» را لفظاً باطل می‌کند، و جملهٔ نفی به جای دو مفعول اول و دوم ظنّوا و به جای دو مفعول دوم و سوم آذنّاک قرار می‌گیرد.

آیه ۴۹- لام در دو فعل برای قسم است.

آیه ۵۲- مِمّن هو تا آخر به جای منکم قرار گرفته است تا حال آنان را بیان کند.

آیه ۵۳- بِرَبِّكَ: فاعل «یکفِ» می‌باشد و «أنّه تا آخر» بدل است از آن.

سُورَةُ الشُّورَىٰ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

حمٓ ﴿١﴾ عٓسٓقٓ ﴿٢﴾ كَذَٰلِكَ يُوحِىٓ إِلَيۡكَ وَإِلَى ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِكَ
ٱللَّهُ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ﴿٣﴾ لَهُۥ مَا فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِى ٱلۡأَرۡضِۖ وَهُوَ
ٱلۡعَلِىُّ ٱلۡعَظِيمُ ﴿٤﴾ تَكَادُ ٱلسَّمَٰوَٰتُ يَتَفَطَّرۡنَ مِن فَوۡقِهِنَّۚ
وَٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ يُسَبِّحُونَ بِحَمۡدِ رَبِّهِمۡ وَيَسۡتَغۡفِرُونَ لِمَن فِى
ٱلۡأَرۡضِۗ أَلَآ إِنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلۡغَفُورُ ٱلرَّحِيمُ ﴿٥﴾ وَٱلَّذِينَ ٱتَّخَذُواْ
مِن دُونِهِۦٓ أَوۡلِيَآءَ ٱللَّهُ حَفِيظٌ عَلَيۡهِمۡ وَمَآ أَنتَ عَلَيۡهِم بِوَكِيلٖ
﴿٦﴾ وَكَذَٰلِكَ أَوۡحَيۡنَآ إِلَيۡكَ قُرۡءَانًا عَرَبِيّٗا لِّتُنذِرَ أُمَّ ٱلۡقُرَىٰ وَمَنۡ
حَوۡلَهَا وَتُنذِرَ يَوۡمَ ٱلۡجَمۡعِ لَا رَيۡبَ فِيهِۚ فَرِيقٞ فِى ٱلۡجَنَّةِ وَفَرِيقٞ فِى
ٱلسَّعِيرِ ﴿٧﴾ وَلَوۡ شَآءَ ٱللَّهُ لَجَعَلَهُمۡ أُمَّةٗ وَٰحِدَةٗ وَلَٰكِن يُدۡخِلُ
مَن يَشَآءُ فِى رَحۡمَتِهِۦۚ وَٱلظَّٰلِمُونَ مَا لَهُم مِّن وَلِىّٖ وَلَا نَصِيرٍ ﴿٨﴾
أَمِ ٱتَّخَذُواْ مِن دُونِهِۦٓ أَوۡلِيَآءَۖ فَٱللَّهُ هُوَ ٱلۡوَلِىُّ وَهُوَ يُحۡىِ ٱلۡمَوۡتَىٰ وَهُوَ
عَلَىٰ كُلِّ شَىۡءٖ قَدِيرٞ ﴿٩﴾ وَمَا ٱخۡتَلَفۡتُمۡ فِيهِ مِن شَىۡءٖ فَحُكۡمُهُۥٓ
إِلَى ٱللَّهِۚ ذَٰلِكُمُ ٱللَّهُ رَبِّى عَلَيۡهِ تَوَكَّلۡتُ وَإِلَيۡهِ أُنِيبُ ﴿١٠﴾

سورة الشوری

مکیّه جز آیه‌های ۲۳ و ۲۴ و ۲۵ و ۲۶ پس اینها مدنی‌اند و ۵۳ آیه دارد

بِسْمِ اللهِ الرَّحمٰنِ الرَّحیم

«حٰم»[۱] «عٓسٓقٓ» خداوند به مرادش به آن آگاه‌تر است[۲] «[خداوند عزیر و حکیم] بدینسان به تو وحی می‌کند و به کسانی که پیش از تو بوده‌اند وحی کرده است خداوند غالب است» در ملکش «و با حکمت» در صنعش[۳] «آنچه در اسمانها و آنچه در زمین است» از جهت مالکیت و آفرینش و بندگی «از آنِ اوست و او بلند مرتبه است [بر خلقش] و بزرگ است»[۴] «نزدیک است که آسمانها از فرازشان پاره پاره شوند» هر آسمانی بالای آسمانی که بلافاصله دنبالش آید از عظمت اُلوهیّت و قدرت خداوند نزدیک است پاره پاره شود «و فرشتگان با ستایش پروردگارشان تسبیح می‌گویند، و برای کسانی [از مؤمنین] که در زمین هستند آمرزش می‌خواهند، بدان که خداوند آمرزگار است» برای دوستانش «مهربان است» به آنان[۵] «و کسانی که جز او [بتان] را دوستانی برای خود گرفته‌اند، خداوند بر آنها نگهبان است» گناهانشان برشمارد پاداششان می‌دهد «و تو متعهّد [و مسئول] آنان نیستی» آنچه از آنان می‌خواهی بدست آوری، بر عهده تو جز تبلیغ نیست[۶] «و بدینسان قرآنی عربی به تو وحی کردیم تا مردم اُمّ‌القُری [مکّهٔ مکرّمه] و سایر مردم را بیم دهی و [مردم را] از روز محشر [روز قیامت که خلایق در آن جمع می‌شوند] که شکّی در آن نیست برحذر داری، گروهی [از آنها] در بهشت و گروهی [دیگر] در دوزخ خواهند بود»[۷] «و اگر خدا می‌خواست آنان را یک اُمّت می‌ساخت» یعنی بر یک دین و آن اسلام است «ولی هرکس را که بخواهد در جوار رحمت خویش در خواهد آورد و ستمکاران [کافران] هیچ کارساز و یاوری ندارند» عذاب را از آنها دفع کند[۸] «آیا جز او [بتان] را دوستانی اختیار کرده‌اند؟ حال آنکه خداوند است کارساز» یاری‌دهندهٔ مؤمنان «و او مردگان را زنده می‌کند و او بر هر کاری تواناست»[۹] «و در هر چیزی که در آن [با کافران] اختلاف پیدا کنید» از دین و جز آن «حکمش به خداوند بازگشته می‌شود» در بین شما روز قیامت داوری می‌کند ـ به آنان بگو: «این است خداوند پروردگار من که بر او توکّل کرده‌ام، و به سوی او باز می‌گردم»[۱۰][۱]

قواعد آیه ۹ـ اَم منقطعه بمعنای بل که برای انتقال است و همزه‌اش برای انکار است ـ یعنی بتان را که اختیار کرده‌اند دوستان شما نیستند.

۱ـ عایشه رضی‌الله‌عنها روایت می‌کند پیغمبر(ﷺ) فرمود: شش کس مورد لعنت خداوند و تمام پیغمبران است ۱ـ کسی که بر کتاب خدا زیاد کند ۲ـ کسی که مقدّر خدا را تکذّب می‌کند ۳ـ صاحب قدرتی که ستمگری می‌کند تا کسی که خدا ذلیلش ساخته است صاحب عزّت کند و ذلیل کند کسی را که خدا عزیزش گردانیده است ۴ـ کسی که حرام خدا را حلال می‌کند ۵ـ کسی که نسبت به عترت من حرام را حلال می‌کند. ۶ـ کسی که شریعت مرا ترک می‌کند و حلالش می‌داند.

فَاطِرُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِۚ جَعَلَ لَكُم مِّنْ أَنفُسِكُمْ أَزْوَٰجًا
وَمِنَ ٱلْأَنْعَٰمِ أَزْوَٰجًا يَذْرَؤُكُمْ فِيهِۚ لَيْسَ كَمِثْلِهِۦ شَىْءٌ ۖ
وَهُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلْبَصِيرُ ﴿١١﴾ لَهُۥ مَقَالِيدُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ ۖ
يَبْسُطُ ٱلرِّزْقَ لِمَن يَشَآءُ وَيَقْدِرُۚ إِنَّهُۥ بِكُلِّ شَىْءٍ عَلِيمٌ ﴿١٢﴾
۞ شَرَعَ لَكُم مِّنَ ٱلدِّينِ مَا وَصَّىٰ بِهِۦ نُوحًا وَٱلَّذِىٓ أَوْحَيْنَآ
إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِۦٓ إِبْرَٰهِيمَ وَمُوسَىٰ وَعِيسَىٰٓ ۖ أَنْ أَقِيمُوا۟ ٱلدِّينَ
وَلَا تَتَفَرَّقُوا۟ فِيهِۚ كَبُرَ عَلَى ٱلْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِۚ ٱللَّهُ
يَجْتَبِىٓ إِلَيْهِ مَن يَشَآءُ وَيَهْدِىٓ إِلَيْهِ مَن يُنِيبُ ﴿١٣﴾ وَمَا
تَفَرَّقُوٓا۟ إِلَّا مِنۢ بَعْدِ مَا جَآءَهُمُ ٱلْعِلْمُ بَغْيًۢا بَيْنَهُمْۚ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ
سَبَقَتْ مِن رَّبِّكَ إِلَىٰٓ أَجَلٍ مُّسَمًّى لَّقُضِىَ بَيْنَهُمْۚ وَإِنَّ ٱلَّذِينَ
أُورِثُوا۟ ٱلْكِتَٰبَ مِنۢ بَعْدِهِمْ لَفِى شَكٍّ مِّنْهُ مُرِيبٍ ﴿١٤﴾
فَلِذَٰلِكَ فَٱدْعُ ۖ وَٱسْتَقِمْ كَمَآ أُمِرْتَ ۖ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَآءَهُمْ ۖ
وَقُلْ ءَامَنتُ بِمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ مِن كِتَٰبٍ ۖ وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ
بَيْنَكُمُ ۖ ٱللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ ۖ لَنَآ أَعْمَٰلُنَا وَلَكُمْ أَعْمَٰلُكُمْ ۖ
لَا حُجَّةَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ ۖ ٱللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا ۖ وَإِلَيْهِ ٱلْمَصِيرُ ﴿١٥﴾

٤٨٤

﴿آفریننده و مبدع آسمانها و زمین است از خودتان برای شما همسرانی قرار داده است﴾ از این جهت که حوّاء را از ضلع آدم آفرید ﴿و از چهارپایان اقسامی [ذکور و اناث بطور عموم] آفرید با این [تدبیر] شما را بسیار می‌گرداند، چیزی مانند او نیست و او شنواست﴾ به آنچه گفته می‌شود ﴿بیناست﴾ به آنچه کرده می‌شود(11) ﴿کلیدهای [گنجینه‌های] آسمانها و زمین [از باران و گیاهان و' جز آنها] از آنِ اوست روزی را برای هرکسی که بخواهد فراخ می‌گرداند﴾ برای امتحان ﴿و﴾ برای هر کس که بخواهد ﴿تنگ می‌دارد﴾ برای آزمایش ﴿او به همه چیز داناست﴾(12) حق تعالی ﴿از دین آنچه که نوح را به آن فرمان داده بود [و اولین پیامبران شریعت است] و آنچه که به تو وحی کرده‌ایم و آنچه ابراهیم و موسی و عیسی را به آن فرمان داده بودیم برایتان مقرّر داشت [با این مضمون] که دین را برپا دارید و در آن اختلاف نورزید﴾ این همان مشروعی است که به آن سفارش شده و همان است که به محمّد(ﷺ) وحی شده است و آن توحید و اصول دین است ﴿بر مشرکان آنچه آنان را به آن فرا می‌خوانی [از توحید] دشوار آمد، خداوند به سوی [توحید و حقیقت] خویش هرکس را که بخواهد برمی‌گزیند و هر کس را که رو به سوی او می‌نهد، به سوی خویش هدایت می‌کند﴾(13) به طاعت وی رو می‌آورد.

اهل ادیان در دین ﴿جز پس از آن که دانش [به توحید] یافتند، پراکنده نشدند﴾ بعضی موّحد و بعضی کافر شدند ﴿مگر از روی حسد در میان خود [در میان کافران] و اگر نمی‌بود سخنی از پیش صادر شده از پروردگارت [به تأخیر جزاء که] تا زمانی معیّن [روز قیامت مهلت] یابند، به یقین در میان آنان داوری می‌شد﴾ به عذاب کافران در دنیا ﴿و کسانی که پس از آنان [پیامبران] کتاب به آنان میراث داده شد، [و آنان یهود و نصاری می‌باشند] در حقیقت از او [محمّد(ﷺ)] در شکّی قوی هستند﴾ وسوسه آورند(14) ﴿پس به این [توحید] فراخوان [ای محمد مردم را] و چنانکه فرمان یافته‌ای [بر آن] پایداری ورز و از خواسته‌های آنان [به ترک توحید] پیروی مکن، و بگو: به هر کتابی که خداوند نازل کرده است، ایمان آورده‌ام، و فرمان یافته‌ام تا در بین شما [در حکم] به داد و عدل رفتار کنم، خداوند پروردگار ما و پروردگار شما است اعمال ما، ما را و اعمال شما، شما راست﴾ هر یک به عمل خویش پاداش می‌گیرد، ﴿در بین ما و شما گفتگوئی [خصومتی] نیست﴾ و این پیش از امر به جهاد است ﴿خداوند ما و شما را گرد می‌آورد﴾ در معاد برای داوری حق و باطل ﴿و بازگشت به سوی اوست﴾(15)

وَٱلَّذِينَ يُحَآجُّونَ فِي ٱللَّهِ مِنۢ بَعۡدِ مَا ٱسۡتُجِيبَ لَهُۥ حُجَّتُهُمۡ
دَاحِضَةٌ عِندَ رَبِّهِمۡ وَعَلَيۡهِمۡ غَضَبٞ وَلَهُمۡ عَذَابٞ شَدِيدٌ
١٦ ٱللَّهُ ٱلَّذِيٓ أَنزَلَ ٱلۡكِتَٰبَ بِٱلۡحَقِّ وَٱلۡمِيزَانَۗ وَمَا يُدۡرِيكَ
لَعَلَّ ٱلسَّاعَةَ قَرِيبٞ ١٧ يَسۡتَعۡجِلُ بِهَا ٱلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ
بِهَاۖ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مُشۡفِقُونَ مِنۡهَا وَيَعۡلَمُونَ أَنَّهَا ٱلۡحَقُّۗ
أَلَآ إِنَّ ٱلَّذِينَ يُمَارُونَ فِي ٱلسَّاعَةِ لَفِي ضَلَٰلِۭ بَعِيدٍ ١٨
ٱللَّهُ لَطِيفُۢ بِعِبَادِهِۦ يَرۡزُقُ مَن يَشَآءُۖ وَهُوَ ٱلۡقَوِيُّ ٱلۡعَزِيزُ
١٩ مَن كَانَ يُرِيدُ حَرۡثَ ٱلۡأٓخِرَةِ نَزِدۡ لَهُۥ فِي حَرۡثِهِۦۖ وَمَن
كَانَ يُرِيدُ حَرۡثَ ٱلدُّنۡيَا نُؤۡتِهِۦ مِنۡهَا وَمَا لَهُۥ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ مِن
نَّصِيبٍ ٢٠ أَمۡ لَهُمۡ شُرَكَٰٓؤُاْ شَرَعُواْ لَهُم مِّنَ ٱلدِّينِ
مَا لَمۡ يَأۡذَنۢ بِهِ ٱللَّهُۚ وَلَوۡلَا كَلِمَةُ ٱلۡفَصۡلِ لَقُضِيَ بَيۡنَهُمۡۗ
وَإِنَّ ٱلظَّٰلِمِينَ لَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٞ ٢١ تَرَى ٱلظَّٰلِمِينَ
مُشۡفِقِينَ مِمَّا كَسَبُواْ وَهُوَ وَاقِعُۢ بِهِمۡۗ وَٱلَّذِينَ
ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ فِي رَوۡضَاتِ ٱلۡجَنَّاتِۖ
لَهُم مَّا يَشَآءُونَ عِندَ رَبِّهِمۡۚ ذَٰلِكَ هُوَ ٱلۡفَضۡلُ ٱلۡكَبِيرُ ٢٢

﴿و کسانی که در دین خدا [از پیامبرش] پس از آن که [فرمان] او پذیرفته شد﴾ به ایمان‌آوردن به دلیل ظهور معجزاتش و آنان یهودند ﴿احتجاج می‌ورزند، جدال آنان در نزد پروردگارشان باطل است و خشم [خداوند] بر آنان است و آنان عذابی سخت [در پیش دارند]﴾(۱۶) ﴿خداوند کسی است که قرآن را و ابزار سنجش [عدل] را به حق نازل کرد، و تو چه دانی چه بسا قیامت نزدیک باشد؟﴾(۱۷) ﴿کسانی که به آن ایمان نمی‌آورند آن را به شتاب می‌خواهند﴾ می‌گویند: کی می‌آید چون گمانشان آن است که قیامت نمی‌آید ﴿و مؤمنان از آن ترسانند و می‌دانند که آن حق است، بدان کسانی که دربارهٔ قیامت جدال می‌کنند، در گمراهی دور و درازند﴾(۱۸) ﴿خداوند به بندگانش مهربان است﴾ به صالح و ناصالح‌شان بگونه‌ای که به سبب نافرمانی‌هایشان آنان را از گرسنگی هلاک نمی‌کند ﴿به هر کس که بخواهد﴾ از هر یک از آنان آنچه بخواهد ﴿روزی می‌دهد و اوست توانا﴾ بر مرادش ﴿غالب بر امرش﴾(۱۹) ﴿هرکس [به عملش] کِشت آخرت را بخواهد﴾ یعنی ثوابش ﴿برایش در کِشت او می‌افزائیم﴾ به چند برابر کار نیکش تا ده برابر و بیشتر ﴿و هرکس که کشت دنیا را بخواهد از آن به او می‌دهیم﴾ بدون چند برابرکردن، آنچه برایش تقسیم شده است ﴿و او در آخرت هیچ سهمی ندارد﴾(۲۰) ﴿آیا [کافران مکه] شریکانی دارند [آنها شیاطینشان‌اند] که از دین [فاسد] آنچه را که خداوند به آن اجازه نداده است، [مانند شرک و انکار بعث] برایشان مقرّر داشته‌اند، و اگر وعدهٔ فیصله‌بخش﴾ یعنی داوری پیشین به اینکه پاداش در روز قیامت است ﴿نمی‌بود، بین آنان﴾ و بین مؤمنان ﴿داوری می‌شد﴾ به عذاب آنها در دنیا ﴿و بی‌گمان کافران عذابی دردناک در [پیش] دارند﴾(۲۱) ﴿ستمکاران را [در روز قیامت] بینی که از دست‌آورد خویش [در دنیا از گناهان اگر بر آن کیفر بینند] ترسانند و آن﴾ پاداش بر آنان در روز قیامت بدون شکّ ﴿به آنان وقوع می‌یابد و کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند در خرّم‌ترین جای بوستانها خواهند بود﴾ نسبت به پائین‌تران ﴿آنان هر آنچه بخواهند نزد پروردگارشان دارند، این است فضل بزرگ﴾(۲۲)

قواعد آیه ۱۷ـ لعلّ: عمل فعل را لفظاً باطل می‌کند و کلمات پس از لعلّ جانشین دو مفعولش می‌باشند.

ذَٰلِكَ ٱلَّذِي يُبَشِّرُ ٱللَّهُ عِبَادَهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّـٰلِحَـٰتِ ۗ قُل لَّآ
أَسْـَٔلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا ٱلْمَوَدَّةَ فِي ٱلْقُرْبَىٰ ۗ وَمَن يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ
لَهُۥ فِيهَا حُسْنًا ۚ إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ ﴿٢٣﴾ أَمْ يَقُولُونَ ٱفْتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ
كَذِبًا ۖ فَإِن يَشَإِ ٱللَّهُ يَخْتِمْ عَلَىٰ قَلْبِكَ ۗ وَيَمْحُ ٱللَّهُ ٱلْبَـٰطِلَ وَيُحِقُّ ٱلْحَقَّ
بِكَلِمَـٰتِهِۦٓ ۚ إِنَّهُۥ عَلِيمٌۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ ﴿٢٤﴾ وَهُوَ ٱلَّذِي يَقْبَلُ ٱلتَّوْبَةَ
عَنْ عِبَادِهِۦ وَيَعْفُوا۟ عَنِ ٱلسَّيِّـَٔاتِ وَيَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ ﴿٢٥﴾
وَيَسْتَجِيبُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّـٰلِحَـٰتِ وَيَزِيدُهُم مِّن فَضْلِهِۦ ۚ
وَٱلْكَـٰفِرُونَ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ ﴿٢٦﴾ ۞ وَلَوْ بَسَطَ ٱللَّهُ ٱلرِّزْقَ
لِعِبَادِهِۦ لَبَغَوْا۟ فِي ٱلْأَرْضِ وَلَـٰكِن يُنَزِّلُ بِقَدَرٍ مَّا يَشَآءُ ۚ إِنَّهُۥ بِعِبَادِهِۦ
خَبِيرٌۢ بَصِيرٌ ﴿٢٧﴾ وَهُوَ ٱلَّذِي يُنَزِّلُ ٱلْغَيْثَ مِنۢ بَعْدِ مَا قَنَطُوا۟
وَيَنشُرُ رَحْمَتَهُۥ ۚ وَهُوَ ٱلْوَلِيُّ ٱلْحَمِيدُ ﴿٢٨﴾ وَمِنْ ءَايَـٰتِهِۦ خَلْقُ
ٱلسَّمَـٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَمَا بَثَّ فِيهِمَا مِن دَآبَّةٍ ۚ وَهُوَ عَلَىٰ جَمْعِهِمْ
إِذَا يَشَآءُ قَدِيرٌ ﴿٢٩﴾ وَمَآ أَصَـٰبَكُم مِّن مُّصِيبَةٍ فَبِمَا
كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا۟ عَن كَثِيرٍ ﴿٣٠﴾ وَمَآ أَنتُم بِمُعْجِزِينَ
فِي ٱلْأَرْضِ ۖ وَمَا لَكُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ مِن وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ﴿٣١﴾

﴿این﴾ پاداشی است که خداوند به آن بندگانش که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند را مژده می‌دهد، بگو: بر [رساندن رسالت] آن از شما مزدی درخواست نمی‌کنم، ولی باید در میان خویشاوندان دوستی پیشه کنید یعنی امّا از شما می‌خواهم اینکه خویشاوند مرا دوست دارید که خویشاوند شما نیز هست زیرا ایشان در هر بطنی از قریش خویشاوندی‌ای دارد ﴿و هرکس که نیکی [طاعت] کند برایش در آن پاداشی نیک می‌افزائیم﴾ به چند برابرکردنش ﴿بی‌گمان خداوند آمرزگار﴾ گناهان است ﴿قدرشناس است﴾ نسبت به اندک پس چند برابرش می‌کند[۲۳] ﴿آیا میگوید: [پیامبر] بر خداوند دروغ بسته است؟﴾ به نسبت‌دادن قرآن به خداوند بزرگ ﴿پس اگر خدا بخواهد بر دلت مُهر می‌نهد﴾ به بردباری و صبر در برابر آزارشان بوسیلهٔ این گفته و جز آن، و خدا این کار را کرده است ﴿و خداوند باطل را﴾ که گفته‌اند ﴿از میان می‌برد و با سخنان خویش [که بر پیامبرش نازل فرموده است] حق را محقّق می‌سازد بی‌گمان او به راز دلها داناست﴾[۲۴] ﴿و اوست کسی که از بندگانش توبه را می‌پذیرد، و از گناهان [که از آن توبه کرده است] درمی‌گذرد و آنچه را که می‌کنید میداند﴾[۲۵] ﴿و [دعای] کسانی را که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند، [به آنچه طلب می‌کنند] اجابت می‌کند، و به آنان از فضل خود افزون می‌دهد، و کافران عذابی سخت [در پیش] دارند﴾[۲۶] ﴿و اگر خداوند روزی را برای [همهٔ] بندگانش فراخ می‌گرداند، به یقین در زمین همه تباهی می‌کردند. ولی به اندازهٔ آنچه بخواهد [از ارزاق] فرو می‌فرستد﴾ برای بعضی از بندگانش روزیِ فراخ می‌دهد و از این فراخ روزی ستم پدید می‌آید ﴿که او به بندگانش دانای بیناست﴾[۲۷] ﴿و اوست کسی که باران را پس از آنکه [مردم] ناامید شده‌اند [از نزولش] فرو می‌فرستد، و رحمتش [بارانش] را می‌گسترد و اوست کارساز [نیکوکار به مؤمنین] ستوده﴾ نزد آنان[۲۸] ﴿و از نشانه‌هایش آفرینش آسمانها و زمین است و [آفرینش] جانورانی که در آن پراکنده است﴾ دابّة یعنی آنچه روی زمین می‌رود از انسان و غیره ﴿و او بر گردآوری آنها [برای حشر] هنگامی که بخواهد تواناست﴾[۲۹] ﴿و هر مصیبتی [بلا و سختی] که گریبانگیرتان شود [ای مؤمنان] از دستاوردِ خودتان است﴾ به سبب گناهانی است که انجام داده‌اید و خداوند بزرگ مهربان‌تر است از این که دو مرتبه در آخرت در برابر این گناهان عذاب دهد ﴿و از بسیاری [از گناهان] در می‌گذرد﴾ پس در دنیا مؤمن را در برابر آن به بلایا گرفتار نمی‌کند اما کسانی که گناه نکرده‌اند مصیبتی که در دنیا بدان گرفتار می‌شوند برای بلندی درجاتشان است در آخرت[۳۰] ﴿و شما [ای مشرکان] در زمین گزیر و گریزی ندارید [مصیبتی که مقدر شده به شما می‌رسد] و برایتان جز خداوند هیچ کارساز و یاوری نیست﴾ عذاب او را از شما دفع کند[۳۱]

قواعد آیه ۲۳ـ یبشر: مخفف و مُثقّل آمده است.

آیه ۲۹ـ در ضمیر جمعهم تغلیب عاقل است بر غیرعاقل.

وَمِنْ ءَايَٰتِهِ ٱلْجَوَارِ فِى ٱلْبَحْرِ كَٱلْأَعْلَٰمِ ﴿٣٢﴾ إِن يَشَأْ يُسْكِنِ ٱلرِّيحَ
فَيَظْلَلْنَ رَوَاكِدَ عَلَىٰ ظَهْرِهِۦٓ ۚ إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَءَايَٰتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ
﴿٣٣﴾ أَوْ يُوبِقْهُنَّ بِمَا كَسَبُوا۟ وَيَعْفُ عَن كَثِيرٍ ﴿٣٤﴾ وَيَعْلَمَ ٱلَّذِينَ
يُجَٰدِلُونَ فِىٓ ءَايَٰتِنَا مَا لَهُم مِّن مَّحِيصٍ ﴿٣٥﴾ فَمَآ أُوتِيتُم مِّن شَىْءٍ فَمَتَٰعُ
ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا ۖ وَمَا عِندَ ٱللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ
يَتَوَكَّلُونَ ﴿٣٦﴾ وَٱلَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَٰٓئِرَ ٱلْإِثْمِ وَٱلْفَوَٰحِشَ وَإِذَا مَا
غَضِبُوا۟ هُمْ يَغْفِرُونَ ﴿٣٧﴾ وَٱلَّذِينَ ٱسْتَجَابُوا۟ لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا۟ ٱلصَّلَوٰةَ
وَأَمْرُهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَٰهُمْ يُنفِقُونَ ﴿٣٨﴾ وَٱلَّذِينَ إِذَآ أَصَابَهُمُ
ٱلْبَغْىُ هُمْ يَنتَصِرُونَ ﴿٣٩﴾ وَجَزَٰٓؤُا۟ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِّثْلُهَا ۖ فَمَنْ عَفَا
وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُۥ عَلَى ٱللَّهِ ۚ إِنَّهُۥ لَا يُحِبُّ ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿٤٠﴾ وَلَمَنِ ٱنتَصَرَ
بَعْدَ ظُلْمِهِۦ فَأُو۟لَٰٓئِكَ مَا عَلَيْهِم مِّن سَبِيلٍ ﴿٤١﴾ إِنَّمَا ٱلسَّبِيلُ عَلَى ٱلَّذِينَ
يَظْلِمُونَ ٱلنَّاسَ وَيَبْغُونَ فِى ٱلْأَرْضِ بِغَيْرِ ٱلْحَقِّ ۚ أُو۟لَٰٓئِكَ لَهُمْ
عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٤٢﴾ وَلَمَن صَبَرَ وَغَفَرَ إِنَّ ذَٰلِكَ لَمِنْ عَزْمِ ٱلْأُمُورِ
﴿٤٣﴾ وَمَن يُضْلِلِ ٱللَّهُ فَمَا لَهُۥ مِن وَلِىٍّ مِّنۢ بَعْدِهِۦ ۗ وَتَرَى ٱلظَّٰلِمِينَ
لَمَّا رَأَوُا۟ ٱلْعَذَابَ يَقُولُونَ هَلْ إِلَىٰ مَرَدٍّ مِّن سَبِيلٍ ﴿٤٤﴾

﴿و از نشانه‌هایش کشتیهای کوه‌وارِ دوان در دریاست﴾ اعلام کوههای بزرگ است(۳۲) ﴿اگر بخواهد باد را آرام می‌سازد [در نتیجه] کشتیها بر پشت دریا راکد مانند بی‌گمان در این [امر] برای هر بردبار سپاسگزاری نشانه‌هاست﴾ و مؤمن است در وقت سختی بردبار است و هنگام فراوانی روزی سپاس‌گزار است(۳۳) ﴿یا [اگر بخواهد] کشتی[نشینان] را [به کیفر دستاوردشان﴾ به باد سخت هلاک کند و از بسیاری [گناهان] در می‌گذرد﴾ از آن مردمانش را غرق نمی‌کند(۳۴) ﴿و تا کسانی که در آیات ما مجادله می‌کنند، بدانند هیچ گریزگاهی ندارند﴾ از عذاب(۳۵) ﴿هر آنچه که به شما [مؤمن و غیره] داده شده است﴾ از اثاث دنیا ﴿بهرهٔ زندگانی دنیاست﴾ به آن بهره‌مند می‌شود. سپس نمی‌ماند ﴿و آنچه در نزد خداست [از ثواب] برای کسانی که ایمان آورده‌اند و بر پروردگارشان توکّل می‌کنند بهتر و ماندگارتر است﴾(۳۶) و بر، الّذین آمنوا عطف می‌شود: ﴿و آنان را که از گناهان کبیره و زشتکاریها پرهیز می‌کنند، چون خشمگین شوند گذشت می‌کنند﴾(۳۷) ﴿و آنان که [دعوت] پروردگارشان را پذیرفتند﴾ به آنچه دعوت شده‌اند به سوی آن از توحید و عبادت اجابت نموده‌اند ﴿و نماز برپا داشتند و کاری که [برایشان پیش می‌آید] با هم مشورت می‌کنند﴾ شتاب نمی‌کنند ﴿و از آنچه روزیشان کرده‌ایم [در طاعتِ خدا] انفاق می‌کنند﴾ اینها یک صنف‌اند(۳۸) ﴿و آنان که چون تجاوزی به آنان برسد انتقام می‌گیرند﴾ این یک صنف است، یعنی به اندازه‌ای که به آنان ظلم شده است انتقام می‌گیرند(۳۹) چنانچه خداوند بزرگ می‌فرماید: ﴿و سزای بدی، بدی‌ای مانند آن است﴾ انتقام را نیز سیّئه [بدی] نام برده است، چون از نظر صورت مانند بدی اوّلی است ـ و این انتقام‌گرفتن در جراحاتی که قصاصش ممکن و روشن است بیان شده است ـ بعضی گفته‌اند: هرگاه به او گفت: خدا رسوایت کند، جوابش آن است که خدا تو را رسوا کند ﴿پس هرکس که [از ظالمش] درگذرد و [کار را] به صلاح آورد﴾ در بین عفوکننده و عفوشده محبّت پدید آید ﴿پاداشش بر خداوند است﴾ یعنی قطعی است ﴿بی‌گمان او ستمکاران را دوست نمی‌دارد﴾ آنان که به ستم آغاز می‌کنند عقابش بر آنها است(۴۰) ﴿و هر که بعد از ستمی که دیده است﴾ که به او ظلم شده ﴿انتقام گیرد اینانند که هیچ راه [نکوهشی] بر آنان نیست﴾(۴۱) ﴿تنها راهِ [نکوهش] بر کسانی [باز است] که به مردم ستم می‌کنند و در زمین به ناحق [به گناه] تباهی می‌جویند، اینانند که عذابی دردناک [در پیش] دارند﴾(۴۲) ﴿و کسی که بردباری کند [انتقام نگیرد] و درگذرد [بداند که] این [اوصاف] از کارهای سترگ است﴾ ستوده از نظر شریعت(۴۳) ﴿و هرکس را که خدا گمراه کند، برایش پس از او هیچ کارسازی نیست﴾ پس از گمراهی هدایتش کند ﴿و ستمکاران را بینی که چون عذاب را ببینند، می‌گویند: آیا هیچ راهی به سوی بازگشت [به دنیا] هست؟﴾(۴۴)

وَتَرَىٰهُمْ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا خَٰشِعِينَ مِنَ ٱلذُّلِّ يَنظُرُونَ
مِن طَرْفٍ خَفِيٍّ ۗ وَقَالَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓا۟ إِنَّ ٱلْخَٰسِرِينَ ٱلَّذِينَ
خَسِرُوٓا۟ أَنفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ ۗ أَلَآ إِنَّ ٱلظَّٰلِمِينَ
فِى عَذَابٍ مُّقِيمٍ ﴿٤٥﴾ وَمَا كَانَ لَهُم مِّنْ أَوْلِيَآءَ يَنصُرُونَهُم
مِّن دُونِ ٱللَّهِ ۗ وَمَن يُضْلِلِ ٱللَّهُ فَمَا لَهُۥ مِن سَبِيلٍ ﴿٤٦﴾ ٱسْتَجِيبُوا۟
لِرَبِّكُم مِّن قَبْلِ أَن يَأْتِىَ يَوْمٌ لَّا مَرَدَّ لَهُۥ مِنَ ٱللَّهِ ۚ مَا لَكُم
مِّن مَّلْجَإٍ يَوْمَئِذٍ وَمَا لَكُم مِّن نَّكِيرٍ ﴿٤٧﴾ فَإِنْ أَعْرَضُوا۟
فَمَآ أَرْسَلْنَٰكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا ۖ إِنْ عَلَيْكَ إِلَّا ٱلْبَلَٰغُ ۗ وَإِنَّآ إِذَآ
أَذَقْنَا ٱلْإِنسَٰنَ مِنَّا رَحْمَةً فَرِحَ بِهَا ۖ وَإِن تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌۢ
بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ فَإِنَّ ٱلْإِنسَٰنَ كَفُورٌ ﴿٤٨﴾ لِّلَّهِ مُلْكُ
ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ ۚ يَخْلُقُ مَا يَشَآءُ ۚ يَهَبُ لِمَن يَشَآءُ إِنَٰثًا
وَيَهَبُ لِمَن يَشَآءُ ٱلذُّكُورَ ﴿٤٩﴾ أَوْ يُزَوِّجُهُمْ ذُكْرَانًا وَإِنَٰثًا ۖ
وَيَجْعَلُ مَن يَشَآءُ عَقِيمًا ۚ إِنَّهُۥ عَلِيمٌ قَدِيرٌ ﴿٥٠﴾ ۞ وَمَا كَانَ
لِبَشَرٍ أَن يُكَلِّمَهُ ٱللَّهُ إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِن وَرَآئِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ
رَسُولًا فَيُوحِىَ بِإِذْنِهِۦ مَا يَشَآءُ ۚ إِنَّهُۥ عَلِىٌّ حَكِيمٌ ﴿٥١﴾

۴۸۸

﴿و آنان را می‌بینی که چون بر آتش عرضه دارندشان، از خواری فروتن شده‌اند، به گوشهٔ چشم نیم گشاده [به سوی آن] می‌نگرند، و اهل ایمان گفتند: قطعاً زیانکاران کسانی‌اند که در روز قیامت به خود و خانوادهٔ خویش زیان افکنده‌اند﴾ به سبب خلودشان در آتش و دست‌نیافتن‌شان به حوریانی که در بهشت برایشان آماده است اگر ایمان می‌آوردند ﴿آگاه باشید که ستمکاران [کافران] در عذابی پایدارند﴾ که پایانی ندارد ـ و این از قول خداوند است(۴۵) ﴿و جز الله برایشان دوستانی نیست که آنها را نصرت دهند﴾ عذاب از آنان دفع کند ﴿و هر که را خدا گمراه کند هیچ راهی برایش [به سوی نجات] نیست﴾ به سوی حق در دنیا و به سوی بهشت در آخرت(۴۶) ﴿پیش از آنکه روز [قیامت] فرا رسد که از [سوی] خدا بازگشتی ندارد، [دعوت] پروردگارتان را بپذیرید، [به توحید و عبادت] شما آن روز پناهی ندارید [به او پناه برید] و شما را هیچ راه انکاری نیست﴾ از گناهانتان(۴۷) ﴿پس اگر روی بگردانند [از پذیرفتن] تو را بر آنان نگهبان نفرستاده‌ایم﴾ اعمالشان را موافق آنچه می‌خواهی بسازی ﴿بر عهده تو جز رساندن [پیام الهی] نیست﴾ این پیش از امر به جهاد است ﴿و ما چون رحمتی [نعمتی مانند ثروت و تندرستی] از جانب خود به انسان بچشانیم، بدان شاد شود، و اگر به [سزای] دستاورد پیشینشان رنجی به آنان برسد﴾ (تعبیر به «اَیْدِی» برای آن است که بیشتر کارها با دست انجام می‌شود) ﴿آنگاه انسان ناسپاس [نعمت] است﴾(۴۸) ﴿فرمانروائی آسمانها و زمین از آنِ خداست، هر چه بخواهد می‌آفریند، به هرکس که بخواهد [از فرزندان] دختر می‌بخشد و به هر کس که بخواهد پسر می‌بخشد﴾(۴۹) ﴿یا هم پسر و هم دختر به آنان می‌دهد، و هرکس را که بخواهد عقیم می‌گرداند﴾ فرزند نمی‌زاید و فرزندی برایش آورده نمی‌شود ﴿بی‌گمان او دانا است﴾ به آنچه می‌آفریند ﴿تواناست﴾ بر آنچه بخواهد(۵۰) ﴿برای هیچ بشری ممکن نیست که خداوند با او سخن گوید مگر از راه وحی [در خواب یا به الهام] یا از پس پرده﴾ و بدانگونه که کلامش را به او بشنواند و او خدا را نه‌بیند چنانکه برای موسی(علیه‌السلام) واقع شد.

﴿یا [اینکه] رسولی بفرستد [فرشته‌ای] پس به اذن الله هر چه او بخواهد [به مرسل‌الیه] وحی می‌کند که او بلندمرتبه است﴾ از صفات محدثان ﴿فرزانه است﴾ در صنعش(۵۱)

قواعد آیه ۴۵ـ موصول دوم خبر انّ است.

وَكَذَٰلِكَ أَوْحَيْنَآ إِلَيْكَ رُوحًا مِّنْ أَمْرِنَا ۚ مَا كُنتَ تَدْرِي مَا ٱلْكِتَٰبُ
وَلَا ٱلْإِيمَٰنُ وَلَٰكِن جَعَلْنَٰهُ نُورًا نَّهْدِي بِهِۦ مَن نَّشَآءُ مِنْ عِبَادِنَا ۚ
وَإِنَّكَ لَتَهْدِيٓ إِلَىٰ صِرَٰطٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿٥٢﴾ صِرَٰطِ ٱللَّهِ ٱلَّذِي لَهُۥ
مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلْأَرْضِ ۗ أَلَآ إِلَى ٱللَّهِ تَصِيرُ ٱلْأُمُورُ ﴿٥٣﴾

سُورَةُ الزُّخْرُفِ

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

حمٓ ﴿١﴾ وَٱلْكِتَٰبِ ٱلْمُبِينِ ﴿٢﴾ إِنَّا جَعَلْنَٰهُ قُرْءَٰنًا عَرَبِيًّا
لَّعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿٣﴾ وَإِنَّهُۥ فِيٓ أُمِّ ٱلْكِتَٰبِ لَدَيْنَا
لَعَلِيٌّ حَكِيمٌ ﴿٤﴾ أَفَنَضْرِبُ عَنكُمُ ٱلذِّكْرَ صَفْحًا
أَن كُنتُمْ قَوْمًا مُّسْرِفِينَ ﴿٥﴾ وَكَمْ أَرْسَلْنَا مِن نَّبِيٍّ فِي
ٱلْأَوَّلِينَ ﴿٦﴾ وَمَا يَأْتِيهِم مِّن نَّبِيٍّ إِلَّا كَانُوا۟ بِهِۦ يَسْتَهْزِءُونَ
﴿٧﴾ فَأَهْلَكْنَآ أَشَدَّ مِنْهُم بَطْشًا وَمَضَىٰ مَثَلُ ٱلْأَوَّلِينَ
﴿٨﴾ وَلَئِن سَأَلْتَهُم مَّنْ خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ
خَلَقَهُنَّ ٱلْعَزِيزُ ٱلْعَلِيمُ ﴿٩﴾ ٱلَّذِي جَعَلَ لَكُمُ ٱلْأَرْضَ
مَهْدًا وَجَعَلَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا لَّعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿١٠﴾

٤٨٩

«و همانگونه» مانند وحی‌کردنمان به پیامبران دیگر «روحی را» قرآن را که به آن دلها زنده می‌شود «از امر خویش به سوی تو وحی کردیم [ای محمّد] تو پیشتر [قبل از وحی] نمی‌دانستی که کتاب [قرآن] چیست و نه ایمان را» یعنی شرایع و نشانه و معالمش را نمی‌دانستی «ولی آن را [قرآن] را نوری گردانیده‌ایم، با آن هر کس از بندگانم را که می‌خواهم هدایت می‌کنم و بی‌گمان تو را به راه راست هدایت می‌کنم» به وحیی که به تو شده است دعوت می‌کنی به دین اسلام.[۵۲] «راه خدائی که آنچه در آسمانها و زمین است» از نظر ملکیت و آفرینش و بندگی «از آنِ اوست بدان که کارها به سوی خدا باز می‌روند»[۵۳].

قواعد آیه ۵۲ـ نفی فعل «تدری» را تعلیق می‌کند از عمل و ما بعد آن به جای دو مفعول‌اند.

آیه ۵۳ـ و یعلم: به رفع ابتدای جمله است و به نصب معطوف است بر تعلیل مقدر ای یغرقهم لینقم منهم و یعلم.

سورة الزُّخرف مکیّه و قولی می‌گوید جز آیه ۴۵ پس مدنی است و آیه‌هایش ۸۹ است

بِسمِ اللهِ الرَّحمٰنِ الرَّحیمِ

«حٰم» خداوند به مرادش بدان آگاه است[۱] «سوگند به قرآن مبین» ظاهرکنندهٔ راه هدایت و آنچه از شریعت که بشر بدان نیازمند است[۲] «هر آینه ما آن را قرآنی عربی [به لغت عرب] قرار دادیم باشد [ای اهل مکه] معانی‌اش را بفهمید»[۳] «و قطعاً این قرآن در امّ الکتاب [در لوح‌المحفوظ] نزد ما بلندقدر است» بر کتابهای قبلی «دارای حکمت بالغه است»[٤] «آیا به صرف این که شما قومی مسرف [از حدّگذشته] هستید، قرآن را از شما اعراض کرده امر و نهیش را باز می‌داریم، خیر»[۵] «و چه بسیار پیامبرانی را که در میان پیشینیان فرستادیم»[۶] «و هیچ پیامبری نزد آنان نمی‌آمد مگر این که او را به استهزاء می‌گرفتند» مانند استهزای قومت نسبت به تو ـ و این دلشادکردن است برای پیغمبر(ﷺ)[۷] «پس نیرومندتر از آنان [از قومت] را از روی دست‌درازی، هلاک ساخته و صفت آنها [در هلاکتشان در آیات] پیشینیان گذشت» سرانجام قوم تو چنین است[۸] «و اگر از آنان بپرسی: آسمانها و زمین را چه کسی آفریده؟ قطعاً می‌گویند: آنها را خداوند غالب و دانا آفریده است» آخرین جواب‌شان خداوند صاحب عزت و علم است[۹] خداوند می‌افزاید: «همان کسی که این زمین را برای شما مهیا گردانید» فرش گردانید مانند گهواره برای کودک «و برای شما در زمین راهها ساخت باشد که راه یابید» به مقاصدتان در مسافرتهایتان[۱۰]

قواعد آیهٔ ۹ـ لیقولنّ: نون علامت رفع در آن حذف شده تا چند نون پشت سر هم نباشند ـ و واو ضمیر حذف شده است بدلیل التقاء دو ساکن که امکان ندارد.

وَالَّذِي نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَنشَرْنَا بِهِ بَلْدَةً مَيْتًا
كَذَلِكَ تُخْرَجُونَ ﴿١١﴾ وَالَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا وَجَعَلَ
لَكُم مِّنَ الْفُلْكِ وَالْأَنْعَامِ مَا تَرْكَبُونَ ﴿١٢﴾ لِتَسْتَوُوا عَلَى ظُهُورِهِ
ثُمَّ تَذْكُرُوا نِعْمَةَ رَبِّكُمْ إِذَا اسْتَوَيْتُمْ عَلَيْهِ وَتَقُولُوا سُبْحَانَ
الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ ﴿١٣﴾ وَإِنَّا إِلَى رَبِّنَا
لَمُنقَلِبُونَ ﴿١٤﴾ وَجَعَلُوا لَهُ مِنْ عِبَادِهِ جُزْءًا إِنَّ الْإِنسَانَ
لَكَفُورٌ مُّبِينٌ ﴿١٥﴾ أَمِ اتَّخَذَ مِمَّا يَخْلُقُ بَنَاتٍ وَأَصْفَاكُم
بِالْبَنِينَ ﴿١٦﴾ وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِمَا ضَرَبَ لِلرَّحْمَنِ مَثَلًا
ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ ﴿١٧﴾ أَوَمَن يُنَشَّأُ فِي
الْحِلْيَةِ وَهُوَ فِي الْخِصَامِ غَيْرُ مُبِينٍ ﴿١٨﴾ وَجَعَلُوا الْمَلَائِكَةَ
الَّذِينَ هُمْ عِبَادُ الرَّحْمَنِ إِنَاثًا أَشَهِدُوا خَلْقَهُمْ سَتُكْتَبُ
شَهَادَتُهُمْ وَيُسْأَلُونَ ﴿١٩﴾ وَقَالُوا لَوْ شَاءَ الرَّحْمَنُ مَا عَبَدْنَاهُم
مَّا لَهُم بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ ﴿٢٠﴾ أَمْ آتَيْنَاهُمْ
كِتَابًا مِّن قَبْلِهِ فَهُم بِهِ مُسْتَمْسِكُونَ ﴿٢١﴾ بَلْ قَالُوا
إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَى أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَى آثَارِهِم مُّهْتَدُونَ ﴿٢٢﴾

٤٩٠

﴿و همان کسی که آبی به اندازهٔ﴾ نیازتان نه به حالت طوفان ﴿از آسمان فرود آورده پس به وسیلهٔ آن سرزمینی مرده را زنده گردانیدیم، همین‌گونه﴾ مانند این زنده‌گردانیدن ﴿بیرون آورده می‌شوید﴾ از قبرهایتان به حالت زنده[11] ﴿و همان کسی که همهٔ ازواج را [اصناف را] آفرید و برای شما از کشتی‌ها و از چهارپایان [مانند شتر] آنچه را که بر آن سوار شوید قرار داد﴾[12] ﴿تا بر پشت آنها راست بنشینید، سپس چون بر آنها نشستید، نعمت پروردگارتان را یاد کنید و بگوئید: پاک است کسی که این مرکب را برای ما مسخّر ساخت وگرنه ما بر آن توانا نبودیم﴾[13] ﴿و به راستی که ما به سوی پروردگارمان باز می‌گردیم﴾[14] ﴿و برایش از بندگانش جزئی قرار دادند چون گفتند: فرشتگان، دختران خداوندند زیرا فرزند جزئی از پدر است و فرشتگان بندگان خدای بزرگ‌اند، براستی که انسان [چون چنین می‌گوید] پس ناسپاسی آشکار است﴾[15] ﴿آیا از آنچه می‌آفریند، خود دخترانی [برای خود] برگرفته و شما را به پسران برگزیده است؟﴾ که از قول گذشته‌تان لازم می‌آید و آن از جملهٔ منکرات است[16] ﴿و چون یکی از آنان به تولد آنچه برای رحمان مثل آورده خبر داده شود﴾ به سبب نسبت‌دادن دختران به او، شبیه برایش قرار داده، زیرا فرزند به پدر مشابهت دارد خلاصه معنی: هرگاه به یکی از آنها به تولد دخترش خبر داده شود ﴿چهره‌اش [از اندوه] به حالت پریشان سیاه می‌گردد، در حالی که سرشار از غم می‌باشد﴾ پس چگونه دختران به خداوند بزرگ نسبت داده شود، پاک و بلند است از آن[17] ﴿آیا کسی که در زر و زیور پرورده می‌شود و او در صف خصومت نمی‌تواند اظهار حجت کند؟﴾ چون به سبب مؤنّث‌بودن از آن عاجز است برای خدا قرارش می‌دهید[18] ﴿و مدّعی شدند که فرشتگان که خود بندگان خدای رحمانند مادینه‌اند، آیا آفرینش آنها را شاهد بوده‌اند؟ این گواهی اینان به زودی نوشته خواهد شد﴾ به اینکه آنها مادینه‌اند ﴿و پرسیده خواهند شد﴾ در آخرت دربارهٔ آن پس عقاب بر آن مترتب گردد[19] ﴿و گفتند: اگر خدای رحمان می‌خواست آنها را نمی‌پرستیدیم﴾ یعنی فرشتگان را، پس عبادت ما فرشتگان را به مشیئت اوست پس او به آن راضی است خداوند فرمود: ﴿آنان به این امر﴾ به این گفته که خدا به عبادت آنها راضی است ﴿علمی ندارند آنان جز دروغگو نیستند﴾ بدین وسیله عقاب بر آنان مترتب است[20] ﴿آیا به آنان پیش از آن [پیش از قرآن به عبادت غیرخدا] کتابی دادیم پس به آن تمسّک جویند﴾ یعنی این کار واقع نشده است[21] ﴿بلکه گفتند: ما پدران خود را بر امّتی [آدابی] یافتیم و ما بر پی آنان راه یافته‌ایم﴾ و آنان غیر خدا را عبادت می‌کردند.[22]

قواعد آیه ۱۲ـ ما ترکبون: ضمیر عائدبه موصول برای اختصار حذف شده و این ضمیر نسبت به فلک مجرور است یعنی ترکبون فیه و نسبت به انعام منصوب است یعنی ترکبونه.

آیه ۱۸ـ أوَ: همزه برای انکار است و واو عطف به جمله است یعنی أیَجترأون و یَجعلون.

وَكَذَٰلِكَ مَآ أَرۡسَلۡنَا مِن قَبۡلِكَ فِي قَرۡيَةٖ مِّن نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتۡرَفُوهَآ
إِنَّا وَجَدۡنَآ ءَابَآءَنَا عَلَىٰٓ أُمَّةٖ وَإِنَّا عَلَىٰٓ ءَاثَٰرِهِم مُّقۡتَدُونَ ٢٣
۞ قَٰلَ أَوَلَوۡ جِئۡتُكُم بِأَهۡدَىٰ مِمَّا وَجَدتُّمۡ عَلَيۡهِ ءَابَآءَكُمۡۖ قَالُوٓاْ
إِنَّا بِمَآ أُرۡسِلۡتُم بِهِۦ كَٰفِرُونَ ٢٤ فَٱنتَقَمۡنَا مِنۡهُمۡۖ فَٱنظُرۡ كَيۡفَ
كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلۡمُكَذِّبِينَ ٢٥ وَإِذۡ قَالَ إِبۡرَٰهِيمُ لِأَبِيهِ وَقَوۡمِهِۦٓ
إِنَّنِي بَرَآءٞ مِّمَّا تَعۡبُدُونَ ٢٦ إِلَّا ٱلَّذِي فَطَرَنِي فَإِنَّهُۥ سَيَهۡدِينِ
٢٧ وَجَعَلَهَا كَلِمَةَۢ بَاقِيَةٗ فِي عَقِبِهِۦ لَعَلَّهُمۡ يَرۡجِعُونَ ٢٨ بَلۡ
مَتَّعۡتُ هَٰٓؤُلَآءِ وَءَابَآءَهُمۡ حَتَّىٰ جَآءَهُمُ ٱلۡحَقُّ وَرَسُولٞ مُّبِينٞ ٢٩
وَلَمَّا جَآءَهُمُ ٱلۡحَقُّ قَالُواْ هَٰذَا سِحۡرٞ وَإِنَّا بِهِۦ كَٰفِرُونَ ٣٠ وَقَالُواْ
لَوۡلَا نُزِّلَ هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانُ عَلَىٰ رَجُلٖ مِّنَ ٱلۡقَرۡيَتَيۡنِ عَظِيمٍ ٣١ أَهُمۡ
يَقۡسِمُونَ رَحۡمَتَ رَبِّكَۚ نَحۡنُ قَسَمۡنَا بَيۡنَهُم مَّعِيشَتَهُمۡ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ
ٱلدُّنۡيَاۚ وَرَفَعۡنَا بَعۡضَهُمۡ فَوۡقَ بَعۡضٖ دَرَجَٰتٖ لِّيَتَّخِذَ بَعۡضُهُم
بَعۡضٗا سُخۡرِيّٗاۗ وَرَحۡمَتُ رَبِّكَ خَيۡرٞ مِّمَّا يَجۡمَعُونَ ٣٢ وَلَوۡلَآ
أَن يَكُونَ ٱلنَّاسُ أُمَّةٗ وَٰحِدَةٗ لَّجَعَلۡنَا لِمَن يَكۡفُرُ بِٱلرَّحۡمَٰنِ
لِبُيُوتِهِمۡ سُقُفٗا مِّن فِضَّةٖ وَمَعَارِجَ عَلَيۡهَا يَظۡهَرُونَ ٣٣

٤٩١

﴿و بدین‌گونه در هیچ آبادی‌ای پیش از تو هشداردهنده‌ای نفرستادیم مگر آن که متنعمان آن﴾ مانند قوم تو ﴿گفتند: ما پدرانمان را بر شیوه‌ای یافته‌ایم و ما از پی آنان دنباله‌رویم﴾[۲۳] ﴿گفت: آیا [به پیروی از پدرانتان پایبند می‌مانید] هر چند برایتان هدایت‌کننده‌تر از آنچه پدرانتان را بر آن یافته‌اید، آورده باشم؟ گفتند: ما به آنچه به آن رسالت یافته‌اید﴾ تو و کسان پیش از تو ﴿کافریم﴾[۲۴] خداوند برای تخویف و بیم آنها فرمود: ﴿پس از آنان انتقام گرفتیم﴾ از آنان که پیامبران پیش از تو را تکذیب کرده‌اند ﴿پس بنگر که عاقبت دروغ‌انگاران چگونه بوده است﴾[۲۵] ﴿و﴾ به یاد آور ﴿هنگامی را که ابراهیم به پدر خود و به قوم خود گفت: واقعاً من از آنچه شما می‌پرستید، بیزارم﴾[۲۶] ﴿برخلاف کسی که مرا آفرید، و البتّه همو مرا هدایت خواهد کرد﴾ به سوی خویش[۲۷] ﴿و او آن را﴾ کلمه توحید را که از گفته‌اش: «اِنّی ذاهبٌ الی ربّیَ سیهدینِ» مفهوم می‌شود ﴿در پی خود﴾ در ذرّیتش که همیشه در میان فرزندانش کسان موحد بوده‌اند ﴿سخنی ماندگار کرده باشد تا آنان﴾ اهل مکّه از آنچه برآنند، به سوی دین پدرشان ابراهیم ﴿بازگردند﴾[۲۸] ﴿بلکه آنان [مشرکان] و پدرانشان را برخوردار ساختیم﴾ به عقوبتشان شتاب ننمودیم ﴿تا اینکه قرآن و پیامبری آشکار به سوی‌شان آمد﴾ احکام شریعت را برایشان بیان فرمود و او محمّد(ﷺ) است[۲۹] ﴿و چون حق [قرآن] به سویشان آمد گفتند: این جادوئی است و ما به آن کافریم﴾[۳۰] ﴿و گفتند: چرا این قرآن بر مردی بزرگ از [یکی] از آن دو شهر فرستاده نشد﴾ یعنی ولیدبن مغیره در مکه یا عروة بن مسعود ثقفی در طائف[۳۱] ﴿آیا آنانند که رحمت پروردگارت را [پیامبری را] تقسیم می‌کنند، ما معاش آنان را در زندگانی دنیا میانشان تقسیم کرده‌ایم﴾ بعضی را ثروتمند و بعضی را فقیر گردانیده‌ایم ﴿و برخی از آنان را بر برخی دیگر [با داشتن اموال] برتر گردانیده‌ایم، تا برخی [ثروتمند] از آنان برخی دیگر را به خدمت گیرد [در کارگری با اجرت] و رحمت پروردگارت [یعنی بهشت] از آنچه فراهم می‌کنند [در دنیا] بهتر است﴾[۳۲] ﴿و اگر نه آن بود که همهٔ مردم امّت یگانه‌ای شوند﴾ بر کفر ﴿قطعاً برای خانه‌های کسانی که به خداوند رحمان کفر می‌ورزند، سقفهائی از نقره قرار می‌دادیم و نیز نردبانهائی که بر آنها بالا روند﴾[۳۳]

قواعد آیه ۳۳ـ سقفاً به فتح سین و سکون قاف به ضمّ هر دو بصورت جمع.

وَلِبُيُوتِهِمْ أَبْوَٰبًا وَسُرُرًا عَلَيْهَا يَتَّكِـُٔونَ ﴿٣٤﴾ وَزُخْرُفًا وَإِن
كُلُّ ذَٰلِكَ لَمَّا مَتَٰعُ ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا وَٱلْـَٔاخِرَةُ عِندَ رَبِّكَ
لِلْمُتَّقِينَ ﴿٣٥﴾ وَمَن يَعْشُ عَن ذِكْرِ ٱلرَّحْمَٰنِ نُقَيِّضْ لَهُۥ شَيْطَٰنًا
فَهُوَ لَهُۥ قَرِينٌ ﴿٣٦﴾ وَإِنَّهُمْ لَيَصُدُّونَهُمْ عَنِ ٱلسَّبِيلِ وَيَحْسَبُونَ
أَنَّهُم مُّهْتَدُونَ ﴿٣٧﴾ حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءَنَا قَالَ يَٰلَيْتَ بَيْنِى وَبَيْنَكَ
بُعْدَ ٱلْمَشْرِقَيْنِ فَبِئْسَ ٱلْقَرِينُ ﴿٣٨﴾ وَلَن يَنفَعَكُمُ ٱلْيَوْمَ
إِذ ظَّلَمْتُمْ أَنَّكُمْ فِى ٱلْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ ﴿٣٩﴾ أَفَأَنتَ تُسْمِعُ
ٱلصُّمَّ أَوْ تَهْدِى ٱلْعُمْىَ وَمَن كَانَ فِى ضَلَٰلٍ مُّبِينٍ ﴿٤٠﴾
فَإِمَّا نَذْهَبَنَّ بِكَ فَإِنَّا مِنْهُم مُّنتَقِمُونَ ﴿٤١﴾ أَوْ نُرِيَنَّكَ ٱلَّذِى
وَعَدْنَٰهُمْ فَإِنَّا عَلَيْهِم مُّقْتَدِرُونَ ﴿٤٢﴾ فَٱسْتَمْسِكْ بِٱلَّذِىٓ أُوحِىَ
إِلَيْكَ إِنَّكَ عَلَىٰ صِرَٰطٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿٤٣﴾ وَإِنَّهُۥ لَذِكْرٌ لَّكَ وَلِقَوْمِكَ
وَسَوْفَ تُسْـَٔلُونَ ﴿٤٤﴾ وَسْـَٔلْ مَنْ أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِكَ مِن رُّسُلِنَآ
أَجَعَلْنَا مِن دُونِ ٱلرَّحْمَٰنِ ءَالِهَةً يُعْبَدُونَ ﴿٤٥﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا
مُوسَىٰ بِـَٔايَٰتِنَآ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَإِي۟هِۦ فَقَالَ إِنِّى رَسُولُ
رَبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿٤٦﴾ فَلَمَّا جَآءَهُم بِـَٔايَٰتِنَآ إِذَا هُم مِّنْهَا يَضْحَكُونَ ﴿٤٧﴾

٤٩٢

و برای خانه‌هایشان درها و تختهائی از نقره ﴿قرار می‌دادیم که بر آنها تکیه زنند﴾[۳۴] ﴿و زر و زیورها قرار می‌دادیم﴾ یعنی اگر بیم کافرشدن بر مؤمنان نبود از عطاکردن این اشیای سیمین و زرّین، تمام اشیای سیمین و زرّین را به کافران می‌دادیم زیرا مال دنیا هر چند باشد نزد ما اندک است و در آخرت سهمی از نعمت ندارند ﴿و همهٔ اینها جز متاع زندگی دنیا نیست﴾ که در آن بدان بهره‌مند می‌شود سپس نمی‌ماند ﴿و آخرت [یعنی بهشت] نزد پروردگارت از آنِ پرهیزکاران است﴾[۳۵] ﴿و هرکس از ذکر رحمان [یعنی قرآن] اعراض کند، بر او شیطانی می‌گماریم پس آن شیطان برایش همنشین است﴾ از او جدا نمی‌شود[۳۶] ﴿و مسلّماً آنها [شیاطین] آنان را از راه [هدایت] باز می‌دارند و می‌پندارند که خود ره یافته‌اند﴾[۳۷] ﴿تا آنگاه [اعراض‌کنندگان] نزد ما آیند﴾ به شیطان خود ﴿می‌گوید: ای کاش میان من و تو فاصله مشرق و مغرب بود پس چه بد همنشینی هستی﴾ تو برای من[۳۸] خداوند فرمود: ﴿و امروز هرگز﴾ ای غافلان پشیمانی و تمنّا ﴿سودتان نمی‌دهد، چرا که ستم ورزیده‌اید﴾ بر خود در دنیا به شرک‌ورزیدن به خدای سبحان ﴿در حقیقت شما [با همنشیناتتان] در عذاب مشترک هستند﴾ سودی ندارند[۳۹] ﴿پس آیا تو [ای محمّد(ﷺ)] می‌توانی کران را بشنوانی، یا کوران را راه می‌توانی نمود﴾ ﴿و﴾ آیا می‌توانی هدایت کنی ﴿کسی را که همواره در گمراهی آشکاری است؟﴾ یعنی ایمان نمی‌آورند[۴۰] ﴿پس اگر ما تو را از دنیا ببریم﴾ تو را پیش از عذاب‌دادن آنها، بمیرانیم ﴿پس قطعاً از آنان انتقام می‌کشیم﴾ در آخرت[۴۱] ﴿یا اگر آنچه را به آنان وعده داده‌ایم﴾ از عذاب ﴿به تو﴾ قبل از مرگ ﴿نشان دهیم، در هر صورت ما قطعاً بر﴾ عذاب ﴿آنان توانائیم﴾[۴۲] ﴿پس به آنچه به سوی تو وحی شده است﴾ از قرآن ﴿چنگ در زن هر آینه تو بر راه راست قرار داری﴾[۴۳] ﴿و به راستی آن [قرآن ذکری است برای آبروی] تو و قومت﴾ چون به زبان آنان نازل شده است ﴿و به زودی پرسیده خواهید شد﴾ از قیام‌نمودن به حق آن[۴۴] ﴿و از پیامبران ما که پیش از تو فرستاده‌ایم، جویا شو؛ آیا به جای خدای رحمان خدایانی که مورد پرستش قرار گیرند، مقرّر داشته‌ایم﴾ قولی می‌گوید: ظاهر معنا قصد شده است: بدینگونه که در شب معراج پیامبران برای آن [پرسش] جمع شده‌اند، و قولی می‌گوید: مراد امتهاست، یعنی اهل توراتِ و انجیل، و بنابر هیچکدام از دو قول این پرسش نشده است زیرا مراد از امرکردن به سؤال اثبات قضیّه است برای مشرکان که پیامبری یا کتابی از طرف خداوند به عبادت غیرخدا نیامده است[۴۵] ﴿و همانا موسی را با آیات خود به سوی فرعون و مَلاء او [یعنی قبطیهای دور و برش] فرستادیم، پس گفت: همانا من فرستادهٔ پروردگار عالمیانم﴾[۴۶] ﴿پس چون آیات ما را [که بر پیامبری‌اش دلالت دارد] برایشان آورد، بناگاه آنان بر آنها خنده زدند﴾[۴۷]

قواعد آیه ۳۵ـ و إنْ کلُّ ذلك لمّا: إن مخفف است و مای «لَما»ی مخفّف زائد است یا إنْ نافیه است و ما تشدید دارد پس لمّا بمعنی الاست.

آیه ۳۷ـ در ضمیرهای جمع در آیه ۳۷ رعایت معنای مَنْ در آیه ۳۶ شده است.

وَمَا نُرِيهِم مِّنْ ءَايَةٍ إِلَّا هِيَ أَكْبَرُ مِنْ أُخْتِهَا وَأَخَذْنَٰهُم
بِٱلْعَذَابِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿٤٨﴾ وَقَالُواْ يَٰٓأَيُّهَ ٱلسَّاحِرُ ٱدْعُ لَنَا
رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِندَكَ إِنَّنَا لَمُهْتَدُونَ ﴿٤٩﴾ فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمُ
ٱلْعَذَابَ إِذَا هُمْ يَنكُثُونَ ﴿٥٠﴾ وَنَادَىٰ فِرْعَوْنُ فِي قَوْمِهِۦ
قَالَ يَٰقَوْمِ أَلَيْسَ لِي مُلْكُ مِصْرَ وَهَٰذِهِ ٱلْأَنْهَٰرُ تَجْرِي مِن
تَحْتِيٓ أَفَلَا تُبْصِرُونَ ﴿٥١﴾ أَمْ أَنَا۠ خَيْرٌ مِّنْ هَٰذَا ٱلَّذِي هُوَ مَهِينٌ
وَلَا يَكَادُ يُبِينُ ﴿٥٢﴾ فَلَوْلَآ أُلْقِيَ عَلَيْهِ أَسْوِرَةٌ مِّن ذَهَبٍ أَوْ جَآءَ
مَعَهُ ٱلْمَلَٰٓئِكَةُ مُقْتَرِنِينَ ﴿٥٣﴾ فَٱسْتَخَفَّ قَوْمَهُۥ
فَأَطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُواْ قَوْمًا فَٰسِقِينَ ﴿٥٤﴾ فَلَمَّآ ءَاسَفُونَا
ٱنتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَٰهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٥٥﴾ فَجَعَلْنَٰهُمْ
سَلَفًا وَمَثَلًا لِّلْءَاخِرِينَ ﴿٥٦﴾ ۞ وَلَمَّا ضُرِبَ ٱبْنُ مَرْيَمَ
مَثَلًا إِذَا قَوْمُكَ مِنْهُ يَصِدُّونَ ﴿٥٧﴾ وَقَالُوٓاْ ءَأَٰلِهَتُنَا
خَيْرٌ أَمْ هُوَ مَا ضَرَبُوهُ لَكَ إِلَّا جَدَلَۢا بَلْ هُمْ قَوْمٌ خَصِمُونَ ﴿٥٨﴾
إِنْ هُوَ إِلَّا عَبْدٌ أَنْعَمْنَا عَلَيْهِ وَجَعَلْنَٰهُ مَثَلًا لِّبَنِيٓ إِسْرَٰٓءِيلَ
﴿٥٩﴾ وَلَوْ نَشَآءُ لَجَعَلْنَا مِنكُم مَّلَٰٓئِكَةً فِي ٱلْأَرْضِ يَخْلُفُونَ ﴿٦٠﴾

﴿و ما هیچ نشانه‌ای به آنان نمی‌نمودیم﴾ از آیات عذاب مانند طوفان و آن آبی است که به خانه‌هایشان داخل شده و تا گلوی آنان که نشسته‌اند بالا آمده و مدّت هفت شبانه روز قرار داشته است و هجوم ملخ گریبانگیرشان شده است ﴿مگر این که آن از نظیر آن [که از پیش بوده] بزرگ‌تر بود و به عذاب گرفتارشان کردیم، تا مگر به راه آیند﴾ از کفر برگردند[۴۸] ﴿و گفتند﴾ به موسی هنگامی که عذاب را دیدند ﴿ای ساحر﴾ ای دانشمند کامل در سحر، چون سحر نزد آنان علم عظیمی بود ﴿پروردگارت را به آنچه با تو عهد کرده﴾ از دفع عذاب از ما اگر ایمان آوریم ﴿برای ما بخوان زیرا ما راه‌یافتگانیم﴾ یعنی ایمان داریم[۴۹] ﴿پس چون عذاب را [به دعای موسی] از آنان برداشتیم، بناگاه آنان عهد را شکستند﴾ و بر کفرشان اصرار می‌کنند[۵۰] ﴿و فرعون [با افتخار] در میان قوم خود ندا در داد گفت: ای قوم من! آیا فرمانروایی مصر و این رودخانه‌ها [از نیل] که از زیر کاخهای من روان است از آن من نیست؟ پس مگر نمی‌بینید؟﴾ عظمتم را[۵۱] ﴿بلکه می‌بینید و در اینصورت ﴿من از این [از موسی] که او خوار و ضعیف است بهترم و نزدیک نیست که واضح بگوید﴾ سخنش را روشن بگوید به دلیل لکنتی است از اخگر آتش که به دهانش نهاد در زمان کودکی‌اش[۵۲] ﴿پس چرا دستبندهای زرّین بر او فرود آورده نشد؟﴾ اگر راست می‌گوید مانند عادتشان دربارهٔ آنان که آقای خودشان می‌نمودند دستبندهای زرّین را بر او می‌پوشیدند و گردن‌بندهای زرّین به گردنش می‌بستند ﴿یا چرا همراه او فرشتگان پیوست شده همراه او نیامده‌اند؟﴾ به راستی او گواهی دهند[۵۳] ﴿پس﴾ فرعون عقل ﴿قوم خویش را سبک ساخت و از او اطاعت کردند﴾ در آنچه اراده کرد از تکذیب موسی(عَلَيْهِ السَّلَامُ) ﴿به راستی آنها قومی فاسق بودند﴾[۵۴] ﴿و چون ما را به خشم درآوردند از آنان انتقام گرفتیم و آنان را همه یکجا غرق کردیم﴾[۵۵] ﴿و آنان را پیشرو گردانیدیم﴾ در استحقاق عذاب تا عبرتی باشند ﴿و مثلی برای آیندگان﴾ پس از آنها، حال‌شان را مانند حال آنان قرار دهند پس بر کارهائی مانند کار آنها اقدام نکنند.[۵۶] و هنگامی که قول خداوند آیه ۹۸ سورهٔ انبیاء نازل شد: «إِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللهِ حَصَبُ جَهَنَّمَ» شما و آنچه به جای خداوند می‌پرستید، هیزم جهنّم‌اند، مشرکان گفتند ما خوشحالیم که خدایانمان با عیسی باشد چون او به جای خداوند مورد پرستش قرار گرفته است این آیه نازل شد: ﴿و هنگامی که [از سوی مشرکان] مثل زده شد به پسر مریم بناگاه قوم تو [مشرکان] از آن مثل بانگ برمی‌دارند﴾ می‌خندند از شادی به آنچه شنیده‌اند ابن زبعری گفت: ما بر محمّد(ﷺ) غالب آمده‌ایم چون عیسی به جای خدا عبادت کرده شده پس خدایان ما در دوزخ با عیسی می‌باشند[۵۷] ﴿و گفتند: آیا خدایان ما بهترند یا عیسی؟﴾ پس ما شادیم خدایانمان در دوزخ با عیسی باشند ﴿آن مثل را جز از راه جدل برای تو نزدند﴾ به باطل دشمنی می‌کنند زیرا آنها می‌دانند که حرف «ما» در آیه: (إِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ الخ) برای غیرعقلاست بر عیسی(عَلَيْهِ السَّلَامُ) شامل نمی‌آید ﴿بلکه آنان مردمی ستیزه‌جویند﴾ سخت دشمنی می‌کنند[۵۸] ﴿عیسی جز بنده‌ای نیست که بر وی انعام کرده‌ایم [به پیامبری] و او را﴾ به وسیلهٔ وجودش بدون پدر ﴿برای بنی اسرائیل مثلی ساختیم﴾ یعنی مانند مثل که به وسیله غرابتش بر قدرت خداوند بزرگ بر تمام اشیاء به آن استدلال می‌کنیم[۵۹] ﴿و اگر بخواهیم، البته به جای شما فرشتگانی در روی زمین که جانشین شما گردند، [بدانگونه که شما را هلاک کنیم] پدید می‌آوریم﴾[۶۰]

وَإِنَّهُۥ لَعِلْمٌ لِّلسَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرُنَّ بِهَا وَٱتَّبِعُونِ ۚ هَٰذَا صِرَٰطٌ
مُّسْتَقِيمٌ ﴿٦١﴾ وَلَا يَصُدَّنَّكُمُ ٱلشَّيْطَٰنُ ۖ إِنَّهُۥ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ
﴿٦٢﴾ وَلَمَّا جَآءَ عِيسَىٰ بِٱلْبَيِّنَٰتِ قَالَ قَدْ جِئْتُكُم بِٱلْحِكْمَةِ
وَلِأُبَيِّنَ لَكُم بَعْضَ ٱلَّذِى تَخْتَلِفُونَ فِيهِ ۖ فَٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ وَأَطِيعُونِ
﴿٦٣﴾ إِنَّ ٱللَّهَ هُوَ رَبِّى وَرَبُّكُمْ فَٱعْبُدُوهُ ۚ هَٰذَا صِرَٰطٌ مُّسْتَقِيمٌ
﴿٦٤﴾ فَٱخْتَلَفَ ٱلْأَحْزَابُ مِنۢ بَيْنِهِمْ ۖ فَوَيْلٌ لِّلَّذِينَ ظَلَمُوا۟
مِنْ عَذَابِ يَوْمٍ أَلِيمٍ ﴿٦٥﴾ هَلْ يَنظُرُونَ إِلَّا ٱلسَّاعَةَ أَن
تَأْتِيَهُم بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٦٦﴾ ٱلْأَخِلَّآءُ يَوْمَئِذٍۭ
بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا ٱلْمُتَّقِينَ ﴿٦٧﴾ يَٰعِبَادِ لَا خَوْفٌ
عَلَيْكُمُ ٱلْيَوْمَ وَلَآ أَنتُمْ تَحْزَنُونَ ﴿٦٨﴾ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ بِـَٔايَٰتِنَا
وَكَانُوا۟ مُسْلِمِينَ ﴿٦٩﴾ ٱدْخُلُوا۟ ٱلْجَنَّةَ أَنتُمْ وَأَزْوَٰجُكُمْ
تُحْبَرُونَ ﴿٧٠﴾ يُطَافُ عَلَيْهِم بِصِحَافٍ مِّن ذَهَبٍ وَأَكْوَابٍ ۖ
وَفِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ ٱلْأَنفُسُ وَتَلَذُّ ٱلْأَعْيُنُ ۖ وَأَنتُمْ فِيهَا
خَٰلِدُونَ ﴿٧١﴾ وَتِلْكَ ٱلْجَنَّةُ ٱلَّتِىٓ أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنتُمْ
تَعْمَلُونَ ﴿٧٢﴾ لَكُمْ فِيهَا فَٰكِهَةٌ كَثِيرَةٌ مِّنْهَا تَأْكُلُونَ ﴿٧٣﴾

٤٩٤

﴿و همانا او [یعنی عیسی] نشانه‌ای برای قیامت است﴾ نزول او علائم قیامت است ﴿پس زنها در آن تردید نکنید، و﴾ به آنها بگو: ﴿از من پیروی کنید [بر توحید] این است راه راست﴾ که به شما امر می‌کنم ﴿راه راست﴾[۶۱] ﴿و مبادا شیطان شما را از راه به در برد﴾ از دین خدا شما را باز گرداند ﴿زیرا او برای شما دشمن آشکار است﴾[۶۲] ﴿چون عیسی بیّنات﴾ معجزات و شریعتها را ﴿آورد، گفت: به راستی برای شما حکمت آوردم﴾ پیامبری و شریعتهای انجیل ﴿و تا برای شما بعضی از آنچه را که در آن اختلاف می‌کنید﴾ از احکام تورات از امر دین و جز آن ﴿روشن سازم﴾ پس امر دین را برایشان بیان کرد ﴿پس از خدا پروا دارید و از من اطاعت کنید﴾[۶۳] ﴿در حقیقت خداست که پروردگار من و پروردگار شماست پس او را بپرستید﴾[۶۴] ﴿پس احزاب از میانشان اختلاف کردند﴾ دربارهٔ عیسی آیا خداست یا پسر خداست یا سوم از سه تاست ﴿پس ویل [وای] بر کسانی باد که ستم کردند﴾ کافر شدند به وسیله آنچه دربارهٔ عیسی گفتند وای بر آنها ﴿از عذاب روزی دردناک﴾[۶۵] ﴿آیا انتظار می‌کشند﴾ کفار مکّه یعنی انتظار نمی‌کشند ﴿جز قیامت را که به ناگاه به سراغشان آید در حالی که آنان ناآگاه باشند﴾ به وقت آمدنش[۶۶] ﴿دوستان﴾ که بر انجام‌دادن معصیت در دنیا متّفق بودند، ﴿در آن روز بعضی دشمن بعضی دیگرند، مگر پرهیزکاران﴾ که برای خدا و بر طاعتش همدیگر را دوست دارند براستی آنان دوستان همند[۶۷] و به آنان گفته می‌شود: ﴿ای بندگان من! امروز نه بیمی بر شماست و نه اندوهگین می‌شوید﴾[۶۸] ﴿همان کسانی که به آیات ما ایمان آورده [به قرآن] و تسلیم بودند﴾[۶۹] ﴿شما و همسران‌تان به بهشت درآیید شادمانه و مکرّم﴾[۷۰] ﴿سینی‌هایی پهن و دراز از زرّ بر آنان می‌گردانند و کوزه‌های﴾ بدون دسته تا نوشنده از هر طرف بخواهد بنوشد ﴿و در آنجا آنچه دلها آن را بخواهد و دیدگان از دیدن آنها لذّت برد هست و شما در آن جاودانید﴾[۷۱] ﴿و این است همان بهشتی که به پاداش آنچه می‌کردید، میراث یافتید﴾[۷۲] ﴿در آنجا برای شما میوه‌های بسیار است که [از بعضی] از آنها می‌خورید﴾ و آنچه خورده می‌شود به جای آن میوه است[۷۳][۱]

۱ـ عن أبی امامة(رضی الله عنه) عن النبیّ(ﷺ) قال ما ضلّ قومٌ بعد هدیً کانوا علیه الاّ أوتوا الْجَدلَ، ثم تلا رسول الله(ﷺ) هذه الایة «ما ضربوه لك إلاّ جدلاً بل هم قومٌ خصمون».

از ابی امامة(رضی الله عنه) منقول است پیغمبر(ﷺ) فرمود: هیچ قومی پس از هدایتی که بر آن بوده‌اند، گمراه نشده‌اند جز به وسیلهٔ مجادله و جدل‌نمودن سپس این آیه ۵۸ را خواند. [معنی آیه در متن ترجمه است] حدیث را ترمذی روایت کرده است.

إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي عَذَابِ جَهَنَّمَ خَالِدُونَ ﴿٧٤﴾ لَا يُفَتَّرُ عَنْهُمْ وَهُمْ
فِيهِ مُبْلِسُونَ ﴿٧٥﴾ وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَٰكِن كَانُوا هُمُ الظَّالِمِينَ ﴿٧٦﴾
وَنَادَوْا يَا مَالِكُ لِيَقْضِ عَلَيْنَا رَبُّكَ قَالَ إِنَّكُم مَّاكِثُونَ ﴿٧٧﴾ لَقَدْ
جِئْنَاكُم بِالْحَقِّ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَكُمْ لِلْحَقِّ كَارِهُونَ ﴿٧٨﴾ أَمْ أَبْرَمُوا أَمْرًا
فَإِنَّا مُبْرِمُونَ ﴿٧٩﴾ أَمْ يَحْسَبُونَ أَنَّا لَا نَسْمَعُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُم بَلَىٰ
وَرُسُلُنَا لَدَيْهِمْ يَكْتُبُونَ ﴿٨٠﴾ قُلْ إِن كَانَ لِلرَّحْمَٰنِ وَلَدٌ فَأَنَا أَوَّلُ
الْعَابِدِينَ ﴿٨١﴾ سُبْحَانَ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبِّ الْعَرْشِ
عَمَّا يَصِفُونَ ﴿٨٢﴾ فَذَرْهُمْ يَخُوضُوا وَيَلْعَبُوا حَتَّىٰ يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ
الَّذِي يُوعَدُونَ ﴿٨٣﴾ وَهُوَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ إِلَٰهٌ وَفِي الْأَرْضِ
إِلَٰهٌ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ ﴿٨٤﴾ وَتَبَارَكَ الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ
وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَعِندَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ
﴿٨٥﴾ وَلَا يَمْلِكُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِهِ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَن
شَهِدَ بِالْحَقِّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿٨٦﴾ وَلَئِن سَأَلْتَهُم مَّنْ خَلَقَهُمْ
لَيَقُولُنَّ اللَّهُ فَأَنَّىٰ يُؤْفَكُونَ ﴿٨٧﴾ وَقِيلِهِ يَا رَبِّ إِنَّ هَٰؤُلَاءِ قَوْمٌ
لَّا يُؤْمِنُونَ ﴿٨٨﴾ فَاصْفَحْ عَنْهُمْ وَقُلْ سَلَامٌ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ﴿٨٩﴾

«بی‌گمان مجرمان در عذاب دوزخ ماندگارند»[٧٤] «[این عذاب] از آنان تخفیف نمی‌یابد و آنها در آنجا نومیدند» ساکتند سکوت یأس[٧٥] «و ما بر آنان ستم نکردیم بلکه خود ستمکار بودند»[٧٦] «و ندا در دهند که: ای مالک [خازن دوزخ] بگو: پروردگارت بر ما حکم کند» ما را بمیراند مالک دوزخ پس از هزار سال «پاسخ می‌دهد همانا شما ماندگارید» همیشه در عذاب[٧٧] خداوند می‌فرماید: «و قطعاً [ای اهل مکه] حقّ را برایتان آوردیم» بر زبان پیغمبر «لیکن بیشتر شما حق را ناخواهان هستید»[٧٨] «آیا بر کاری ابرام ورزیده‌اند» یعنی کفار مکّه دربارهٔ (امری) در کید و نیرنگ بر علیه پیامبر(ﷺ) محکم‌کاری کرده‌اند «پس ما نیز ابرام می‌ورزیم» کید خود را در هلاک‌نمودنشان محکم می‌کنیم.[٧٩] «آیا می‌پندارند که ما راز و نجواشان» آنچه پنهانی در خلوت گویند و آنچه آشکارا با هم نجوی می‌کنند «را نمی‌شنویم، چرا؛» آن را می‌شنویم «و فرستادگان ما» فرشتگان «پیش آنان می‌نویسند» آن را[٨٠] «بگو: اگر [به فرض] برای خدای رحمان فرزندی بود، من نخستین پرستندگان بودم» برای آن فرزند ولی ثابت شده که فرزند ندارد پس عبادتش منتفی است[٨١] «منزّه است پروردگار آسمانها و زمین، صاحب عرش [کرسی] از آنچه می‌گویند» از نسبت‌دادن فرزند به او تعالی به دروغ.[٨٢] «پس آنان را رها کن تا ژاژخایی کنند [در باطلشان] و بازی‌گوشی کنند [در دنیاشان] تا به دیدار آن روزشان که بدان وعده داده می‌شوند، برسند» و آن روز قیامت است و در آن است عذاب[٨٣] «و اوست که هم در آسمان خداست و هم در زمین خداست و هموست حکیم [در تدبیر خلقش] علیم است» به مصالحشان[٨٤] «و بسیار بابرکت کسی است که فرمانروایی آسمانها و زمین و آنچه در میان آنهاست از آن اوست و علم قیامت [کی برپا شود] پیش اوست و به سوی او برگردانیده می‌شوید»[٨٥] «و کسانی [کافران] که به جز او تعالی به پرستش می‌خوانند، دارای شفاعت نیستند [برای کسی] مگر آن کسانی که به حقّ گواهی داده باشند» یعنی گفته است: لا إله إلاّ الله: معبود به حقّی جز خدا نیست «در حالی که می‌دانند» به ته دلشان آنچه را به زبان بدان گواهی داده‌اند، و آنان عیسی و عزیر و فرشتگانند پس اینان اجازه داده می‌شوند برای مؤمنان شفاعت کنند[٨٦] «و اگر از آنان بپرسی: چه کسی آنها را آفریده؟ مسلّماً خواهند گفت: الله پس از کجا بازگردانیده می‌شوند؟» از عبادت الله[٨٧] (و) علم و آگاهی به قیامت نزد اوست. و نیز علم: «این سخن او» یعنی سخن محمّد(ﷺ) که می‌گوید: «پروردگارا هر آینه اینان قومی هستند که ایمان نمی‌آورند»[٨٨] خداوند فرمود: «پس از آنان اعراض کن و بگو: سلام» یعنی کار ما تا مدتی مسالمت و متارکه است و این پیش از امر به قتال است «پس زودا که بدانند» تهدید است برای آنها[٨٩].

قواعد آیه ٨٧ـ وقیله: عطف است بر الساعة در آیه ٨٥ مجرور است و نصبش بنابر مصدر بودنش منصوب به فعل مقدرش.

سورة الدُّخان مکّی است جز آیه ۱۵ و آیه‌هایش ۵۶ یا ۵۷ یا ۵۹ می‌باشد



سُورَةُ الدُّخَانِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

حمٓ ﴿١﴾ وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ ﴿٢﴾ إِنَّا أَنزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةٍ
مُّبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ ﴿٣﴾ فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ ﴿٤﴾
أَمْرًا مِّنْ عِندِنَا إِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ ﴿٥﴾ رَحْمَةً مِّن رَّبِّكَ إِنَّهُ هُوَ
السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٦﴾ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا
إِن كُنتُم مُّوقِنِينَ ﴿٧﴾ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ رَبُّكُمْ
وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ ﴿٨﴾ بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ يَلْعَبُونَ
﴿٩﴾ فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُّبِينٍ ﴿١٠﴾ يَغْشَى
النَّاسَ هَٰذَا عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١١﴾ رَّبَّنَا اكْشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ
إِنَّا مُؤْمِنُونَ ﴿١٢﴾ أَنَّىٰ لَهُمُ الذِّكْرَىٰ وَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مُّبِينٌ ﴿١٣﴾
ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ وَقَالُوا مُعَلَّمٌ مَّجْنُونٌ ﴿١٤﴾ إِنَّا كَاشِفُو الْعَذَابِ قَلِيلًا
إِنَّكُمْ عَائِدُونَ ﴿١٥﴾ يَوْمَ نَبْطِشُ الْبَطْشَةَ الْكُبْرَىٰ إِنَّا مُنتَقِمُونَ
﴿١٦﴾ ۞ وَلَقَدْ فَتَنَّا قَبْلَهُمْ قَوْمَ فِرْعَوْنَ وَجَاءَهُمْ رَسُولٌ
كَرِيمٌ ﴿١٧﴾ أَنْ أَدُّوا إِلَيَّ عِبَادَ اللَّهِ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ﴿١٨﴾

٤٩٦

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيم

﴿حٰمٓ﴾ خداوند داناتر است به مرادش به آن(۱) ﴿سوگند به قرآن مبین﴾ ظاهرکنندهٔ حلال و حرام.(۲) ﴿ما آن را در شبی مبارک نازل کردیم﴾ و آن شب قدر یا شب نیمهٔ شعبان است قرآن در آن از لوح‌المحفوظ از آسمان هفتم به آسمان دنیا نازل شد ﴿هر آینه ما بیم‌دهنده بودیم﴾ بوسیلهٔ آن(۳) ﴿در آن﴾ یعنی در لیلةالقدر یا در شب نیمهٔ شعبان ﴿هر کار استواری فیصله می‌یابد﴾ از ارزاق و اجلها و جز آنها که در آن سال تا مانند آن شب(۴) ﴿وحیی است﴾ جداکنندهٔ حق از باطل ﴿از نزد ما قطعاً ما فرستنده بودیم﴾ پیامبران را، محمّد و پیامبران پیش از او(۵) ﴿رأفتی است از سوی پروردگارت﴾ به آنها که پیامبران به سویشان فرستاده شده‌اند ﴿بی‌گمان او شنواست﴾ به گفتارشان ﴿داناست﴾ به کردارشان(۶) ﴿پروردگار آسمانها و زمین و آنچه در میان آنهاست اگر [شما ای اهل مکّه] یقین دارید﴾ به آن که او تعالی پروردگار آسمانها و زمین است پس یقین داشته باشید به این که محمد فرستادهٔ اوست.(۷) ﴿خدائی جز او نیست، او زنده می‌کند و می‌میراند، پروردگار شما و پروردگار پدران پیشین شماست﴾(۸) ﴿ولی نه، آنها در شکّی هستند﴾ از بعث ﴿بازی می‌کنند﴾ شوخی می‌کنند به تو ای محمّد، در اقرار به خالقیّت خداوند شک دارند، پس فرمود: خدایا مرا به هفت خشکسالی مانند هفت سالهای یوسف کمک کن(۹) خداوند فرمود: ﴿پس منتظر باش روزی را که آسمان دودی نمایان برمی‌آورد﴾ پس زمین خشک شد و قحطی روی داد به گرسنگی سخت گرفتار شدند تا حدّی که از شدّت آن چشمانشان تار شده که میان آسمان و زمین را سیاه و دودآلود می‌دیدند ـ(۱۰) ﴿که مردم را فرو می‌گیرد﴾ پس گفتند: ﴿این است عذاب دردناک﴾(۱۱) ﴿پروردگارا این عذاب را از ما دور کن به راستی ما مؤمن می‌شویم﴾ پیغمبرت را تصدیق می‌کنیم(۱۲) خداوند فرمود: ﴿آنان چگونه پند می‌گیرند﴾ یعنی هنگام نزول عذاب ایمان‌آوردن به آنها سود نرساند ﴿به یقین برای آنان پیامبری روشنگر آمده است﴾ رسالتش آشکار است(۱۳) ﴿پس از او روی برتافتند و گفتند: او تعلیم‌یافته‌ای است﴾ بشری قرآن را به او یاد داده است ﴿دیوانه است﴾(۱۴) ﴿ما این عذاب را﴾ گرسنگی را از شما زمان ﴿اندکی دور می‌کنیم﴾ پس عذاب را از آنها دور کرد، ﴿ولی شما در حقیقت باز می‌گردید﴾ به سوی کفرتان پس بدان بازگشتند(۱۵) ﴿روزی که آنان را به گرفتنِ بزرگ‌تر [سخت‌تر] فرو می‌گیریم﴾ و آن روز بدر است ﴿قطعاً ما انتقام گیرنده‌ایم﴾ از آنان ـ بطشة یعنی سخت‌گرفتن.(۱۶)

﴿و به یقین ما پیش از آنان قوم فرعون را [با او] آزمودیم و پیامبری گرامی برایشان آمد﴾ و او موسی(علیه‌السلام) است نزد خدا گرامی است(۱۷) ﴿که﴾ به آنان گفت: آنچه شما را بدان دعوت می‌کنم از ایمان‌آوردن ﴿برایم به جای آورید﴾ یعنی ایمانتان را برایم آشکار کنید ای ﴿بندگان خدا به راستی من برای شما پیامبری امین هستم﴾ بر آنچه بدان فرستاده شده‌ام(۱۸)

قواعد آیه ۷ـ رَبّ: به رفع خبر سوم است برای هُوَ در آیه پیش، و به جرّ بدل است از «ربّك».

وَأَن لَّا تَعْلُوا عَلَى اللَّهِ إِنِّي آتِيكُم بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ ﴿١٩﴾ وَإِنِّي عُذْتُ
بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ أَن تَرْجُمُونِ ﴿٢٠﴾ وَإِن لَّمْ تُؤْمِنُوا لِي فَاعْتَزِلُونِ ﴿٢١﴾ فَدَعَا
رَبَّهُ أَنَّ هَٰؤُلَاءِ قَوْمٌ مُّجْرِمُونَ ﴿٢٢﴾ فَأَسْرِ بِعِبَادِي لَيْلًا إِنَّكُم
مُّتَّبَعُونَ ﴿٢٣﴾ وَاتْرُكِ الْبَحْرَ رَهْوًا إِنَّهُمْ جُندٌ مُّغْرَقُونَ ﴿٢٤﴾ كَمْ
تَرَكُوا مِن جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ﴿٢٥﴾ وَزُرُوعٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ ﴿٢٦﴾ وَنَعْمَةٍ
كَانُوا فِيهَا فَاكِهِينَ ﴿٢٧﴾ كَذَٰلِكَ وَأَوْرَثْنَاهَا قَوْمًا آخَرِينَ ﴿٢٨﴾
فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنظَرِينَ ﴿٢٩﴾ وَلَقَدْ
نَجَّيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنَ الْعَذَابِ الْمُهِينِ ﴿٣٠﴾ مِن فِرْعَوْنَ إِنَّهُ
كَانَ عَالِيًا مِّنَ الْمُسْرِفِينَ ﴿٣١﴾ وَلَقَدِ اخْتَرْنَاهُمْ عَلَىٰ عِلْمٍ عَلَى
الْعَالَمِينَ ﴿٣٢﴾ وَآتَيْنَاهُم مِّنَ الْآيَاتِ مَا فِيهِ بَلَاءٌ مُّبِينٌ
﴿٣٣﴾ إِنَّ هَٰؤُلَاءِ لَيَقُولُونَ ﴿٣٤﴾ إِنْ هِيَ إِلَّا مَوْتَتُنَا الْأُولَىٰ وَمَا
نَحْنُ بِمُنشَرِينَ ﴿٣٥﴾ فَأْتُوا بِآبَائِنَا إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ ﴿٣٦﴾ أَهُمْ
خَيْرٌ أَمْ قَوْمُ تُبَّعٍ وَالَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ أَهْلَكْنَاهُمْ إِنَّهُمْ كَانُوا مُجْرِمِينَ
﴿٣٧﴾ وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ ﴿٣٨﴾
مَا خَلَقْنَاهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٣٩﴾

﴿و اینکه بر خدا برتری نجوئید﴾ به ترک‌نمودن طاعتش ﴿حتماً من آورندهٔ برهانی آشکار برای شما هستم﴾[۱۹] او را وعید سنگسارکردنش دادند. پس موسی گفت: ﴿و هر آینه من به پروردگار خود و پروردگار شما پناه می‌برم از این که مرا سنگباران کنید﴾[۲۰] ﴿و اگر به من ایمان نمی‌آورید [تصدیقم نمی‌کنید] پس از من کناره گیرید﴾ اذیّت و آزارم را ترک کنید، امّا آزارش را ترک نکردند[۲۱] ﴿پس به درگاه پروردگارش ندا در داد که اینان قومی مجرم [مشرک] هستند﴾[۲۲] خداوند بزرگ فرمود: ﴿پس بندگانم را﴾ بنی اسرائیل را ﴿شبانه ببر زیرا شما مورد تعقیب واقع می‌شوید﴾ فرعون و قومش شما را دنبال می‌کنند[۲۳] (و) وقتی تو و یارانت دریا را پشت سر گذاشتید ﴿دریا را به حالت ساکن و گشاده پشت سر بگذار﴾ و با عصا بر آن نزن تا به هم آید ﴿زیرا آنان سپاهی غرق‌شدنی هستند﴾ موسی اطمینان کرد پس آنان غرق شدند[۲۴] ﴿چه بسیار باغها و چشمه‌ساران [جاری] بعد از خود بر جای گذاشتند﴾[۲۵] ﴿و کشتزارها و جایگاههای نیکو﴾ و تالارهای آراسته[۲۶] ﴿و کالاهایی که به آن خوش و خرّم بودند﴾[۲۷] ﴿این چنین بود﴾ کار عذاب ﴿آنها را [یعنی اموالشان را] به مردمی دیگر به بنی اسرائیل میراث دادیم﴾[۲۸] ﴿پس آسمان و زمین بر آنان گریه نکردند﴾ به خلاف مؤمنان به مرگشان، نمازگاههایشان در زمین و صعود اعمالشان از آسمان گریه می‌کنند ﴿و مهلت یافته نبودند﴾ برای توبه‌کردن[۲۹] ﴿و به راستی بنی اسرائیل را از عذاب خفّت‌آور رهانیدیم﴾ از قتل پیامبران و به کار گرفتن زنان[۳۰] ﴿از [عذاب] فرعون که متکبّری از افراط‌کاران بود﴾[۳۱] ﴿و قطعاً بنی اسرائیل را دانسته [بحالشان] بر [مردم] جهانیان برگزیدیم﴾ بر جهانیان زمانشان یعنی خردمندانشان[۳۲] ﴿و از آیات آنچه را که در آن آزمونی آشکار بود﴾ نعمتی ظاهر بود از شکافتن دریا و فرودآوردن من و سلری برایشان و جز آنها[۳۳] ﴿هر آینه این گروه [یعنی کافران مکّه] می‌گویند﴾[۳۴]: ﴿مرگی نیست﴾ که پس از آن حیات باشد ﴿جز مرگ نخستین﴾ یعنی در حالت نطفه‌بودن ﴿و ما زنده‌شدنی نیستیم﴾ پس از مرگ دوم زنده نمی‌شویم[۳۵] ﴿پس پدران ما را [به حال زنده] باز آورید اگر راستگو هستید﴾ که ما پس از مرگ‌مان زنده می‌شویم[۳۶] خداوند فرمود: ﴿آیا آنان بهترند یا قوم تُبّع﴾ او پیامبر یا مرد صالحی بوده است ﴿و کسانی که پیش از آنان بودند؟﴾ از ملّتها ﴿آنها را [به سبب کفرشان] هلاک کردیم﴾ یعنی از آنان نیرومندتر نیستند در حالی که هلاک شدند ﴿چراکه آنها مجرم بودند﴾[۳۷] ﴿و آسمانها و زمین را و آنچه را که میان آن دو است به بازی نیافریده‌ایم﴾ به بازی به خلق آن نیافریده‌ایم.[۳۸] ﴿آنها را﴾ و آنچه میان آنهاست ﴿جز به حقّ نیافریده‌ایم﴾ یعنی برای برپا داشتن و نمایان ساختن حق آفریده‌ایم تا دلایل و شواهدی روشن بر وجود وحدانیّت و قدرت ما و جز آن باشد. ﴿ولیکن بیشترشان [یعنی کفار مکّه] نمی‌دانند﴾[۳۹]

قواعد آیه ۲۳ـ فاسر: با همزه قطع و با همزه وصل یعنی فَأَسْرِ و فَاسْرِ.

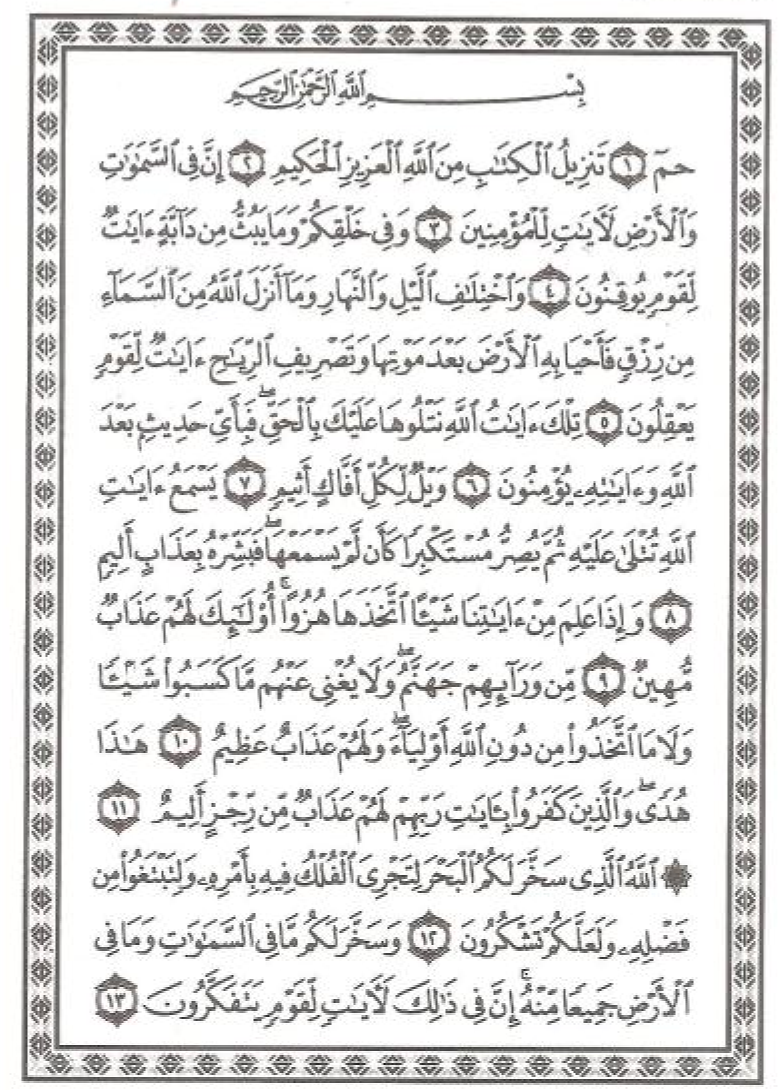
آیه ۳۱ـ من فرعون: به قولی بدل است از عذاب در آیه قبل یعنی عذاب فرعون، و به قولی حال است.

إِنَّ يَوْمَ الْفَصْلِ مِيقَاتُهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٤٠﴾ يَوْمَ لَا يُغْنِي مَوْلًى
عَن مَّوْلًى شَيْئًا وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ﴿٤١﴾ إِلَّا مَن رَّحِمَ اللَّهُ
إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿٤٢﴾ إِنَّ شَجَرَتَ الزَّقُّومِ ﴿٤٣﴾
طَعَامُ الْأَثِيمِ ﴿٤٤﴾ كَالْمُهْلِ يَغْلِي فِي الْبُطُونِ ﴿٤٥﴾ كَغَلْيِ
الْحَمِيمِ ﴿٤٦﴾ خُذُوهُ فَاعْتِلُوهُ إِلَىٰ سَوَاءِ الْجَحِيمِ ﴿٤٧﴾ ثُمَّ
صُبُّوا فَوْقَ رَأْسِهِ مِنْ عَذَابِ الْحَمِيمِ ﴿٤٨﴾ ذُقْ إِنَّكَ
أَنتَ الْعَزِيزُ الْكَرِيمُ ﴿٤٩﴾ إِنَّ هَٰذَا مَا كُنتُم بِهِ تَمْتَرُونَ
﴿٥٠﴾ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ ﴿٥١﴾ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ
﴿٥٢﴾ يَلْبَسُونَ مِن سُندُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُّتَقَابِلِينَ ﴿٥٣﴾
كَذَٰلِكَ وَزَوَّجْنَاهُم بِحُورٍ عِينٍ ﴿٥٤﴾ يَدْعُونَ فِيهَا بِكُلِّ
فَاكِهَةٍ آمِنِينَ ﴿٥٥﴾ لَا يَذُوقُونَ فِيهَا الْمَوْتَ
إِلَّا الْمَوْتَةَ الْأُولَىٰ ۖ وَوَقَاهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ ﴿٥٦﴾ فَضْلًا
مِّن رَّبِّكَ ۚ ذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿٥٧﴾ فَإِنَّمَا يَسَّرْنَاهُ بِلِسَانِكَ
لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿٥٨﴾ فَارْتَقِبْ إِنَّهُم مُّرْتَقِبُونَ ﴿٥٩﴾

سُورَةُ الجَاثِيَة

﴿در حقیقت روز جداسازی [روز قیامت که در آن بین بندگان نیک و بد جدا می‌شود] موعد همگی آنهاست﴾ برای عذاب همیشگی (۴۰) ﴿همان روزی که هیچ دوستی از دوست دیگر﴾ به سبب قرابت یا صداقت ﴿چیزی را [از عذاب] دفع نمی‌کند و نه آنان یاری می‌شوند﴾ از عذاب خدا باز داشته نمی‌شود (۴۱) ﴿مگر کسی که خدا بر او رحم کرده است﴾ و آنان مؤمنانند. بعضی برای بعضی به اذن خدا شفاعت می‌کنند ﴿زیرا که اوست همان غالب﴾ در انتقام کافران ﴿مهربان﴾ به مؤمنان (۴۲) ﴿همانا درخت زَقُّوم﴾ آن از پلیدترین درخت تلخ مزّه است در سرزمینی است به نام تِهامة، خداوند بزرگ آن را در قعر دوزخ می‌رویاند. (۴۳) ﴿خوراکِ گناه‌پیشه است﴾ ابی‌جهل و یارانش صاحبان گناهان بسیار (۴۴) ﴿همانند مُهل در شکمها می‌جوشد﴾ مهل ته‌نشین روغن سیاه، یا مایع قطران است (۴۵) ﴿همانند جوشش حمیم﴾ آب بسیار داغ (۴۶) به زبانیه گفته می‌شود: ﴿این گنه‌پیشه را بگیرید و به سختی بکشانید یا بردارید به سوی میانهٔ دوزخ﴾ (۴۷) ﴿آنگاه بر فراز سرش از عذاب آب جوشان فرو ریزید﴾ یعنی از آب جوشانی که عذاب آن همیشگی است ـ و این از آیة: «یُصَبُّ مِنْ فوق رؤوسهم» بلیغ تر است (۴۸) و به او گفته می‌شود: ﴿بچشی که تو﴾ به خیال خودت ﴿همان بزرگوار گرامی تر هستی﴾ و می‌گفتی: در میان دو کوه مکّه [در مردم بطحاء] بزرگوار و گرامی تر از من نیست (۴۹) و به آنها گفته می‌شود: ﴿همانا این﴾ عذابی که می‌بینی ﴿همان چیزی است که دربارهٔ آن تردید می‌کردید.﴾ (۵۰) ﴿به راستی پرهیزکاران در مقامی امن هستند﴾ بیمی در آن نیست (۵۱) ﴿در میان باغها و چشمه‌سارها﴾ (۵۲) ﴿از پرنیان نازک و دیبای ستبر می‌پوشند روبه روی همدیگر نشسته‌اند﴾ بعضی آنها پشت سر بعضی را نگاه نمی‌کند، زیرا تختهایشان آنان را می‌چرخاند. (۵۳) ﴿آری [امر] چنین است و آنها را با حوریان سفید چهره، درشت چشم بسیار زیبا همسر [یا همقرین] می‌گردانیم﴾ (۵۴) ﴿در آنجا [در بهشت، از خدمتکاران] هر میوه‌ای بخواهند آسوده خاطر می‌طلبند﴾ از انقطاع و مضرّت و از هر بیمی آسوده خاطرند (۵۵) ﴿در آنجا جز مرگ نخستین﴾ یعنی مرگی که در دنیا پس از حیاتشان در آن واقع شده است ﴿طعم مرگ را نمی‌چشند و آنها را از عذاب دوزخ نگاه داشت﴾ (۵۶) ﴿این فضلی است از جانب پروردگار تو، این است همان رستگاری بزرگ﴾ (۵۷) ﴿پس جز این نیست که قرآن را به زبان تو [تا عرب آن را بفهمند] آسان گردانیده‌ایم، باشد که پند پذیرند﴾ پس به تو ایمان آورند، لیکن ایمان نمی‌آورند (۵۸) ﴿پس منتظر باش﴾ هلاک آنان را ﴿همانا آنان نیز منتظرند﴾ هلاک تو را ـ این پیش از نزول آیه ـ امر به جهاد است. (۵۹)

قواعد آیه ۴۵ـ یغلی فی البطون: با تاء «تَغلی» خبر سوم است برای اِنَّ و با یاء حال من‌المهل است.


بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ
حمٓ ١ تَنزِيلُ ٱلۡكِتَٰبِ مِنَ ٱللَّهِ ٱلۡعَزِيزِ ٱلۡحَكِيمِ ٢ إِنَّ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ
وَٱلۡأَرۡضِ لَأٓيَٰتٖ لِّلۡمُؤۡمِنِينَ ٣ وَفِي خَلۡقِكُمۡ وَمَا يَبُثُّ مِن دَآبَّةٍ ءَايَٰتٞ
لِّقَوۡمٖ يُوقِنُونَ ٤ وَٱخۡتِلَٰفِ ٱلَّيۡلِ وَٱلنَّهَارِ وَمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ مِنَ ٱلسَّمَآءِ
مِن رِّزۡقٖ فَأَحۡيَا بِهِ ٱلۡأَرۡضَ بَعۡدَ مَوۡتِهَا وَتَصۡرِيفِ ٱلرِّيَٰحِ ءَايَٰتٞ لِّقَوۡمٖ
يَعۡقِلُونَ ٥ تِلۡكَ ءَايَٰتُ ٱللَّهِ نَتۡلُوهَا عَلَيۡكَ بِٱلۡحَقِّۖ فَبِأَيِّ حَدِيثِۭ بَعۡدَ
ٱللَّهِ وَءَايَٰتِهِۦ يُؤۡمِنُونَ ٦ وَيۡلٞ لِّكُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٖ ٧ يَسۡمَعُ ءَايَٰتِ
ٱللَّهِ تُتۡلَىٰ عَلَيۡهِ ثُمَّ يُصِرُّ مُسۡتَكۡبِرٗا كَأَن لَّمۡ يَسۡمَعۡهَاۖ فَبَشِّرۡهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٖ
٨ وَإِذَا عَلِمَ مِنۡ ءَايَٰتِنَا شَيۡـًٔا ٱتَّخَذَهَا هُزُوًاۚ أُوْلَٰٓئِكَ لَهُمۡ عَذَابٞ
مُّهِينٞ ٩ مِّن وَرَآئِهِمۡ جَهَنَّمُۖ وَلَا يُغۡنِي عَنۡهُم مَّا كَسَبُواْ شَيۡـٔٗا
وَلَا مَا ٱتَّخَذُواْ مِن دُونِ ٱللَّهِ أَوۡلِيَآءَۖ وَلَهُمۡ عَذَابٌ عَظِيمٌ ١٠ هَٰذَا
هُدٗىۖ وَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ بِـَٔايَٰتِ رَبِّهِمۡ لَهُمۡ عَذَابٞ مِّن رِّجۡزٍ أَلِيمٌ ١١
۞ ٱللَّهُ ٱلَّذِي سَخَّرَ لَكُمُ ٱلۡبَحۡرَ لِتَجۡرِيَ ٱلۡفُلۡكُ فِيهِ بِأَمۡرِهِۦ وَلِتَبۡتَغُواْ مِن
فَضۡلِهِۦ وَلَعَلَّكُمۡ تَشۡكُرُونَ ١٢ وَسَخَّرَ لَكُم مَّا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي
ٱلۡأَرۡضِ جَمِيعٗا مِّنۡهُۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّقَوۡمٖ يَتَفَكَّرُونَ ١٣

۴۹۹

سورة الجاثية مکّی است جز آیه ۱۳ که مدنی است و آیه‌هایش ۳۶ یا ۳۷ است

بِسۡمِ اللهِ الرَّحۡمٰنِ الرَّحِیمِ

﴿حٰمٓ﴾ خداوند داناتر است به مراد خود[۱] ﴿فرو فرستادن این کتاب﴾ یعنی این قرآن از جانب خداوند غالب با حکمت است که در ملکش پیروزمند و در صنعش فرزانه است.[۲] ﴿بی‌گمان در آسمانها و زمین، [یعنی در خلق آنها] برای مؤمنان نشانه‌هائی است﴾ بر قدرت و یگانگی خداوند بزرگ دلالت می‌کند[۳] ﴿و در آفرینش خودتان﴾ یعنی در خلق هر یک از شما از نطفه سپس از علقه سپس از مضغه تا این که انسانی گردد ﴿و در [خلق] آنچه از انواع جنبندگان پراکنده می‌گرداند﴾ از مردم و جز آن ﴿برای مردمی که یقین دارند، نشانه‌هائی است﴾ بر بعث دلالت می‌کند[۴] ﴿و در اختلاف شب و روز﴾ یعنی در آمدن آنها از پی یکدیگر ﴿و در آنچه خدا از رزق از آسمان فرود آورده﴾ مراد از رزق در اینجا باران است چون سبب آن است ﴿پس بوسیلهٔ آن، زمین را زنده گردانیده است پس از مرگ آن، و در گردش بادها﴾ دگرگون بودن آن یک بار به جهت جنوب و بار دیگر به جهت شمال می‌وزد و یک بار گرم و دیگر بار سرد است ﴿برای مردمی که خرد می‌ورزند، نشانه‌هایی است﴾ دلالت‌کننده پس ایمان می‌آورند[۵] (این) آیات ذکر شده ﴿حجّت و برهان‌های خداوند است﴾ بر وحدانیّتش ﴿آن را به حقّ بر تو می‌خوانیم پس بعد از خدا و آیات او﴾ یعنی پس از سخن خداوند و آن قرآن است و پس از حجّتهای او ﴿به کدام سخن ایمان خواهند آورد؟﴾ یعنی کفار مکّه که ایمان نمی‌آورند[۶] ﴿وای بر هر دروغگو گناه پیشه‌ای﴾ ویل کلمهٔ عذاب است[۷] ﴿که آیات خدا را [قرآن را] که بر او خوانده می‌شود، می‌شنود سپس سماجت می‌ورزد [بر کفرش] مستکبرانه﴾ یعنی خویش را بزرگتر و برتر می‌بیند از ایمان‌آوردن ﴿چنان که گوئی آنها را نشنیده است پس او را به عذابی دردناک مژده ده﴾[۸] ﴿و چون بر چیزی از آیات ما [از قرآن] آگاه شود آنها را به تمسخر می‌گیرد، این گروه﴾ دروغ‌پرداز ﴿عذابی خوارکننده خواهند داشت﴾[۹] ﴿دوزخ آمام آنهاست﴾ یعنی پیشاپیش آنهاست زیرا آنها در دنیا می‌باشند ﴿و دستاوردشان [از مال و نتیجهٔ کار] چیزی [از عذاب را] از آنان دفع نمی‌کند، و نه آنچه [بتان را] به جای خدا، دوستان [خود] گرفته‌اند و آنان عذابی بزرگ [در پیش] دارند﴾[۱۰] ﴿این [قرآن] هدایت است و کسانی که به آیات پروردگارشان کفر ورزیده‌اند عذابی دردناک از کیفر سخت [در پیش] دارند﴾[۱۱] ﴿خداوند است که دریا را برایتان مسخّر ساخت تا کشتیها به فرمانِ او در آن روان شوند، و تا از فضل او [بوسیلهٔ تجارت روزی] بجوئید و باشد که سپاس گزارید﴾[۱۲] ﴿و آنچه در آسمانها است﴾ از خورشید و ماه و ستارگان و آب و غیره ﴿و آنچه را که در زمین است﴾ از حیوانات و گیاه و درخت و رودخانه‌ها و غیره که اینها را برای منافع خلق کرده است ﴿همگی را برایتان از لطف خود مسخّر گرداند، بی‌گمان در این [امر] برای گروهی که اندیشه می‌کنند [در آن] نشانه‌هایی است﴾ پس ایمان می‌آورند.[۱۳]

قواعد آیه ۱۳ـ منه: حال است ای سخّرها کائنةً منه تعالی.

قُل لِّلَّذِينَ ءَامَنُواْ يَغْفِرُواْ لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ ٱللَّهِ لِيَجْزِيَ
قَوْمَۢا بِمَا كَانُواْ يَكْسِبُونَ ﴿١٤﴾ مَنْ عَمِلَ صَٰلِحٗا فَلِنَفْسِهِۦۖ
وَمَنْ أَسَآءَ فَعَلَيْهَاۖ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ ﴿١٥﴾ وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا
بَنِيٓ إِسْرَٰٓءِيلَ ٱلْكِتَٰبَ وَٱلْحُكْمَ وَٱلنُّبُوَّةَ وَرَزَقْنَٰهُم مِّنَ ٱلطَّيِّبَٰتِ
وَفَضَّلْنَٰهُمْ عَلَى ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿١٦﴾ وَءَاتَيْنَٰهُم بَيِّنَٰتٖ مِّنَ ٱلْأَمْرِۖ
فَمَا ٱخْتَلَفُوٓاْ إِلَّا مِنۢ بَعْدِ مَا جَآءَهُمُ ٱلْعِلْمُ بَغْيَۢا بَيْنَهُمْۚ إِنَّ
رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ فِيمَا كَانُواْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ
﴿١٧﴾ ثُمَّ جَعَلْنَٰكَ عَلَىٰ شَرِيعَةٖ مِّنَ ٱلْأَمْرِ فَٱتَّبِعْهَا وَلَا تَتَّبِعْ
أَهْوَآءَ ٱلَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٨﴾ إِنَّهُمْ لَن يُغْنُواْ عَنكَ مِنَ ٱللَّهِ
شَيْـٔٗاۚ وَإِنَّ ٱلظَّٰلِمِينَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَآءُ بَعْضٖۖ وَٱللَّهُ وَلِيُّ ٱلْمُتَّقِينَ
﴿١٩﴾ هَٰذَا بَصَٰٓئِرُ لِلنَّاسِ وَهُدٗى وَرَحْمَةٞ لِّقَوْمٖ يُوقِنُونَ
﴿٢٠﴾ أَمْ حَسِبَ ٱلَّذِينَ ٱجْتَرَحُواْ ٱلسَّيِّـَٔاتِ أَن نَّجْعَلَهُمْ كَٱلَّذِينَ
ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ سَوَآءٗ مَّحْيَاهُمْ وَمَمَاتُهُمْۚ سَآءَ
مَا يَحْكُمُونَ ﴿٢١﴾ وَخَلَقَ ٱللَّهُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ بِٱلْحَقِّ
وَلِتُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسِۭ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿٢٢﴾

٥٠٠

﴿به کسانی که ایمان آورده‌اند بگو: تا از کسانی که از [وقایع و عذاب] روزهای خداوند نمی‌ترسند، درگذرند﴾ یعنی از اذیّت و آزاری که از طرف کافران به شما رسیده است، درگذرند ـ و این حکم پیش از امر به جهاد با آنان است ﴿تا خداوند قومی از آنان را به حسب کار و کردارشان [از درگذشتن و عفونمودن آزار کافران] پاداش دهد﴾(۱۴) ﴿هر که کاری شایسته کند، به سوی خود اوست و هر که بدی کند به زیانش باشد، سپس به سوی پروردگارتان برگردانیده می‌شوید﴾ پس خوب‌کننده و بدکننده هر یک پاداشش را می‌گیرد(۱۵) ﴿و به یقین به بنی اسرائیل، کتاب [تورات] و حکم [به آن را در میان مردم] و پیامبری [به موسی و هارون از میانشان] دادیم، و از چیزهای پاکیزه [حلالها مانند بلدرچین و گز انگبین] روزیشان دادیم، و آنان را بر خردمندان جهانیان [زمانشان] فضیلت دادیم﴾(۱۶) ﴿و در امر﴾ دین از حلال و حرام و بعثت محمّد علیه افضل الصلاة و السلام ﴿نشانه‌های روشنی به آنان عطا کردیم، و اختلاف نکردند [در بعثت او] مگر بعد از آن که برایشان علم آمد، آن هم از روی حسادت و رقابتی که در میان خود داشتند، بی‌گمان پروردگارت روز قیامت میان آنان دربارهٔ آنچه که در آن اختلاف می‌کردند، فیصله می‌کند﴾(۱۷) ﴿سپس تو را [ای محمّد(ﷺ)] بر راهی از امر دین قرار دادیم، پس آن را پیروی کن و از هوس و خواهشهای کسانی که نمی‌دانند﴾ غیر خدا را عبادت می‌کنند ﴿پیروی نکن﴾(۱۸) ﴿قطعاً آنان چیزی را در برابر خدا [از عذابش] از تو دفع نمی‌کنند، و همانا ستمکاران بعضی دوستان بعضی دیگرند، و خدا وَلّی [یاری‌دهندهٔ] مؤمنان است﴾(۱۹) (این) قرآن ﴿برای مردم دیده و ریهائی است﴾ یعنی دلایل روشنی‌بخشی است در احکام و حدود و رهنمود و رحمتی است برای قومی که اهل یقینند به روز بعث.(۲۰) ﴿آیا کسانی که مرتکب کارهای بد [کفر و معاصی] شده‌اند، پنداشته‌اند که آنان را مانند کسانی قرار می‌دهیم که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند به طوری که زندگی و مرگشان یکسان باشد؟﴾ یعنی آیا پنداشته‌اند که آنان را در روز آخر دارای نعمت و آسایش گردانیم مانند مؤمنان در زندگی پرناز و نعمت باشند، برابر زندگیِ که آنان در دنیا داشته‌اند، زیرا کافران به مؤمنان گفتند: اگر زنده شویم در روز آخر به ما از نعمتها مانند آنچه به شما داده می‌شود، می‌دهند ـ خداوند بر وفق انکارشان فرمود: ﴿چه بد حکم می‌کنند﴾ یعنی امر چنین نیست پس آنان در آخرت در عذابند برخلاف زندگیشان در دنیا، و مؤمنان در آخرت در میان ثواب و پاداش کردارهای نیکویشانند در دنیا از نماز و زکات و روزه و جز آنها.(۲۱) ﴿و خداوند آسمانها و زمین را به حق آفریده است﴾ تا بر قدرت و وحدانیّتش دلیل باشند ﴿و تا سرانجام، هرکس به حسب آنچه عمل کرده است﴾ از گناهان و طاعات ﴿جزا داده شود﴾ پس کافر و مؤمن برابر نیستند ﴿و آنان مورد ستم قرار نمی‌گیرند﴾(۲۲)

قواعد آیه ۲۱ـ سواءٌ: با رفع خبر مقدم است ـ محیاهم و مماتهم: مبتدا و معطوف است و جمله مبتدا و خبر بدل‌اند از کاف «کالذین» و هر دو ضمیر به کفار برمی‌گردد ـ سواءً با نصب حال است از ضمیر مستتر در جار و مجرور و آن «کالذین است» و کالذین مفعول دوم أحَسِبُوا می‌باشد و محیاهم و مماتهم فاعل سواءً معنی مستویاً می‌باشند زیرا به ذی‌الحال اعتماد داده است.